

آندریاس ماورر

از دوست مسلمان خود بپرسید

مقدمه ای بر اسلام
و راهنمایی برای مسیحیان
برای محاوره با مسلمانان



آندریاس ماورر

از دوست مسلمان خود پی رسید

مقدمه ای بر اسلام
و راهنمایی برای مسیحیان برای
محواره با مسلمانان

ترجمه
شهرود کلامی

از دوست مسلمان خود پیرسید

مقدمه ای بر اسلام
و راهنمایی برای مسیحیان برای محاوره با مسلمانان

نویسنده آندریاس ماورر
www.aymf.net
حق چاپ و انتشار
محفوظ هست و در
انحصار آندریاس ماورر
میباشد

Copyright © ۲۰۰۸ by Andreas Maurer, Author

چاپ اول ۲۰۰۸

ISBN

منتشر شده توسط:



برداشت و اقتباس از کلیه بخشهای این کتاب تحت هر شرایط
و هر عنوان و به هر شکلی، الکترونیکی، یا چاپ یا
عکاسی ضبط یا هر نوع ذخیره اطلاعات و بازیابی بدون
کسب اجازه کتبی ناشر ممنوع میباشد.

طراحی جلد و صفحه آرائی توسط

۷۲۰ Grad GmbH, www.۷۲۰.ch

تصویر روی جلد
imagepoint.biz

کاری از AVC برای (مسیحیان تحت جفا و مردم نیازمند)

www.avc-ch.org/english

تشکر و قدر دانی

متن اصلی این کتاب در سال ۱۹۹۷ بعد از سالها تعامل شخصی مستمر با مسلمانان در افریقای جنوبی گرد آوری شد. از همکاران سابقم در تیم اس آی ام (چالش زندگی) در افریقای جنوبی، از مرکسا و دیگر متخصصان و اعضای کلیسای متدیست موندنور ژوهانسبورگ تشکر میکنم. چاپ جدید شامل تحولات اخیر اسلام و نظرات جدیدی از تعامل با مسلمانان هست. مایلم از کسانی که بطور اساسی در این نشریه مشارکت کردند تشکر کنم: خادمین مسیحی، دان هکمن، دیوید گرینلی، ام ال هاوارد، مانفرد جانگ، نلس رولند، آندریاس کاپلونی، کری لیون، الیس مکس ول، رناتو و هالا مازی، گرهارد نلس، رولند ویر و آبه ویه به. با تشکر مخصوص از گیرگ کرناغان، که کار فوق العاده ای در ادیت ارائه کرد و با تشکر فراوان از پیتر شابلین و تیم او (www.v20.ch) که کار طراحی صفحات رو به عهده داشتند. من خوانندگان رو تشویق میکنم که تجربیات و انتقادات سازنده خودشان را با ما در میان بگذارند تا به بهبود چاپ های بعدی این کتاب کمک کنند.

دکتر آندریاس ماورر

ژانویه ۲۰۰۸

مقدمه مترجم

وقتی شروع به ترجمه این کتاب کردم، هیچ اطلاعی از محتویات کتاب نداشتم و با نویسنده کتاب آشنا نبودم. اما وقتی کمی جلوتر رفتم متوجه شدم که این کتاب، چقدر بطرز شگفت انگیزی هم برای مسلمانان و هم برای مسیحیان مفید هست. کلام خدا در (هوشع ۶:۴) میفرماید "... قوم من از عدم معرفت به هلاکت رسیده اند." وقتی از بخشی به بخش دیگر کتاب میرسیدم متوجه میشدم که تا چه اندازه اطلاعات پیشین من در مورد اسلام و مسلمانان بسیار ضعیف و ناچیز بوده. من بعنوان یک مسیحی با پیش زمینه اسلام متوجه شدم که اکثر اطلاعات من در زمینه اسلام براساس افکاری واهی و خرافی بوده و هیچ ارتباطی با حقیقت ندارد. حقیقتاً اطمینان دارم که این کتاب بعنوان منبعی ارزشمند به شما کمک خواهد کرد، که ارتباط مؤثری با دوستان، همسایگان و همکاران مسلمان خود داشته باشید و در نهایت موفقیت بیشتری در رساندن آنها به مسیح و به نجات خواهید داشت. توصیه میکنم وقتی این کتاب را میخوانید با دعا به حضور خداوند بروید و از او بخواهید تا به شما کمک کند که از محتویات و حقایق این کتاب برای نجات انسانها و رساندن آنها به پای صلیب مسیح استفاده کنید.

شهرود کلامی

فهرست

تَشکُر و قُردانی ۴

مقدمه مترجم ۵

پیشگفتار ۸

مقدمه ۹

۱. تعالیم اسلامی ۱۲

۱، ۱ تاریخچه اسلام

۱، ۱، ۱ عربستان قبل از محمد ۱۳

۱، ۱، ۲ محمد و خاستگاه اسلام ۱۹

۱، ۱، ۳ چهار خلیفه ۲۲

۱، ۱، ۴ سلسله های خلفا ۲۴

۱، ۱، ۵ امیراتوری ها ۲۶

۱، ۱، ۶ گسترش جهانی اسلام ۲۸

۲، ۱ قرآن

۲، ۱، ۱ منابع ۳۸

۲، ۲، ۱ منشأ و انتقال ۳۹

۲، ۲، ۳ محتوی و موضوعات مهم ۴۰

۲، ۲، ۴ مشکل نسخ ۴۲

۲، ۲، ۵ آیات شیطانی ۴۲

۳، ۱ سنت ها

۳، ۱، ۱ ضرورت ۴۴

۳، ۲، ۱ اجمع آوری احادیث ۴۵

۳، ۳، ۱ موضوعات مهمی که حدیث به آنها پرداخته ۴۶

۳، ۳، ۴ تفاوت بین احادیث شیعه و سنی ۴۷

۴، ۱ قوانین اسلامی (شریعت)

۴، ۱، ۱ منشأ ۴۹

۴، ۲، ۱ چهار مرجع معتبر ۴۹

۴، ۳، ۱ کاربرد عملی ۵۰

۴، ۴، ۱ کاربرد معاصر ۵۱

۴، ۴، ۵ قوانین عادت ۵۲

۱،۵ تعالیم اسلامی در مورد ایمان و وظیفه

۵۳ ۱،۵،۱ اثس مبحث ایمان
۵۵ ۱،۵،۲ پنج وظیفه اسلام
۵۸ ۱،۵،۳ اجهد در اسلام
۶۰ ۱،۵،۴ استنباط مسلمانان از هیئت تبلیغی
۶۰ ۱،۵،۵ احکام قضائی قرانی برای زنده ماندن
۶۱ ۱،۵،۶ ارتداد یا برگشتن از اسلام
۶۲ ۱،۵،۷ حکومت اسلامی روحانیون (خدا سالاری)

۱،۶ گروه های اسلامی

۶۳ ۱،۶،۱ منشأ و تفاوت های شیعه و سنی
۶۶ ۱،۶،۲ خوارج ، وهابیون، معتزله
۶۷ ۱،۶،۳ صوفیگری: عرفان در اسلام
۶۸ ۱،۶،۴ جماعت تبلیغی
۶۹ ۱،۶،۵ نهضت احمدیه
۷۰ ۱،۶،۶ ادروز
۷۱ ۱،۶،۷ بهائیت
۷۳ ۱،۶،۸ علویان
۷۴ ۱،۶،۹ بنیادگرانی اسلامی یا اسلامیسم
۷۷ ۱،۶،۱۰ دیگر گروه ها و نهضت ها
۷۷ ۱،۶،۱۱ اسلام رایج یا عمومی

۱،۷ مذهب، فرهنگ و سنت ها

۸۰ ۱،۷،۱ مذهب و فرهنگ و سنت ها
۸۰ ۱،۷،۲ نقش مسجد در جامعه
۸۱ ۱،۷،۳ ازتن در اسلام
۸۴ ۱،۷،۴ ترتیب زمانی اعیاد اسلامی
۸۶ ۱،۷،۵ سنت ها وقوانین روزانه

۲. مسیحی به ایرادات مسلمان پاسخ میدهد

۲،۱ عرصه های مورد اختلاف الهیاتی

۲،۲ ایراداتی که مسلمان بر کتاب مقدس وارد میکند

۸۹ ۲،۲،۱ کتاب مقدس مکاشفه یا وحی خدا نیست
۹۱ ۲،۲،۲ کتاب مقدس کلام خدا نیست
۹۴ ۲،۲،۳ مسیحیان اناجیلی با متون متناقض دارند

۲,۳ ایرادات مسلمانان بر عیسی مسیح

- ۹۶..... ۲,۳,۱ عیسی چیزی جز یک پیامبر معمولی نیست.
- ۹۸..... ۲,۳,۲ عیسی پسر خدا نبود.
- ۹۹..... ۲,۳,۳ عیسی نمیتواند پسر خدا باشد.
- ۱۰۰..... ۲,۳,۴ عیسی مصلوب نشد.
- ۱۰۳..... ۲,۳,۵ زندگی محمد باشکوه تر از زندگی عیسی بود.

۲,۴ ایرادات مسلمانان بر تعالیم مسیحی

- ۱۰۵..... ۲,۴,۱ کتاب مقدس تصویر غلطی از خدا ارائه کرده.
- ۱۰۶..... ۲,۴,۲ تثلیث وجود ندارد.
- ۱۰۸..... ۲,۴,۳ راه ورود به آسمان (بهشت) نمیتواند با مرگ مسیح میسر گردد.
- ۱۱۰..... ۲,۴,۴ "گناه ذاتی وجود ندارد".
- ۱۱۱..... ۲,۴,۵ "دعاهای مسیحیان بی اعتبار هست".
- ۱۱۳..... ۲,۴,۶ "مسیحیان روزه نمیگیرند".

۲,۵ دیگر ایرادات مسلمانان

- ۱۱۶..... ۲,۵,۱ "انجیل بارنابا انجیل حقیقی هست".
- ۱۱۷..... ۲,۵,۲ "محمد در انجیل پیش گوئی شده است".

۳. رویارویی با مسلمانان..... ۱۲۰

۳,۱ واکنش مسیحیان به چالشهای اسلامی

- ۱۲۱..... ۳,۱,۱ کتاب مقدس چه میگوید؟
- ۱۲۲..... ۳,۱,۲ کدام رفتار شایسته هست؟
- ۱۲۳..... ۳,۱,۳ تعامل چگونه باید واقع شود؟
- ۱۲۳..... ۳,۱,۴ مشی غیر تهدید آمیز: سؤال کردن

۳,۲ رهنمود های عملی

- ۱۲۶..... ۳,۲,۱ ده قاعده اساسی.....
- ۱۲۷..... ۳,۲,۲ مسائل فرهنگی و مذهبی.....
- ۱۲۸..... ۳,۲,۳ برقراری یک مکالمه.....
- ۱۳۰..... ۳,۲,۴ دیدار از مسجد.....
- ۱۳۱..... ۳,۲,۵ مسائل خاص در ارتباط با زنان.....
- ۱۳۳..... ۳,۲,۶ رویارویی با فرزندان مسلمانان.....

۳,۳ توضیح دادن انجیل به مسلمانان

- ۱۳۴..... ۳,۳,۱ رهنمود های کلی.....
- ۱۳۵..... ۳,۳,۲ روشهای معرفی انجیل.....
- ۱۳۶..... ۳,۳,۳ مطالعه مخصوص کتاب مقدس.....

۳,۳,۴ استفاده از مثالها، تمثیل ها و داستان ها ۱۳۷

۳,۴ زمینه اتفاق نظر

- ۱۳۹ ۳,۴,۱ ابراهیم دوست خدا
- ۱۴۱ ۳,۴,۲ منحصر بفرد بودن عیسی مسیح
- ۱۴۲ ۳,۴,۳ مسیحای موعود
- ۱۴۲ ۳,۴,۴ بره خدا
- ۱۴۳ ۳,۴,۵ موضوعات بیشتر

۳,۵ اجرای رویا در کلیسای محلی

- ۱۴۴ ۳,۵,۱ انگیزه و تعلیمات
- ۱۴۵ ۳,۵,۲ تشکیل گروه های کاری
- ۱۴۵ ۳,۵,۳ مسئولیت گروه های کاری
- ۱۴۵ ۳,۵,۴ فعالیتهای ممکن
- ۱۴۷ ۳,۵,۵ ترتیب دادن ملاقات های خاص با مسلمانان

۳,۶ تبدیل و شاگرد سازی

- ۱۴۹ ۳,۶,۱ انگیزه های تبدیل
- ۱۵۱ ۳,۶,۲ تبدیل از اسلام به مسیحیت
- ۱۵۱ ۳,۶,۳ شاگردی
- ۱۵۲ ۳,۶,۴ تبدیل از مسیحیت به اسلام

۳,۷ موضوعات سیاسی

- ۱۵۳ ۳,۷,۱ اشریت، دموکراسی و حقوق بشر
- ۱۵۳ ۳,۷,۲ خشونت و تروریسم در اسلام
- ۱۵۶ ۳,۷,۳ بحران اسلام
- ۱۵۶ ۳,۷,۴ تنوری های توطئه و نحوه واکنش
- ۱۵۷ ۳,۷,۵ بهار عربی

۳,۸ موضوعات اجتماعی

- ۱۵۸ ۳,۸,۱ ازدواج مسیحیان با مسلمانان
- ۱۵۸ ۳,۸,۲ ائتلاف مسلمانان در کشور های غیر اسلامی
- ۱۶۰ ۳,۸,۳ هماهنگ شدن با محیط یا سازگاری
- ۱۶۲ ۳,۸,۴ سیمای مدرن اسلام

۴. ضمیمه ها ۱۶۴

- ۱۶۴ ۴,۱ کتاب شناسی و کتاب های توصیه شده برای مطالعه
- ۱۶۹ ۴,۲ منابع
- ۱۶۹ ۴,۳ مخفف ها
- ۱۷۰ ۴,۴ واژه نامه لغات عربی/اسلامی

پیش گفتار

- متون کتاب مقدسی از ترجمه قدیم و ترجمه تفسیری نقل شده، و در سایر موارد مشخص گردیده. رفرنس های کتاب مقدس بصورت مخفف آمده و میتوانید در بخش ضمیمه ملاحظه فرمائید.
- نقل قول ها از قرآن بر اساس شماره آیات قید شده و از ترجمه فارسی فولادوند اقتباس شده. شماره آیات در ترجمه های مختلف قرآن کمی متفاوت هست.
- اسامی و واژه های عربی با همان تلفظ متداول انگلیسی آورده شده. این واژه ها یا در محل خود توضیح داده شده و یا در قسمت ضمیمه بخش ۴، ۴ (واژه نامه عربی/ اسلامی) شرح داده شده. واژه های عربی که هنوز در زبان انگلیسی پردازش نشده (برای توضیح بیشتر به دیکشنری استاندارد مراجعه کنید) به صورت ایتالیک آورده شده.
- برای سهولت بیشتر فرمهای مؤنث مثل مسلمة نادیده گرفته شده و به جای اون از فرم کلی واژه مسلمان (مسلم) استفاده شده.
- رفرنس ها در پی نوشت ها مخفف شده. اطلاعات مربوط به تاریخچه کتب در قسمت ضمیمه بخش ۱، ۴ (کتاب شناسی و مطالعه پیشنهادی) قید شده.
- از آنجائیکه درک متفاوتی از مفهوم خدا در قرآن و کتاب مقدس هست من در متون اسلامی از واژه الله استفاده کردم.
- برای اطلاعات و منابع بیشتر لطفاً از وب سایت زیر دیدن فرمائید:
(www.ask-your-muslim-friend.net). www.aymf.net

مقدمه

بعد از جنگ جهانی دوم، ملت های مسلمان بتدریج حرکتی رو برای ارتقاء خودشون به جهت تبدیل شدن به یک کشور مستقل قدرتمند مذهبی و سیاسی شروع کردند. به دلیل مهاجرت بی سابقه، در بیشتر کشورهای غیرمسلمان، مسلمانان با اونها همسایه شدند وقایع اخیر مثل ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ در آمریکا و حملات تروریستی بیشمار در سایر مناطق مسلمانان را در مرکز توجه عموم قرار داد و طبعاً سئوالاتی در رابطه با این مذهب در اذهان شکل گرفت. تا کنون آشکار شده که اسلام مذهبی نیست که از طرف عموم بعنوان یک اعتقاد مذهبی شخصی پذیرفته بشه. در مقابل، اسلام ادعا میکنه که به عنوان یک مذهب فراتر از هر فردی و ملتی در هر عرصه از زندگی مثل ایمان، اخلاقیات، قانون، نظام اجتماعی، هنر، ادبیات، اقتصاد و سیاست قرار گرفته. در این کتاب من سعی کردم دیدگاهی از مذهب اسلام و حملات تند اون بر علیه ایمان اصلی کتاب مقدسی ارائه بدم. من بررسی خواهم کرد که مسیحیان چطور میتوانند با اطمینان و با محبت با همسایگان مسلمانشون رابطه برقرار کنند و تلاش کنند برداشت های غالباً عجیب آنها را اصلاح کنند. سعی کردم متن را برای درک آسان به شکل منظمی تدوین کنم. برای مطالعه جامع تر موضوع به خوانندگان پیشنهاد میکنم ازوب سایت ما دیدن کنند و یا کتابهای پیشنهادی در بخش ۱، ۴؛ ضمیمه ها را مطالعه کنند.

چهار نقطه مؤکد

۱. این کتاب به روش ساختاری نوشته شده تا بینشی اساسی از مذهب اسلام و چگونگی عملکرد مذهبی مسلمانان ارائه نماید. بعد از مطالعه این کتاب خوانندگان خواهند فهمید که در بسیاری موارد اونها بیش از میانگین مسلمانان در باره اسلام آگاهی دارند. اما هدف این نیست که مسیحیان بتوانند اشتباهات مسلمانان را در مورد ایمانشان اصلاح کنند. برعکس مسیحیان باید علاقه زیادی به آنچه مسلمانان میگویند نشان دهند.
۲. اطلاعات در این مورد میتوانند با اظهاراتی که مسلمانان میکنند مقایسه شود و به مسیحیان کمک کند تا تفاوت بین واقعیت و افکار واهی مسلمانان را درک کنند.
۳. بر این اساس، مسیحیان بعد میتوانند سئوالات بسیار مؤثری را برای به چالش کشیدن مسلمانان مطرح کنند تا آنها به رابطه بین خود و خالق خودشان فکر کنند. به جای اینکه بلافاصله جواب سئوالات را ارائه کنید بهتر است که مسلمانان را به چالش بکشید تا فکر کنند و جواب سئوال را خودشان پیدا کنند.
۴. مسیحیان بعد از این مراحل میتوانند ایمان خودشان را با مسلمانان در میان بگذارند و تعالیم کتاب مقدس را به آنها توضیح دهند.

گفتگو‌هایی که در زیر می آید این نکات را به تصویر میکشد:

“

گفتگوی ۱

مسلمان: من باید روزی پنج بار نماز بخوانم تا مسلمان خوبی باشم!
مسیحی: اوه چقدر جالب! میشه لطف کنی و بمن هم نشون بدی کجا نوشته که باید روزی پنج بار نماز بخونی؟
مسلمان: توی قرآن نوشته شده!
مسیحی: خوب دوست دارم خودم بخونم – میشه آدرس آیه اش را بمن بدی؟
مسلمان: اول باید اونو پیدا کنم
... بعد از مدتی:
مسلمان: این ها متن هایی در رابطه با نماز در قرآن هستند... (توجه: در هیچ کجای قرآن به روشنی گفته نشده که مسلمانان باید پنج بار در روز نماز بخوانند. مسیحیان باید به روشنی محبت آمیز مسلمانان را از چنین واقعیت‌هایی آگاه کنند بدون اینکه آنها را مسخره کنند)
مسیحی: متشکرم که این متن های قرآنی را بمن نشان دادی. میتونم من هم به تو نشان بدم که کتاب مقدس در باره مسئله نماز(دعا) چی میگه؟

گفتگوی ۲

مسیحی: بگو ببینم چطور مسلمان شدی.
مسلمان: خوب من در عربستان سعودی به دنیا آمدم!
مسیحی: اگه توی ژاپن به دنیا می آمدی، آیا بودائی میشدی؟ این غالباً زمینه ساز بحث های زیادی میشه و شاید به این سؤال منجر بشه:
مسلمان: خوب تو چطور مسیحی شدی؟

“

هدف این کتاب این هست که مسیحیان را تجهیز کند تا در شهادت دادن به مسلمانان مؤثرتر باشند. اطلاعاتی که از مطالعه این کتاب حاصل میشود به منظور اصلاح اشتباهات مسلمانان در مورد ایمانشان نیست بلکه برای اینه که:

۱. مسیحیان بتوانند اطمینان حاصل کنند و وقتی با مسلمانان ملاقات میکنند ترس ها، تعصبات و رفتارهای اشتباهشان از بین برود.
۲. مسیحیان یاد بگیرند سوالات مناسبی بپرسند تا مسلمانان را به چالش بکشند و آنها را به فکر در مورد ایمانشان برانگیزند.
۳. مسیحیان یاد بگیرند تفاوت افکار واهی مسلمانان و حقیقت را در مورد ایمان آنها تشخیص دهند.
۴. مسیحیان قادر بشوند بطور مؤثر جواب ایرادات مسلمانان را بدهند.
۵. مسیحیان در هنر بشارت انجیل به مسلمانان که مبانی مذهبی کاملاً متفاوتی با مسیحیان دارند پیشرفت کنند.

اعتقاد من اینه و تجربه کردم که یکی از بهترین راهکار ها برای دادن بشارت مسیح به مسلمانان پرسیدن سوالات هوشمندانه ای از آنان هست و لازمه این داشتن درکی اساسی از اسلام و کتاب مقدس هست.

پادداشت ها

۱. هدف از پرسیدن سؤال از مسلمانان این نیست که اونها رو دستپاچه و شرمنده بکنیم (شاید آنها جواب را ندانند) و یا نباید آنها را تحریک کنیم که واکنشی تهاجمی داشته باشند. مسیحیان باید رویکردی سازگار با محبت مسیحی رو در پیش بگیرند که آنها را به تغییر نگرشی عمیقتر و واکنشی تشویق کنند (به بخش های ۳، ۱ و ۳، ۲ نگاه کنید). هر موقعیتی منحصر به فرد و متفاوت؛ بنابراین مسیحیان باید در انتخاب سؤالاتی که در این کتاب پیشنهاد شده، حکمت داشته باشند. هر سؤالی برای هر موقعیتی مناسب نیست. غالباً عاقلانه اینه که یک سؤال کلی بپرسیم، نظرت در این باره چیه؟ اگر شرایط مناسب بود به سؤالات خاص میپردازیم.
۲. غیر از سؤال کردن راهکار های ارزشمند دیگری برای نزدیک شدن به مسلمانان وجود داره. دادن بشارت فوری انجیل یکی از راههای ممکنه، اما در همه موارد حساس بودن به هدایت روح القدس تعیین کننده هست.

این کتاب به سه بخش اصلی تقسیم شده

۱. **تعالیم اسلامی:** مقدمه ای اساسی از مذهب به روش موضوعی و ساختاری ارائه شده.
۲. **مسیحیان به ایرادات مسلمانان پاسخ میدهند:** برخی ایرادات رایج که مسلمانان بر علیه ایمان مسیحی عنوان میکنند، مشخص شده و جوابهای مناسب ارائه شده.
۳. **رویارویی با مسلمانان:** راهنمایی های عملی برای مسیحیان در برقراری رابطه های مؤثرتر مقدماتی با مسلمانان و ایجاد روابط طولانی مدت با آنها.

او مایل است همه آدمیان نجات یابند

و حقیقت را بشناسند

(اول تیموتائوس ۲: ۴)

زیرا روحی که خدا به ما بخشیده است ما را ترسان نمی

سازد ، بلکه روح او ما را از قدرت و محبت و خویشنداری

پر می کند . پس ، از شهادت دادن به خداوند یا به رابطه

خودت با من که به خاطر او زندانی هستم خجل نباش ، بلکه

در رنج و زحمتی که به خاطر انجیل پیش می آید با آن قدرتی

که خدا می بخشد سهیم باش .

(دوم تیموتائوس ۱: ۷ - ۸)

۱. تعالیم اسلامی



این بخش حاوی مطالب زیر هست
(آ) مروری کلی بر خاستگاه و گسترش اسلام
(ب) مقدمه ای بر زندگی محمد، پیامبر اسلام
(ج) شناخت اهمیت قرآن کتاب مقدس مسلمانان
(د) مقدمه ای بر الهیات اسلامی و شاخه های مختلف آن
(ه) اطلاعات جانبی از جمله وضعیت زنان در اسلام و اعیاد اسلامی

برای گفتگویی مؤثر با مسلمانان، آگاهی از طرز فکر و نحوه زندگی آنها اهمیت دارد. لازم هست که مسیحیان متعهد اطلاعات دقیقی در مورد اسلام داشته باشند. تصورات عامیانه اغلب بر پایه اطلاعات نادرست بنا شده، و به جای ارائه کمک بر ترس دامن میزنند.

این کتاب عمدتاً اسلام رسمی سنی را مورد بررسی قرار میدهد. اما از تعالیم گروه های مختلف هم غافل نمی ماند. بنا بر این توصیه میشه که از مسلمانان بطور فردی در مورد ایمانشون و تفاسیری که میتونه متفاوت باشه سؤال کنید. مطالعه اسلام بدون استفاده از انواع عبارات اسلامی امکان پذیر نمی باشد. این عبارات یا در همون جایی که آمده توضیح داده شده یا میتونید شرح آن را در قسمت ضمیمه ۴، ۴ ببینید.



داستان حقیقی

یک بار به مسجدی در آفریقا رفتم و پرسیدم که به چی باور دارند. آنها داستانهای مختلفی از قرآن به من گفتند، و اینکه مسیح اگر چه مصلوب شد اما نمرد بلکه از حال رفت. من گفتم اما این برخلاف باور سنی هاست. آنها گفتند که ما بهتر میدانیم. آنها به خودشان احمديه میگفتند و قرآنی با تفسیر و توضیح خاص خودشان نشان دادند و اصرار داشتند که فقط آنها مسلمان حقیقی هستند.



یادداشت کنید

- گمان نکنید که اعتقادات مسلمانان را میدانید. از خود افراد بپرسید.
- گروه های زیاد و مختلفی از مسلمانان هستند و هر کدام فکر میکنند که فقط اسلام آنها اسلام راستین هست.

^۱ بخش ۱، ۶ را ببینید

۱،۱ تاریخچه اسلام

شبه جزیره عربستان زادگاه اسلام بود.^۱ در همینجا بود که محمد پیامبر اسلام زندگی کرد و مرد. شهر های مکه و مدینه نقش خاص و مهمی در تاریخ اسلام دارند. قبل از ظهور اسلام عربستان چندان شناخته شده نبود. چون تمام عوامل مربوط مقارن با ظهور اسلام نایود شده بود. بسیاری از چیزهایی که در اخبار و احادیث گزارش شده باید از نظر صحت و اعتبار به دقت بررسی و تجزیه تحلیل شوند.

i

چرا مطالعه تاریخ اهمیت دارد ... آیا این داستان حقیقی هست؟

وقتی محمد از مکه فرار کرد، از دست دشمنانش در غاری پنهان شد. عنکبوتی جلوی ورودی کوچک غار تار تار تنید. و وقتی تعقیب کنندگان محمد آمدند، تار عنکبوت را جلوی غار دیدند و با خودشان گفتند: امکان ندارد اینجا مخفی شده باشد. پس آنجا را ترک کرده و به راه خود ادامه دادند. (مسلمانان میگویند) آیا عجیب نیست که بطور الله از نبی خود مراقبت کرد؟

۱،۱،۱ عربستان پیش از محمد.

زندگی طایفه ای عربستان: مسلمانان به دوره پیش از محمد (۵۷۰ م.ی) دوران جاهلیت میگویند. دو قدرت بزرگ جهانی در قرن ششم م.ی کشور های شرقی را کنترل میکردند: روم شرقی و امپراطوری ساسانی. عربستان تا حدودی دنیای آزاد و مستقل و در کنار دو حوزه قدرت بزرگ آن دوره بود. شبه جزیره عربستان با هر دو قلمرو هم مرز بود و بنابراین تا حدودی تحت تأثیر و در گیر کشمکش های آنان بود. به خاطر این کشمکش های فزاینده هر دو امپراتوری ضعیف شدند و به این ترتیب خلأ^۲ قدرتی بوجود می آمد. بازرگانی در مسیر کاروان رو در امتداد دریای سرخ رونق میگرفت و از طریق جاده ابریشم^۳ آفریقای شرقی با آسیای شرقی و اروپا متصل میشد. شهر مکه به مرکز مهم بازرگانی تبدیل شده بود. اما در ضمن یک مرکز مذهبی و شهر زیارتی هم بود. فروش بت ها از منابع مهم درآمد این شهر بود. نابرابری اجتماعی و بی عدالتی به شدت رواج داشت. داشتن دختران زیاد برای یک پدر ننگ محسوب میشد. بنابر این دختران بلافاصله بعد از تولد زنده به گور میشدند. این نمونه ای بود از حقوق و حمایت اندکی که جوامع به زنان میدادند.

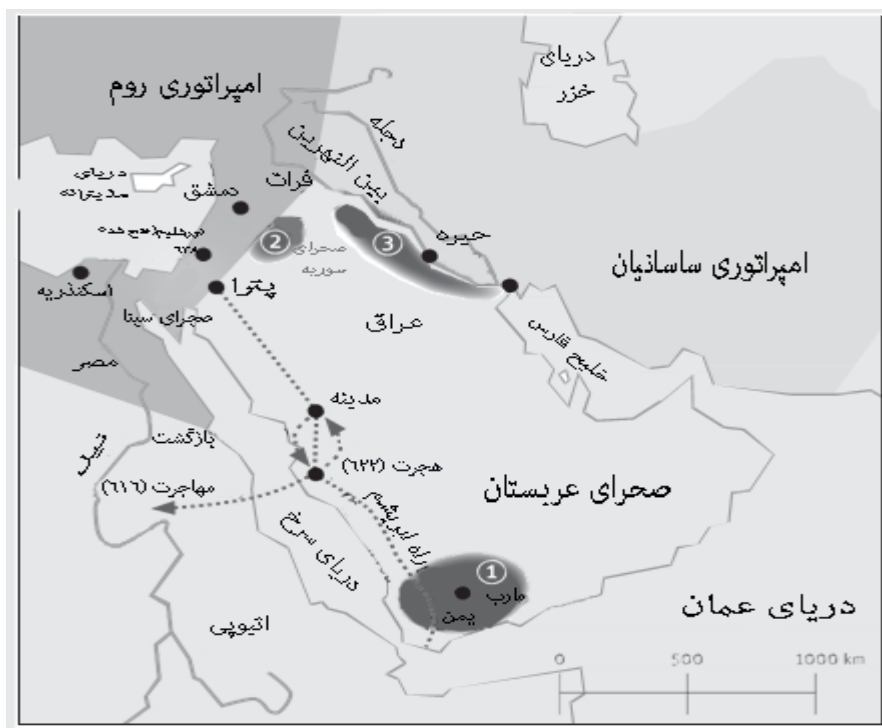
^۱. بسیاری از مسلمانان اختلاف نظر دارند و آدم را اولین مسلمان میدانند.

^۲. مسلمانان دلایل زیادی برای این موضوع مطرح میکنند و عمده ترین نکته اینجاست که عرب ها بت های زیادی را می پرستیدند، و نمیدانستند که فقط یک خدا وجود دارد.

^۳. امپراتوری ساسانی یا سلسله پارسی ساسانی از ۲۲۶ تا ۶۵۱ م.ی ادامه داشته. مذهب اصلی آنها زرتشتی بوده (www.zawa.asn.au). زرتشتیان از طرف مهاجین عرب در ایام خلیفه دوم عمر بسیار مورد آزار قرار داشتند.

^۴. بسیاری به زور و از ترس مرگ مسلمان شدند.
^۵. به اندرس (۱۱۱:۲۰۰۲) نگاه کنید.

^۱. جاده ابریشم از یک سری راه های قدیمی بهم پیوسته تشکیل میشد که از قلمرو های مختلفی در قاره آسیا عبور میکرد، و اساساً چین را به آسیای صغیر و مدیترانه متصل مینمود. طول اون بیش از ۸۰۰۰ کیلومتر (۵۰۰۰ مایل) در خشکی و دریا بود. بازرگانی در جاده ابریشم عامل مهمی در توسعه تمدن بزرگ چین، مصر، بین النهرین، ایران، و روم بود. و زیر بنای دنیای مدرن را پی ریزی کرد جاده ابریشم ترجمه عبارت آلمانی (Seiden-straße) هست. اولین کسی که این واژه را بکار برد یک جغرافیدان آلمانی بنام اف. وُن ریشتاффین در ۱۸۷۷ بود.



شبه جزیره عربستان در زمان محمد (سه منطقه ای که مسیحیان در آن زندگی میکردند نشان داده شده)

پیشرفته ترین بخش شبه جزیره عربستان یمن بود که در آنجا شبکه ای از سدّها باعث توسعه زندگی کشاورزی غنی ای شده بود. پادشاهی یمن تا حدودی ایمان یهودی را پذیرفته بود. زبان آنها عربی جنوبی بود که هر چند متفاوت ولی وابسته به زبان عربی بقیه شبه جزیره بود. اما در اواخر قرن ششم این سد ها شکست و پادشاهی عربستان جنوبی متلاشی شد. و بدتر از اون یمن توسط ساسانیان پارسی اشغال شد.

دو مرکز فرهنگ عرب پیش از اسلام در کنار امپراتوری مسیحی روم سوریه و پارسیان زرتشتی بین النهرین(عراق) قرار داشت. در هردو بخش پادشاهان عرب مسیحی حکومت میکردند که بعد ها موجبات گسترش و شکوفائی مسلمانان را فراهم کردند.

اعراب ساکن، در یمن و در امتداد کرانه شبه جزیره عربستان زندگی میکردند و کارشان کشاورزی و ماهیگیری بود. از طرفی شبه جزیره عربستان بطور عمده توسط اقوام چادر نشین و نیمه چادر نشین پر شده بود، که از مناطق مسکونی بزرگتر شهرهای مکه و مدینه جدا بودند. طایفه های بدوی دائماً در حال نبرد با هم بودند و با هم وصلت نمیکردند. اتحاد صلح پایداری وجود نداشت. قویترین فرد حکمرانی میکرد. دشمنی چیزی رایج بود. حمله علیه طایفه های دیگر بخشی از قانون غیر مدوّن صحرا بود.

مردمی که در واحه ها ساکن بودند به مراکز اقتصادی تبدیل می‌شدند، و اغلب وقتی بازار برپا میشد و در اعیاد چادر نشینان به آنجا می‌رفتند. در اون زمان رسم شاعری عربی هم گسترش پیدا کرده بود.

مذهب اعراب: بیشتر اعراب آن زمان جان گرا^۷ بودند. افکار میهمی از خدائی متعال داشتند که بر هر چیزی حکومت می‌کنه و مسلط بر همه هست (عربی: الله). این ضروری بود، اما برای آرام کردن روح تحت فرمان خدایان که مردم اعتقاد داشتند سرنوشته‌شان به آنها وابسته هست، در درون و اطراف مکه مثلاً سه بت بزرگ مورد احترام بودند: از منات - العزی - و، الاله - این سه دختران الله نامیده می‌شدند (سوره ۱۹:۵۳ آ.ب). چادر نشینان و شهر نشینان بر این باور بودند که، غارها، درختان، رودخانه ها و سنگها دارای روح هستند و برای آنها هدایا می آوردند. طایفه قریش (که محمد از اون طایفه بود) مکه را به عنوان مرکز فعالیتهای مذهبی بنا کردند (۵۵۰ - ۶۰۰ م.ی). مخصوصاً کعبه که خانه ۳۶۰ بت بود و مرکز بت پرستی به شمار می‌رفت. کعبه (مکعب) در واقع به شکل مکعب ساخته شده بود و سنگهای مقدسی در دیوار های آن قرار داده شده بود. یکی از چیزهایی که مورد احترام خاص بود، سنگی سیاه بود که همه ساله اعراب آن را زیارت می کردند و برای احترام می بوسیدند^۸.

یهودیت در آن دوره: از زمان تبعید یهودیان از اورشلیم توسط رومیان در ۷۰ م.ی، بسیاری از یهودیان در حجاز در بخش غربی شبه جزیره زندگی می‌کردند. آنها صنعتگران و تاجران و کشاورزانی ماهر بودند و در صنایع دستی ماهر بودند. و از این جهت شهرت بسزائی داشتند. در یثرب (مدینه) آنها مانند نیاکان خود در ناحیه ای جدا زندگی می‌کردند. یهودیان خودشان را قوم برگزیده میدانستند. آنها به خدای واحد اعتقاد داشتند و کتاب خودشان تورات را داشتند. شاید به این دلیل بود که محمد به فکر افتاد که پیروان او هم به کتاب مخصوص خودشان از خدا نیاز دارند. محمد نشست های زیادی با یهودیان داشت و در مورد مسائل مذهبی با آنها گفتگو میکرد و بسیاری از متون تلمود^۹ را از آنها آموخت که امروزه بسیاری از آنها را در قرآن میبینیم.

مسیحیت در آن دوره: در امپراتوری روم مسیحیان در اکثریت بودند. در حالیکه در امپراتوری ساسانی مسیحیان اهمیت داشتند و اقلیت با نفوذی را تشکیل میدادند. در عربستان حدود سال ۶۰۰ م.ی میبینیم که در مناطق مختلفی کلیسا های مسیحی در جوار مرزها احداث شدند. در کنار بسیاری از اجتماعات کوچک مسیحی در مناطق مختلف، سه منطقه عمده مسیحی در حاشیه عربستان وجود داشت^{۱۰}:

۱. گوشه جنوب غربی شبه جزیره عربستان که همان یمن امروزی هست مخصوصاً در شهر نجران. عامل گسترش آن پادشاهی اکسوم در ساحل مقابل دریای سرخ بود (اتیوپی و حبشه امروزی).
۲. در شمال غربی در مسیر اورشلیم و بین النهرین بعضی از قبیله های عرب در مرز های روم شرقی مسیحیت را پذیرفته بودند.
۳. منطقه شمال شرقی در مرزهای عراق استانی از امپراتوری ساسانیان قرار داشت. یکی از حاکمان آنجا نعمان بن منذر^{۱۱} به مسیحیت گرویده بود (۵۸۳ - ۶۰۲ م.ی) بعلاوه طایفه های بیشماری در عربستان به ایمان مسیحی گرویده بودند. اعراب مسیحیت را به عنوان مذهبی خارجی با این حال مذهبی مدرن به حساب می‌آوردند^{۱۲}.

^۷ جان گرا ها یا انیمیست ها کسانی هستند که معتقدند که تمامی عناصر طبیعت داری روح و جان هستند.

^۸ کعبه تقدس خود را مدیون سنگ سیاه یا حجرالاسود هست. مذهب اعراب باستان پرستش خدایان را واجب میدانست که به نحوی با سنگهای خاص و درختان و غیره در ارتباط بودند. (برای اطلاعات بیشتر به کتاب اسلام شناسی گیب و کرامرس ۱۹۵۳: ۱۹۷) نگاه کنید

^۹ تلمود کتاب مربوط به مقرراتی هست که از طرف علمای یهودی در رابطه با شریعت یهود، اخلاقیات، سنت ها و تاریخ نوشته شده

^{۱۰} به نقشه صفحه ۱۵ نگاه کنید. برای جزئیات بیشتر به گودارد (۲۰۰۰: ۱۱ - ۱۷) نگاه کنید.

^{۱۱} نعمان بن منذر پادشاه غسانیان بود. غسانیان اعراب مسیحی بودند که در ۲۵۰ میلادی از یمن به حران در سوریه جنوبی مهاجرت کردند، واژه غسان از پادشاهی غسانیان گرفته شده و نام چشمه آبی در حران هم هست.

^{۱۲} مسیحیان هم مثل یهودیان کتابی بعنوان مذهبشان از خدا داشتند - چیزی که مسلمانان هنوز نداشتند.

بیشتر مسیحیان که محمد و مردم عرب با آنها در ارتباط بودند از یمن شمالی و کشور های همجوار آمده بودند. بغیر از مسیحیان یهودی تبار محمد با مسیحیان اتیوپی و سوریه هم مقابله میکرد. مسیحیان زیادی از نقاط مختلف اخراج شدند چونکه ادیان جدید خاصی در شبه جزیره عربستان مستقر شده بودند که فرهنگ و زبان خودشان را حفظ میکردند.

اما مسیحیتی که محمد با آن آشنا بود یک ایمان پذیرفته شده جهانی نبود، بلکه گروه در هم و بر هم کوچکی بود که با یکدیگر مشاجره میکردند^{۱۳}. آنها اساساً با فرم ظاهری پرستش هایشان به هم نزدیک بودند. پرستش مریم باکره بی شباهت به بت پرستی اعراب نبود. به همین جهت محمد آن را به عنوان بت پرستی محکوم میکرد^{۱۴}.

مسیحیت هیچ اتحادی از خود نشان نمیداد، بلکه به جای آن به مناقشات الهیاتی منازعه بر سر قدرت بین اسقف ها و جفاهای درونی معروف بودند. قرآن تصویر غلطی از مسیحیت متلاشی شده را منعکس میکند. محمد داستانهای کتاب مقدسی، سنت ها و آداب قومی را از یهودیان و مسیحیان شنیده بود. روشی که واژه های کتاب مقدسی در قرآن آمده ما را به این نتیجه میرساند که خود محمد هرگز شخصاً کتاب مقدس را نخوانده^{۱۵}.

تأثیر بزرگ دیگر بر اعراب از رُهبانیت مصر نشأت میگیرد. راهبه ها اغلب مراسم مذهبی را به روشی انجام میدادند که بر طبق کتاب مقدس نبود. بعضی ها در زیارت مکه شرکت میکردند و از سنت های اعراب بت پرست پیروی میکردند. برخی به وضوح در اطراف کعبه موعظه میکردند. محمد نسبت به این راهب ها بسیار علاقمند بود^{۱۶}. اظهارات قرآن درباره مسیحیان و یهودیان در خلال اولین دوره از خدمت محمد در مکه نسبتاً مثبت هست. و اعلام میکند که باید آنها را اصولاً اهل کتاب یا کسانی که صاحب کتاب آسمانی هستند به حساب آورد. اما اظهاراتی که از دومین دوره در مدینه میبینیم، نسبتاً منفی هستند. و اعلام میکند که آنها را باید بعنوان گناهکارانی که مرتکب (شرک) و یا ارتداد (کفر) شده و از ایمان برگشته اند به حساب آورد و در نتیجه باید کشته شوند. کلیسا های مسیحی تأثیراتی خصوصاً در مرزهای عربستان داشته و از آن بهره برده اما مسیحیت نقش عمده ای در توسعه و انتشار در مناطق مرکزی عربستان نداشته.

عام الفیل یا سال فیل – سال تولد محمد^{۱۷}

مدتی قبل از ظهور اسلام، ابرهه پادشاه حبشه تصمیم گرفت ایمان مسیحی را در عربستان جنوبی استحکام بخشد. او کلیسایی در شهر صنعا ساخته بود و امیدوار بود که همه عربها را بعنوان زائر به آنجا بکشاند. این شهر در یمن امروزی هنوز باقی هست. اما کلیسایی که او ساخته بود مدتهای زیادی هست که از بین رفته. به هر حال او تصمیم داشت صنعا را به مرکز تجارت شبه جزیره عربستان تبدیل کند. به محض پایان یافتن ساختمان کلیسایش او فرمانی صادر کرد که اعراب باید هر ساله آنجا را زیارت کنند.

او به خوبی از شهرت کعبه در مکه آگاه بود و تصمیم گرفت جایگاه مذهبی و بازرگانی آن را با صنعا جایجا کند. فرمان او بدون مُهر به عموم مردم فرستاده شد. و اما پادشاه مسیحی یمن حیمبار با انده شاهد بود که گروه زائران به جای صنعا هر ساله به مکه^{۱۸} میروند. یک روز به شاه مسیحی خبر رسید که یکی از افراد طایفه عرب کنعانی وارد کلیسا شده و با سرگین حیوانات تمام درون کلیسا را آلوده کرده. ابرهه وقتی شنید که طایفه های مجاور بر علیه قوانین او شورش کرده اند و هم پیمان او محمد بن خزاعی پادشاه مُدار را کشته اند، بیشتر خشمگین شد. او در پاسخ، به منظور نابودی کعبه به مکه لشکر کشی کرد. لشکر بزرگی از مردان پیاده و سواره نظام فراهم شد.

^{۱۲} اختلافات اصلی دیدگاه در مورد طبیعت خدا بود، شخص عیسی مسیح، و تثلیث.

^{۱۳} سوره ۱۱۹:۵ را ببینید.

^{۱۴} واژه های کتاب مقدس در قرآن عمدتاً به شکل مبهمی آمده. بنظر میرسد محمد قادر نبوده واژه های کتاب مقدسی و سنت ها و آداب قومی را از هم تشخیص دهد.

^{۱۵} سوره ۸۵:۵ و سیره ابن هشام را ببینید (ابن هشام در ۸۳۳ م ی زندگینامه محمد نوشته ابن اسحق را تألیف نمود)

^{۱۶} برای جزئیات بیشتر به گیل کرایست (۱۹۹۴: ۱۱-۱۴ نگاه کنید)

^{۱۷} مکه پیش از اسلام نیز محل پرستش بود.



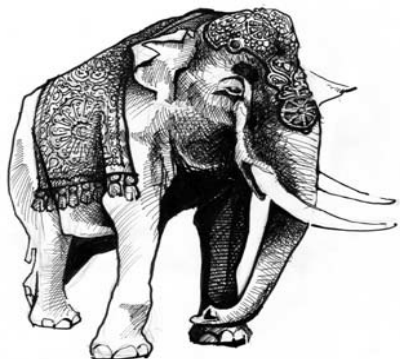
وجود فیل ها در کنار سایر حیوانات ، سیمای منحصر به فردی به این لشکر داده بود. این شرایط سبب شد که بعد ها این سال لشکر کشی، عام الفیل یا سال فیل نامیده شود (۵۷۰ م.ی). اعراب مکه که وسعت و اندازه نفرات این لشکر را دیدند به کوههای اطراف فرار کردند. عبد المطلب رهبر مردم مکه که پدر بزرگ محمد بود برای حفاظت کعبه دعا کرد.

ضمناً فیل هائی که به جلو لشکر آورده شده بودند با پارچه های مخصوص جشن پوشانده شده بودند. داستان در ادامه میگوید راهنمای این سپاه عازم مکه، نوفل، هیچ تمایلی به شرکت در این سفر نداشت و با صدائی مؤکد در گوش فیل نجوا کرد و به فیل فرمان داد که زانو بزند. ابرهه خشمگین بود ولی قادر نبود حیوان را وادار کند که برخیزد و با لشکر او به شهر حمله کند. واقعاً معلوم نیست که چه چیزی سبب اندوه این سپاه شد، ولی مسلماً اتفاق مهیجی افتاده و این لشکر متحمل تلفات سنگینی شده و نتوانسته وارد مکه بشه. از آنجائیکه قریشیان تپه های اطراف را اشغال کرده بودند، شاید با انداختن سنگها و تخته سنگها سپاه بی پناه را وادار به عقب نشینی کرده باشند.

شیوع آبله یا مرض دیگری میتواند عامل دیگری برای عقب نشینی ابرهه بدون تحقق اهدافش باشد. به زودی شایعه ای منتشر شد که دسته ای از پرندگان بطور معجزه آسائی باران سنگ بر سر سربازان ریخته و آنها را زخمی کرده اند. داستان این واقعه در خود قرآن در سوره ۱۰۵ ثبت شده که به آن سوره فیل میگویند:

مگر ندیدی پروردگارت با پیلداران چه کرد آیا نیرنگشان را بر باد داد و بر سر آنها دسته دسته پرندگانی ابابیل فرستاد [که] بر آنان سنگهایی از گل [سخت] می افکندند و [سرانجام خدا] آنان را مانند کاه جویده شده گردانید. (سوره ۱۰۵: ۵ - ۱۰)

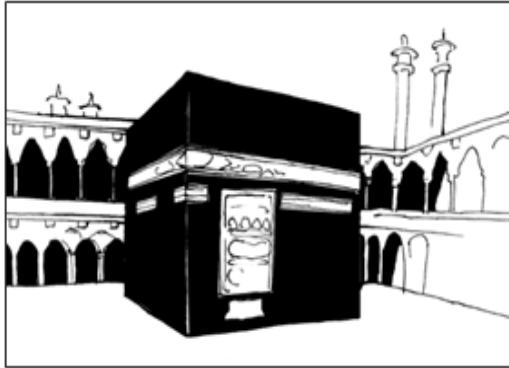
بقیه لشکر به یمن مراجعت کرد؛ بسیاری از آنان در راه مردند(گمان میرود به احتمال زیاد شیوع یک بیماری مثل آبله سبب مرگ آنان و این بلای ناگهانی شده). اما قرآن به این افسانه ارزش زیادی قائل شده. رهائی کعبه آشکارا از طرف اعراب بعنوان یک معجزه مورد احترام بوده و آنرا نشانه و فتوائی بر الوهیت و تقدس کعبه دانسته اند.



دو عامل دیگر که چرا مسلمانان ادعا میکنند ، محمد پیامبری جهانی هست: اول، پدر بزرگ خود او بود که رهبری و ابتکار عمل را در جنگ با حبشیان به عهده گرفت و به این وسیله مطمئن شد همانطور که رئیس قبیلهٔ اعراب از خانهٔ خودش محافظت میکند خدای کعبه^{۱۹} نیز از خانهٔ خودش محافظت میکند. و دوم اینکه همیشه مورّخین مسلمان بر این باور بوده اند که محمد در سال ۵۷۰ م.ی یعنی عام الفیل به دنیا آمده ، و این برای مسلمانان سنت شده که انهدام لشکر ابرهه را بعنوان نشانه ای از ظهور قریب الوقوع آخرین پیامبری تلقی کنند که قرار بود با همهٔ تلاشهای کافرین و بی ایمانان برای نابودی آخرین مکاشفهٔ خدا که از طریق وحی الهی به او الهام شده بود مبارزه کند.

بطور خلاصه نکات زیر در خور توجه میباشد

- ۱ مسلمانان کل این داستان را نشانه ای از طرف الله میدانند، که بوسیلهٔ این واقعهٔ تاریخی اهمیت مکه را به عنوان یک مرکز زیارتی برای تمامی ادوار تأیید کرد که غیر مسلمانان نمیتوانند آنرا لمس و نابود کنند.
- ۲ در ضمن مسلمانان بر این باورند که توسط این واقعه ماهیت مقدس کعبه تأیید شد و خدا به همان روش معجزه آسا که کعبه را حفظ کرد تمامیت اسلام را نیز در آینده از حملهٔ مسیحیان حفظ خواهد کرد.
- ۳ این واقعیت که پدر بزرگ محمد ، عبدالمطلب بود که ابتکار عمل را به دست گرفت و پا پیش نهاد و برای حفاظت کعبه دعا کرد، از طرف مسلمانان به عنوان پیش نشانه ای بود که محمد در واقع آخرین پیامبر حقیقی هست.
- ۴ مسلمانان این واقعه را به عنوان نشانه ای میدانند که مسیحیت حتی قبل از ظهور اسلام شکست خورده بود – اولین پیروزی در مقابل مسیحیان.
- ۵ اینکه محمد در سال عام الفیل به دنیا آمد هم به عنوان نشانهٔ دیگری تلقی میشود که الله محمد را به عنوان آخرین پیامبر فرستاد، که این اطمینان را بدهد که کعبه تا ابد نمیتواند از طرف غیر مسلمانان تخریب شود.



کعبه و مسجدی در مکه

۱،۱،۲ محمد و خاستگاه اسلام^{۱۰}

این مرد کیست که نام او در آئین مسلمانی^{۲۱} بطور لاینفکی با نام الله گره خورده؟ میلیونها نفر در سراسر دنیا محمد را به عنوان پیامبر مسلمانان احترام میکنند.

پیامبر اسلام از نظر مسلمانان آخرین و بزرگترین پیامبران هست. او در خانواده ای فقیر متولد شد و به سیاستمداری قدرتمند تبدیل شد. او مصمم بود مذهب و خصوصیات قوم خودش را تغییر دهد و سرانجام تبدیل به بنیانگذار مذهبی بزرگ و جهانی شود که بتواند از ایمان مسیحی پیشی گیرد. یکی از مسلمانان او را اینطور توصیف میکرد: "بزرگترین نمونه از کسی که همه فضايل را یکجا دارد" اشتیاق و وظیفه مسلمانان این هست که تا جایی که میتوانند از پیامبر مورد احترامشان تقلید کنند و او را سرمشق زندگی خود قرار دهند. در بخش بعدی مرور کوتاهی خواهیم داشت بر زندگی محمد.

تولد و کودکی محمد

۵۷۰ م.ی به درستی معلوم نیست که محمد واقعاً کی در مکه (در طایفه قریش) به دنیا آمد. پدر او عبدالله ابن مطلب قبل از تولد او می میرد. او در شش سالگی مادرش آمنه را نیز از دست می دهد. پدر بزرگش عبدالمطلب او را نزد خود میبرد و بعد ها عمویش ابوطالب سرپرستی او را به عهده میگیرد. محمد مدتی چوپانی میکند و بعد ها به تجارت میپردازد.

۵۸۲ م.ی در سن دوازده سالگی عمویش او را به سفر های تجارتي میبرد.

^{۱۹}. خدای کعبه که به آن خدای آن سرزمین هم گفته شده، به عنوان یکی از خدایان بزرگ در مکه بوده که مردم به آن باور داشتند.

^{۲۰}. منبع اصلی سنتی زندگی نامه محمد از کتابی به نام سیرت رسول الله یا (زندگی پیامبر الله) نوشته ابن اسحق (۷۵۰ م.ی) اقتباس شده.

^{۲۱}. آئین اسلام میگوید: شهادت میدهم که خدائی جز (الله) نیست، و شهادت میدهم که محمد رسول الله هست. (بخش ۱،۵،۲ را ببینید).

ازدواج و رؤیا های^{۲۲} محمد

۵۹۵ م.ی در سن ۲۵ سالگی او با خدیجه ازدواج میکند. زن بیوه ثروتمندی که محمد مدتها بود که در شرکت بازرگانی او کار میکرد. بوسیله این ازدواج موقعیت اجتماعی محمد بطرز چشمگیری بهبود پیدا میکند. ازدواج با خدیجه که پانزده سال از او بزرگتر بود ۲۵ سال بعد با مرگ خدیجه به پایان میرسد، بنظر میرسد که ازدواج خوبی بوده. دو پسر آنها در کودکی میمیرند، و این مسئله سبب اندوه فراوان محمد میشود. چهار دخترش زنده می ماندند.^{۲۳}

۶۱۰ م.ی در حدود ۴۰ سالگی محمد مکرراً برای تفکر به غاری در کوه حرا نزدیک مکه میرفت. در طی این تفکرات در خلوت بود که گفته شده محمد اولین رؤیای خود را دریافت کرده و به نبوت دعوت شده (سوره ۱:۹۶ - ۵) رویا توسط فرشته ای به نام جبرئیل^{۲۴} به او رسیده. محمد به شدت ترسیده و به رؤیای اول شک داشته چون مطمئن نبوده که این از الله هست یا از ارواح شیطانی^{۲۵}. اخبار و سنت های اسلامی میگویند که محمد توسط همسرش خدیجه و پسر عموی او ورقه ابن نوفل و توسط پسر عموی خودش علی تسلی گرفته و آرام شده. و تشویق شده که به خواندگی^{۲۶} خود به نبوت باور کند. رؤیا های بعدی در مکان های دیگر و در شرایط مختلف به او رسیده. آنها بعد ها یادداشت شده و به صورت قرآن امروزی درآمده. در نتیجه این رؤیا ها محمد شروع به وعظه در مکه کرد.

۶۱۶ م.ی - پیام یکتا پرستی محمد و نتایج اخلاقی آن، که در ابتدا اندکی مورد تأیید قرار میگیرد حاوی یک نکته اصلی هست: فقط یک خدا وجود دارد، الله، و انسان مجبور هست به او تسلیم شود. کلمه اسلام که برای اولین بار ظاهر میشود به معنی تسلیم هست و در صدد هست که کل این نهضت با نام تسلیم و تمکین شناخته شود. موعظه های محمد با مخالفت های روز افزونی از طرف بازرگانان مواجه می شود چون او بر علیه بت پرستی دستوراتی میدهد و از این رو تجارت پر رونق بت را راکد میکند. به این ترتیب محمد و نخستین پیروان او در مکه مورد آزار قرار میگیرند. برخی از مسلمانان به کشور مسیحی پادشاهی حبشه (اتیوپی) پناهنده میشوند.

۶۱۹ م.ی - بعد از مرگ همسرش خدیجه و عمویش ابوطالب که حامی او بودند، وضع محمد به خاطر آزارهای فزاینده به طور روز افزونی رو به وخامت میگذارد. حتی دیگر در بین افراد طایفه اش هم احساس امنیت نمیکند. دو ماه بعد از مرگ خدیجه محمد با بیوه ای حبشی به نام سعه ازدواج میکند. او بعد ها با زنان دیگری نیز ازدواج میکند که در بین آنان عایشه هم هست که در هنگام ازدواج با محمد دختر بچه ای نه ساله هست. جمع زنانی که محمد با آنان ازدواج کرده مورد اختلاف نظر هست، احتمالاً بین ۱۲ تا ۱۵ نفر بوده^{۲۷}.

^{۲۲} محمد به نوعی تجربه ای روحانی داشت، بسیاری از محققین از رؤیا یا تصویر صحبت نمیکنند، بلکه به جای آن میگویند او کلامی از الله دریافت میکند که به او میگوید: اقر! (بخوان)!

^{۲۳} اسامی چهار دختر محمد عبارتند از: رقیه، زینب، ام کلثوم، و فاطمه. فاطمه بعد ها در زندگی مسلمان بسیار متعهدی شد.

^{۲۴} در قرآن جبرئیل یک موجود روحانی هست که خودش را معرفی نمیکند (سوره های ۹۷:۲ - ۹۸ و ۴:۶۶) چون پیغام موافق کتاب مقدس نیست، پس نمیتواند همان فرشته باشد. (ام لوقا ۲۲:۱ - ۳۳)

^{۲۵} به ابن سعد، کتاب الطبقات الکبیر جلد یک ص ۲۲۵ نگاه کنید.

^{۲۶} به مشکوٰۃ ص ۳۵۶ و ۳۵۷ نگاه کنید.

^{۲۷} به هیوز ۱۹۸۲:۳۹۹ - ۴۰۰ نگاه کنید.

مهاجرت یا هجرت از مکه به مدینه

۶۲۲ م.ی.

• هج. ق. — به خاطر آزارهای روز افزون در مکه و به خاطر دعوت پیروانش در مدینه محمّد و حدود ۸۰ نفر از حامیانش به مدینه^{۲۸} مهاجرت کردند. موقعیت او به سرعت تغییر کرد. در اینجا او دیگر واعظی تحت ستم نیست بلکه رهبری بانفوذ برای مردم شهر هست که او را به عنوان شهردار تعیین میکنند و تمام اختیارات را به او تفویض میکنند. هجرت از دیدگاه مورخین اسلامی به عنوان مانوری موفق — ترسیم شده که شروعی برای مذهبی جدید هست.

تغییر شرایط محمّد (۶۲۲ م.ی.)

مدینه (بتدریج قدرت کسب میکند)	مکه
• قدرتمند و با نفوذ	• قدرت کم
• رهبر مذهبی	• واعظی ساده
• فرماندهی کل ارتش	• در آخر مورد آزار بود
• رهبر سیاسی	• شهروندی معمولی
• ثروتمند میشود	• فقیر میشد

محمد که در ابتدای خدمتش معتقد هست که ایمان او همانند ایمان یهودیان و مسیحیان هست، به دنبال کسب حمایت سه طایفه یهود محلی هست^{۲۹}. اما یهودیان از پذیرفتن محمّد به عنوان پیامبر راستین خدا امتناع میکنند چون او هیچ دلیلی به آنها ارائه نمیکند^{۳۰}. در نتیجه دشمنی بین آنها بوجود میاید، و محمّد اسلام را از دو مذهب یکتا پرست پیشین^{۳۱} متمایز میکند. یهودیان مدینه تحت فشار قرار میگیرند که یا مهاجرت کنند و یا اسلام را بپذیرند، در غیر اینصورت کشته میشوند و زنان و فرزندان آنها اسیر خواهند شد. از آن زمان به بعد با یهودیان و مسیحیانی که در مناطق اسلامی زندگی میکردند مانند رعایا رفتار میکردند و به آنها ذمی میگفتند، و باید مالیات مخصوصی میپرداختند که به آن جزیه میگفتند^{۳۲}. در طی ده سال حکمرانی در مدینه محمّد با نیروی نظامی و با روابط دیپلماتیک امپراتوری کوچک ولی قدرتمندی تأسیس کرد.

۲۸

مدینه در آن هنگام پُرب نامیده میشد.

۲۹

نمونه ای از روابط بین مسلمانان و غیر مسلمانان را میتوان در دوران خدمت محمّد بین سالهای ۶۲۲ تا ۶۳۲ م.ی. دید. سه توافق نامه اصلی معروف مربوط به آن دوره وجود دارد. بعنوان مثال در مورد واحه خیبر که مسلمانان حق نقض پیمان را در هر زمان و بنا به هر دلیلی برای خود محفوظ نگه داشتند. (به گیوم ۵۱۰:۱۹۵۵ — ۱۸) نگاه کنید.

۳۰

یهودیان از محمّد نشانه ای خواستند که او توانست به آنها نشانه ای ارائه کند (سوره ۱۸۳:۳ — ۱۸۴ و ۳:۶ و ۹۰:۱۷ — ۹۳) را ببینید.

۳۱

از آن زمان به بعد همانطور که مسلمانان امروزی باور دارند، محمّد به اهمیت ابراهیم و پسر او اسماعیل تأکید کرد. احتمالاً فکر میکرد که آنها از نسل او هستند. (اگر چه دلیلی برای اثبات این در دست نیست.) او مسیر نماز و دعا را از اورشلیم به مکه تغییر میدهد. و اعلام میکند کعبه معبدی هست که ابراهیم بنا نموده (سوره ۱۲۴:۲ — ۱۲۷ و ۱۴۲:۲ — ۱۴۴) را ببینید. قرآن این تغییر رفتار محمد را نشان میدهد: آیات دوستانه عبارتند از آیات مکی و نخستین آیات مدنی، مثل ۲:۶۲؛ ۳:۱۹۹؛ ۵:۶۹ از آنجائیکه در طی دوره مدنی دشمنی شروع شده این دشمنی در آیاتی مثل ۷۵:۵ — ۷۶؛ ۲۹:۹ دیده میشود.

۳۲

برای جزئیات بیشتر در این مورد به کتاب پنور (۱۹۸۵) نگاه کنید. کسانی که با اسلام مواجه میشدند باید یکی از این گزینه ها را انتخاب میکردند: (۱) تسلیم شوند و اسلام را بپذیرند؛ (۲) در ایمان خود بمانند و به عنوان شهروندان درجه ۲ زندگی کنند و مالیات مخصوص بپردازند؛ (۳) با شمشیر کشته شوند.

- ۶۲۴ م. ی محمد و پیروانش به کاروانهائی که از مکه به سایر نقاط میرفتند حمله می کردند و مسافران کاروانها را غارت میکردند. این حملات منجر به جنگهای متعددی با شهروندان مکه شد^{۳۳}:
- جنگ بدر: ۳۲۴ مسلمانان از مدینه با سپاهی از مکه حدود سه برابر نفراشان جنگیدند و علیرغم برتری شمار نفرا مکیان شکست خوردند.
 - جنگ اخذ (۶۲۵ م. ی): مسلمانان در این جنگ شکست خوردند و محمد در این نبرد زخمی شد.
 - جنگ خندق یا جنگ احزاب (۶۲۷ م. ی): مسلمانان با کندن خندق در مناطق بی دفاع اطراف شهر با موفقیت از شهر مدینه دفاع کردند.

آخرین سال محمد

۶۲۸ م. ی اهالی مکه پیمان صلح الحدیبه^{۳۴} را با مسلمانان مدینه امضاء کردند. بر طبق این معاهده محمد و پیروان او اجازه یافتند در سال آینده مکه را زیارت کنند. در طی بیست و دو ماه بعد از امضای معاهده محمد بطور چشمگیری به قدرت خود استحکام بخشید. فتوحات تازه ای کرد و با طوایف قدرتمند مخصوصاً با بنی خزاعه متحد شد. و در نتیجه در سال ۶۳۰ م. ی نسبت به زمان امضاء معاهده به قویترین شخص در برابر قریش تبدیل شد. قریش موفقیت چندانی در یافتن متحدین جدید نداشتند، اما با دیگر طایفه قدرتمند، بنی بکر متحد شدند. بنی خزاعه و بنی بکر در جوار هم زندگی میکردند و سابقه دشمنی دیرینه ای داشتند. در ۶۲۹ م. ی عده ای از طایفه بنی بکر برای انتقام جوئی چندین نفر از بنی خزاعه را کشتند. وقتی محمد این را شنید در واکنش تصمیم گرفت دست به اقدامی جدی بزند و به مکه حمله کند. زمامش فرارسیده بود که قریش در شهر و خانه خودش به چالشی نهائی کشیده شود.

۶۳۰ م. ی محمد به همراه حدود ۱۰۰۰۰ جنگجو به مکه برمیگردد. با ملاحظه این نیروی قدرتمند مکه بدون مقاومت تسلیم و مسلمان^{۳۵} میشود. محمد فرمان عفو اکثر ساکنین زادگاهش را صادر میکند. بت ها و تمثال های کعبه نابود میشوند، و ورود غیر مسلمانان به مکه ممنوع اعلام میشود. در سال بعد؛ محمد برای نخستین بار جنگ مغلوبه ای علیه قدرتهای بزرگ را رهبری میکند. روم شرقی و پارس با درگیری های مداوم با هم ضعیف شده بودند. محمد با جنگجویان بیشمار به زمینهای مرزی روم شرقی سوریه حمله میکند.

۶۳۲ م. ی محمد در سن ۶۳ سالگی در مدینه بدون تعیین جانشینی^{۳۶} میمیرد. مرگ ناگهانی او مشکلات زیادی را برای پیروانش بوجود می آورد: چه کسی جای او را خواهد گرفت و جامعه نوپنیا مسلمانان را رهبری خواهد کرد تا اتحاد آن صدمه نبیند؟

۱،۱،۳ چهار خلیفه^{۳۷}

۶۲۲ م. ی سال هجرت ابتدای شروع تقویم رسمی اسلامی تقویم هج قمری قرار میگیرد.

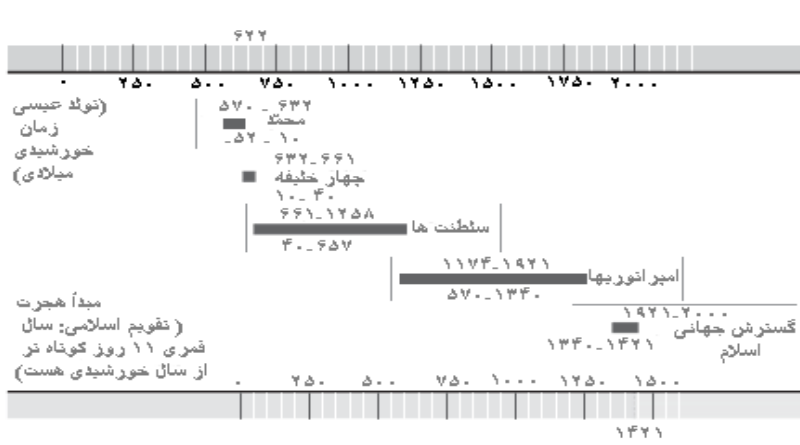
۳۳ اینجا فقط به سه جنگ اصلی اشاره شد اما برخورد های خصمانه زیادی وجود داشت.

۳۴ ال حدیبیه نام جاهی نزدیک مکه هست.

۳۵ سعی محمد بر این بود که بر مردمان شهر زادگاهش بدون خون ریزی غلبه کند بنا بر این پیشنهادی به آنها داد: اگر تسلیم او شوند و مذهب او را بپذیرند، تضمین میکند که مکه به صورت زیارتگاه باقی بماند و همه مسلمانان در طول زندگی یکبار باید به آنجا سفر کنند. و بنا براین جریان پول را تضمین میکند (معاهده حدیبیه).

۳۶ دلیل مرگ محمد به درستی معلوم نیست. محققین این نظریات را ارائه میکنند: مرگ به سبب بیماری؛ زخمی شدن شدید در نبرد؛ مسموم شدن توسط دشمنان؛ و یا جمیع این دلایل.

۳۷ خلیفه رئیس دولت، و رهبر امت اسلامی هست. اون به معنی جانشین و یا نماینده هست.



بررسی تاریخی

۶۳۰ م.ی

در اواخر دوران محمد پیام او خطاب به یهودیان و مسیحیان بسیار تند شد. بعد از مرگ او این رویکرد در بین مسلمانان تثبیت شد. یعنی جنگ با اهل کتاب. حملات نظامی به مناطق هم مرز با عربستان شروع شد.^{۳۸}

۶۳۲ – ۶۳۴ م.ی

ابو بکر اولین خلیفه (جانشین محمد) و پدر عایشه (یکی از زنان محمد) چندین شورش در بین طایفه های اعراب را سرکوب میکند. و مانع زندگی آنها در کشور های اسلامی میشود.

۶۳۴ – ۶۴۴ م.ی

عمر، دومین خلیفه. بعد از جنگ یرموک (۶۳۷ م.ی) او اورشلیم را گرفت و بر سوریه مسلط شد. کمی بعد از آن مصر و پارس تحت فرماندهی قدرتمند خالد ابن ولید فتح شد. و عمر در مسجد در حین نماز ترور شد. متن قران توسط زید ابن ثابت به فرمان ابوبکر و عمر گرد آوری و تنظیم شد.

۶۴۴ – ۶۵۶ م.ی

عثمان، سومین خلیفه فرمان تألیف قران را صادر میکند چونکه نسخه های زیادی از قران نوشته شده بود که سبب سردر گمی مردم میشده. او فرمان میدهد که فقط متن نسخه جدید اصلاح شده قران اعتبار دارد. و همه متون دیگر باید جمع آوری و نابود شود. عثمان توسط گروه رقیب به قتل رسید که توسط فاطمه دختر محمد که با علی ازدواج کرده بود، تحریک شده بودند.

^{۳۸}

نمونه ای از حق انتخابی که به پادگان روم شرقی در غزه داده شد: آنها دعوت شدند که ایمان خود را ترک کنند، مسیح را انکار کنند و در پرستش های اسلامی شرکت کنند، وقتی آنها امتناع کردند همگی شهید شدند. نمونه دیگر بیزاری از مسیحیان در این دوره سوزاندن کلیساها و تخریب ساختمانهای کلیسا و ششام دادن به کلیسا ها و مسیح بود (کرون و کوک ۱۹۷۷)



۶۵۶ – ۶۶۱ م. ی **علی چهارمین خلیفه پسر عموی محمد و پسر خوانده و داماد محمد (یعنی شوهر دخترش فاطمه بود).** با مسئله جانشینی، مسلمانان را به دو گروه شیعه و سنی تقسیم کرده. شیعیان که اکثراً در ایران هستند علی را به عنوان اولین خلیفه قانونی میدانند و بنابر این اقتدار سه خلیفه اول را که مسلمانان سنی به آنان معتقدند رد میکنند. علی هم مانند دو خلیفه قبل از خودش ترور شد.

۱،۱،۴ سلسله های خلفا

۶۶۱ – ۷۵۰ م. ی

سلسله بنی امیه یا امویان: دومین پسر علی، حسین اجازه میدهد خلافت از او گرفته شود. معاویه حاکم بلا منازع میشود. و برای خود سلسله ای پادشاهی ترتیب میدهد و دمشق را بعنوان پایتخت انتخاب میکند. امویان از نسل امیه، از طایفه محمد قریش بودند. امپراتور جوان با پیروزی چشمگیر در آفریقای شمالی، توسعه اقلیمی عظیمی را تجربه میکند. در ۷۱۱ م. ی سپاه مسلمانان به طرف اسپانیا برمیگردد و چهار پنجم از شبه جزیره ایبری را فتح میکند. پیشروی فقط در پواتیه فرانسه توسط لشکری به فرماندهی چارلز مارتل متوقف میشود (۷۳۲ م. ی).

۷۵۰ – ۱۲۵۸ م. ی **خلفای عباسی** به جای امویان بر روی کار آمدند و مجلل ترین پایتخت را در بغداد داشتند. خلفای عباسی رسماً مشروعیت خلافت خودشان را مستند به جد خود عباس ابن عبدالمطلب (۵۶۶ – ۶۵۲ م. ی) یکی از جوانترین عموهای محمد پیامبر میدانستند و با استناد به کسی که خودشان را منتسب به او میدانستند خود را بر خلاف امویان وارثان برحق محمد میدانستند.



قلمرو اسلام در ۷۵۰ میلادی

آنها در کل خودشان را متمایز از امویان میدانستند و از دنیاگرایی، فساد اخلاقی، شخصیت و مدیریت آنها انتقاد میکردند. جنگ های صلیبی^{۳۹} که موقتاً فلسطین را از قلمرو اسلامی آزاد کرد، در این دوره اتفاق افتاد. جنگ های صلیبی یک سری از درگیری های نظامی با ویژگی مذهبی بود که از ۱۰۹۵ تا ۱۲۹۱ ادامه داشت و با فرمان پاپ به نام کریستندوم مشروعیت یافت. جنگهای صلیبی اساساً با هدف باز پس گیری و آزاد سازی اورشلیم و سرزمین مقدس از حاکمیت مسلمانان بود و در پاسخ به درخواست کمک امپراتور ارتدکس روم شرقی برای مقابله با هجوم مسلمانان به آناتولی شروع شد. بعد از حمله اسلامی در قرن هشتم، مسیحیت در خاور میانه خاستگاه خودش به شدت مقهور شد. در ۸۵۰ م. ی خلیفه المتوکل قانونی وضع کرد که به موجب آن آشکارا یهودیان و مسیحیان در دنیای اسلام^{۴۰}، به عنوان شهروندان درجه دو شناخته شدند. در ۱۲۵۸ م. ی مغولان^{۴۱} حدود ۸۰۰۰۰۰ نفر را در حمله به بغداد کشتند، که سبب انقراض خلافت عباسیان شد. قرن نهم همینطور به لحاظ شاگردی در مکاتب^{۴۲} اسلامی به قرن توسعه اسلام شهرت یافته. خلفای عباسی ارتشی ایجاد کردند که فقط به خلیفه خودشان وفادار بودند، اینان عمدتاً اسرای ترک بودند که به آنها مملوک یا برده میگفتند.

^{۳۹} جنگهای صلیبی بخش غم انگیزی در تاریخ کریستندوم هست. تا به امروز هنوز هم مسلمانان مسیحیان را متهم نکاتی از این قانون به طور مثال عبارتند از: پوشیدن لباس های یک رنگ متحد الشکل، تخریب کلیسا های نو بنیاد، مجسمه های چوبی شیطان باید به در خانه هایشان نصب میشد. در جاهاتی که تحت تسلط مسلمانان بود بکار گرفته نمیشدند. (به گوردارد ۲۰۰۰: ۶۶-۶۸ نگاه کنید).

^{۴۰} مغولان گروهی مردم چادر نشین بودند که در قرن ۱۳ ام با تمدن های کثیری از شهر نشینان احاطه شدند. اما هیچکدام از این تمدن ها به استثنای خلافت اسلامی مستقر در بغداد جزئی از دولت مرکزی قدرتمندی نبودند. آسیا روسیه و خاور میانه یا توسط پادشاهی های رو به زوال کنترل میشدند، یا توسط حکومت های محلی جدا شده. مغول ها با ابتکاری راهبردی و بهره برداری از این خلأ قدرت تمامی این مناطق را به شبکه بازرگانی متحد الحمایه ملحق کردند.

^{۴۱} میکنند که میخواستند مسیحیت را به زور شمشیر رواج دهند.

^{۴۲} دو موفقیت مهم عبارت بودند از الشافعی (۸۲۰ م.ی) در عرصه شریعت (قانون اسلامی) و دیگری ابو یوسف الکندی (۸۷۰ م.ی) در عرصه فلسفه (فلسفه اسلامی)

۱،۱،۵ امپراتوری‌ها

در خلال قرون وسطی چهار امپراتوری اسلامی پدیدار شدند:

۱. امپراتوری مملوک‌ها یا ممالیک در مصر
۲. امپراتوری صفویه در ایران
۳. امپراتوری مغولان در هندوستان
۴. امپراتوری عثمانی در بیشتر نقاط خاور میانه، بالکان و افریقای شمالی.

این قدرت‌های امپراتوری جدید با کشف مواد منفجره و باروت و مدیریت کار آمد تر امکان ظهور یافتند. در اواخر قرن نوزدهم هر چهار امپراتوری ضعیف شدند، و یا تحت تأثیر فرهنگ سنگین غربی و یا جاه طلبی‌های نظامی از بین رفتند.

۱۱۷۴ - ۱۸۱۱ م.ی منشأ **امپراتوری ممالیک** در مصر به سلسله ایوبیان میرسد که صلاح الدین ایوبی در سال ۱۱۷۴ بنیان گذاشت. با عمویش شیرکوه در ۱۱۶۹ بر مصر و پادشاه زنگی نورالدین دمشق غلبه کرد. مملوک‌ها مغولان را در خُص در سال ۱۲۶۰ شکست دادند و آنها را به شرق راندند. در این فرایند قدرتش را بر سوریه متمرکز کردند. استحکاماتی بنا کردند، راههای پستی ایجاد کردند و روابط دیپلماتیک بین شاهزاده‌های محلی برقرار کردند. سپاهیان مملوک آخرین پایگاه جنگهای صلیبی در سرزمین مقدس را هم شکست دادند.

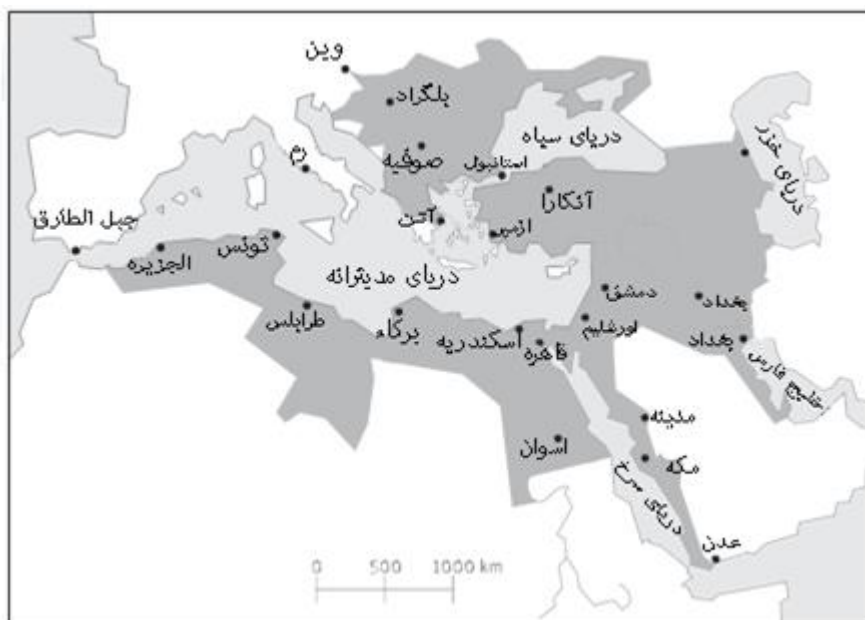
ناپلئون در ۱۷۹۸ وقتی به مصر حمله کرد سپاهیان مملوک را شکست داد و آنها را به مصر علیا عقب راند. تا این زمان ممالیک فقط تفنگ‌های فیل‌های را به سواره نظام اضافه کرده بودند. بعد از اینکه سپاه فرانسه در سال ۱۸۰۱ آنها را ترک کردند، ممالیک به تلاشهای استقلال طلبانه ادامه دادند. و این بار بر علیه امپراتوری عثمانی و بریتانیای کبیر مبارزه کردند. قدرت ممالیک در مصر در ۱۸۱۱ خاتمه یافت، وقتی محمد علی^۲ همه ممالیک را به قصر خود دعوت کرد تا اعلام جنگ علیه وهابی‌ها در عربستان را جشن بگیرند، حدود ۶۰۰ نفر از ممالیک در قاهره رژه رفتند. نزدیک دروازه العذاب در جاده باریکی که از تپه مokatamb سرازیر میشد نیروهای محمد علی کمین کرده و آنها را قتل عام کردند.

۱۵۰۲ - ۱۷۲۲ **امپراتوری صفویان** از اوایل قرن شانزدهم تا اوایل قرن هجدهم بر ایران حکومت کردند. اگرچه ادعا میکردند که از نسل علی ابن ابیطالب خلیفه چهارم هستند، اما اصالتاً سنی بودند. (نام صفویان بر گرفته از صوفی‌گری بود که به آنها صفویه میگفتند). نسب آنها به فیروز شاه زرین کلاه میرسید. که یک مقام محلی بلند پایه از شمال ایران بود. در خلال حکومت صفویان آنها مذهب شیعه را به عنوان مذهب رسمی کشور قرار دادند. و به این ترتیب ایران هویتی متمایز از همسایگان سنی مذهب خود یافت. در ۱۵۲۴ طهماسب به تخت سلطنت نشست و هنر را در منطقه رونق بخشید. قالبیابی تبدیل به صنعت عمده کشور شد. و اهمیت تازه‌ای در شهرهای ایران پیدا کرد. بهترین رونق هنری در زمینه توجه به شاهنامه خوانی بود که به معنی تجلیل از قلمرو شاه توسط کارهای هنری بود. یک کتاب دو جلدی شاهنامه مشتمل بر ۲۵۸ نقاشی بزرگ تهیه شد تا کار فردوسی شاعر ایرانی را به تصویر بکشند. شاه همپنطور نوشیدن شراب و کشیدن حشیش را ممنوع اعلام کرد،

^۲ محمد علی پاشا از ۱۸۰۵ تا ۱۸۴۹ حکمران مصر بود و اغلب او را به عنوان بنیانگذار مصر جدید میخوانند. محمد علی در شهر کاولا (یونان امروزی) در خانواده‌ای آلبانیایی به دنیا آمد. او در جوانی به عنوان تاجر توتون کار میکرد. بعد ها در ارتش عثمانی مأموریتی را عهده دار شد.

۱۵۲۶ - ۱۸۵۷ م.ی. **امپراتوری مغول ها** حاصل تاخت و تاز مغولان به پارس و هندوستان بود. امپراتوری مغول توسط بابر در ۱۵۲۶ تأسیس شد. این امپراتوری قبل از سقوطش توسط بریتانیا در سال ۱۸۵۷ قرن‌ها بر اکثر مناطق هندوستان امروزی، پاکستان، بنگلادش، افغانستان حکومت میکرد. این امپراتوری میراث ماندگاری در فرهنگ و معماری هندوستان بر جای نهاده. در طی حکومت این امپراتوری اجتماعات مسلمانان در سراسر هندوستان رشد کرد، مخصوصاً در گجرات، بنگال و حیدرآباد. انواع مکتب های صوفی گری از افغانستان و ایران در سراسر منطق بسیار فعال بودند. در نتیجه بیش از یک چهارم جمعیت هندوستان به اسلام روی آوردند.

۱۳۰۱ - ۱۹۲۱ م.ی. **امپراتوری عثمانی** - عثمانی ها عرب نبودند بلکه ترک بودند. این امپراتوری از سال ۱۴۵۳ از استانبول یا (کنستانتین پل) کنترل میشد. دنیای اسلام تحت رهبری امپراتوری عثمانی به اوج جدیدی رسید (البته قابل مقایسه با دوران طلایی خلفای عباسی نبود). ترک ها از استپ های آسیای مرکزی مهاجرت کردند و در ابتدا دولت کوچکی در آناتولی (ترکیه امروزی) تأسیس کردند. در ۱۴۵۳ بعد از دو ماه محاصره سربازان زیده عثمانی کنستانتین پل را زیر آتش توپ گرفتند. امپراتوری هزارساله روم شرقی ناگهان بوسیله امپراتوری نویناد عثمانی ساقط شد و همین سبب گسترش نفوذ آن بر اکثر دنیای اسلام شد و تا اعماق اروپای مسیحی پیش رفت. امپراتوری گامهای بلندی در شرق برداشت و تهدیدی برای اروپای مرکزی و غرب به شمار میرفت.



امپراتوری عثمانی در ۱۷۰۰ م.ی.

در ۱۵۲۹ محاصره وین شکست خورد و عثمانی ها چون نتوانستند جلوتر بروند به اروپای شرقی پیشروی کردند. نبرد وین در سال ۱۶۸۳ باعث عقب نشینی سریع امپراتوری عثمانی از بیشتر مناطق اروپای شرقی و بالکان ها شد. آخرین شکست عثمانی به اروپائی ها این اجازه را داد که قلمرو خود را تا تمام آفریقا گسترش دهند. دوره قدرت های مستعمراتی^{۴۴} با قدرت گرفتن فرانسه، ابتدا در الجزیره (۱۸۳۰) و بعد تونس در (۱۹۱۲) آغاز شد. مصر در ۱۸۸۲ تحت حمایت بریتانیا شد. در ۱۹۲۰ خاور میانه به دو قسمت تحت حمایت انگلستان و فرانسه تقسیم شد. بعد از جنگ جهانی دوم امپراتوری های مستعمراتی به سرعت از هم پاشیدند. مصطفی کمال آتا ترک (۱۸۸۱ - ۱۹۳۸) بنیانگذار جمهوری ترکیه و نخستین رئیس جمهور آن را میتوان به عنوان شخصیت برجسته قرن بیستم نام برد. با تبدیل شدن به یک قهرمان نظامی در داردائل، جنگ چاناک قلعه در ۱۹۱۵، او تبدیل به یک رهبر محبوب ملی در جنبش آزادیخواهی ملت ترکیه در ۱۹۱۹ شد. به دنبال یک سلسله پیروزی های چشمگیر او ملت خود را به سوی استقلال رهبری نمود. او به پادشاهی عثمانی که بیش از شش قرن دوام آورده بود پایان داد و در ۱۹۲۳ جمهوری ترکیه را تأسیس کرد. حکومت جدیدی که از دموکراسی غرب الهام گرفته بود. به عنوان رئیس جمهور آتا ترک در مدت ۱۵ سال تحولات وسیعی را در زمینه سیاست، اجتماع، قانون، اقتصاد و فرهنگ بوجود آورد.

۱,۱,۶ گسترش جهانی اسلام

از ۱۹۲۲ - امروز باخاطر مهاجرت گسترده مردم بعد از جنگ جهانی دوم، اسلام در بسیاری از مناطق دنیا گسترش یافت. احتمالاً امروزه هیچ کشوری نیست که مسلمانان در آنجا نباشند. عمدتاً به خاطر پیشرفت علوم زیستی و پزشکی، اسلام امروزه به لحاظ جمعیت، دومین مذهب بزرگ و رو به رشد در جهان هست.



جمعیت مسلمانان جهان در سال ۲۰۰۰ م.ی (در شش منطقه اصلی جغرافیایی)

^{۴۴} در نظر مسلمانان مستعمرات نشان دهنده قدرت اقتصادی و برتری قدرت های خارجی هست. بنابر این بسیاری از آنها باید به محض اعلام استقلال کشور های اسلامی را ترک کنند. در الجزیره که (عملاً زمانی بخشی از فرانسه بود) خانواده های فرانسوی زیادی سه تا چهار نسل آنجا زندگی کرده بودند. پیشرفت های اخیر باعث جنگی شده که از ۱۹۵۴ تا ۱۹۶۲ به طول کشید و خونریزی وحشتناک طرفین را به همراه داشت.

انقلاب اسلامی در ایران شیعی در ۱۹۷۹ - ۸۰ به رهبری آیت الله خمینی اعتماد به نفس و غیرت تازه ای در مسلمانان برای تبلیغ اسلام بوجود آورد. اکثریت مسلمانان در کشور های افریقای غربی تا آسیای مرکزی تا اندونزی زندگی میکنند. رشد جهانی آنها در قرن بیستم بسیار چشمگیر بوده از ۱۲,۳% در سال ۱۹۰۰ به ۲۰% در سال ۲۰۰۵ رسیده. این رشد توسط تغییر دین بیشترین آمار را در افریقا اندونزی و امریکا^{۴۵} داشته.

مسلمانان در طی ۵۰ سال گذشته از رشدی بالای ۲۳۵% برخوردار گشته اند (حدود ۱,۳ میلیارد نفر) در مقایسه مسیحیان ۴۷% هندوئیسم ۱۱۷% بودیسم ۶۳%^{۴۶} رشد داشته اند.

مسیحیت، اسلام، هندوئیسم، و مذاهب سنتی چینی و بودیسم از بزرگترین مذاهب جهان امروز هستند. تقریباً ۷۸ - ۶۹% انسانها به یکی از این پنج مذهب ایمان دارند. مسیحیان بیشترین آمار ایمانداران را تشکیل میدهند. بعد از آن به ترتیب اسلام، هندوئیسم، مذاهب سنتی چینی، و بودیسم در رده های بعدی قرار دارند. این برآورد ها الزاماً تخمینی هستند. جمعیت دنیا در ۲۰۰۵ حدود ۶,۵ میلیارد نفر بوده است.

۱. مسیحیت	۲ میلیارد (۳۱%)
۲. اسلام	۱,۳ میلیارد (۲۰%)
۳. غیر ایمان داران	۱ میلیارد (سکولار و لائیک ۱۶%)
۴. هندوئیسم	۷۸۰ میلیون (۱۲%)
۵. بومی های بدوی	۳۸۰ میلیون (کافر ۶%)
۶. مذاهب سنتی چین	۳۸۰ میلیون (۶%)
۷. بودیسم	۳۸۰ میلیون (۶%)
۸. مذاهب سنتی افریقائی	۱۰۰ میلیون
۹. شیخیه	۲۵ میلیون نفر (۰,۴%)
۱۰. جوکی ها	۲۰ میلیون
۱۱. یهودی	۱۹ میلیون (۰,۳%)
۱۲. جان گرا	۱۵ میلیون
۱۳. بهائیت	۷ میلیون

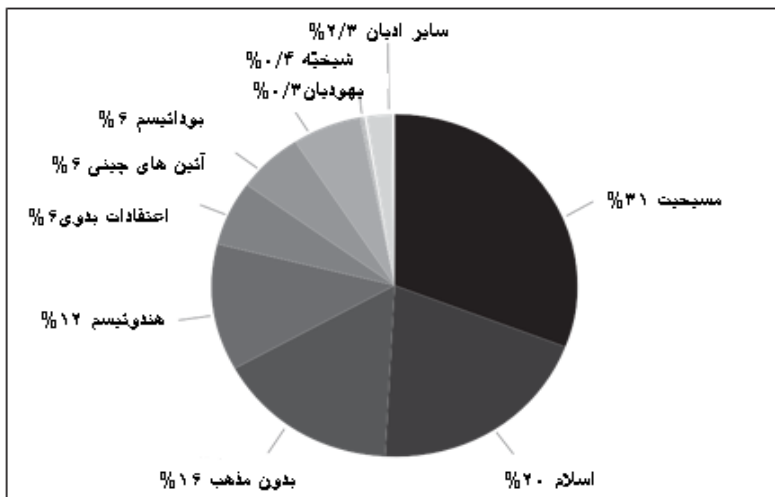
رشد اسلام و مناسبات مسیحی - مسلمان در شش منطقه اصلی جغرافیائی (نقشه ص ۲۸ را ببینید)

۱) آسیا

در اواخر قرن ۱۳ ام بازرگانان و معلمین مسلمان اسلام را به جنوب آسیا آوردند. در ۱۲۹۲ وقتی مارکوپولو از سوماترا دیدن کرد. بیشتر ساکنین به اسلام گرویده بودند. اولین پادشاهی مسلمانان توسط شاهزاده ای جوان در شبه جزیره ملایو تأسیس شد. توسط بازرگانی و تجارت اسلام به برونئی و جاوه (اندونزی) راه یافت. در اواخر قرن ۱۵ ام اسلام به فیلیپینی ها معرفی شد.

^{۴۵} جانستون (۱۴:۲۰۰۱) را ببینید.

^{۴۶} این برآورد ها تخمینی هست و شامل همه ایمان ها خواه مادرزادی یا ایمان واقعی. میتوانیذ سایت های زیر را نیز ببینید www.adherents.com و www.wikipedia.com



گروه های عمده مذهبی (درصد نسبت به جمعیت ۲۰۰۵)

همینطور که اسلام توسعه پیدا میکرد سه قدرت سیاسی اصلی مسلمانان نیز شکل میگرفت. (عجه) عمان، مهمترین قدرت اسلامی در سوماترای شمالی تأسیس شد و بیشتر مناطق بین آسیای جنوبی و هند را تحت کنترل داشت. این سلطان نشین شاعران صوفی را به خود جذب کرد. دومین قدرت مسلمانان فدراسیون سلطان نشین در شبه جزیره ملایو بود. سومین قدرت در جاوه بوجود آمد در جایی که بسیاری از قدرتهای مسلمانان پادشاهی محلی ماجاباهیت را در اوایل قرن ۱۶ ام شکست دادند. بعد از ۱۹۹۰ رشد چشمگیری در روی آوردن مسلمانان به مسیحیت میبینیم. که شاید دلیل آن افراط کاریها در فعالیتهای اسلامی میباشد. این بیداری عمدتاً به صورت گسترده ای از طریق مطبوعات و رسانه ها امکان پیدا میکند.

نقاط بحرانی در آسیا و خاور میانه

- **اسرائیل و فلسطین:** مناقشات لاینحل بین این دو قدرت موجب نگرانی های زیادی شده است. تمام تلاش های بین المللی برای برقراری صلح اثر ماندگاری نداشته است. اختلافات عمیقی بر سر ادعای مالکیت سرزمین وجود دارد مخصوصاً بر سر خود اورشلیم. قبه الصخره یا گنبد سنگی^{۴۷}. هنوز هم به نقش اصلی در مناقشات ادامه می دهد.
- **افغانستان:** ده ها سال هست که مرکز جنگ ها و تاخت و تاز هاست. طالبان یک جنبش افراطی اسلامی، سعی در به دست گرفتن قدرت با خشونت و ظلم دارد. بسیاری یا کشته شده اند و یا کشور را ترک و فرار کرده اند. طالبان دامنه انقلاب را به بسیاری از کشورهای خارجی کشانده است. افغانستان به لحاظ دیپلماسی منزوی شده است.

^{۴۷} سنگی که در مرکز گنبد هست، مسلمانان بر این باورند که همان نقطه ای هست که محمد از آنجا به نزد الله صعود کرد، که توسط جبرئیل فرشته ترتیب داده شد. این قبه توسط خلیفه نهم عبد المالك در سالهای ۶۸۷ و ۶۹۱ ساخته شده. تا قرنهای مسافران اروپایی آن را مسجد عمر مینامیدند. در طی جنگهای صلیبی قبه الصخره به اگوستینیان داده شد و او آنرا تبدیل به کلیسا کرد. اورشلیم در ۱۱۸۷ توسط صلاح الدین ایوبی باز پس گرفته شد و او آنرا به عنوان جایگاه مقدس مسلمانان وقف کرد. صلیب بالای گنبد جای خود را به هلال زین داد. سنگ در ایمان یهودیان جایی هست که در آنجا ابراهیم به خدا امتحان پس داد که آیا پسرش اسحق را قربان خواهد کرد یا نه (پیدایش ۲۲: ۱-۱۹ را ببینید) در مسیحیت بعلاوه کار عیسی در معبد این اعتقاد هست که در دوره امپراتوری روم شرقی آن نقطه که بعد ها گنبد ساخته شد جایی بود که مادر کنستانتین کلیسای کوچکی ساخت که به آن کلیسای سایروس (کوروش) قدیس و یوحنا قدیس نام داد بعد ها آن کلیسا توسعه یافت و کلیسای حکمت مقدس نام گرفت.



قبة الصخره ؛ اورشلیم

- **کشمیر:** مرکز درگیری ها بین هند و پاکستان و چین هست. مناقشات ارضی سبب جنگهای زیاد و مسابقه تسلیحات اتمی بین هند و پاکستان شده است.
- **اندونزی:** قدرت اسلام بطور روزافزونی از ۱۹۹۰ مورد استفاده قرار گرفته. مسلمانان کاهش تأثیر مسیحیت را در رأس اهداف خود قرار داده اند. آزار رساندن به مسیحیان از جمله خشونت های علنی رو به افزایش هست.
- **بدگمانی شیعه و سنی نسبت به هم:** جنگ هشت ساله بین ایران و عراق در ۱۹۸۰ و درگیری علنی بین این دو گروه در عراق بعد از صدام حسین سبب مصیبت های بیشماری شده. میلیونها نفر جان خود را از دست داده اند و تقریباً هیچ خانواده ای نیست که از این جنگ خاتمان سوز آسیب ندیده باشند.
- **کرد ها:** ۲۷ میلیون مردم آواره که کشوری برای خود ندارند. اقلیت سرکشی که احتمالاً سبب مشکلاتی خواهند شد – عمدتاً در ترکیه، عراق و ایران.
- **هندوستان:** تعداد مسلمانان ۱۴۰ میلیون نفر هست که به این ترتیب این کشور دومین کشور بزرگ مسلمان هست. اما مسلمانان در هندوستان تحت فشار هندو ها هستند که اکثریت این کشور را تشکیل میدهند (مسلمان ها ۱۲٫۵٪ هندو ها ۸۰٪ و مسیحیان ۲٫۵٪)
- **چین:** تأثیر رو به رشد اسلام و مواجهه با دیگر ادیان را تجربه میکند. بسیاری از مسلمانانی که به چین مهاجرت کرده بودند شروع به تأثیر اقتصادی عظیمی بر آن کشور کرده اند. دوران حکومت خاندان مینگ (۱۳۶۸ – ۱۶۴۴ م.ی) عمدتاً به عنوان عصر طلایی اسلام در چین محسوب شده، مسلمانان به تدریج به جامعه ها ن یا خان می پیوندند. مسلمانان ادعا میکنند که تا سال ۲۰۰۰ حدود ۳۳۰۰۰ مسجد در جمهوری خلق چین بوده.

اسلام در آسیا وقتی قانون شریعت جای قوانین موجود کشور را گرفته به جای بردباری و سعه صدر با مردم به سبزه جوی پرداخته نمونه اش کشورهایی مثل افغانستان، ایران ، پاکستان برونی و مالدیو هستند. در دیگر مناطق مثل اندونزی و مالزی مسلمانان فشار می آورند که علیرغم وجود جمعیت زیاد غیر مسلمانان، قوانین شریعت تدوین شود. در سال ۲۰۰۰ مسلمانان در ۲۷ کشور حائز اکثریت بوده اند. در بسیاری از کشور ها سطح آزار و ادیت به مسیحیان و دیگر اقلیت ها بطرز غم انگیزی رو به افزایش هست. در حالیکه مسلمانان در غرب از حقوق مذهبی برخوردار میشوند.

ظلم و جفا بر اقلیت های مذهبی توسط عوامل افراطی مسلمان در بعضی کشورهای اسلامی آسیا و خاور میانه به طرز وحشتناکی ادامه دارد. مسیحیان مخصوصاً کارگران خارجی در فیلیپین با آزار و ارباب مواجه هستند. در عربستان سعودی و دیگر کشورهای اسلامی هر نوع تلاشی برای برگرداندن یک مسلمان به ایمانی دیگر محکومیت جزائی در پی خواهد داشت. پرستش مذهبی غیر مسلمانان در ملا عام

یک جرم تلقی میشود. عربستان سعودی قبل از پیدایش اسلام در ۶۲۲ م. ی. جمعیت مسیحی زیادی داشته. هیچ مسیحی یا هیچ غیر مسلمانی اجازه پا گذاشتن به شهر مقدس مکه و مدینه را ندارد.



مسجدی در بیروت

همه ساله بیش از دو میلیون نفر مراسم حج یا زیارت را در این شهر ها به جا میاورند. عربستان سعودی یکی از بد سابقه ترین کشور های جهان در زمینه آزادی ادیان میباشد. گرچه جامعه آن شکافی عمیق دارد تا جایی که رهبران مسن آن بطور فزاینده ای با این مشکل روبرو هستند که چگونه حکومت کنند که از سوئی لیبرال ها و آزادی خواهان و از سوی دیگر افراطیون اسلام گرا را راضی نگهدارند. تلاشهای گسترده ای برای تبلیغ اسلام در کشور های دیگر از سوی این کشور در جریان هست. حجم عظیم منابع مالی برای تبلیغ اسلام در سراسر دنیا با ساختن مساجد، فرستادن مبلغین، انتشارات، و برنامه های رادیو تلویزیونی، سایت های اینترنتی و غیره اختصاص می یابد. پادشاهی سعودی بزرگترین پشتیبان مالی تشکیلات چاپ قران در دنیا هست^{۴۸}.

۲) آفریقا

بعد از نخستین فتوحات در آفریقای شمالی، اسلام در قرن ۸م در سواحل شرق آفریقا با گفتگو های مداوم بین مردم سواحل و بازرگانیانی که از خلیج فارس و عمان میآمدند، کم کم پا گرفت. اسلام در نخستین قرنهای شکل گیری در آفریقا، با جنبش های انقلابی و برخورد های قبیله ای و شکست دادن همدیگر پیشینه ای فعال و متلاطم داشت. کسب قدرت به راههای امن بازرگانی بستگی داشت که به معادن طلا در آفریقای زیر صحرا یا آفریقای سیاه منتهی میشد. حاکمان اسلامی قدرت خود را تا شمال و جنوب آفریقا گسترش دادند. اما اسلام آفریقای زیر صحرا تحت نفوذ آئین برادری و مخلوط با اعمال خرافاتی بدوی بود. در اواخر قرن ۱۱م اسلام دنیای مدیترانه را احاطه کرد. از قرن ۱۶م تا قرن ۱۹م اکثر مناطق مغرب^{۴۹} تحت حاکمیت عثمان بود. تا سال ۱۸۸۰ اسلام در بسیاری از کشور های مجاور قاره ریشه کرده بود.

این سایت را ببینید. www.qurancomlex.org

۴۸ مغرب نام منطقه ای در آفریقا هست که معنی آن محل غروب آفتاب هست یا غرب، که در شمال صحرا و غرب رود نیل واقع شده. و مقابل رشته کوه های اطلس قرار گرفته. به لحاظ جغرافیائی مغرب به مجموعه کشورهای آفریقایی مراکش، الجزایر، تونس، لیبی، سرزمین صحرای غربی و گاهی موریتانی اطلاق میشود. که در آفریقای غربی قرار دارد.

بین سال های ۱۹۵۶ تا ۱۹۹۴ تمامی کشور های افریقا از قدرتهای مستعمره مستقل شده بودند. بیش از ۱۷٪ از جمعیت افریقا از نژاد عرب هستند. مناطقی که مسلمانان و مسیحیان در کنار هم زندگی میکردند از سنگال شروع و از ساحل تا اتیوپی و در امتداد کرانه اقیانوس هند افریقا پیش میرود. بالا بودن برخورد های گسترده به این جهت هست که جنبش های سلطه طلب اسلامی و مبشرین مسیحی افریقا میخواهند از بین جامعه مسلمانان کسانی را جذب کنند. در سودان و نیجریه این سبب جنگ یا خشونت های زیادی شده. دیگر کشور ها از جمله گینه بیسائو، ساحل عاج، و چاد در آینده در معرض خطر و مشکلات هستند. آزار و اذیت مسیحیان در کشورهایی مثل مصر، سودان، و نیجریه شمالی و مجمع الجزایر قُمر افزایش یافته. جنبش خشونت طلب اسلامی عمیقاً این قاره را از الجزیره در شمال افریقای جنوبی گرفته تا جنوب تحت تأثیر قرار داده. جنگ چریکی تلخ گریلا ها در الجزیره، حملات تروریستی در کنیا بر علیه مسیحیان در شمال نیجریه از شواهد بارز این امر هستند.

مسلمانان پیوسته از مذهب سنتی خود در کشور های غرب غنا و سراسر ساحل، تبدیل میشوند و به مسیح ایمان می آورند. همین اواخر، مبلغین اسلامی سعی کرده اند حوزه تبلیغ خود را تقریباً به هر کشوری در افریقا گسترش دهند. با استفاده از منابع نفتی، در زمینه های تعلیم و تربیت، پروژه های امداد رسانی، و اهداء، مبلغین کارآزموده سعی دارند به اسلام در حیات سیاسی افریقا نقشی بدهند و در این راه بعضاً موفقیت‌هایی هم داشته اند. اسلام بعضی سنت های ارزشی افریقا را تحمل میکند. مثلاً اجازه میدهند یک مرد بیش از یک زن داشته باشد (همان چیزی که قران هم اجازه میدهد)، به این ترتیب روی آوردن به اسلام آسانتر و خوشایند تر از گرویدن به مسیحیت هست.

مسلمانانی که در قرن ۱۷م به افریقای جنوبی آمدند، در ابتدا به عنوان برده یا تبعیدی های سیاسی استعمار گران هلندی آورده شدند. در نتیجه حال و هوای سیاسی افریقای جنوبی در دوره آپارتاید، بسیاری از افریقائی های سیاه به دنبال مذهب دیگری میگشتند. از آنجائیکه حکومت حاکم اغلب با عنوان مسیحیان سفید شناخته میشدند، واقعیت نژادپرستی در افریقای جنوبی واکنشی بود در برابر بوجود آمدن تصویری منفی از ایمان مسیحی در اذهان بسیاری از سیاه پوستان. و این سبب شد که علاقمندی به اسلام به عنوان مذهب در مردم سیاه رشد کند. مردم افریقا به عیسی به عنوان بنیان گذار تبعیض نژادی نگاه میکردند، نه به عنوان کسی که مُرد تا دیوار جدائی بین مردم را در هم شکنند. مسلمانان از این فرصت استفاده کردند و اسلام را نه تنها در افریقای جنوبی بلکه در تمام دنیا به عنوان مذهبی ارتقا دادند که بر اساس حقوق برابر و عدالت بنا شده. امروزه مسلمانان سیاه زیادی وجود دارند که از مسیحیت سنتی به اسلام گرویده اند، مخصوصاً در سوئوتو و همچنین دیگر مناطق^{۵۰}. در ۱۹۵۷ احمد دیدات (مرکز بین المللی تبلیغات اسلامی) را در دوربان بنا نهاد و شروع به انتشار کتابها و ویدئو هایی در سطح جهانی کرد که هدفش استهزاء کتاب مقدس و پیغام کتاب مقدس هست، تا به این وسیله کار مبشرین مسیحی را خنثی نماید.

رشد جمعیت اسلامی در دنیای غرب عمدتاً به دلیل مهاجرت از مستعمرات پیشین قدرتهای بزرگ اروپا و نرخ بالای تولید مثل این مهاجران هست. اما دلیل عمده رخنه مسلمانان در اروپا مهاجرت از شمال افریقا کشورهای مثل الجزیره و از کشور های حوزه بالکان مخصوصاً ترکیه بوده است. اما اکثر این مسلمانان بیشتر اسمی هستند تا مسلمانان متعهد، گرچه بعضی از آنان وقتی وارد دنیای غیر مسلمان اروپا میشوند متعهد و گاهی حتی افراطی میشوند. اسلام همچنین با ازدواج مردان مسلمان با زنان غربی به طور فزاینده ای منتشر میشود. در بیشتر موارد زنان غیر مسلمان و فرزندان آنها مسلمان میشوند و یا وادار به این کار می شوند. بعضی ها هم در غرب به دلیل اعتقادات خودشان مسلمان میشوند. در سال ۲۰۰۰ بیشتر کشورها چندین میلیون مسلمان داشتند: مثلاً فرانسه (۵ میلیون) بریتانیای کبیر و آلمان (هر کدام ۳,۵ میلیون). اسلام دومین گروه مذهبی در فرانسه و بریتانیای کبیر هست. مسلمانان نسبتاً کمتری هستند که بخواهند به کشور اصلی خودشان برگردند و بسیاری از آنها در اروپا ریشه دار شده اند. هیچ آمار موثقی در باره ترکیب مسلمانانی که در اروپا زندگی میکنند در دست نیست. اما یقیناً اکثریت آنها مسلمانان سنی مذهب هستند. تنها اقلیت اندکی مسلمانان شیعه مذهب هستند. جنبش غیر ارتدکس احمدیه^۱ نسبتاً از تعداد بالائی در دنیای غرب در مقایسه با مقیاس جهانی آن برخوردارند. که این در نتیجه آزادی مذهب در دنیای غرب و نیز کار تبلیغاتی فعالانه این گروه نیز هست. صوفی گری به نظر میرسد تأثیر و گسترش فزاینده ای در این قاره دارد. تجربیات نشان میدهد که غربی ها هر روزه بیشتر و بیشتر به این شاخه زاهدانه و مرموز علاقمند و جذب آن میشوند. اما صوفی گری غربی قصد دارد بطور کاملاً نا متعارف با جنبش عصر جدید مخلوط شود. اولین نسل مهاجران جزء طبقات پائین و متوسط در کشور خودشان بودند. آنها اغلب برای کارهای ساده و پست به اروپا آمدند. تحصیلات آنها بسیار پائین تر از غربی ها بود. حتی فراگیری زبان کشور میزبان میتوانست سبب مشکلات بزرگی شود. اما این برای کودکان فرق میکرد که زبان را به راحتی یاد میگرفتند و با فرهنگ کشور میزبان بزرگ میشدند. امروزه نسل دوم و سوم با تحصیلات و اعتماد به نفس بیشتری در اروپا هستند^۲.

از طرفی مسلمانان در اروپا گروههای هم وطنی را تشکیل ندادند بلکه، منشأ، فرهنگ و زبان متفاوتی دارند. انواع مختلفی از نقطه نظرات و رفتارها با توجه به ایمانهای دیده میشود. بعضی ها فقط مراسم مذهبی را در اعیاد مهم اسلامی به جا می آورند و یا در بحرانها به مذهب رو می آورند. برخی احساس می کنند مسلمانی در غرب کار راحتی نیست، با مردمی که اصالتاً مسیحی هستند ولی به روش دنیائی زندگی میکنند و مسیحی به حساب می آیند. مسلمانان از طبقات اجتماعی پائین تر لزوماً مذهبی تر از بقیه نیستند. اما واضح هست که مسلمانان جوان اغلب تعالیم خاص اسلام سنتی را از والدینشان فرا میگیرند. بسیاری از آنان به دنبال نوعی اسلام مدرن و به دور از خرافات می گردند.

مانند بسیاری از مذاهب دیگر طیف اعتقادات مذهبی مسلمانان هم از بنیاد گرایی تا مسلمان ظاهری تغییر میکند و تا حدودی به کشور مبدأ آنها مربوط میشود. آلبانیائی ها که تحت سلطه کمونیستها فرصت کمتری برای پرداختن به اسلام داشتند، بیشتر مسلمانان اسمی هستند.

بخش ۱,۶,۵ را ببینید

۵۱

۵۲

اما مشکلات تازه ای بوجود آمده. مثلاً در فرانسه، تعداد کثیری از مسلمانان نسل دوم و سوم مهاجران شمال افریقا کارگری میکنند که استخدام نشده اند. آنها به خاطر اصلانشان وقتی دنبال کار میگردند با تبعیض مواجه میشوند. این باعث تنش های اجتماعی و قانون شکنی در حومه شهرهای بزرگ محل زندگیشان میشود. بخاطر تجربه طرد شدگی در بسیاری از موارد حتی گاهی از طرف مسیحیان - بطور فزاینده ای به کند و کاو در اسلام میپردازند.

اما مسلمانانی که از محیط های مذهبی سخت گیرانه مثل کشور های (پاکستان و ایران و بنگلادش و غیره) می آیند معمولاً اعتقادات مذهبی عمیق تری دارند. کشور هایی که در آنها اعمال مذهبی با دولت و رژیم حاکم عجین شده اند، مردم درک سیاسی و متفاوتی از مسلمانان کشور های سابقاً کمونیست دارند. ترکیه هم متفاوت هست چون در این کشور دین از سیاست جدا شده. از قرن ۷م به بعد مناطق وسیعی از روسیه اسلامی بوده اند. بعد از فروپاشی اتحاد شوروی این کشور ها از جمله قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان و قرقیزستان کشور های مستقلی شده اند که حالا اسلام دوباره در آنها شکوفا شده.

پیش بینی میشود که اگر روند جاری ادامه پیدا کند، قریب ۲۰٪ از جمعیت روسیه تا سال ۲۰۵۰ مسلمان خواهند شد. روسیه پائین ترین نرخ رشد و بالاترین نرخ مرگ و میر را به خاطر الکلیسم دارد، در حالیکه مسلمانان بالا ترین نرخ تولد را دارند و الکل حرام محسوب میشود. میلیونها نفر مسلمان از قفقاز و آسیای مرکزی در روسیه ساکن شده اند. از سال ۱۹۸۹ جمعیت مسلمان روسیه به حدود ۱۰ میلیون نفر در سال (۲۰۰۰) افزایش یافته. علاقه رو به رشدی در بین اقوام روس منکر خدا نسبت به اسلام بوجود آمده و به نظر میرسد تعداد زیادی به ایمان آمده اند.

۴) اقیانوسیه

تا سال ۱۹۵۰ هیچ مسلمانی در این منطقه از جهان وجود نداشته. از ۱۹۴۷ تا کنون تعداد مسلمانان در استرالیا صد برابر شده و امروزه ۱٪ جمعیت را شامل میشود تقریباً ۲۶۰۰۰۰ از حدود ۷۰ کشور مختلف جهان. اکثر آنان در منطقه سیدنی و ملبورن زندگی میکنند. تعداد کمی از مسلمانان نیز از مستعمرات هلندی و بریتانیایی در آسیای جنوب شرقی برای کار در صنعت مروارید در اواخر قرن ۱۹م و اوایل قرن بیستم در استرالیا استخدام شده اند. تعداد زیادی مهاجر لبنانی، که اکثر آنان مسلمان بودند در سال ۱۹۷۵ به خاطر جنگ های داخلی در لبنان به استرالیا آمدند.

۵) آمریکای شمالی

بین سالهای ۱۹۸۹ و ۱۹۹۸ جمعیت اسلامی در ایالات متحده حدود ۲۵ درصد افزایش یافت. در سال ۲۰۰۵ اسلام با حدود ۴،۷ میلیون نفر پیرو به دومین گروه مذهبی در آمریکا تبدیل شد^{۵۳}. مسلمانانی که به آمریکا مهاجرت میکنند، چشم انداز فرهنگی و مذهبی را عوض میکنند و از تمام آزادیهای موجود که در اختیارشان قرار گرفته استفاده میکنند. اسلام بیشتر پیروان جدید خود را از زندانها و محیط های دانشگاهی به دست می آورد. اکثر آمریکائی ها که به اسلام ایمان می آورند سیاه پوستان هستند. زنان آنگولائی طبق آمار بدست آمده بطرز شگفت انگیزی بیشترین نرخ گرایش به اسلام را در آمریکا داشته اند. مسلمانان تعداد زیادی نهضت و اتحادیه های مختلف دارند: مهاجرین و بومی ها، سنی و شیعه، محافظه کار و لیبرال، شریعت گرا و بدعتی ها. تعداد زیادی مسلمان در بین برده های افریقائی بودند که در قرن های ۱۸م و ۱۹م برای کار در مزارع جنوب آمریکا آمدند که هویت اسلامی خود را خیلی کم حفظ کرده بودند. نخستین گروه مسلمانان بین سالهای ۱۸۷۵ و ۱۹۱۲ از مناطق روستائی لبنان، سوریه، اردن، و فلسطین و اسرائیل امروزی به آمریکا آمدند. این کشور ها در آن دوره تحت حاکمیت امپراتوری عثمانی و به سوریه بزرگ معروف بود. بسیاری از این مهاجران مردان مجردی بودند که در جستجوی کار بودند، و قصد داشتند فقط تا زمانی در آمریکا بمانند که پول کافی برای تشکیل خانواده بدست بیاورند و بعد به کشور خود برگردند. بعضی ها از خدمت سربازی اجباری در ترکیه فرار میکردند. بتدرج آنها در شرق ایالات متحده، در مناطق مرکزی و در امتداد سواحل اقیانوس آرام ساکن شدند. بعد از جنگ جهانی اول، فروپاشی عثمانی موج دوم مهاجرت مسلمانان از خاور میانه را سبب شد. این دوره هم به نوعی حکومت استعماری غربی در خاور میانه با نام تحت الحمایگی بود که بر سرزمین اعراب حکومت میکرد. جنگ چنان ویرانی ای در لبنان به بار آورد که بسیار برای زنده ماندن مجبور به فرار شدند.

^{۵۳} به فرهنگ بریتانیکا کتاب سال نگاه کنید (۱،۵٪ از جمعیت ملی)

تعداد چشمگیری از مسلمانان تصمیم گرفتند به غرب مهاجرت کنند هم به دلایل سیاسی و هم به دلایل اقتصادی. بسیاری به خانواده هایشان که قبلاً به آمریکا رفته و شهروند آنجا شده بودند پیوستند. سومین دوره مشخص از موج مهاجرت ها از سال ۱۹۴۷ تا سال ۱۹۶۰ هست که باز هم مهاجرت فزاینده مسلمانان را میبینیم که از مناطقی دورتر از خاور میانه مثل اروپای شرقی (عمدتاً یوگسلاوی و آلبانی) و اتحاد جماهیر شوروی وارد آمریکا میشوند. تعداد کمی هم از هندوستان و پاکستان بعد از تقسیم شبه قاره در ۱۹۴۷ به ایالات متحده مهاجرت کردند. در حالیکه مهاجران مسلمان اولیه به مناطق روستائی و بعضی مناطق شهری آمریکا وارد میشدند، مهاجران موج سوم تلاش میکردند که در شهر ها ساکن شوند و خانه های خودشان را منحصراً در شهرهای بزرگ مثل نیویورک و شیکاگو میساختند.

چهارمین و نزدیک ترین موج مهاجرت مسلمانان بعد از سال ۱۹۶۵ و در زمانی بود که پوزیدنت لیندن جانسون از قانون مهاجرتی حمایت کرد تا قانون قبلی را که از مدتها پیش ادامه داشت لغو کند. طبق قانون جدید به اقوام مهاجران مقیم آمریکائی که مهارت شغلی مورد نیاز آمریکا را داشتند جهت مهاجرت به آمریکا اولویت قائل میشد. قانون جدید یک کار مهم در تاریخ آمریکا بود، که برای اولین بار از نیمه اول قرن بیستم این امکان را برای همه فراهم میکرد که بدون در نظر گرفتن ملیت بتواند وارد آمریکا شود. بعد از ۱۹۶۵ مهاجرت از اروپای غربی به نحو چشمگیری کاهش پیدا کرد و به همان میزان مهاجرت از خاور میانه و آسیا افزایش یافت. بیش از نیمی از مهاجران این مناطق مسلمان بودند. در بین رویدادهائی سبب شد مهاجرین و پناهندگان به غرب سرازیر شوند، عمده آنها حمله نظامی اسرائیل به کشور های عربی در ۱۹۶۷ و جنگهای داخلی لبنان و پی آمد های آن بود.

انقلاب ایران و به قدرت رسیدن امام خمینی در ۱۹۷۹، و به دنبال آن جنگ فرساینده هشت ساله بین ایران و عراق ایرانیان را به سمت غرب راهی کرد. بسیاری در آمریکا ساکن شدند که تعداد قابل ملاحظه ای از آنان در کالیفرنیا مستقر شدند. برآورد شده که امروزه حدود یک میلیون ایرانی در ایالات متحده ساکن هستند. بعد از اشغال کویت توسط عراق و جنگ خلیج فارس تعداد زیادی از کردها به ایالات متحده آمده اند. همینطور اخیراً به دلیل منازعات سیاسی و جنگهای داخلی مسلمانانی از سومالی، سودان و دیگر ملت های افریقائی، افغانستان و پناهندگان مسلمان از یوگسلاوی سابق به خاطر تسویه حساب های قومی به آمریکا آمدند.

چندین دهه هست که انواع مناقشات در هند و پاکستان بسیاری از مردم شبه قاره را واداشته که در جستجوی مکان آرامتری به غرب بیایند. مخصوصاً انگلستان و ایالات متحده آمریکا مقصد اکثریت آنان بوده. اگرچه پاکستانی ها و هندی ها و بنگلادشی ها بخش کوچکی از مهاجران مسلمانان هستند که در سراسر قرن ۲۰م به آمریکا آمده اند، در چند دهه گذشته رتبه آنها بطور چشمگیری بالا رفته و امروزه احتمالاً تعداد آنها بیش از یک میلیون نفر هست. مسلمانان هندی و پاکستانی که بسیاری از آنها مهارت های شغلی مثل پزشکی و مهندسی دارند، نقش عمده ای در گسترش گروه های سیاسی اسلامی و رهبری جماعت مساجد در آمریکا را ایفا میکنند. امروزه مسلمانان بیشتر از کشور هائی مثل اندونزی و مالزی وارد آمریکا میشوند. بسیاری از این مهاجران تحصیلات عالی دارند و غالباً در جایگاه رهبری اسلام آمریکا قرار دارند.

جمعیت کوچک ولی رو به رشدی از مسلمانان در کانادا وجود دارد. تا ۲۰۰۱ حدود ۵۸۰۰۰۰ مسلمان در کانادا وجود داشت که ۱،۸ درصد از جمعیت کانادا را شامل میشد. اسلام بزرگترین جماعت مذهبی غیر مسیحی در کانادا هست. اولین حضور مسلمانان در کانادا در سرشماری سال ۱۸۷۱ فقط ۱۳ نفر مسلمان در بین جمعیت بود. یک سال پس از جنگ جهانی دوم رشد سریع جمعیت مسلمانان را در کانادا میبینیم، اما در سرشماری سال ۱۹۸۱ آمار هنوز زیر ۱۰۰۰۰۰ نفر بود. پس از حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ بسیاری از مسلمانان، کانادا را به عنوان جایگزینی به جای ایالات متحده که احساسات ضد مسلمانان در آنجا به شدت بالا رفته بود، مورد توجه قرار دادند. این مخصوصاً در مورد دانشجویان بین المللی صدق میکند که به تعداد زیادی بعد از حملات ۱۱ سپتامبر به کانادا آمده اند.

٦) آمریکای لاتین

در ۱۹۰۰ تقریباً تمام جمعیت اسپانیایی زبان کاتولیک ها بودند. در ۲۰۰۰ برآورد شده که مسلمانان برزیل از ۱ میلیون نفر به ۱،۵ میلیون نفر افزایش یافته که این شامل بومی های مسلمان شده هم هست. درصد بزرگی از این جمعیت لبنانی هائی هستند که در زمان جنگ داخلی کشورشان را ترک کرده اند.

تاریخچه مسلمانان در برزیل با آورده شدن بردگان کارگر افریقائی به برزیل آغاز میشود. برزیل ۳۷٪ از تجارت بردگان افریقائی را به خود اختصاص داده بود. بیش از سه میلیون برده به این کشور فرستاده شده بودند. از سال ۱۵۵۰ پرتغالی ها به جای کارگران محلی ، برای کار در مزارع نیشکر به خرید بردگان افریقائی شروع کردند. حاکمان برزیلی به دقت مردان را زیر نظر داشتند و در سالیهای بعد تلاش های شدیدی برای کاتولیک کردن آنها صورت میگرفت تا علاقمندی به اسلام را از حافظه عمومی پاک کند. بعد از جذب اجباری مسلمانان برزیلی افریقائی به مسیحیت، دومین دوره اسلام در برزیل در نتیجه مهاجرت مسلمانان از خاور میانه و آسیای شرقی شروع شد. از حدود یازده میلیون مهاجر سوری و لبنانی که در سراسر برزیل زندگی می کنند فقط ده درصد مسلمان هستند در حالیکه اکثریت بقیه آنها ادعا میکنند که کاتولیک هستند. بزرگترین اجتماع مسلمانان در ناحیه سائوپائولو بزرگترین شهر برزیل هست که گفته میشود حدود ۵۰۰۰۰۰ مسلمان در آنجا زندگی میکنند.

آرژانتین هم محل زندگی جمعیت کثیری از مسلمانان آمریکای لاتین هست. در طی قرن گذشته آرژانتین مرکز مهاجرت برای بسیاری از اعراب بوده که برخی از آنان مسلمان بودند. دیگر مسلمانان آرژانتین عبارتند از: مهاجرین شبه قاره هند و مسلمان شده های اخیر آرژانتینی. برآورد های امروزی از جمعیت مسلمانان در آرژانتین حاکی از آنست که حدود نیم میلیون مسلمان در آرژانتین زندگی میکنند. مسجد بزرگی در بونوس آیرس هست که در ۱۹۸۹ ساخته شده اما مساجد بیشمار کوچک دیگری هم هستند که در مناطق مختلف کشور قرار دارند. مرکز فرهنگی اسلامی شاه فهد بزرگترین پروژه اسلامی در آمریکای لاتین هست که کار ساختمان آن در ۱۹۹۶ با کمک های نیابتی دو مسجد مقدس در قطعه زمینی به مساحت ۲۰۰۰ متر مربع به پایان رسید. کل زمینی که از طرف دولت آرژانتین به این منظور اهدا شده معادل ۳۴۰۰۰ متر مربع هست که به دنبال دیدار پرنس دنت کارلوس منعم از عربستان در ۱۹۹۲ ، توسط وی اهدا شد.

سئوالات

- چرا محمد در ابتدا مطمئن نبود که وحی از چه منبعی به او می آید؟
- چرا الله مشخص نکرد که بعد از محمد چه کسی جانشین خواهد شد؟
- چه لزومی داشت که محمد و پیروان او ارتش عظیمی فراهم کنند و باکسانی که به آنها بی ایمانان میگفتند بجنگند و آنان را بقتل برسانند؟
- چرا مسلمانان به فرمان محمد آنهمه یهودی را در مدینه بقتل رساندند؟
- چنانچه مسلمانان ادعا میکنند که محمد آخرین پیامبر بوده، چرا محمد قادر نبوده صلحی پایدار بین مسلمانان، یهودیان و مسیحیان در جهان ایجاد کند؟
- چرا محمد با غیر مسلمانان با مساوات رفتار نمیکرد و بر عکس آنها را به عنوان شهروندان درجه دو به حساب می آورد (در موقعیت دمی)
- چرا بسیاری از مسلمانان از کشور زادگاهشان به کشور های غربی مهاجرت میکنند؟
- چرا شما مسلمان هستید؟ آیا مسلمان به دنیا آمدید یا به اسلام ایمان آوردید؟
- معنی مسلمان بودن چی هست؟
- در باره کسانی که مذاهب دیگر اسلام را پیروی میکنند چی فکر میکنید؟

۱,۲,۱ منابع

اسلام بر قرآن، بنا شده که مسلمانان معتقدند که از جانب الله وحی شده. پیغام توسط فرشته ای به نام جبرئیل بر محمد نازل شده. به اعتقاد مسلمانان قرآن کلمه به کلمه از جانب الله وحی شده و مصون از هر تأثیر انسانی بوده. به بسیاری از واژه های الهیاتی و رویداد ها در قرآن اشاره شده و همچنین سنت^{۵۶} هایی که پیش از اسلام در شبه جزیره عربستان وجود داشته نیز در قرآن وجود دارد. اینها به عنوان مثال عبارتند از:

- از سنت های اعراب بت پرست: الله، کعبه، حج، (زیارت)
- از تلموذ^{۵۸} و عهد قدیم: قبله، (سمت پرستش مسلمانان در ابتدا به سوی اورشلیم بود سورة ۱۴۲:۲ - ۱۴۴) داستانهای در مورد ابراهیم، امتناع شیطان از پرستش آدم، قائن و هابیل، یوسف، ملاقات ملکه سبا، هفت آسمان و شش دوزخ. داستانهای در باره موسی، داود و سلیمان^{۵۹} همگی بطور فاحشی تحریف شده اند.



^{۵۴} قرآن یعنی خواندن، یا ازبر خواندن، نطق کردن. (برای اطلاعات بیشتر به کتاب اسلام شناسی گیب و کرامرس ۲۷۳:۱۹۵۳) نگاه کنید. این لغت در اصل عربی نیست و کلمه ای سوری و واژه ای مسیحی هست به معنای قرانت و یا قطعه منتخب (متن مربوط به الهیات که باید خوانده شود). دیدگاه غالب در بین اولیای مسلمین این بوده که قرآن کلمه ای (اسم) هست که از واژه قرأ به معنی او خواند گرفته شده.

^{۵۵} در این مورد گیل کرایست (۱۹۹۵) را هم ببینید.

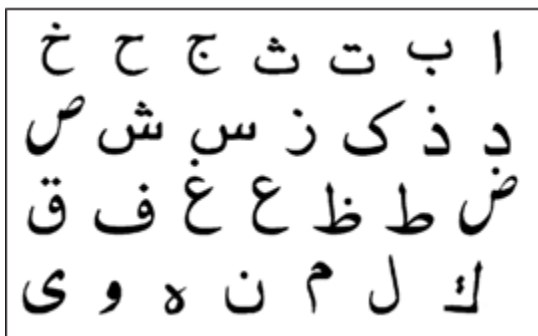
^{۵۶} به این درک از وحی "تنزیل" گفته میشود. کلمه عربی ای که برای پائین فرستادن استفاده میشود. یا وحی دیکته شده از طرف الله.

^{۵۷} سنت در بخش ۱,۲ توضیح داده خواهد شد.

^{۵۸} تلموذ به مباحثات ثبت شده عبری در باره شریعت یهود در مورد اخلاق، عادات و تاریخ گفته میشود.

^{۵۹} بیش از ۶۰٪ از قرآن از کتاب مقدس اقتباس شده اما به طرز فاحشی تحریف شده است. به جای نقل مستقیم شباهتهای بی قاعده ای وجود دارد: سورة ۲۹:۴۸ مشابه مرقس ۲۶:۴ - ۲۸ (مثل بذر ها) سورة ۴۴:۵ - ۴۵ مشابه خروج ۲۳:۲۱ - ۲۵ (قانون خویشاوندان) سورة ۱۰۵:۲۱ مشابه مزمور ۲۹:۳۷.

- از **اناجیل**: تولد عیسی از مریم باکره، یحیی تعمید دهنده، معجزات عیسی مسیح، صعود عیسی به آسمان.
- از **نوشته های آپوکریفا در عهد جدید**: معجزات کودکی عیسی، غار اصحاب کف،
- از **منابع شرقی**: بهشت به عنوان جای عیش و خوش گذرانی، ترازوی عدالت، پل صراط که بر روی جهنم بر سر راه بهشت قرار دارد (به عنوان سیرت).



الفبای عربی

از آنجائیکه محمد با گروه های مذهبی زیادی ارتباط داشت مجذوب این واژه ها و داستانها شده بود. در بعضی جاها در قرآن داستانها را در شکل تغییر یافته میبینیم. به این دلیل به سختی میتوان گفت که قرآن امروزی بتواند وحی خالص الله باشد. چون بسیاری از محتوای آن از منابع زمان پیش از اسلام برداشته شده به جای اینکه سخنان مستقیم از جانب الله باشد.

۱,۲,۲ منشأ و انتقال

بر اساس روایات اسلامی محمد اولین رویای خود را در سن ۴۰ سالگی در سال (۶۱۰ م.ی) گرفت. تا زمان مرگش در (۶۳۲ م.ی) او رؤیا های دیگری هم دریافت کرد. قرآن به تدریج طی دوره ای ۲۲ ساله توسط جبرئیل فرشته آشکار شد، که معمولاً به دو فقره تقسیم شده:

۱. سالهانی که محمد در مکه بود (۶۱۰ - ۶۲۲ م.ی). در طی این زمان محمد عمدتاً بر علیه بت پرستی و داوری خدا و پاداش عدالت در بهشت و مجازات خدانشناسی در جهنم موعظه میکرد. محمد سعی کرد یهودیان و مسیحیان را قانع کند که رویای او را پشتیبانی و ضمانت کنند.
۲. سالهانی که محمد در مدینه بود (۶۲۲ - ۶۳۲ م.ی). این دوره پایه ریزی و تأیید برتری محمد و تدوین قوانین جوامع اسلامی بود. حالا مسلمانان از قدرت سیاسی کافی برخوردارند، اما یهودیان آنطور که انتظار میرفت تسلیم آنها نمیشوند. در نتیجه درگیری بین آنها شروع میشود.

علمای اسلامی معتقدند که ۸۶ سوره یا باب در مکه نازل شده و ۲۸ سوره در مدینه. در ابتدا سخنان محمد توسط پاراناش حفظ میشد. اما به تدریج بعضی از آنها روی چیزهایی مثل پوست های خشک شده حیوانات، سنگها و برگ نخل ها نوشته شدند. این حدود ۲۳ سال بعد از مرگ محمد بود. در زمان خلیفه سوم عثمان بود که متون قرآنی ترکیب شده تدوین شد. و تمام متون قبل از آن زمان نابود شد.^{۶۰} بسیاری از مسلمانان معتقدند که نسخه موجود عربی المثنی نسخه کاملی هست که گفته میشود بر روی لوح های کهن^{۶۱} در بهشت نگهداشته شده.

۱, ۲, ۳ محتویات و موضوعات مهم

قران برای مسلمانان کتاب قابل پرستش و، آخرین پیام نهائی از جانب الله برای بشریت هست^{۶۲}. نسخه کاملی از اصل آسمانی آن هست که مصون از خطا و تناقض گوئی هست. مسلمانان معتقدند که این کتاب کتابهای مقدس^{۶۳} قبلی را تأیید میکند و جایگزین آنها میشود. قران به شدت تاریخ دنیا را تحت تأثیر قرار داده و فرهنگ اسلامی را شکل داده. این کتاب منبع ایمان، تفکرات و قانون در اسلام هست، اندیشه مسلمانان را تحت تأثیر قرار داده و زیر بنائی برای جوامع اسلامی هست. در نظر مسلمانان قران در نسخه اصلی عربی آن کلام مستقیم الله هست. مسلمانان شریعت گرا معتقدند که قران نمیتواند بطور شایسته به زبانهای دیگر ترجمه بشود بلکه باید خوانده شود و قلباً آموخته شود و فقط باید به عربی خوانده شود^{۶۴}. هزاران نفر از مسلمانان قران را حفظ کرده اند، که به آنان حافظ قران میگویند. گفته میشود که از بر خوانی قران برکات و منفعتی به همراه دارد. بنابر این حفظ کردن قران به زبان عربی مهم تر از درک آن هست.

^{۶۰} به مصاحیف ابن ابی داود و به حدیث صحیح بخاری جلد ۶ ص ۴۷۹ نگاه کنید. در تألیف قران همینطور به جفری (۱۹۷۵) و گیل کرایست (۱۹۸۹) و بخاری جلد ۴ باب ۳۶۱ (۳) آیه ۵۰۹، ص ۴۷۷ - ۴۷۸ و مشکوة جلد ۳ ص ۷۰۸ نگاه کنید.

^{۶۱} به این لوح ها لوح زرین نیز گفته میشود.

^{۶۲} قران برای مسلمین همان حکمی را دارد که عیسی برای مسیحیان دارد. یعنی آخرین مکاشفه کامل خدا (به عبرانیان ۲: ۱ نگاه کنید).

^{۶۳} بخش های ۱, ۵, ۶ را برای کتابهایی که در قران اشاره شده ببینید.

^{۶۴} برخلاف نظر تعالیم اسلام تند رو، مسلمانان روشنفکر قران را به چندین زبان دنیا ترجمه کرده اند.

سوره ۱ الفاتحه به زبان عربی و فارسی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ①
 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ ② الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ ③
 مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ ④ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ ⑤
 نَسْتَعِينُ ⑥ أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ ⑦
 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ ⑧
 عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ ⑨

۱. به نام خداوند رحمتگر مهربان
۲. ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان
۳. رحمتگر مهربان
۴. [و] خداوند روز جزاست
۵. [بار الها] تنها تو را می‌پرستیم و تنها از تو یاری می‌جویم
۶. ما را به راه راست هدایت فرما
۷. راه آنان که گرامی‌شان داشته‌ای نه [راه] مغضوبان و نه [راه] گمراهان

بسیاری از بابهای قرآن که گفته میشود در زمانیکه محمد در مکه بوده به او نازل شده به شیوه شعر نوشته شده و اغلب به عنوان صحبت های مستقیم الله هست. که به ۱۱۴ سوره یا باب تقسیم شده. این ها به ترتیب تاریخ زمانی تنظیم نشده بلکه به ترتیب طول بابها تنظیم شده به استثنای سوره اول الفاتحه که بسیار مهم تلقی شده و بخشی از نماز واجب روزانه هست که باید ۱۷ بار در هر روز از بر خوانده شود. به لحاظ طول قرآن کمی کوتاهتر از عهد جدید هست. غیر مسلمانان خواندن و درک قرآن را بسیار سخت میدانند. با اینحال خواندن و آشنائی با شیوه و محتویات آن سودمند هست. بخش های مهم عبارتند از:

- حکمرانی، جلال و یگانگی الله سوره ۲: ۲۵۵
- زیباترین اسامی الله سوره ۵۹: ۲۲ - ۲۴
- آفرینش، سوره ۳: ۱۸۹ - ۱۹۱، ۱۳: ۲ - ۴، ۳۱: ۱۰ - ۱۱، ۳۲: ۴ - ۹
- بهشت و جهنم سوره های ۲: ۱۴ - ۲۵، ۳۸: ۴۹ - ۶۰، ۴۴: ۴۷ - ۵۷
- انبیاء سوره ۲: ۱۲۴ - ۱۳۴

در کنار این بابها یک باب کامل هم باید خوانده شود مثلاً سوره ۲ (البقره به معنی گاو) ۱۰. قرآن در مسائل شرعی وارد جزئیات نمیشود، گاهی به موضوعی کوتاه و خلاصه اشاره میکند. در کنار محدود افراد عرب به برخی از شخصیتهای مهم کتاب مقدس نیز در قرآن اشاره شده از جمله نوح، ابراهیم، موسی، داود سلیمان، زکریا، یحیی، عیسی و مریم^{۱۱}.

هر سوره یا (هر باب از قرآن) با کلمه یا نامی که در یک آیه (بخشی) از سوره، به آن اشاره شده نامگذاری شده است. جالب هست که بدانید مریم تنها زنی هست که در قرآن با اسم به او اشاره شده است.

۴، ۲، ۱ مشکل نسخ

فقه اسلامی همینطور نظریه نسخ یا بطلان^{۶۸} را هم تعلیم میدهد، آیت‌هایی که قبلاً در قرآن آمده اند با آیات متأخر باطل میشوند^{۶۹}: مَا نَنْسَخْ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (هر حکمی را نسخ کنیم یا آن را به [دست] فراموشی بسپاریم بهتر از آن یا ماندنش را می‌آوریم مگر ندانستی که خدا بر هر کاری تواناست؟) (سوره ۲: ۱۰۶)

این اصل اغلب بعنوان ارزش و برتری قرآن نسبت به مکاشفات دیگر پیامبران کتاب مقدس تلقی میشود. تعداد کمی از مسلمانان از این آگاهی دارند که این اصل دلالت بر تناقضات قرآن دارد. تعداد آیات نسخ شده نامشخص هست. یکی از محققان اسلامی جلال الدین رقیمی بیش از ۵۰۰ را ذکر میکند.^{۷۰} امروزه محققان مختلف حداکثر ۲۴۰ و حد اقل ۶ آیه نسخ شده را تعیین کرده اند. یکی از مهمترین نسخ‌ها برگرداندن سمت قبله از اورشلیم به مکه بوده (سوره ۲: ۱۴۲ - ۱۴۴) قوانین خویشاوندی، ارث، مجازات زنا و بسیاری دیگر. مشکل اینجاست که در بسیاری موارد هم آیات منسوخ و هم آیات جایگزین که به آنها ناسخ میگویند در فاصله معینی در قرآن وجود دارند و بطور نامشخص مانده اند و معلوم نیست کدام معتبر و کدام باطل شده هست. باید به این هم توجه شود آیه ای که جهاد را در خلال ماههای مقدس منع میکند (سوره ۹: ۵) با بیش از ۱۲۴ آیه دیگر نسخ شده.

از این گذشته نظریه نسخ مغایر با این هست که قرآن کلام الله (یا کلام وحی) هست، و نمیتواند عوض شود به سوره (۶: ۳۴؛ ۱۰: ۶۴ نگاه کنید). باید این سؤال را مطرح کرد که چرا خدا در فاصله زمانی کوتاهی لازم دید که بخشی از مکاشفه الهی خودش را با چیز بهتری عوض کند. شرایط حاکی از آن هست که عوض نشده.

۵، ۲، ۱ آیات شیطانی

بعضی از احادیث حاکی از آن است که محمد مایل بود که مردم مکه به اسلام ایمان بیاورند (که نهایتاً اقوام و همسایگان او بودند). برای اینکه پیغامش را خوش آیند تر بکند، سوره النجم (سوره ۵۳) را خواند که توسط جبرئیل بر او نازل نشده بود. شیطان او را وسوسه کرد که آیات بعد از ۱۹ و ۲۰ را بر زبان بیاورد (به من خبر دهید از لات و عزی و منات آن سومین دیگر [این بتان] جز نامهایی بیش نیستند که شما و پدرانتان نامگذاری کرده‌اید [و] خدا بر [حقانیت] آنها هیچ دلیلی نفرستاده است [آنان] جز گمان و آنچه را که دلخواهشان است پیروی نمی‌کنند با آنکه قطعاً از جانب پروردگارشان هدایت برایشان آمده است.) اینها بت‌هایی هستند که گرامی داشته میشدند و امید میرفت برایشان شفاعت کنند.

لات و عزی و منات سه الهه‌ای بودند که مکّیان میپرستیدند. غرائیق در ادبیات اسلامی اشاره به ماجرای دارد که بر اساس برخی منابع مانند تاریخ طبری، محمد پیامبر اسلام در دوران زندگی در مکه در حال خواندن سوره نجم بود که شیطان دو آیه کوتاه در دهان وی قرار داد و سپس توسط جبرئیل از وحی نبودن این آیات و شیطانی بودن آن مطلع شد. دلیل این ادعا این هست که محمد از یکتاپرستی سازش ناپذیر خود با گفتن اینکه این الهه‌ها واقعی بودند و نقش شفیع داشتند عدول میکند.

^{۶۷} فقه فتوی اسلام یا الهیات متعصبانه است (هیوز ۱۹۸۲: ۱۲۸) را ببینید.

^{۶۸} نسخ یک واژه تکنیکی به معنی بی اعتبار کردن، رد کردن و لغو کردن هست.

^{۶۹} سوره های ۱۰۱: ۱۶؛ ۱۷: ۸۶؛ ۲۲: ۵۲ را نیز ببینید کلمه عربی منسوخ (آیه باطل شده ای هست

که جایگزین شده) و ناسخ (آیه ای هست که آیه قبلی را لغو کرده)

^{۷۰} هیوز (۱۹۸۲: ۵۲۰) را ببینید که در آن لیستی از ۲۰ آیه داده شده که جایگزین شده اند.

به قول الطبری^{۷۱} یکی از مورخین اسلامی مکه از شنیدن این خبر غرق در شادی شد و دست از آزار محمد و پیروانش برداشت. و حتی به آئین سجده آنها پیوستند. مسلمانانی که به حبشه^{۷۲} فرار کرده بودند وقتی این را شنیدند شروع به بازگشت کردند. گفته شده که جبرئیل بعد به نزد محمد آمده و او را بخاطر تحریف کلام الهی توبیخ کرده، که در آن نقطه الله سوره ۵۲:۲۲ را برای تسلی پیامبر فرستاده و به او یادآوری کرده که او هم فرقی از پیامبران پیش از خود ندارد که توسط شیطان وسوسه شده اند. با این حال الله او را مطمئن میسازد که چیزی را که شیطان به او القاء کرده باطل میکند، که این عمل با آشکار کردن آیات ۲۱:۵۳ - ۲۶ انجام میشود آیاتی که الهه ها تحقیر میشوند. محمد به حرف اولش بر میگردد و آزار مکان دوباره شروع میشود.

سلمان رشدی در ۱۹۸۸ داستانی منتشر کرد به نام آیات شیطانی که از زندگی محمد الهام گرفته بود و از کندو کاوی در قران که این اسحق در زندگی نامه محمد شرح داده بهره گرفته بود (این کتاب قدیمترین زندگی نامه محمد هست) انتشار این کتاب سبب مشکلات جدی ای بر علیه ناشر آن شد. چنانچه بسیاری از رهبران اسلامی اصرار داشتند که این حاوی مطالب کفر آمیز هست (که در واقع همینطور هم بود). آیت الله روح الله خمینی رهبر قدرتمند شیعیان ایران فتوایی (حکمی قضائی) صادر کرد که همه مسلمانان را به قتل سلمان رشدی دعوت کرد و اعلام کرد که این یک وظیفه شرعی برای هر مسلمان هست و کشتن او واجب هست. با وجود اینکه حتی کتاب را نخوانده بود. در ۱۴ فوریه ۱۹۸۹ آیت الله این پیغام را از رادیوی ایران فرستاد: به اطلاع مسلمانان گرامی تمام دنیا میرسانم که نویسنده کتاب آیات شیطانی که این کتاب را بر ضد اسلام، و پیامبر و قران نوشته و تمام کسانی که دست اندر کار انتشار آن بودند و از متن آن مطلع بودند محکوم به مرگ هستند. هندوستان نخستین کشوری بود که کتاب را ممنوع کرد.

کتاب رشدی نقل دوباره و تبدیل شده ای از کتاب زندگی محمد بنام پیامبر یا محوند به معنی شیطان مجسم در مکه (در داستان جاهلیت). در مرکز داستان به آیات شیطانی اشاره شده که در آنها پیامبر اول وحی ای را به نفع الهه های پیش از اسلام در مکه اعلام میکند، تا اینکه جمعیت را آرام کند و بر آنها پیروز شود، اما بعد ها اعلام میشود که این مکاشفه خطا و فریب شیطان بوده. داستان همینطور دو نفر از مخالفان ساختگی پیامبر را نشان میدهد: کاهنه ای کافر و شیطانی، به نام هند و یک شاعر هزل گوی بد دهن به نام بعل. وقتی پیامبر با پیروزی به مکه بر میگردد، بعل در آنجا فاحشه خانه ای زیر زمینی دایر کرده جاییکه به زنان فاحشه هویت زنان پیامبر داده شده، در ضمن یکی از یاران پیامبر که بخشعانی از قران را که پیامبر برایش خوانده کنار هم قرار میدهد و ادعا میکند در اعتبار پیامبر شک دارد.

^{۷۱} الطبری در سال ۸۲۹ در طبرستان ایران متولد شد و در ۹۲۳، در بغداد عراق درگذشت. نام کاملش ابو جعفر محمد بن جریر الطبری هست. محقق اسلامی، مؤلف کتابهای بیشمار تاریخی و تفسیر قران که در خلال قرن ۹م سهم بسزائی در تحکیم مذهب سنی داشت.

^{۷۲} هجرت مسلمانان به حبشه یا اتیوپی امروزی

سؤالات

- چه کسی قرآن را نوشت؟
- قرآن چه زمان و چگونه باز نویسی شد؟
- چرا قرآن به ترتیب تاریخ نزول نوشته نشده؟ (در آنصورت درک آن آسان تر میشد)
- پیغام واقعی قرآن چیست؟ (آدرس سوره و آیات را بپرسید)
- به عنوان یک مسلمان اگر به تعلیم قرآن عمل نکنید چه اتفاقی برایتان می افتد؟
- چرا آیات ضد و نقیض در قرآن هست؟
- چرا خدا خودش به وضوح در کلامش مشخص نکرده کدام آیات منسوخ هست (آیات لغو شده ای که آیه دیگری جایگزینش شده) و کدام آیات ناسخ (آیه ای هست که آیه قبلی را لغو کرده)؟
- چرا خدا این مسئله مشکل را به مسلمانان واگذار کرده؟
- آیا قرآن ابدی هست؟ اگر بله، چطور چیزی که ابدی هست میتواند باطل شود. (قانون نسخ را ببینید)؟
- آیا خدا نمیتوانست نسخه ادیت شده ای را بفرستد که نیاز به قانون نسخ نداشته باشد؟
- نظر شما در مورد آیات شیطانی چیست؟
- چرا مریم مادر عیسی تنها زنی هست که در قرآن اشاره شده؟ چرا به مادر محمد اشاره نشده؟

۱,۳ سنت ها ۷۳

۱,۳,۱ ضرورت

وقتی محمد زنده بود بسیاری از سؤالات مهم با نظر و رأی او حل میشد. گفته شده که این در زمان مناسب بلافاصله بعد از این که مشکل پیش می آمد حل میشد. از آنجائیکه قرار بود محمد آخرین پیامبر الله باشد این رویای نبوتی با مرگ او خاتمه یافت. اما با توسعه جوامع اسلامی عمر به تصمیم گیری های جدید ادامه داد. مخصوصاً در موقع رویارویی با دیگر فرهنگ ها. قرآن اغلب راهکار مشخصی برای اینگونه مسائل ندارد. چنین سؤالاتی چگونه باید پاسخ میگرفت چون محمد دیگر در دسترس نبود که با مکاشفات جدید و با اختیاری که داشت به این سؤالات پاسخ دهد؟ مسلمانان در شرایط زندگی واقعی چطور باید رفتاری اسلامی داشته باشند؟ با این باور که مسلمانان میدانستند که شیوه زندگی پیامبرشان و معاصران مورد تأیید او الگوی آنان هست. این روش زندگی تا جایی که امکان داشت باید تقلید میشد. از آنجائیکه داستانهای زندگی محمد در قرآن وجود ندارد و جمع آوری و یادداشت نشده محققین ضروری میدانند که باید چنین بشود.

مشکل دیگری که اجتماعات اسلامی با آن مواجهند این هست که چگونه باید تفسیر کرد، تفسیر درستی از قرآن. درک بسیاری از متن ها خیلی دشوار هست. متن های دیگر هم باید تفسیر شوند تا در شرایط غیر مشابه قابل استفاده گردند. از آنجائیکه قرآن فقط به یک نفر، به محمد داده شده،

در عربی سنت به معنی (آئین) هست.

این نشان می‌دهد که فقط او صلاحیت تفسیر و توضیح آن را دارد. دومین دلیل مهم برای جمع آوری سخنان و اعمال محمد این بود که به این ترتیب آنها برای آیندگان حفظ میشد.

۱.۳.۲ جمع آوری حدیث

برای حفظ اطلاعات شیوه زندگی محمد، بعد از مرگ او مسلمانان شروع به جمع آوری و یادداشت سخنان و وقایع زندگی او که در قرآن نبود نمودند. این داستانها و وقایع که عمدتاً شفاهی هستند در انگلیسی به اخبار معروف هستند و میتوانند به دو زیر گروه تقسیم شوند، حدیث^{۷۴} (سخنان، داستان) و سنت^{۷۵} (عادت ها و رسوم) امروزه آنها به صورت متن جمع آوری شده در دسترس هستند.

۱. اعمال محمد یا از قلم افتاده ها.
۲. اعمالی که از عده ای از مسلمین یاران محمد در حضور او سر میزده و نتیجه میگیرند که مورد تأیید او بوده.
۳. اعمالی که در حضور محمد توسط شخص ثالث انجام شده که او تأیید کرده یا منع نکرده.

حدیث و سنت شامل اعمال و سخنان نقل شده از محمد و معاصران او هست و معتبر و نافذ دانسته میشود. اما بسیاری از آئین ها از روی مصلحت اندیشی ساخته و پرداخته شده که نظریه خاص یا نظر شخصی کسی را تأمین کند. محققین مسلمان سعی کرده اند سنت های دروغ را از سنتهای معتبر جدا کنند. مسلمانان خیلی زود فهمیدند که بسیاری از سنت ها از محمد و یا اصحاب او نیستند و بنابر این قابل پذیرش نیستند. حدود ۲۰۰ سال بعد از محمد بعضی از محققین سعی کردند آنها را جمع آوری کنند و تلاش کردند تشخیص دهند کدام معتبر و کدام ساختگی هست.

گواهی قابل پذیرش و معتبر بودن سنت ها این ها بودند:

۱. سنت باید با وثوق کامل به زنجیره راویان آن منتسب باشد و مستند بر اعتبار راوی باشد. (اسناد)
۲. هر راوی در زنجیره باید به عنوان شخصی معتبر و مطلع مورد مورد اطمینان پذیرفته شده باشد.
۳. محتویات متن باید در جاهای مختلف آزموده شود و با دیگر سنت ها مغایر نباشد.

از معروفترین محدثین احادیث سنی یکی صحیح بخاری (و.ف به سال ۸۷۰ م.ی) و دیگری مسلم (و.ف به سال ۸۷۵ م.ی) میباشد. بخاری حدود ۶۰۰۰۰۰ حدیث از سخنان و کردار محمد جمع آوری کرد که پس از بررسی فقط ۷۲۰۰ حدیث را معتبر تشخیص داد، در حالیکه تعداد قابل ملاحظه ای از اینها هنوز هم جای سؤال دارد، و منتقدان امروزه حتی به اینها هم مشکوک هستند. در عوض محققین مسلمان سعی کرده اند آنها را تأیید کنند، الهیات اسلامی آنها را به دو دسته "زیبا" و "سالم" یا حتی "ضعیف" تقسیم کرده اند. اهمیت این احادیث به مرور زمان افزایش یافته و برای بسیاری از مسلمانان حتی اهمیتی معادل اهمیت قرآن و نقش راهنما را پیدا کرده.

۷۴

حدیث گزارشی هست مربوط به سخنان و رفتار های محمد. جمع عربی آن احادیث هست. در کاربرد دانشگاهی در زبان انگلیسی حدیث هم به معنی جمع و هم به معنی مفرد به کار میرود. کلمات سنت و حدیث در کتابها شرح متفاوتی دارند اما در زبان بومی معمولاً مترادف و در ارتباط با هم استفاده میشوند. حدیث به شکل مفرد آن در این کتاب به عنوان مجموعه ای از آئین ها یا سنت ها نیز بکار رفته. (به هیوز ۱۹۸۲: ۳۹- ۶۴۵؛ گیب و کرامرس ۱۹۵۳: ۱۱۶- ۱۲۰) نگاه کنید.

۷۵

سنت به معنی راه یا عادت و یا روش نبی هست. کلمه سنت در اسلام سنی به معنی کردار هست، سخنان و موافقت های محمد در طی ۲۳ سال خدمتش. به هرکاری که او در طی خدمتش به عنوان یک نبی و پیامبر الله انجام داد سنت گفته شده که با موافقت یاران محمد که به آنها صحابه میگفتند به دست مسلمانان رسیده است(به هیوز ۱۹۸۲: ۶۲۲) مراجعه کنید.

۱،۳،۳ موضوعات مهمی که حدیث به آنها پرداخته

- احادیث در باره موضوعات مختلف زندگی روزمره صحبت میکند:
- موضوعات مذهبی: دعا، زیارت، روزه، جهاد، تقدیر الهی.
- زندگی خانوادگی: ارث، ازدواج، و طلاق
- مسائل اقتصادی: قراردادهای بازرگانی و بانکداری
- بهداشت فردی: پاکیزگی، اصلاح، استفاده از عطر، مسواک زدن

تعبیر مختلف از حدیث و اختلاف نظر ها در باره جزئیات کاربردی آنها در بین گروه های اسلامی به چشم میخورد. به این سبب به کرات بر سر این مسائل تنش و برخورد پیش آمده.

نمونه هایی از احادیث^{۷۶}

۱) حدیثی مربوط به مرحله شگفت انگیز جمع آوری قرآن:

مالک ابن انس نقل میکند: عثمان به هر کدام از ولایات اسلام نسخه ای از قرآنی را که جمع آوری کرده بودند فرستاد و دستور داد تمام نوشتجات قرآنی دیگر اعم از دستخط های پراکنده یا نسخه کامل سوزانده شوند. (۶: ۷۹؛ ۳، ۵۱۰؛ ۶۱، ۳)

رهبری اسلامی فرمان داده بود، اما این حدیث عمل افراطی انهدام شواهد را نشان میدهد! چه کسی میتواند مطمئن باشد که این اشخاص در آن دوره از تاریخ در یک چهار چوب قطعی و مصون از خطا عمل کرده باشند؟ آسیب پذیری اسلامی برای محققین غربی کاملاً مشهود هست.

۲) حدیث دیگری در مورد گناه و بخشش صحبت میکند:

عایشه نقل میکند: از پیامبر شنیدم و قبل از مرگش به او گوش کردم در حالیکه او به پشت خوابیده بود میگفت: یا الله مرا ببخش و بر من رحمت کن و بگذار اعلی را ببینم (۵: ۵۱۱؛ ۵۹، ۸۱، ۷۱۵).

قرآن در چندین جا اشاره به توبه محمد از گناه میکند.^{۷۷} چنین به نظر میرسد که نجات او در گرو توبه او از گناه بود، طلب بخشش و رحمت الله فورمولی هست که در طی قرن ها اکثر مسلمانان از آن پیروی کرده اند. با اینحال مسلمانان به اتفاق معتقدند و پذیرفته اند که محمد بیگناه بود.

۳) همینطور احادیثی در باره روزه وجود دارد. این یکی جدیت یک روز، از دست دادن روزه را نشان میدهد (گرچه این در بین مسلمانان کاملاً رایج هست).

ابو حریره از پیامبر نقل میکند: هرکسی که یک روز از رمضان را بدون عذر موجه یا به جز بیماری روزه نگیرد، حتی اگر تمام سال را نیز روزه بگیرد جای آن یک روز را پر نمیکند (۳: ۸۸؛ ۳۱، ۲۹، ۱۵۵)

۴) در رابطه با زیارت (حج) حدیث زیر توضیح میدهد چرا مسلمانان سعی دارند حجرالاسود را در مکه ببوسند: صرفاً به خاطر اینکه محمد این کار را کرده:

ابیس ابن رایحه نقل کرده: عمر به نزدیک حجرالاسود آمد و آن را بوسید و گفت: شکی نیست که من میدانم که تو یک سنگی و نه میتوانی به کسی نفعی برسانی و نه ضرری برسانی، اگر ندیده بودم که رسول الله تو را میبوسد تو را نمی بوسیدم (۲: ۳۹۰؛ ۲۶، ۴۹، ۶۶۷).

^{۷۶} این مثالها از کتابی نوشته پارشال (۱۹۹۴) و با استفاده از البخاری برداشت شده نقل قولها به این ترتیب استفاده شده (۶: ۷۹؛ ۳، ۲۱؛ ۵۱۰): شش شماره جلد هست؛ ۴۷۹ شماره صفحه کتاب ۶۱، ۳ فصل و ۵۱۰ شماره سنت هست. این روش نقل قول خواننده را قادر میسازد هر حدیثی را به راحتی پیدا کند مهم نیست که کدام مجموعه البخاری استفاده شده.

^{۷۷} سوره ۴۷: ۱۹؛ ۴۸: ۲ را ببینید.

۵) احادیث زیادی در باب جهاد و خشونت هست. دو دلیل بعدی که چرا پیروان محمد به شدت برای نبرد با غیر مسلمانان هیجان دارند: گزارش شده که خود محمد مردم را می کشته. وقتی کسی این کلام مهیج شدید را می خواند ناخودآگاه جنب این تعهد مذهبی میشود. جنگ و کشتار به عنوان رفتاری مورد علاقه عموم تصویر شده!

ابن عباس نقل کرده: غضب الله بسختی بر کسی میریزد که نبی او را به خاطر الله کشته. غضب الله بسختی بر کسانی میریزد که باعث شدند از صورت نبی خدا خون جاری شود (۲۲۷:۵؛ ۲۳، ۵۹؛ ۴۰۱). هشام نقل کرده: پدرم به من اطلاع داد که عایشه گفته از سعد شنیده که گفته یا الله تو میدانی نزد من چیزی محبوب تر از این نیست که به خاطر تو بجنگم، بر علیه کسانی که به رسول تو ایمان نیاوردند و او را از مکه بیرون کردند (۳۰۹:۵؛ ۲۹، ۵۹؛ ۴۴۸).

۶) در حدیث بعدی محمد روایاتی نبوتی دارد که به روز دآوری مربوط میشود و ملاحظه کرده که بیشتر ساکنان جهنم زنان هستند:

عثمان نقل کرده: نبی گفته: من بر دروازه آتش ایستادم و دیدم که بسیاری از کسانی که وارد آنجا میشوند زنان هستند (۳۶۳:۸؛ ۵۱، ۷۶؛ ۵۵۵).

۷) بهشت در قرآن شرح داده شده و همینطور در بسیاری از احادیث به زبانی بدیع به تصویر کشیده شده، در آنجا اعمال ناپاک جسمانی و بیماری نخواهد بود. طوری نوشته شده که گویا در بهشت فقط مردان خواهند بود و در بهشت از این امتیازات خاص استفاده خواهند کرد. هر مردی دو زن خواهد داشت حدیث دیگر که از بخاری نیست از ۷۲ زن برای هر مرد خبر داده. اینها حوری ها هستند که گفته شده مخلوقات خاص خدا برای لذت مردان مسلمان هستند.

ابو خریره نقل کرده: رسول خدا گفته اولین گروه از مردمان که وارد بهشت خواهند شد مانند ماه تابان خواهند بود و آنانی که به دنبالشان میروند مانند اختران تابانک خواهند درخشید. آنها ادرار نخواهند کرد آب دهان یا خلط بینی نخواهد بود. شانه هایشان از طلا خواهد بود، عرق آنها مانند مشک خواهد بود، در عود سوزشان چوب عود خواهد سوخت. زنانشان حوریان خواهند بود. همه آنان شبیه هم خواهند بود و به شکل پدرشان آدم خواهند بود قدشان شصت ذراع خواهد بود (۳۴۳:۴؛ ۱، ۵۵؛ ۵۴۴).

۸) انواع دیگری از حدیث وجود دارد که که در آنها محمد فرامین خاصی میدهد. یکی از عجیب ترین آنها جایی هست که در آن محمد فرمان داده پیروانش شیر و ادرار شتر بنوشند و به این ترتیب سالم شوند این حدیث بارها در مجموعه بخاری تکرار شده. انس نقل میکند: آب و هوای مدینه با بعضی ها سازگار نیست. از این رو پیامبر به آنها گفت که دنبال چوپانانش و شتر هایش بروند و از شیر و ادرار شتر ها بنوشند. و آنها به دنبال شتران رفته از شیر و ادرار آنها نوشیدند تا اینکه بدنهایشان سالم شد (۳۹۹:۷؛ ۶، ۷۱؛ ۵۹۰).

۹) محمد در اواخر عمرش نسبت به یهودیان و مسیحیان تلخ تر و تلخ تر شد و درست قبل از مرگش آنها را لعنت کرد:

عایشه نقل کرده: وقتی آخرین لحظه عمر رسول الله رسید او پتویش را به صورتش کشید و وقتی احساس گرما و تنگی نفس کرد، آن را از صورتش کنار زد و گفت: خدا یهودیان و مسیحیان را لعنت کند چون آنها پرستشگاه هایشان را در مقبره انبیاء اشان بنا کرده اند. پیامبر داشت آنها را از کاری که آنها کرده بودند برحذر میداشت (۲۵۵:۱؛ ۲۷، ۵۵؛ ۴۲۷).

۴، ۳، ۱ تفاوت بین احادیث سنی و شیعه

گروه های مختلف اسلامی نظرات متفاوتی در باره موثق بودن احادیث مختلف دارند که به نظر میرسد موثق هست و احادیث دیگر را رد میکند. در اینجا عمدتاً از دو گروه بزرگ بطور خلاصه بحث شده:

(۱) **حدیث مورد پذیرش مسلمانان سنی:** شورای حدیث شکل نهائی خود را از سه قرن پس از مرگ محمد اقتباس کرده. بعد ها محققین شاید بر سر موثق بودن حدیث خاصی بحث بکنند. اما تمامیت اقتدار شورا در کل زیر سؤال نمیرفت. ولی در زمانهای اخیر گروهی از محققین و روشنفکران آن اقتدار را که سریعاً رشد میکرد زیر سؤال بردند. این شورا شش محدث و گردآورنده بزرگ را دعوت کرد از جمله:

۱. صحیح بخاری گردآورنده البخاری (و.ف. ۸۷۰) شامل ۷۲۷۵ حدیث
۲. صحیح مسلم گردآوری شده توسط مسلم ابن الحجاج (و.ف. ۸۷۵) شامل ۹۲۰۰ حدیث
۳. سنن ابی داود گردآوری شده توسط ابو داود (و.ف. ۸۸۸)
۴. سنن الترمذی گردآوری شده توسط الترمذی (۸۹۲ و.ف)
۵. سنن الصغری، گردآوری شده توسط النسائی (و.ف. ۹۱۵)
۶. سنن ابن ماجه گردآوری شده توسط ابن ماجه (و.ف. ۸۸۶).

صحیح بخاری و صحیح مسلم معمولاً بعنوان معتبرترین این مجموعه ها شناخته شده اند. بین محققین بحث هایی بر سر این هست که آیا در بین این شش عضو شورا باید ابن ماجه میبود یا الموطای امام مالک.

(۲) **حدیث مورد پذیرش مسلمانان شیعه:** مسلمانان شیعه به احادیثی اعتماد دارند که از نسل پیامبر از نسل فاطمه نقل شده، یا از مسلمانان اولیه که به علی ابن ابی طالب وفادار بودند نقل شده. مسلمانان شیعه به احادیثی که از مسلمانان اولیه نقل شده که با علی دشمنی داشتند اعتماد ندارند. از جمله عایشه بیوه پیامبر که در جنگ جمل با علی مخالفت کرد.

مکاتب مختلفی در اسلام شیعه وجود دارد که هر کدام بر اساس موازین و چهار چوب های خودشان/احادیث را میپذیرند و یا رد میکنند. چهار کتاب برجسته مجموعه احادیث شیعه با عنوان "چهار کتاب یا کتب اربعه" شناخته شده اند^{۷۸}.

سئوالات

- احادیث چگونه گردآوری شدند؟
- چرا برای مسلمانان ضروری هست که در مورد سئوالات ایمانی از احادیث مشورت بگیرند؟ آیا قرآن به اندازه کافی جامع نیست؟
- آیا تنها قرآن یا تنها حدیث و یا هر دو کلام ابدی الله هستند؟
- از کجا میدانید کدام حدیث قابل اعتماد و موثق هست؟
- چه کسی تصمیم میگیرد امروزه از کدام حدیث باید پیروی شود؟
- کدام یک از کتابهای اصلی سنت را پیروی میکنید (بخاری، مسلم، ترمذی...)?
- اگر سنت های ضروری را رعایت نکنید چه اتفاقی میفتد؟

^{۷۸} چهار کتاب (الکتب الاربعه) واژه شیعی هست که به چهار کتاب معروف مجموع احادیث گفته میشود: (۱) کتاب الکافی شیخ کلینی. (۲) من لایحضره الفقیه شیخ صدوق. (۳) تهذیب الاحکام ابوجعفر الطوسی. (۴) الاستبصار فیما اختلف من الاخبار نوشته ابوجعفر الطوسی.

۱, ۴ قوانین اسلامی شریعت

۱, ۴, ۱ منشأ

لغت عربی شریعت راهی را که کسی باید طی کند معین میکند. و معنی لغوی آن راه رسیدن به جایی پر آب هست. آن راهی هست که خود الله توسط محمد نشان داده. محمد بدون اینکه تکلیف رهبری آینده جوامع اسلامی را روشن کند درگذشت. و مجموعه قوانین فراگیری برای حل سؤالات شرعی پیروانش نیز ارائه نکرد. با توسعه امپراتوری اسلامی و گذشت زمان زیادی از مرگ محمد، سؤالات جدیدی در عرصه وظایف شرعی پیدا شد. مسائل قضائی در قران برای تدوین یک نظام شرعی کافی نبود. برای حل این مشکلات مسلمین به مرور زمان این نظریه را پذیرفتند که تمام روش زندگی محمد و رفتار های او (سنت) با الهام الله تعیین شده بود. بنابراین آن سنت ها (حدیث) هائی که مستقیماً به خود محمد نسبت داده شده بود بعنوان واجب پذیرفته شد. به این دلیل سنت ها برای بسیاری از مسلمانان به عنوان وحی الله حتی ارزشی همپای قران پیدا کرد. اگر محمد واقعاً سرمشقی برای جوامع اسلامی هست، شرعاً فقط گفته ها و رفتار او برای همه مسلمانان واجب هست. سنت در آن زمان، به الحاقیه ای برای قران و دومین منبع معتبر برای قوانین اسلامی تبدیل شد.

طی قرن ۱۱م و احتمالاً قرن ۲۰م به خاطر چالش های جدیدی که مسلمانان جهان با آن مواجه شدند سابقه قوانین اسلامی عوض شد. غرب به قدرتی جهانی تبدیل شده بود و بخش وسیعی از دنیا از جمله قلمرو مسلمانان را تحت استعمار درآورده بود. بسیاری از جوامع از کشاورزی به صنعتی تبدیل شده بودند. نظرات اجتماعی و سیاسی جدیدی پیدا شده بود و الگو های اجتماعی به تدریج از طبقاتی به مساوات تغییر کرد. جوامع اسلامی مخصوصاً امپراتوری عثمانی رو به زوال میرفت. فریاد های انقلابی بلند تر میشد. در کشورهای اسلامی قوانین مدون اساسی جایگزین نظرات مذهبی و شرعی میشد. کشور های غربی گاهی با القاء کردن گاهی با اعمال فشار و گاهی به زور کشور های اسلامی را وادار به تغییر قوانین میکردند. جنبش سکولاریته به قوانین نا سالم فشار می آوردند تا جاییکه قوانین شرعی فقط برای راهنمایی در آئین ها، پرستش ها و مسائل روحانی اقتدار مطلق داشت و در بقیه عرصه ها اقتدار خود را از دست داد. جوامع اسلامی به گروه های مختلفی تقسیم شد که واکنش های متفاوتی به تغییرات نشان میدادند:

- **سکولار ها** معتقدند که قوانین کشوری باید بر پایه اصول سکولار بنا شوند نه تئوری های شرعی اسلامی.
- **سنت گراها** معتقدند که قوانین مدنی باید بر اساس سنت های مکاتب تدوین شود. اما نظرات سنتی شرعی از نظر اکثر مسلمانان مدرن مورد قبول واقع نمیشود، مخصوصاً در زمینه هائی مثل حقوق زنان و یا برده داری.
- **اصلاح طلب ها** معتقدند که تئوریهای شرعی اسلامی جدیدی میتواند به شیوه مدرن تدوین و نظرات مورد قبولی در زمینه هائی مثل حقوق زنان ارائه شود.
- **سلفی ها (ارتجاعیون)** معتقدند که مکاتب سنتی غلط هست بنابر این مردود میباشد. آنها سعی دارند از مسلمانان اولیه پیروی کنند.

۱, ۴, ۲ چهار مرجع معتبر

وقتی مشکلاتی بروز میکند که قران و حدیث برایش راه حلی ارائه نمیکند مسلمانان باید چطور تصمیم بگیرند؟ راه برون رفت از این مشکل اصل/جهاد هست (استفاده از استدلال انسانی). قاعده تصمیم گیری یا آئین رفتار حرفه ای بر اساس منابع شریعت (قران و سنت). در نتیجه قیاس و اجماع به سومین و چهارمین روش رسیدن به عدالت هست. در سه قرن بعد از مرگ محمد،

فقه‌های اسلامی^{۷۹} سیستم شرعی جامعی بنا کردند که اصول حقوق الهی از ترکیب سنت ها و اعمال شرعی از آن پدیدار شد. آنها از چهار مبنا تشکیل یافته اند.

۱. **قران:** این اولین منبع و مهمترین مبنائی هست که برای قوانین اسلامی در نظر گرفته شده.
۲. **سنت:** عادات و سخنان پیامبر، که در مجموعه های حدیث قابل دسترسی هست.
۳. **قیاس:** مشکلاتی که اخیراً توسط نتیجه گیری از مقایسه ها با استفاده از قوانین قیاس منطقی و پیروی از موارد شناخته شده، حل شده است.
۴. **اجماع:** اگر هنوز موارد لاینحلی باقی مانده باشد که قران، حدیث، و قیاس نتوانند آنها را حل کنند، توافق جماعت اسلامی نافذ می باشد. در عمل، این (اجماع) به توافق الهیدانان^{۸۰} مسلمان محدود شده است.

این چهار جز اصلی به ترتیب از بالا به پایین، برای پاسخ گویی به تمام سؤال های حقوقی به کار برده می شوند. با این حال در میان الهیدانان آراء متفاوتی در رابطه با تفسیر و کاربرد، به چشم می خورد. مثلاً اهل تسنن، چهار مدرسه حقوقی تأسیس کرده اند. هر مسلمان سنی متعلق به یکی از این مکاتب بوده و پایبند به اصول آن می باشد. نام گذاری مکاتب توسط طلاب و بر اساس تعالیمی است که تحت نظارت فقها دریافت می کنند:

- **حنفی ها:** ترکیه، بالکان، آسیای مرکزی، شبه جزیر هند، چین و مصر.
- **مالکی ها:** شمال آفریقا، غرب آفریقا و بعضی از کشورهای عربی خلیج فارس.
- **شافعی ها:** اندوزی، مالزی، مصر، شرق آفریقا، یمن و قسمت جنوبی هند.
- **حنبلی ها:** عربستان.

این چهار مکتب قوانین مشترک بسیاری دارند، اما تفاوت آن ها مربوط به احادیث خاص می باشد؛ که تا چه میزان آنها را به عنوان حدیثی معتبر قبول دارند و این که در قیاس و استدلال به هنگام تصمیم گیری در مواجهه با سوالات سخت چه ارزشی به آن احادیث می دهند. فرقه جعفری (که در ایران، عراق، لبنان، بحرین، پاکستان و قسمت هایی از افغانستان و عربستان سعودی زندگی می کنند) با اسلام شیعه در ارتباط است. فتواها در این فرقه با لحن جدی تری صادر می شوند، که ناشی از سلسله مراتب ساختار اسلام شیعه می باشد، که توسط امامان صادر می شوند. همچنین این فتوا ها دارای انعطاف پذیری بالایی می باشند، به نحوی که هر فقیهی با توجه به رای خود به طور قابل توجهی قدرت تصمیم گیری در تغییر آن دارد.

۳، ۴، ۱ کاربرد عملی

شریعت تنها شامل دستورات دینی نمی باشد بلکه، برای پذیرش عمومی و درک مشترک اجتماع مناسبند^{۸۱}. در واقع اعمال قوانین شریعت، تنها در کشوری که تحت لوای اسلام اداره می شود، امکان پذیر هست. مسلمانان در غرب از این آگاه هستند و گروه های فشار بر آنند تا با اعمال زور احکام اسلامی را در قالب قوانین غرب ادغام کنند تا شریعت را بعنوان جایگزینی به جای برای تمام مسلمانان این کشورها به اجرا در آورند. در ارتباط با اینها و احکام مربوط به نماز، غذا یا ازدواج و زندگی خانوادگی، آنها هر از گاهی متوجه این مساله می شوند که آنها در غرب اقلیتی در جامعه ای سکولار و غیر اسلامی هستند.

^{۷۹} بنیانگذار این مکتب فقهی فقیه مشهور محمد ابن ادریس الشافعی میباشد (وف به سال ۸۲۰م.ی)

^{۸۰} اگر چه، در اسلام اهل تسنن، باب الاجتهاد (دری که به روی عدالت باز می شود) اعتقاد بر این است که از قرن دهم این در بسته شده است

^{۸۱} تمام احکام اسلامی تقریباً بر اساس الگوهای زندگی عملی روزانه مثل ازدواج، قوانین رژیم غذایی، طرز قرار گرفتن و الگوی نماز خواندن و ... تعیین شده اند. بر طبق آراء اندیشمندان مسلمان، اسلام را می توان به پنج حوزه تقسیم کرد: ایمان (اعتقادات)، اصول اخلاقی (آداب)، تقوا (عبادات)، کار (معاملات)، مجازات (عقوبات). قانون شامل سه مورد آخر می باشد. (همچنین می توانید به هیوز ۱۹۸۲: ۲۸۵-۲۹۲ و گیب و کرامرس ۱۹۵۳: ۵۲۴-۵۲۹ نگاه کنید).

(۱) **اسلام گرایان:** آنها در راهی مجزا و با تلاش در جهت اطاعت از این قوانین، تا حد ممکن، زندگی می کنند. و تا حد امکان از تماس با دنیای غرب احتراز می ورزند (ذهنیت پهلوی). به این نوع اسلام، اسلام رادیکالی، اسلام سیاسی، اسلام گرایی یا اسلام بنیاد گرا نیز می گویند.

(۲) **لیبرال ها:** آنها بر طبق این نظریه زندگی می کنند که، شریعت تنها در مقیاس محدودی در کشور های غیر اسلامی معتبر است. مسلمانان لیبرال تنها قوانینی را انتخاب می کنند که تمایل پیروی از آنها را دارند و قوانینی را که در وضعیت فعلی آنها ناخوشایند به نظر میرسند، پیروی نمی کنند.

(۳) **مدرنیست ها:** بدون هیچ سوالی در مورد جایگاه قرآن و سنت، آنها در تلاشند که تفسیر جدیدی از شریعت به دست آورند. این دیدگاه با توجه به پیشرفت های عصر حاضر و بر اساس اصل اجتهاد در نظر گرفته شده است. مسلمانان مدرن^{۸۲} در توجیه این مسئله استفاده از کامپیوتر را مثال میزنند، در حالی که محمد هیچ گاه کامپیوتر نداشت^{۸۳}.

در اینجا تفاوت های بزرگی را در مورد استفاده از قانون، از دیدگاه اسلام گرایان، لیبرال ها و مدرنیست ها می بینیم که به مجادله داخلی در میان گروه های اسلامی بیشتر دامن می زنند.

۱.۴.۴ کاربرد معاصر

اهل تشیع و سنت در قدرت صدور فتوا و چگونگی دیدگاه های مختلف احادیث، احکام اسلامی و فقه اختلاف نظر دارند (فقه اسلامی و قدرت ساختار). با توجه به شواهد، اختلاف عظیمی بین تفسیر و اجرای قوانین اسلامی در جوامع امروز دیده می شود. حرکت های لیبرالی سواتی را در مورد ارتباط و کاربرد شرع از دیدگاه های متفاوت را مطرح کرده اند. چند کشور دارای اکثریت مسلمان، که شامل اندونزی و بنگلادش می شوند، دارای قانون اساسی سکولار (جدایی دین از سیاست) می باشند، که فقط در چند قانون خانوادگی اسلام دخالت کرده است. قانون اساسی ترکیه جزء قوی ترین قوانین سکولار محسوب می شود. هند تنها کشوریست که که قوانین مسلمانان را جدا نموده، که توسط هیئتی قوانین شخصی اسلامی را وضع کرده که تمام آن بر اساس احکام اسلامیت، اگر چه قوانین جنایی هند برای تمام افراد یکسان است. بعضی از قوانین بحث برانگیز به نفع مردان است، از جمله قوانین مربوط به پرداخت نفقه و چند همسری (هر مردی می تواند چهار همسر داشته باشد).

اغلب کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا دارای دو دادگاه می باشند. دادگاه سکولار و دادگاه دینی، که مسائل مربوط به ازدواج و وراثت رسیدگی می کند. عربستان سعودی و ایران از دادگاه های دینی که برای تمام جنبه های فقه می باشد، دفاع می کنند. همچنین دارای پلیس مذهبی برای اعمال انطباق اجتماعی می باشند. قوانین شرع در سودان، لیبی و افغانستان اعمال می شود. در بعضی از مناطق شمال نیجریه دادگاه های احکام اسلامی دوباره بر پا شده اند، در این دادگاه ها اغلب مجازات های سخت بدون احترام گزاردن به حضور شاهد و شهادت رای صادر می کنند. مجازات از جمله شامل قطع یک یا هر دو دست برای دزدی، سنگسار شدن برای زنا، و اعدام برای ارتداد می باشند.

اگر چه، در اسلام اهل تسنن، باب الاجتهاد (دری که به روی عدالت باز می شود) اعتقاد بر این است که از قرن دهم این در بسته شده است.

اگر چه باید گفت، رادیکال ها دست کم به طور موقت تا گسترش بیشتر اسلام از چیز های مدرن استفاده می کنند.

با ملاحظه بیشتر مجازات هایی که توسط شرع جاری می شوند، در می یابیم که این مجازات ها وحشیانه و بی رحمانه می باشند. اندیشمندان اسلامی معتقدند که، اگر این احکام به درستی اجرا شوند، سطح جرم و جنایت کاهش می یابند. در رسانه های بین المللی، شیوه های اعمال شده توسط کشورهای اسلامی به باد انتقاد شدید گرفته شده است، مخصوصاً زمانی که این احکام، مخالف با استانداردهای اخلاقی و بین المللی پذیرفته شده حقوق بشر است. این احکام شامل مجازات مرگ برای زنا، قطع عضو برای دزدی و شلاق برای زنا می باشد.

۱.۴.۵ قوانین عادت

قوانین عادت^{۸۴} مجموعه ای از قوانین محلی و سنتی و سیستم های حل اختلاف در کشور های اسلامیست. این قوانین در بسیار از مناطق اندونزی توسعه و برقرار شده است. در زبان قدیمی مالایی، عادت اشاره به قوانین عرفی و راز های نانوشته سنتی برای جامعه، سیاست و اقتصادی و همچنین قوانین دریایی دارد. یکی از مهم ترین اندیشمندان قوانین عادت کورنلیس فن ولنهون بود.

به طور کلی عادت در عربی برای سفارش، استفاده، تمرین و خو گرفته استفاده می شود. کاربرد این کلمه شامل یک فرد یا یک جامعه تحت عادت تبدیل شده است. حیوانات هم عادت های خودشان را دارند. عادت نمی تواند بدون سؤزن توسط جامعه نادیده گرفته شود. مردم مسلمان اندونزی اغلب برای فرق گذاشتن بین عادت های اسلامی و عادت های ذاتیشان هوشیارانه عمل می کنند. تفاوت هایی که بین آنها وجود دارد در موارد متعدد باعث طغیان تعصب و درگیری شده است.

قوانین عادت به راحتی قابل کشف و جمع آوری نیست. در منابع بومی نوشته شده است که این احکام، احکام رؤسای محلی می باشند. این کتاب ها را نمی شود بر طبق تفکرات غربی مورد قضاوت قرار داد. آنها از طریق افکار فقیهان خودشان پایه گذاری شده، و همیشه با احکام مرسوم هم خوانی ندارد. اغلب قوانین عادت در احکام اسلامی سنی ها اضافه شده است. برای مثال، ازدواج ممکن است بر اساس احکام اسلامی انجام شود ولی جشنی که برگزار می کنند بر طبق قوانین عادت باشد. از نقطه نظر اسلامی، اعتبار ازدواج از احکام اسلامی صادر می شود. در عمل حذف این جشن باعث ابطال ازدواج می شود.

سئوالات

- معنی شریعت (احکام اسلامی) چیست؟
- عناصری که شریعت شاملش می شود چیست؟
- شریعت توسط انسان نوشته شده است یا الله؟
- از کجا متوجه می شوید که قوانین از طرف الله هستند یا توسط انسان نوشته شده است؟
- چرا چنین تفاوت های بزرگی بین قوانین در کشورهای اسلامی، مثل تونس در مقایسه با عربستان سعودی وجود دارد؟
- چرا احکام اسلامی در اغلب موارد بیشتر به نفع مردان است تا زنان؟
- از کجا می دانید که حکمی، حکم اسلامیست یا حکم عادت؟

^{۸۴} می توانید به گیب و کرامرس (۱۹۵۴: ۱۴) نگاه کنید.

۱,۵ تعالیم اسلامی، در مورد ایمان و وظیفه

کلمه عربی «اسلام» به عنوان «تسلیم، سرسپردگی و اطاعت» است.^{۸۶} معنی فعل «اسلاما»، «سرسپردگی» است. خدا از انسان انتظار دارد که انسان از او به عنوان فردی عظیم و با دانش یاد کند، و از او اطاعت کند و تسلیم او باشد. اسلام به معنای واقعی یعنی تسلیم کردن خود، که شامل توقعی است که، به وسیله این تسلیم کردن، انسان به صلحی می رسد. کلمه مسلمان (یعنی کسی که تمام زندگی خود را با سرسپردگی به الله تقدیم کرده است) هم از همان ریشه می آید (سین لام میم). یک مسلمان مذهبی را دنبال نمی کند بلکه کل راه زندگی وی، از طریق الله تهیه می شود که حاکم بر تمام جنبه های زندگی فردی و اجتماعی اوست.

اسلام، مانند دیگر مذاهب، دارای طبقه بندی ای از تمام چیز هاست که ایمان شخصی فرد و کارهایی که قرار است انجام دهد را دنبال می کند. در نظریه اسلامی، این طبقه بندی ها خیلی متفاوت است؛ آموزه های ایمان، شامل شش میحت، و عمل اسلامی (عبادت) که شامل پنج وظیفه است.

۱, ۵, ۱ شش مبحث ایمان

اینج مبحث از شش مبحث ایمان در سوره ۲: ۱۷۷ ذکر شده است:

نیوکواری آن نیست که روی خود را به سوی مشرق و [یا] مغرب بگردانید بلکه نیکی آن است که کسی به خدا و روز بازپسین و فرشتگان و کتاب [آسمانی] و پیامبران ایمان آورد و مال [خود] را با وجود دوست داشتنش به خویشاوندان و یتیمان و بنوایان و در راه ماندگان و گدایان و در [راه آزاد کردن] بندگان بدهد و نماز را برپای دارد و زکات را بدهد و آنان که چون عهد بنندن به عهد خود وفادار اند و در سختی و زیان و به هنگام جنگ شکیبایند آنانند کسانی که راست گفته‌اند و آنان همان پرهیزگار اند.

هر مسلمانی مجبور است ایمانش را بر این شش مبحث قرار دهد.^{۸۶}

۱) **الله (خدا):** تنها فقط یک خدای واقعی و واحد وجود دارد، و هیچ خدایی در کنار او قرار ندارد (توحید): **الله (سوره ۱۱۲).** « بگو اوست خدای یگانه، خدای صمد [ثابت متعالی]، [کسی را] نزاده و زاده نشده است، و هیچ کس او را هم‌تا نیست.» **الله** قادر مطلق است و واقف به همه چیز. در اسلام، به یک خدا بودن و واحد بودن تاکید بسیار شده است: که شامل ۹۹ اسم عظیم که معنی **الله** را شامل می‌شود می‌باشد.^{۸۷}

۲) **فرشتگان** (ملک؛ جمع؛ ملائک) ^{۸۸}: تعداد نا مشخصی از فرشتگان وجود دارند که در میان آنها چهار فرشته بزرگ وجود دارند ^{۸۹}: شیطان (ساتان) فرشته ی سقوط کرده است. جن ها ^{۹۰}: چیزی بین فرشتگان و انسان ها هستند که بین آن ها خوب و بد وجود دارد. فرشتگان دارای جایگاهی متفاوت اند. هر انسانی دارای دو فرشته است که یکی از آنها کارهای خوب انسان را یادداشت می کند و دیگری کارهای بد وی را.

دیگر معانی تحت الفظی این کلمه از ریشه (سین لام میم) می آید شامل: «امن، ایمن، صلح»

اگرچه شباهت‌هایی وجود دارد، اما باید هشیار بود که در کل تعالیم مسیحی در این مورد متفاوت‌هست.

نگاه کنید به هیوز ۱۹۸۲: ۱۴۱ و ۱۴۲) و گیب و کرامرز (۱۹۵۳: ۳۳ الی ۳۷) برای ۹۹ اسم الله، توضیحات بیشتر و آیات قرآن مربوط به آن.

قرآن هیچ اطلاعاتی در مورد این فرشتگان و جن ها نمی دهد. در سنت ها به شکل آتش و نور از آنها یاد می شود (رجوع کنید به هیز ۱۹۸۲: ۱۳۴).

اسم چهار فرشته ای که در قرآن آمده عبارت است از: جبرئیل (که مامور رساندن پیام است)، میکائیل (فرشته نگهبان)، اسرافیل (روز داور) و اِزرائیل (که مامور است از جسد مرگ) که در سوره بقره ۹۷-۹۸؛

در اسلام ارتدکسی، ایده قیامی الحاد عربی که درباره این ارواح سرگردان وجود دارد، روشن و سازمان دهی می شود و با سایر اظهارات ایمان هماهنگ می شوند.

این وظیفه ی آنهاست. دو فرشته ی دیگر به اسم نکیر و منکر وجود دارند که بعد از مرگ از هر انسانی درباره ی سرنوشت او می پرسند و تصمیم میگیرند^{۹۱}.

۳) **کتاب های الله (کتاب الله):** به نظر می رسد که خدا الهامات بسیار را از طریق پیامبران مختلفی در طول تاریخ فرستاده است. همانطور که در قرآن بعضی از آنها به تحریر در آمده است: در کتاب ابراهیم (کسانیکه از راه خدا منحرف شده اند)، در تورات (موسی)، مزامیر داوود (زبور)، خبر خوش (انجیل) عیسی مسیح، و قرآن محمد (سوره های ۴: ۱۶۳؛ ۷: ۱۵۷؛ ۱۷: ۴۶). بر طبق باوری که مسلمانان دارند تورات، مزامیر و انجیل توسط یهودیان و مسیحیان تحریف شده است. و فقط قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین و کلام وحی از طرف خداوند است. و نسبت به کتب دیگر ارجحیت دارد. (سوره های ۴: ۴۷؛ ۵: ۱۵۰).

۴) **پیامبران** (سوره ۳۵: ۲۴): بر طبق احادیث، نقل شده است که ۱۲۴ هزار پیامبر وجود داشته اند. قرآن به ۲۵ نفر آنها با اسم اشاره کرده است که نام ۲۱ نفر از آنها در کتاب مقدس^{۹۲} به چشم می خورد^{۹۳}. نظریه های اسلامی پیامبران را به دو دسته تقسیم می کند:

۱) نبی (به مفهوم ادبی: پیغمبر)، کسانی که وحی الهی را دریافت می کنند. ۲) رسول (فرستاده خدا)، آورنده ی کتاب خداوند، که وظیفه دارند آن را به گروه خاصی از مردم ترویج دهند. آخرین و بزرگترین پیامبر خدا بر طبق آموزه های اسلامی محمد است که هم نبی و هم پیامبر است^{۹۴}.

۵) **روز آخرت** (سوره های ۲: ۶۲؛ ۴: ۵۵ - ۵۷؛ ۵۶: ۵۰): که آن روز، روز داوری است (یوم الدین) روز رستاخیز، یوم القیامة که مقرر شده، مردگان قیام می کنند و انسان ها بر اساس اعمالشان به بهشت و یا جهنم می روند. کسانیکه بر طبق اسلام از الله و محمد پیروی کرده اند به بهشت می روند که در آنجا پر از لذت و خوش گذرانی است^{۹۵}. و در مورد جهنم قرآن هیچ آموزه ای به ما نمی دهد. سوره (۱۹: ۷۱ - ۷۲). حدیث و دیگر تفاسیر می گویند که مردم برای مدت کمی به جهنم می روند تا بر طبق گناهانشان مجازات شوند^{۹۶}. آیه دیگری از قرآن سوره (۷۴: ۲۶ - ۳۰) نشان می دهد که جهنم ابدی است.

۶) **سرنوشت (تقدیر):** تحقیق در مورد اراده آزاد انسان، بر خلاف سرنوشتی است که خداوند برای انسان مقرر کرده است و مورد قبول واقع نشده، به خصوص در سه سده اول اسلام. قرآن به ما می آموزد که سرنوشت تمام دنیا در دستان خداست (سوره ۹: ۵۱).

منظور تقویت کردن حق حاکمیت مطلق خدا در تمام شرایط است. از این رو، اسلام (سرپرستی) فضیلت اصلی انسان دین دار، و خواست خدا، یک اعتراف و بیان مشترک است. سوال این است، چگونه است زمانی که انسان ها گناهی را مرتکب شده اند، از هر آنچه می پندارند، می گویند و انجام می دهند، توسط الله از پیش تعیین شده است انشالله^{۹۷}. قرآن می آموزد انسان قادر به هیچ انتخابی در زندگی خویش نیست:

۹۱ این چهار سوال عبارتند از: خدای شما کیست؟ مذهب شما چیست؟ پیامبر شما کیست؟ قیله ی نماز شما کدام جهت است؟ اگر ایماندار پاسخ صحیح بدهد (الله، اسلام، محمد، مکه)، او را رها میکنند، اما در صورت پاسخ اشتباه، عذاب می کنند.

۹۲ شش پیامبر در قرآن با احترام و عزت، متمایز شده اند: آدم، که منتخب الله، نوح خطیب الله، ابراهیم خلیل الله، موسی کلیم الله، عیسی کلمه و روح خدا کلمة الله، روح الله، و محمد پیغمبر خدا رسول الله.

۹۳ اما گروه احمدی، پیامبر بزرگتر دیگری دارند، بنیان گذار آنان، میرزا غلام احمد می باشد.

۹۴ مفهوم اسلامی (بهشت) عمدتاً، «جنت مردان» نامیده می شود. که مردان بر تخت های نرم و راحت دراز می کشند و شراب می نوشند و حوریان بهشتی آنان خدمت می کنند. در بهشت هر مرد، اجازه دارد تا با هر چند از این حوریان بهشتی بخواهد ازدواج کند. (سوره ۵۴: ۵۶؛ ۵۶: ۲۷ - ۴۰) بر طبق یک سنت بیشتر زنان به جهنم می روند. (صحیح مسلم ج ۴، حدیث ۶۵۹۷، ص ۱۴۳۲).

۹۵ در قرآن، جهنم معمولاً به عنوان آتش نام برده می شود، مکان شکنجه باید واجد هفت دروازه و طبقه باشد. (هیوز ۱۹۸۲: ۱۷۰ - ۱۷۳)

۹۶ لذا تمائیل مربوط به قضا و قدر که آنان را از یک سو به شهامت بی باک بر می انگیزد و از سوی دیگر بی علاقی به تغییرات است.

«الله است که گمراهان را رهبری می کند، کسانی که او از آنها خشنود است را راهنمایی می کند، ولی شما مسلماً مسئول کاری که می کنید هستید (ترجمه شفاهی)... او کسانی را که سرگردانند را می فرستد... اون کسانی را می بخشد که از آنها خشنود است و تنبیه می کند کسانی را که می خواهد» (سوره ۱۸:۵، ۱۴:۴، ۹۳:۱۶).

احادیث تایید می کنند که این شرایط نا مشخص نیست:

هنگامی که او بنده ای را می آفریند تا به جهنم برود، و او را آنقدر با زندانیان دیگر شکنجه می دهد تا او بمیرد (میشکات جلد سوم، صفحه ۱۰۷)... همانا خدا ثابت کرده است که بخشی از زنا این است که انسان برای ضرورت ارتکاب آن باید دل کسی را به دست آورد (البخاری سطح ۵ فصل ۲۷ س ۶۲۱، یا جلد ۴ صفحه ۴۱۰)

۱.۵.۲ پنج وظیفه اسلام

پنج وظیفه^{۹۷}، «طناب خدا» حبل الله هستند، که هر کدام از مسلمین که بخواهند طناب را بگیرند مسلمان ارتدکس خوانده می شوند. آنها وظایف عملی یک مسلمان هستند که باید از آنها فرمان برد، تا مانند یک کارت هویت برای وی باشد.

(۱) **اقرار به ایمان (شهادتین):** «من اقرار می کنم که خدایی به جز الله نیست و محمد فرستاده ی اوست. اقرار^{۹۸} این حرف در مقابل دو نفر باعث می شود شخصی که این اقرار کرده بدون هیچ مشکلی مسلمان شود. این عقیده ایست که در طول نمازهای پنج گانه چندین بار تکرار می شود. تکرار آن در مراسم اسلامی بسیار مهم است.

(۲) **دعا (صلوة، سوره ۷۸:۱۷ - ۷۹ که نماز هم گفته میشود):** هر مسلمانی مجبور است که روزانه^{۹۹} پنج بار نماز بخواند. تکرار چرخه ای از رکعت ها و سجده ها. در مجموع ۱۷ رکعت از این چرخه هر روز خوانده می شود. وضو گرفتن برای خواندن نماز واجب می باشد، که می تواند به تنهایی انجام شود و یا با دیگران. اگر امکان پذیر باشد، اتاق های مجازی را در مساجد برای زنان^{۱۰۰} در نظر گرفته اند. با اینحال، اغلب موارد زنان به تنهایی و در خانه نماز می خوانند. دعا های شخصی جای نماز های واجب رو نمیگیرند و شایسته نیستند که به جای نماز به حضور خدا برده شوند. آئین دعای شایسته که به حضور خدا برده میشه همان نماز هست که به آن (صلوة) میگویند، از طرف دیگر ازبر خوانی مداوم قرآن به عنوان عملی پسندیده در مقابل الله به حساب آمده. مردم در وضعیت معینی رو به مکه می ایستند و نماز میخوانند^{۱۰۱}. مؤذن با صدای (اذان) مردم را به نماز دعوت میکند. در روز های جمعه در وقت نماز ظهر امام جمعه سخنرانی میکند که به آن (خطبه) میگویند و تقریباً نوعی موعظه هست.

(۳) **مالیات مذهبی (صدقه دادن زکات ، سوره ۱۷۷:۲):** مالیات مذهبی مسلمانان تا حدی تبدیل به کمک به فقرا شده. قرآن بر دادن^{۱۰۲} مالیات تأکید میکند اما در مورد مبلغ آن به شرح جزئیات نپرداخته. این مبلغ به ثروت و درآمد سالانه مرد سرپرست خانواده بستگی دارد. مقرراتی برای روستائیان و کشاورزان هست که باید ۲,۵ درصد از درآمد حاصل از فروش حیوانات و با محصولاتشان را بپردازند این معیاری عمومی هست که در شرایط خاص موفقیت آمیز تا ۲۰٪ از سود خالص هم افزایش پیدا میکند^{۱۰۳}.

۹۷ پنج وظیفه ی اسلام «پنج ستون نیز خوانده می شود»، یا بطور ساده «ارکان»

۹۸ این، با قصد و نیت به اذعان فرد به مسلمان بودن است.

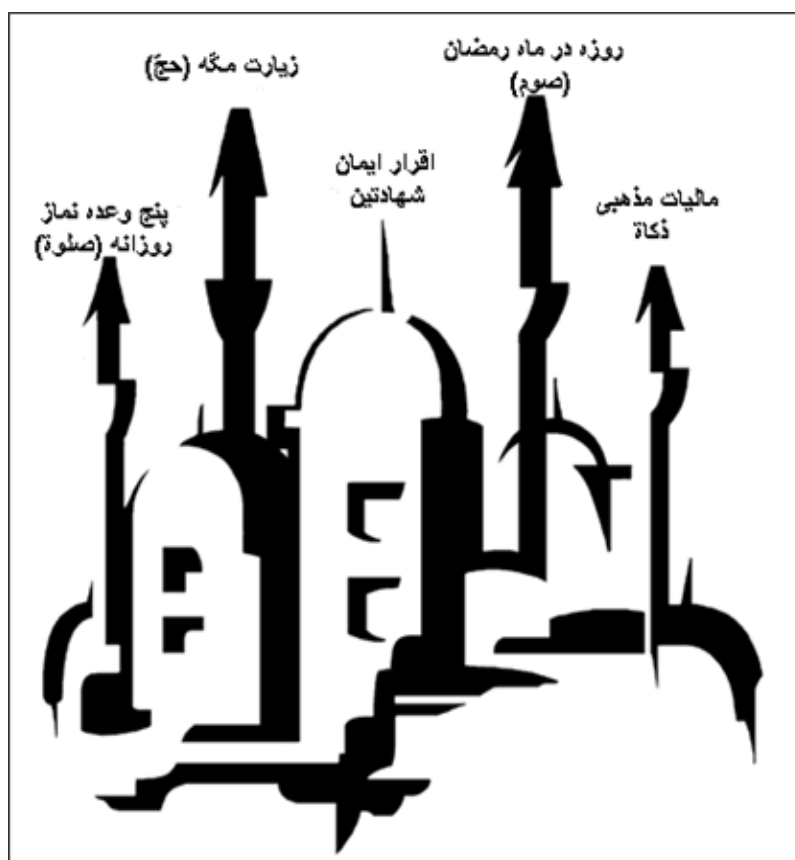
۹۹ اوقات شرعی نماز: در سپیده دم صبح، وسط ظهر، بعد از ظهر، اندکی بعد از غروب آفتاب، دو ساعت بعد از غروب آفتاب

۱۰۰ در زمانی که زنان مشغول نماز هستند، الزامی برای مردان دیده نمی شود. در کشورهای اسلامی، بعضی از مساجد امکاناتی را برای زنان در نظر گرفته است، در حالی که از غرب بیشتر مساجد به زنان اجازه نماز خواندن می دهد.

۱۰۱ در مسجد امام نماز را رهبری میکنند. پیروانش حرکات او و کلمات او را تقلید میکنند.

۱۰۲ سوره ۲:۲۷۱ - ۲۷۳؛ ۵:۹۲؛ ۱۱ را ببینید.

۱۰۳ مثلاً اگر کسی گنجی پیدا کند باید ۲۰٪ آنرا به عنوان زکات بپردازد (هیوز ۱۹۸۲: ۶۹۹ - ۷۰۰ را ببینید).



پنج رکن اسلام



۴) **روزه (صوم، سورة ۲: ۱۸۳ - ۱۸۷):** در خلال ماه رمضان^{۱۰۴}، روزه بر تمام مسلمانان واجب هست به استثناء بیماران، زنانی که دوران قاعدگی را سپری میکنند و مسافران و زنان حامله، مادران شیرده و کودکان خردسال. روزه از طلوع آفتاب تا غروب آفتاب طول میکشد^{۱۰۵}. این شامل ممنوعیت استعمال دخانیات و روابط جنسی نیز میشود. ترک روزه جزء گناهان کبیره محسوب میشود اما میشود با اعمال ثواب و پرداخت مبلغی معین آنرا جبران کرد. کودکان معمولاً بعد از رسیدن به سن بلوغ یا ۹ سالگی روزه را شروع میکنند. روزه برای پرورش تزکیه نفس، و متعهد بودن برای الله و درک احوال فقیران توصیه میشود.

۵) **زیارت (حجّ سورة ۲: ۱۹۶ - ۱۹۷):** تمام مسلمانانی که از استطاعت مالی برخوردارند باید در طول عمرشان حد اقل یکبار به زیارت مکه بروند^{۱۰۶}. این زیارت در ماه دوازدهم (ذی الحجه) طبق تقویم اسلامی برگزار میشود. در خلال اقامت در مکه آئین های مشخصی باید اکیداً به جا آورده شود^{۱۰۷}. مهمترین آنها مراسم صحرای عرفات هست که طی آن مسلمانان زمانی را برای عبادت و نیایش الله صرف میکنند. یکی دیگر از مشخصه های حجّ، هفت بار طواف دور کعبه هست، که با پارچه نفیسی پوشانده شده. مسلمانان معتقدند که کعبه نخستین بار توسط آدم به عنوان معبد ساخته شده. و بعد ها توسط ابراهیم و پسرش اسماعیل تجدید بنا شده، در صورت امکان زائرین باید سنگ سیاه را ببوسند که در یک وجه از کعبه قرار داده شده^{۱۰۸}. واجبات دیگر زیارت مکه عبارتند از سنگ انداختن نمادین به شیطان با هفت سنگ کوچک و قربانی کردن حیوانات به یادبود قربانی ای که ابراهیم کرد^{۱۰۹}.

^{۱۰۴} رمضان ماه نهم از ماه های تقویم قمری اسلامی هست.

^{۱۰۵} خوردن و آشامیدن در شب مجاز شده بسیاری از مسلمانان جلسات اجتماعی را شبها در خانه برگزار میکنند و به این ترتیب در این ماه بیش از هر ماه دیگری میخورند و مینوشند.

^{۱۰۶} تعداد مسلمانان در جهان به حدی زیاد شده که دولت سعودی مجبور شده محدودیت هایی اعمال کند: هر کشور سالانه سهمیه مشخصی برای اعزام به زیارت داد.

^{۱۰۷} آئین ها مشابه آئینی هست که محمد در آخرین سفر حج در سال ۶۲۹ م.ی اجرا کرد که بعنوان قانونی برای تمام زمانها اعلام شده.

^{۱۰۸} سنگ به احتمال زیاد یک شهاب سنگ هست. مسلمانان میگویند که آن سنگ در زمانهای گذشته سفید بوده و با بوسیدن سنگ توسط مسلمانان گناه وارد آن شده و سیاه گردیده است.

^{۱۰۹} برای شرح جزئیات حجّ به هیوز (۱۹۸۲: ۱۵۰ - ۱۵۹)، و گیب و کرامرس (۱۹۵۳: ۱۲۱ - ۱۲۵) نگاه کنید.

از سری سئوالات اساسی برای به چالش کشیدن مسلمانان:

(۱) از آنجائیکه مسلمانان مشتاق هستند که نحوه انجام اعمال ایمانی اشان را بازگو کنند، شما میتوانید موضوعی انتخاب کنید و بپرسید: چرا این کار را میکنید؟ مثلاً با این سؤال که، چرا روزی پنج بار نماز میخوانید، چرا به مکه می روید و چرا در رمضان روزه میگیرید و غیره مسلمانها را به چالش بکشید و اجازه دهید جوابی پیدا کنند.

(۲) مسلمانان جواب های مختلف خواهند داد، اما ما سؤال دیگری خواهیم کرد: این کجا نوشته شده؟ مبنای استنادی شما برای این چیه؟

(۳) مسلمانان معمولاً پاسخ میدهند که این در قران نوشته شده. بعد میپرسیم ممکنه لطفاً آدرس دقیقش را به من هم بدهید؟ در کدام سوره و کدام آیه نوشته شده (میتوانید بگید خود شما شخصاً به قران دسترسی دارید و مایلید شخصاً آن را بخوانید).

بعد اون شخص مسلمان تشویق میشود تا (یا شخصاً و یا توسط شخصی مطلع) حقیقت را کشف کند. با تجربیاتی که من داشتم، بسیاری از چیزهایی که مسلمانان ادعا میکنند در قران نوشته شده احتمالاً در آنجا نوشته نشده بلکه شاید در حدیث و یا جای دیگری نوشته شده باشد. این بسیاری از مسلمانان را تشویق میکند تا تحقیقات بیشتری بکنند و با دقت ببینند.

۱،۵،۳ جهاد در اسلام

بعلاوه پنج وظیفه اسلام، جهاد گاهی به عنوان ششمین وظیفه مسلمانان ذکر شده. این کلمه در رسانه های غربی معمولاً به عنوان جنگ مقدس^{۱۱۰} ترجمه میشود. لغت عربی (فعل: جاهد) به معنی تلاش در راه الله یا نزاع برای ایمان هست. بعضی از مسلمانان این تعبیر را به کار میبرند:

(۱) جهاد اعظم: نزاع درونی برای تهذیب اخلاق شخصی که توسط قران و حدیث بر آن تأکید شده.

(۲) جهاد اصغر: تلاش برای تبلیغ و معرفی شریعت اسلامی در تمام ممالک جهان.

برای اکثر مسلمانان جهاد اعظم اساساً به معنی کوشش برای به جا آوردن پنج وظیفه اسلامی در عمل تا حد امکان هست. و همچنین باور به شش ماده ایمان و آگاهی و اجرای فرامین قران و حدیث هست که در شریعت جمع بندی شده.

مفهوم جهاد اصغر شامل توسعه و گسترش منطقه ای اسلام میشود. درک تفاوت اساسی بین ایمان مسیحی و ایمان مسلمانان حائز اهمیت شایانی هست. مفهوم اسلامی ملکوت الله در روی زمین این هست که او باید بر دنیا حکم رانی کند. اسلام اصولاً ربطی به هدایت مردم برای اعتماد و ایمان به الله ندارد. الله تسلیم محض میخواهد و اون فقط زمانی میسر هست که مردم تحت انقیاد کامل شریعت باشند. اون فقط در کشور هایی ممکن هست که توسط مسلمین اداره میشوند. همانطور که قران تعلیم میدهد، بنابراین اهمیت حیاتی دارد که مسلمانان باید کنترل هر کشوری در جهان را بدست بگیرند:

و با آنان بجنگید تا فتنه ای بر جای نماند و دین یکسره از آن خدا گردد پس اگر [از کفر] بازایستند قطعاً خدا به آنچه انجام می دهند بیناست... (سوره ۸: ۳۹ و ۲: ۱۹۳).

^{۱۱۰} در سوابق مدینه (۶۲۲ تا ۶۲۳) جنگهای بیشماری ثبت شده است. کلمه جهاد با کلمه جنگ برابر گرفته شده (سوره ۹: ۴۱؛ ۹: ۶۶ تا ۱۵: ۴۹).

این متن به عنوان فرمان الله برای ترویج و گسترش اسلام قلمداد شده. به نظر مسلمانان در کشور هائی که تحت کنترل اسلام نیستند اغتشاش، ستم، بی ایمانی و بی عدالتی شایع هست. مسلمانان جنگ طلب از هر امکانی که در اختیار دارند استفاده میکنند تا اسلام را رواج دهند. از جمله فشار های فیزیکی. دنیای آنها به دو بخش تقسیم شده^{۱۱۱}:

- (دار الحرب) (خانه جنگ): مناطقی از جهان که هنوز اسلامی نشده اند و باید با تمام امکانات موجود برای اسلام فتح شوند.
- (دار الاسلام) (خانه اسلام): اینها مناطقی از جهان هستند که اسلام در آنها حکومت میکند.

حالت مخاصمه تا زمانی که تمام دنیا به تصرف خانه اسلام در نیامده ادامه خواهد یافت^{۱۱۲}. از دیدگاه مسلمانان بنیاد گرای/ ارتدکس، این غیر ممکن هست که ادیان دیگر در کنار اسلام در شرایط مساوی همزیستی داشته باشند^{۱۱۳}. صلح در اسلام زمانی مفهوم خواهد داشت که تمام مناطق زمین برای اسلام فتح شوند^{۱۱۴}.

به اعتقاد مسلمانان جنگیدن در نام الله فرمانی است که به همه مسلمانان داده شده. (سوره ۴: ۷۴؛ ۴: ۹۵ – ۹۶) کسانی که در راه الله میجنگند پاداش عظیمی در بهشت خواهند یافت. پس باید کسانی که زندگی دنیا را به آخرت سودا می کنند در راه خدا بجنگند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته یا پیروز شود به زودی پاداشی بزرگ به او خواهیم داد. (سوره ۴: ۷۴)

جنگ علیه کسانی که حاکمیت سیاسی اسلام را نمیپذیرند میتواند به مدت معینی قطع شود، مثلاً زمانی که دشمن از چنان قدرت بالائی برخوردار هست که به هیچ وجه شانس پیروزی وجود ندارد. دعوت به کشتار وحشیانه کافران، یا غیر مسلمانان را میتواند در سوره ۹: ۵ ببینید:

پس چون ماه های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره در آورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است.

توسعه اسلام از راههای صلح آمیز هم انجام میشود. اما در عمل نظرات مختلفی در بین مسلمانان برای نحوه اجرای این جنگ وجود دارد^{۱۱۵}. تاریخ نشان میدهد که جز توسعه جوامع مسلمانان در آسیای جنوبی و افریقای شرقی، پیشرفت نظامی نیز بخشی ضروری از گسترش اسلام بوده است^{۱۱۶}.

^{۱۱۱} این تمایز از الهیات مسلمانان سرچشمه گرفته که نه در قرآن و نه در حدیث وجود ندارد، اما در شریعت به چشم میخورد. بعضی مسلمانان جوان روشنفکر این دیدگاه جغرافیائی سیاسی را زیر سؤال می برند و به جای دار الحرب از واژه دار الدعوة استفاده میکنند.

^{۱۱۲} قرآن وعده میدهد کسانی که جان خودشان را در جنگ مقدس از دست بدهند بلافاصله وارد بهشت میشوند. (سوره ۱۱: ۶۱ – ۱۳)

^{۱۱۳} مذاهب توحیدی که تسلیم اسلام بشوند میتوانند استقلال محدودی داشته باشند و در بسیاری از موارد مورد آزار قرار نمیگیرند. اما آنها نمیتواند ایمان خودشان را برای مسلمانان تبلیغ کنند. بنابر این یهودیت و مسیحیت در دسته بندی جدا گانه ای قرار دارند.

^{۱۱۴} این برخلاف مسیحیت هست، که میگوید بوسیله ریختن خون مسیح بر روی صلیب صلح و دوستی بین خدا و هر آنچه در آسمان و زمین است برقرار گردید. (کولسان ۱: ۱۹ – ۲۰).

^{۱۱۵} اختلاف نظرات بطور برجسته بر سر این هست که آیا خونونت لازم هست و به چه مقدار میشود بکار برد. تعبیر معمولاً بسته به قدرت نظامی مسلمانان تغییر میکند. هیوز (۱۹۸۲: ۲۴۳) مینویسد. وقتی کشور کافری توسط حاکم مسلمان فتح میشد به ساکنان آن سه پیشنهاد میکردند: (۱) اسلام را بپذیرند، که در این صورت شهروند کشور فاتح محسوب میشدند و از حقوق شهروندی برخوردار میگشتند. (۲) خراج گزار کشور فاتح میشدند. (جزیه) میدادند، که در این صورت تحت حمایت اسلام میشدند و به آنها ذمی میگفتند. (نمی) این شامل بت پرستان عربستان نمیشد. (۳) کشته شدن با شمشیر برای کسانی که جزیه را پرداخت نمیکردند

^{۱۱۶} تحقیقی که توسط مارشال در (۱۹۹۹) انجام شده نشان میدهد، آیاتی که مربوط به توسعه اسلام در مکه اعلام شده حاکی از آن هست که داورى بر آنها با مداخله مستقیم الله خواهد بود. اما در آیات مربوط به دوره مدینه این اعتقاد فزاینده را مبینیم که داورى الهی توسط جامعه اسلامی یا مسلمانان اعمال خواهد شد.



پرچم عربستان سعودی شهادتین و شمشیر

۱،۵،۴ استنباط مسلمانان از هینت تبلیغی

پس درینصورت هیچ فعالیت تبلیغی برای قانع کردن مردم در اسلام وجود ندارد؟ آیا مسلمانان تعلیم روشنی برای اعلام اسلام دارند، مشابه فرمانی که در مسیحیت برای بشارت دادن و اعلام انجیل وجود دارد؟^{۱۱۷} نظرات مختلف و ابهامات زیادی در این باره بین مسلمین وجود دارد. اما هر مسلمانی این تعهد را دارد که شهادت ایمانش را به همه بدهد^{۱۱۸}.

فعالیت های تبلیغی در اسلام با کلمه عربی دعوة توصیف شده که به معنی، دعوت کردن، فراخوانی، و جمع کردن هست. در قران دعوت برای پذیرفتن اسلام (دعوة) را مثلاً می‌توانید در سوره ۱۶: ۱۲۵ ببینید: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه‌ای] که نیکوتر است مجادله نمای در حقیقت پروردگار تو به [حال] کسی که از راه او منحرف شده دانتر و او به [حال] رامیافتگان [نیز] دانتر است.

آیاتی از قران و سنت (حدیث) در رابطه با این موضوع توسط مسلمانان مختلف بروشهای متفاوت تفسیر و بکار گرفته شده امروزه سازمانهای دعوتی بسیار مختلفی در سراسر دنیا وجود دارد.

۱،۵،۵ احکام قضائی قرانی برای زنده ماندن

با وجود نظرات متعصبانه و خشن قرانی نسبت به یهودیان و مسیحیان، که آنها را غیر مینامند، احکام قضائی ای در قران هست که به جماعت اسلامی اجازه میدهد، که افکار خود را پنهان کنند و حیلۀ بکار ببرند و اگر لازم باشد، اعتبار و شدت این تعالیم ضد یهودی و ضد مسیحی را انکار و رد کنند. به این حکم قضائی خاص تقیّه گفته میشود^{۱۱۹}. که عملاً به معنی احتیاط، ترس و پنهان کردن هست. آن قانون اجازه میدهد در مواقع نیاز نسبت به هر مذهبی که ایجاب میکند این نظرات خشن متوقف گردد.

^{۱۱۷} کتاب مقدس مأموریتی جهانی را تعلیم میدهد: رفتن، شاهد بودن، موعظه کردن، تعلیم دادن، تعمید دادن و شاگرد ساختن (متی ۲۸: ۱۸ – ۲۰ مرقس ۱۶: ۱۵؛ لوقا ۲۴: ۴۷؛ اعمال ۱: ۸).

^{۱۱۸} سوره ۲۲: ۷۵؛ ۲۲: ۷۸؛ ۲۵: ۵۲؛ ۴۸: ۲۸؛ ۶۱: ۹.

^{۱۱۹} سوره ۲: ۲۲۵؛ ۳: ۲۸؛ ۵: ۹۲؛ ۱۶: ۱۰۶؛ ۱۱ ببینید.

هر مسلمانی می‌تواند برای توسعه و به نفع اسلام تقیه را بکار گیرد. این قانون به دوگانگی در رفتار و افکار شخص مسلمان مشروعیت میبخشد. مثلاً ظاهراً محبت کند و در باطن متنفر باشد. یا در ظاهر وفاداری نشان دهد اما باطناً دشمنی بورزد - همه بخاطر الله. حتی در صورت لزوم می‌تواند سوگند هم بخورد. همهٔ مسلمانان تقیه را بکار می‌برند. اما بعضی‌ها به خاطر طبیعت متجاوز و سلطه جویانهٔ تعالیم شیعه آنرا منحصر اُی عقیده ای شیعی میدانند.

۱، ۵، ۶ ارتداد یا برگشتن از اسلام.

عمل برگشتن از دین یا ارتداد عملاً به معنی عقب گرد هست. ترک کردن اسلام به خاطر مذهبی دیگر یا روش زندگی بی خدا. در دورهٔ زندگی محمد و خلفا، تعدادی از مسلمانان از ایمان برگشتند که یا بلافاصله کشته شدند و یا به آنها چند روزی فرصت داده شد که به اسلام برگردند. قرآن و حدیث هر دو مجازات مرگ را برای ارتداد تعلیم میدهند. حدیث حتی در این مورد صریح تر از قرآن هست. بر اساس شریعت سنی، به یک مرد (مرتد) سه روز مهلت میدهند تا تصمیم بگیرد؛ اگر بازگشت نکند باید کشته شود. زن مرتد به اعدام محکوم نمیشود اما میتواند آنقدر او را در زندان نگهدارند تا بازگشت کند. اگر پسر بچهٔ نابالغ مرتد شود، نباید کشته شود. اما آنقدر در زندان میماند تا به سن تکلیف برسد. اگر به بی ایمان ادامه دهد. بعد از آن باید کشته شود.

رهنمود های زیادی در رابطه با این مسئله وجود دارد.^{۱۲۰} اما علمای مسلمان و مکاتب در بعضی جزئیات اختلاف نظر دارند. این قانون ارتداد بیرحمانه و بر خلاف حقوق انسانی هست. تا جائیکه معمولاً توسط حکومت‌های اسلامی مستقیماً اجرا نمیشود. بلکه توسط اعضای خانواده و یا رهبران مذهبی به مورد اجرا گذاشته میشود.

تعارض در رابطه با آزادیهای دینی:

مادهٔ ۱۸ اعلامیهٔ جهانی حقوق بشر میگوید:

هرکسی از حق آزادی اندیشه، عقاید و مذهب برخوردار هست. این حق شامل آزادی در تغییر دین یا عقیده نیز میباشد. و این آزادی خواه به تنهایی و یا به اتفاق دیگران آشکارا یا در خلوت برای اعلام مذهب یا عقیده، تعلیم، پرستش و اجرای آئین‌ها را نیز در بر میگیرد.

برعکس مادهٔ ۳۰۶ اساسنامهٔ موریتانی میگوید: اگر جرم ارتداد مسلمانی ثابت شود، خواه در حرف یا در عمل از او خواسته میشود که در عرض سه روز توبه کند. اگر در طی این مدت توبه نکند، به عنوان مرتد محکوم به مرگ میشود و اموال او به نفع خزانهٔ دولت مصادره میشود. هر مسلمانی که از نماز خواندن در وقت‌های مقرر خود داری کند از او خواسته میشود به وظیفه اش در قبال نماز عمل کند. و اگر در امتناع خود اصرار ورزد او به مجازات مرگ محکوم خواهد شد.

به نظر میرسد که قرآن آزادی دینی را اعلام میکند:

در دین هیچ اجباری نیست و راه از بیراهه بخوبی آشکار شده است پس هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد به یقین به دستاویزی استوار که آن را گسستن نیست چنگ زده است و خداوند شنوای داناست. (سورهٔ ۲: ۲۵۶)

با اینحال این را هم میگوید که الله کسی را که دینش را عوض کند نخواهد بخشید:

کسانی که ایمان آوردند سپس کافر شدند و باز ایمان آوردند سپس کافر شدند آنگاه به کفر خود افزودند قطعاً خدا آنان را نخواهد بخشید و راهی به ایشان نخواهد نمود. (سورهٔ ۴: ۱۳۷)

^{۱۲۰} هیوز (۱۹۸۲: ۱۶) و لینکی که مثالهایی از آیات قرآنی و حدیث را گرد آورده ببینید
<http://answering-islam.org.uk/Silas/apostasy.htm>

سوره ۹: ۵ تصویر دیگری نشان میدهد: کافران باید کشته شوند:

پس چون ماه‌های حرام سپری شد مشرکان را هر کجا یافتید بکشید و آنان را دستگیر کنید و به محاصره درآورید و در هر کمینگاهی به کمین آنان بنشینید پس اگر توبه کردند و نماز برپا داشتند و زکات دادند راه برایشان گشاده گردانید زیرا خدا آمرزنده مهربان است.

داستان حقیقی

یکبار یک معلم مذهبی اسلامی را در سوئیس ملاقات کردم و شروع به گفتگو کردیم. او یاد آوری میکرد که اسلام چقدر خارق العاده هست. چونکه آزادی مطلق مذهبی در آن هست. از آنجائیکه در اسلام برداشت های متفاوتی از همه چیز وجود دارد از دوست مسلمانم پرسیدم: منظورت از این چیه؟ او بعد توضیح داد که در اسلام برای همه این آزادی هست که اسلام را بپذیرند! من گفتم خوب این خارق العاده است. اما در ادامه گفتم فرض کن من امروز مسلمان شدم اما شش ماه بعد آگه بگم: خوب در طی این ماه ها متوجه شدم که این دینی نبود که من میخواستم بپذیرم. من تصمیم گرفتم اسلام را رها کنم و دین دیگری انتخاب کنم مثلاً بودائی بشم، دوست من جا خورد و گفت: آگه اسلام را ترک کنی سه روز فرصت خواهی داشت دوباره فکر کنی؛ اگر دوباره به اسلام برگردی، باید کشته شوی! دوست مسلمان من هیچ ابائی نداشت که این مسئله را آزادی مطلق دینی قلمداد کند. بعد من سؤالی مطرح کردم: آیا واقعاً فکر میکنی این عادلانه هست؟ این آزادی مذهبی یک طرفه هست اینطور نیست؟ او به فکر فرو رفت...

این داستان نکات زیر را ثابت میکند:

- در بسیاری موارد مسلمانان استنباط های متفاوتی از اصطلاحات مذهبی دارند.
- بنابر این عادلانه این هست که با طرح این سؤال مسئل را روشن کنید: منظورت از این چیه؟
- به جای اینکه با مسلمانان وارد بحث بشوید بهتر اینه که آنها را با سؤالاتی به چالش بکشید.
- بهتر این هست که مسلمانان شروع به توضیح دادن ایمان خودشان بکنند و سعی کنند جواب هائی پیدا کنند این باعث خواهد شد که آنها به فکر فرو روند.

۱،۵،۷ حکومت اسلامی روحانیون (خدا سالاری)

از زمان هجرت در سال ۶۲۲ م.ی هیچ تفکیکی بین مذهب و دولت در اسلام نبوده، و مذهب از سیاست و امور دنیوی نیز جدا نبوده، سیاست و مذهب در زمان محمد در قرن هفتم به هم پیوستند. محمد هم رهبر مذهبی و هم رهبر سیاسی نخستین جامعه مسلمانان بود. جانشینان مستقیم او(خلفا — الخلیفه) هم هر دو منصب مذهبی و سیاسی را عهده دار بودند. این فرضیه دولت اسلامی ریشه در افکار محمد دارد. که بنیاد گرایان امروزی خواستار آن هستند. هدف نهائی اسلام این هست که کل جهان را تحت انقیاد اسلام در آورند. بنابر این هر کشوری در جهان باید به شیوه حکومت اسلامی یا یزدان سالاری اداره شود که بر اساس شریعت یا قوانین مذهبی بنا شده است. مسلمانان فقط زمانی به صلح دست خواهند یافت که این هدف نهایشان عملی گردد. بر اساس دید گاه مسلمانان، زندگی باید توسط اسلام و قوانین آن اداره شود. چنین شیوه حکومتی که تمام قدرت در دست یک نفر می باشد معمولاً منجر به یک دیکتاتوری میشود. اما مجالسی که در بسیاری از کشور های اسلامی وجود دارند، فقط بخشی از شریعت را وارد قوانین حکومتی شان میکنند و به این ترتیب با بنیاد گرایان مخالفت میکنند. کشور اسلامی که بوسیله قوانین شریعت اداره میشود فاقد دموکراسی(لغت یونانی حکومت

مردم بر مردم) خواهد بود، چون واقعاً این مردم نیستند که در رأس قدرت هستند بلکه الله حکومت میکند. بعلاوه اسلام به اساس دموکراسی اعتقادی ندارد و آن را نمی پذیرد که همه شهروندان از آزادی و برابری برخوردار باشند.

کشور های مختلف اسلامی در جهان به درجات مختلفی قوانین شریعت را در قوانین حکومتی بکار میگیرند. عربستان سعودی یکی از سخت گیر ترین کشور ها در زمینه آزادی و برابری حقوق انسانها هست و حتی رانندگی را برای زنان ممنوع اعلام کرده، در مقابل تونس قوانین روشنفکرانه زیادی را در این زمینه تصویب کرده.

سئوالات

?

- ممکنه لطفاً الله را برای من بیشتر توضیح بدهید؟
- در مورد وظیفه فرشتگان چه میدانید؟
- بر اساس دیدگاههای شما خدا کدام کتاب ها را توسط انبیاء برای مردم فرستاد؟
- پیامبرانی را که به نظر شما مهم هستند نام ببرید.
- فکر میکنید در روز دآوری چه اتفاقی خواهد افتاد؟
- اگر الله هر چیزی را مقدر کرده پس انسان چطور میتواند مسئول اعمالش باشد؟
- آیا تا کنون با به جا آوردن آئین های اسلامی مثل نماز خواندن و روزه گرفتن در ماه رمضان رفتن به مکه و گفتن شهادتین به خدا نزدیک تر شدید؟ اگر شدید لطفاً شرح بدهید!
- چه تجربه روحانی بعد از زیارت مکه داشتید؟
- فکر میکنید چطور میتوانید وارد بهشت بشوید؟
- استنباط شما از آرامش چی هست؟
- استنباط شما از آزادی دین چی هست؟
- استنباط شما از جهاد چی هست؟
- آیا فکر میکنید قانون ارتداد در اسلام عادلانه هست؟
- آیا فکر میکنید افراد مذاهب مختلف همان حق اسلام را برای کار تبلیغ دارند؟

۱,۶ گروه های اسلامی

مسلمانان مکرراً بر اتحاد جوامع اسلامی در جهان (امت) تأکید میکنند. بطور کلی آنها دوست ندارند از گروه ها بحث کنند^{۱۱} و از اشاره به گروههای بیشمار اسلامی (فرقه ، و مسلک) اجتناب میکنند. مسلمانان اغلب از این واقعیت چشم پوشی میکنند که تمام تلاشها برای زیر سوال بردن اعتبار مسیحیت هیچ منظوری را برآورده نمیکند جز اینکه همان ضوابط و معیار و انتقاد ها را به ایمان خودشان نیز تسری میدهند.

^{۱۱} این کتاب در نظر ندارد که تمام گروه ها را شرح دهد. فقط سعی دارد مقدمه کوتاهی بر موضوع ارائه کند.

مسلمانان کلمه مسلک (فرقه) را متفاوت از مسیحیان بکار می‌برند. اساساً این کلمه به تقسیم مسلمانان به سنی و شیعه به کار برده می‌شود، و در مرحله بعد برای انشعابات بیشمار درون این دو گروه بزرگ نیز بکار می‌رود. محمد شخصاً پیش بینی کرده بود که پیروانش به فرقه های زیادی منشعب خواهند شد.^{۱۲۲}

۱،۶،۱ منشأ شیعه و سنی

کلمه سنی از لغت سنت گرفته شده، که به معنی عقیده و رسم محمد پیامبر مسلمین هست. حدود ۹۰٪ از کل مسلمانان سنی هستند. ده درصد بقیه بین شیعیان و بقیه گروه ها توزیع شده که در اثر اختلاف بین سنی و شیعه بوجود آمده اند.^{۱۲۳} تفاوت بین دو گروه بزرگ اسلامی در اصل فقط مربوط به خاندان هست: مسلمانان اولیه بر سر جانشینی محمد پیامبر نزاع میکردند که هیچ راهنمایی ای در خصوص جانشینی اش از خود بر جا نگذاشته بود. در حالیکه سنی ها رهبری (سیاسی و در نتیجه مذهبی) بدو اسلام را پذیرفتند، شیعیان مشروعیت سه خلیفه اول را رد کردند و بر علیه آنها عصیان کردند. شیعیان فقط علی داماد پیامبر را پذیرفتند، که به لحاظ جسمانی از نسل محمد و وارث شرعی و قانونی او برای رهبری سیاسی و مذهبی مسلمین بود.

شیعیان منازعه بی پایانی داشتند که منجر به جدائی شد، مثلاً بر سر این سؤال که آیا قران خلق شد یا از ازل وجود داشته، و تقدیر الله در برابر مسئولیت بشر.^{۱۲۴} مرافعه میکردند. شیعیان همینطور معتقدند که خدا وحی خاصی برای فاطمه همسر علی فرستاده در حالیکه سنی ها این عقاید را رد میکنند. شیعیان معتقدند که مطالعه آثار اسلامی پروسه ای دائمی هست و برای تشخیص همه قوانین الله ضروری و الزامی هست. بر خلاف مسلمانان سنی، مسلمانان شیعه معتقدند که آنها میتوانند قران و احادیث و اخبار شیعی را با همان وثوق اسلاف خود تفسیر کنند: و باب/جتهاد هرگز بسته نمیشود. چون قوانین اسلامی بر حدیث نیز بنا شده و شیعیان برخی از احادیث سنی را رد میکنند و سنی ها برخی از احادیث شیعی را رد میکنند این نشان میدهد که قوانین آنها نیز متفاوت هست. مثلاً اگرچه شیعه و سنی روزهای جمعه نماز (جمعه) میخوانند، زمان نمازشان با هم متفاوت هست. بعضی از شیعیان ازدواج موقت هم میکنند (متعه) که میتواند برای چند ماه یا چند روز باشد. شیعیان همینطور قانون ارث متفاوتی دارند و اعیاد متفاوتی را جشن میگیرند. گروه های شیعی که در وضعیت اقلیت زندگی میکنند ذهنیتی را پرورش داده اند که امامشان به خاطر مبارزه و نبرد بر علیه سیاستهای ابداعی سنی ها شهید شده. بنا بر این افزون بر زیارت مکه آنها آرامگاه رهبران شیعه را نیز زیارت میکنند و آنها را جزء مقدسین به حساب می آورند گرچه این امر منحصر به شیعیان نیست.

^{۱۲۲} هیوز (۱۹۸۲: ۵۶۷ - ۵۶۹) را ببینید: عبدالله ابن عمر نقل میکند که پیامبر گفته: هر آینه آنچه بر بنی اسرائیل اتفاق افتاد بر قوم من نیز پیش خواهد آمد. بنی اسرائیل به ۷۲ فرقه تقسیم شدند، و قوم من به ۷۳ فرقه تقسیم خواهند شد. همه این فرقه ها به جهنم خواهند رفت به جز یک فرقه. اصحابش گفتند، یا پیامبر کدامیک؟ او گفت مذهبی که من و اصحاب من اظهار کنیم. (کتاب مشکوه) اما امروزه تعداد فرقه ها متجاوز از چیزی هست که محمد پیشگویی کرده.

^{۱۲۳} برای مطالعه جزئیات اسلام شیعه به کتاب طباطبائی (۱۹۷۵) محقق اسلامی نگاه کنید.

^{۱۲۴} این مسائل در دیگر گروه ها هم مورد بحث قرار گرفته شاید به درجه کمتری.

شیعیان معتقدند که/امامان^{۱۲۰} آنها مستقیماً از جانب الله تعیین شده و در انتهای عالم در آخر زمان مهدی خواهد آمد که حکومت عدل الهی را برقرار خواهد کرد. گروه های شیعه عمدتاً در ایران، یمن و شرق آفریقا توسعه یافتند. امروزه شیعیان را در سراسر دنیا میتوان دید. اما مرکز آنها ایران هست که شیعه اثناعشری^{۱۲۱} از اوایل قرن شانزدهم بر آنجا تسلط دارد. در طی قرنهای تاریخ اسلام خاندان های سنی قدرت ارتدکس را به نمایش گذاشتند حال آنکه شیعیان جناح مخالف بودند. تفاوت بین اعتقادات شیعه و سنی فراوان هست اما در ذیل اساسی ترین آنها قید شده:

۱. بحث منصب امامت همانطور که در بالا قید شده، تفاوت های مربوط به جانشینان محمد، رابطه اشان با الله و وظایف آنها را شامل میشود. شیعیان باور دارند که امامان توسط الله برگزیده شدند و نمونه های کامل ایمان هستند. همینطور بر این باورند که امامان مصون از هر خطائی هستند.
۲. شیعیان احترام عمیقی به خلیفه علی قائل هستند. بعضی از فرقه های شیعی علی را بعنوان خدای جسم پوشیده میدانند در عین حال به لحاظ مرتبه او را بعد از پیامبر محمد میدانند، علی را کامل ترین و عالیتترین مردان میدانند. این نظرات ریشه در سنتهای آنها دارد، که وجود محمد و علی را به پیش از هستی نسبت میدهند.
۳. شیعیان مجتهد هائی دارند "استاد روشن فکر الهیات شیعه" که نظرات آنها در الهیات و مسائل مسلمانان آخرین مرجع قابل قبول هست.
۴. شیعیان آئین هائی را در ماه محرم به یاد بود الحسین ابن علی و دیگر کشته شدگان به جا میاورند، بعضی ها با اهداء خون و سوگواری این مراسم را بجا میاورند و عده ای با مجروح کرد خودشان با قمه و زنجیر و ریختن خونشان این آئین را به جا میاورند. سنی ها فقط روز دهم محرم را مراعات میکنند اما مفاهیم متفاوتی به عاشورا نسبت میدهند.
۵. اسلام شیعه در بین اهل الکتاب یا کسانی که کتابهای الهامی از طرف خداوند دریافت کرده اند، مجوسی یا آتش پرستی به حساب میاید (سوره ۱۷:۲۲). اسلام سنی فقط یهودیان و مسیحیان و مسلمانان سنی را بعنوان اهل الکتاب میشناسند.
۶. اسلام شیعه وقتی که در خطر باشند و یا مورد آزار قرار بگیرند دستور تقیه یا مخفی داشتن ایمانشان را صادر کرده. این حيله و نیرنگی هست که بوسیله آن انکار ایمانشان یا ارتکاب اعمال غیر شرعی و کفر آمیز را در مواقع خطر توجیه میکنند. واژه تقیه در فقه سنی وجود ندارد، گرچه بسیاری از سنی ها هم در موارد ضروری به آن متوسل میشوند.
۷. همینطور تفاوت های کوچک گوناگونی در دعا ها (نماز های روزانه) وجود دارد. شیعیان به روش پیچیده تری از سنی ها نماز میخوانند. مثلاً بعد از پایان نماز شیعیان سه بار دستشان را بلند میکنند و الله اکبر میگویند در حالی که سنی ها فقط به شانه چپ و راستشان نگاه میکنند و سلام اسلامی میدهند (السلام علیک) میگویند.
۸. تفاوت های زیادی در قوانین مدنی شیعه و سنی وجود دارد (مثلاً در یادداشتهای ان.بی.ای. بیلی، لندن ۱۸۶۹ آمده)

۱۲۰ رهبران مذهبی شیعه

۱۲۱ پیروان نوازده امام یا رهبران روحانی بعد از محمد پیامبر.

خوارج؛ وهابیون؛ و معتزله گروه‌های بسیار کوچکی هستند که از فرقه‌های دیگر بی‌نیاز نیستند. تاریخ خوارج به ابتدای اسلام بر میگردد که به عنوان گروه کوچکی نخواستند فرم مطلقاً بنیادی پاک دینی اسلامی را رها کنند. آنها بر این عقیده پافشاری کردند که همه باید بر علیه سازش و مصالحه، کاری مؤثر بکنند. و به غیر از آن به اراده آزاد بعنوان قانون ایمان تأکید داشتند. تنها شاخه باقیمانده خوارج مسلمانان عبادی هستند، که با این عقیده از شیعیان متمایز شده‌اند که امام (رهبر) باید منحصراً بر مبنای ایمانش انتخاب شود، نه بر مبنای نسب خود. و از سنی‌ها بخاطر رد کردن عثمان و علی؛ و تأکید شدید بر عزل حاکمان بی عدالت متمایز شده‌اند. اسلام عبادی به سخت‌گیری معروف شده اما کاملاً بر خلاف خوارج اصیل، عبادی‌ها ارتکاب گناهان کبیره را بعنوان عاملی جهت ساقط شدن مسلمان از ایمان تلقی نمیکنند. اکثر مسلمانان عبادی در عمان و الجزیره زندگی میکنند.

وهابیون فرقه‌ای افراطی و جنگ طلب در عربستان سعودی هستند. آنها شاخه‌ای بینهایت ارتجاعی و بنیادگرا از سنی‌ها و شاخه‌ای نو بنیاد هستند. در قرن هجدهم محمد ابن عبد الوهاب (۱۷۰۳ - ۱۷۹۲) جنبش مذهبی‌ای را به نام (وهابیت) در شرق عربستان به راه انداخت که به دنبال تصفیه اسلام بودند. عبد الوهاب میخواست اسلام را به چیزی که فکر میکرد اصول اصیل آن هست برگرداند چیزی که الاسلاف الصالحین (نخستین گروندگان به اسلام)^{۱۲۷} تعلیم میدادند.

او چیزی را که تحریف شده و (نوآوری مذهبی) بدعت، و شرک (چند خدائی) میدانست رد میکرد. او خود را منتسب به آل سعود میدانست که بالاخره بر راشدین که کنترل عربستان مرکزی را در دست داشتند غلبه کرد و شورشهایی را بر علیه امپراتوری عثمانی براه انداخت. به دنبال شکست مفتضحانه راشدین موفقیت‌هایی داخلی (فتح مکه و مدینه) کسب کرد و بعد به احیای عربستان پرداخت که با تأسیس عربستان سعودی به اوج خود رسید.

وهابیون ترجیح میدهند سلفی خوانده شوند (جنبش سلفی‌ها). یکی از اصول اصلی آن لغای مدارس اندیشه (سنت‌های شرعی) و پیروی محمد مستقیماً توسط علم حدیث (سنن نبوی) هست. سنت شرعی حنبلی قویترین مکتب اندیشه هست که قوانین عربستان سعودی از آن مشتق شده، و بخاطر کنترل آل سعود بر مکه و مدینه مکانهای مقدس اسلامی و نیز ساختن مدارس و مساجد توسط سعودی‌ها در دیگر کشورها، تأثیر زیادی در دنیای اسلام داشته. دیگر بخشهای جهان اسلام اکثریت علمای اسلامی سعودی را وهابی میدانند.

الهیات معتزله در قرن ۸م در بصره (عراق) وقتی آغاز شد، که واصل بن عطا (وف ۱۳۱ ه.ق/ ۷۴۸ م.ی) درس حسن بصری را بعد از مشاجره‌ای الهیاتی ترک کرد. از آنجائیکه او پیروانی داشت از جمله عامر ابن عبید (وف ۱۴۴ ه.ق/ ۷۶۱ م.ی) به او لقب معتزله دادند^{۱۲۸}. بعد ها فرقه معتزله بر اساس الهیاتی که از آن دفاع میکردند خودشان را اهل التوحید و العدل (قوم وحدت الهی و عدل) خواندند. گرچه معتزله به منطق و عرصه‌های مختلف فلسفه یونان تکیه میکنند، اصول مسلم اسلام نقطه بنیادی و مرجع نهانی آنها هست. مکاتب الهیاتی رقیب، اتهاماتی را بر علیه آنها مطرح کرده‌اند - که آنها به مثالهای فرا اسلامی که بازتاب جدلی سخت بین مکاتب الهیاتی مختلف هست، بیشتر اعتبار قائلند تا واقعیت‌های عینی. به عنوان مثال معتزله به اتفاق آراء به فرضیه خلقت از هیچ چیز معتقدند. برخلاف فلاسفه اسلامی که به استثناء الکندی به نوعی به ازلی بودن دنیا اعتقاد دارند. آنها همینطور نظریه اسلامی تقدیر و سرنوشت را رد میکنند و به همین دلیلی ازلی بودن دنیا را هم رد میکنند.

^{۱۲۷} الاسلاف الصالحین: وثر (۱۹۷۹) این را بعنوان نیاکان مقدس ترجمه کرده.
^{۱۲۸} نام معتزله از ریشه عربی (اعتزال) به معنی ترک کردن و کنار کشیدن گرفته شده

از نخستین روزهای تمدن اسلامی، منازعات درون گروهی اسلامی و بحث های بین المذاهب سؤالات متعددی را برانگیخته که مورد بحث الهیدانان مسلمان هست: آیا قرآن خلق شده یا ازلی هست. آیا شیطان توسط الله خلق شده، تقدیر در مقابل اراده آزاد، تفسیر مشخصات الله در قرآن بطور دقیق یا تمثیلی و غیره. افکار معزله سعی کرده این مسائل را مشخص کند.

۱،۶،۳ صوفیگری: عرفان در اسلام

بطور کلی، اسلام مذهبی شریعت گرا هست که میتواند سبب بروز واکنش در کسانی شود که در جستجوی آزادی از قانون گرانی غیر شخصی هستند. صوفیگری^{۱۲۹} در طی قرن‌ها به عنوان واکنشی به اسلام خشک شریعتی توسعه پیدا کرده. اون شامل یک سری باورها و اعمال گوناگون هست. طریقت (فرامین صوفی) میتواند از اسلام شیعه، اسلام سنی و دیگر مذاهب اسلام و یا ترکیبی از جمع سنت ها گرفته شود. صوفی گری در خاور میانه در قرن هشتم شکل گرفت. اما امروزه هوادارانش در سراسر دنیا پخش شده اند. دیدگاه سنتی آنها این هست که دنیا از صوف سرچشمه گرفته که کلمه عربی به معنی پشم هست، و به خرقة های پشمی که مسلمانان ریاضت کش اولیه میپوشیدند اشاره میکنند. اما همه صوفی ها خرقة ها و جامه های پشمی نمیپوشند. نظریه لغوی دیگر معتقد است که کلمه ریشه ای صوفی کلمه عربی صفا هست، که به معنی خلوص و پاکی هست.

این نظریه بر پاکی دل و روح تأکید دارد. در حدود ۱۱۰۰ م. ی الغزالی^{۱۳۰} سعی کرد با تأکید بر تفسیر روحانی تعهدات انسانی مانع فسیل شدن الهیات اسلامی و فقه بشود. اما صوفیگری حتی ریشه قدیم تری داشت. یک صوفی کلیدی زنی بود بنام رابعة^{۱۳۱} بصری. که محبت خالص الله و اصول سخت ریاضت را یکجا جمع کرد^{۱۳۲}. صوفی های اسلامی مفاهیم زیادی را از دیگر مذاهب مخصوصاً از هندو ها، بودائی ها و مسیحیان به عاریت گرفته اند که نظرشان در باره مفهوم الله را شکل داده. آنها به پیروان خودشان روشهای معین مدیتیشن و کنترل نفس را با هزار بار تکرار کردن نام الله و یا دیگر ورد های^{۱۳۳} مذهبی آموزش میدهند. هدف از این تمرینات این هست که تماماً با الله یکی شوند. صوفی ها محمد را نیز متصوف به حساب میاورند. بسیاری از مسلمانان تمرینات صوفیگری میکنند و در عین حال خودشان را سنی میدانند. امروز بسیاری از رهبران صوفی بعنوان مقدسین مورد احترام میباشند. و مقبره های آنان بعنوان زیارتگاه مورد بازدید بسیاری قرار میگیرند. مسلمانان از زیارت این قبیل اماکن^{۱۳۴} انتظار دریافت برکات خاصی را دارند. شکی نیست که اسرار و رموز نقش مهمی در صوفیگری بر عهده دارند.

صوفی ها در گروه های شخصی کوچک جمع میشوند و ایمان دارند که رفتار متقابل استاد و شاگرد برای رشد شاگرد الزامی هست. آنها از مثل ها، تمثیل و استعاره استفاده وسیعی میکنند. و به مفاهیمی معتقدند که فقط میتواند طی دوره ای از جستجوی حقیقت و آگاهی فردی از ادراکی محرمانه بدست آید. گرچه فلسفه بین احکام مختلف صوفی متفاوت هست، صوفیگری در کل مربوط به تجربیات مستقیم شخصی هست و به همین جهت میتواند با شکل های متفاوتی از تصوف مثل زن، بودیسم، عرفان و غیره مقایسه شود. تمثیل زیر به یک عالم صوفی ناشناس نسبت داده میشود که این خط فکری را شرح میدهد: سه راه برای شناخت یک چیز وجود دارد. برای مثال یک شعله را در نظر بگیرید. یک نفر شاید فقط در مورد شعله شنیده باشد. فرد دیگری میتواند شعله را با چشمان خود دیده باشد. و بالاخره فرد دیگری میتواند شعله را لمس کند و بسوزد. ما صوفی ها بدنبال سوختن توسط الله هستیم.

^{۱۲۹} صوفیسم (ترکی تصوف؛ فارسی صوفی گری؛ عربی تصوف) سنتی مرموز از اسلام هست.

^{۱۳۰} غزالی یکی از مهمترین الهیدانان اسلامی هست که سعی کرد تعالیم کلاسیک اسلام شریعتی را با ابعاد مرموز ترکیب نماید.

^{۱۳۱} رابعة بصره در سال ۸۰۱ م. ی وفات یافت.

^{۱۳۲} روزه سخت، خواب کم، دعای شبانه و تأمل در قرآن.

^{۱۳۳} این تکرار مداوم را تکر میگویند، خدا را یاد کردن بنظر میرسد که این کاربرد عملی سوره ۲۸:۱۳ هست "... آگاه باش که با یاد خدا دلها آرامش می‌یابد.

^{۱۳۴} به بخش ۱،۶،۱۰ اسلام مردمی نگاه کنید.

بخش مهمی از ادبیات فارسی از صوفیگری نشأت گرفته که منجر به خلق دیوان اشعار عظیمی شده است. احکام صوفی با آئین های ذکر^{۱۳۰} همراه هست. مراسم آنها میتواند شامل ازبر خوانی، آواز خوانی، نواختن آلات موسیقی، رقص، لباس خاص، سوزاندن بخور، تفکر، خلسه و وجد باشد. ذکر در گروه ها در روز های پنج شنبه یا یکشنبه شب ها بعنوان بخشی از مراسم و وظایف رسمی انجام میشود. همینطور انواع انجمن های برادری درویش^{۱۳۱} هستند (با احکام صوفی) که تقریباً همه آنها خود را منتسب به مقدسین و اساتید اسلامی میدانند، مخصوصاً علی و ابو بکر. آنها در شرایط رهبانی زندگی میکنند، و ظاهراً شبیه انجمن های راهبین مسیح و تارک دنیا هستند، با اینحال بعضی ها شاید ازدواج کنند. در طی قرن ها شاخه ها و انشعابات زیادی بوجود آمده و از بین رفته اند.

رقص سماء که عملی از درویش مولوی در ترکیه هست فقط یکی از روشهای فیزیکی برای رسیدن به خلسه مذهبی (مذهب فنا) هست. مولوی ها از شاعر پارسی مولانا جلال الدین رومی الهام میگیرند که خود یک درویش بود و مقبره اش در شهر قونیه در ترکیه هست. بعد از رسیدن به مرحله خاصی از خلسه (فنا) آنها از دنیای پیرامون خود بی خبر میشوند و ادعا میکنند که با الله ارتباط دارند.

رفائی ها که به درویش هوکش معروف هستند، بسته به اینکه از کدام زیر فرقه هستند یا بدنهایشان را با چاقو سوراخ میکنند، و با آهن گداخته را به دست میگیرند و زغالهای گداخته میخورند و با مارهای زنده را میبلعند.

۱،۶،۴ جماعت تبلیغی

جماعت تبلیغی^{۱۳۲} یک موسسه تبلیغی اسلامی و یک نهضت بیداری هست. آنها معمولاً فعالیت های خودشان را محدود به جوامع اسلامی میکنند. هدف اصلی آنها این هست که برای جماعت مسلمانان در جهان بیداری روحانی بیاورد. آنها خوشان را وقف این چیز ها کرده اند:

- آنها زندگی وقت و پول خود را وقف اسلام کرده اند.
- ملاقات با مسلمانان بطور مستمر و سعی در تربیت مسلمانانی بهتر.
- تعلیم و پرورش دیگر مسلمانان بعنوان مدرسین اسلامی (با استفاده از مواد درسی خودشان).
- و وارد کردن خود آنان به جماعت مسلمانان تبلیغی.

این نهضت نسبت به قالب و بافت آن میتواند با نهضت صوفی مقایسه شود. این نهضت در سال ۱۹۲۰ توسط عالمی از دئو بندی بنام مولانا محمد الیاس کاندهلوی در هندوستان بنیان گذاری شد. وقف کردن زندگیش برای موعظه درباره اسلام، زمانی که او در دومین سفر حج خود در ۱۹۲۶ در مکه بود به او الهام شد. مولانا الیاس این شعار را میداد: ای مسلمانان! مسلمان شوید!

گروه در اصل کار خود را بعنوان نهضتی غیر سیاسی با کار در اجتماعات محلی مسلمانان پیرامون مسائل اقتصادی و اجتماعی آغاز کرد. اما با هشدار های متوالی فزاینده ای نام جماعت تبلیغی در مبارزه جهانی با تروریسم مطرح شد. جماعت تبلیغی ادعا میکند که هیچ هدیه و کمکی درخواست و دریافت نکرده. اما رابطه اش با تأمین کننده های مالی و هابیون سعودی محرز شده. در حالیکه جماعت تبلیغی در تنوری ملزم هست که هزینه های سفر های تبلیغاتی را شخصاً تأمین کند، در عمل پول های سعودی هزینه سفر هزاران مبلغ فقیر را تأمین میکند.

هر مسلمانی به راحتی میتواند به سفر های روحانی آنها بپیوندد هیچ عضویت و بررسی سوابق قبلی ورودی های جدید انجام نمیشود. تقریباً هر مسلمانی میتواند در مسجد به گروه ملحق شود. بر خلاف مردان زنان بیرون مسجد در خانه یکی از کارکنان شناخته شده جماعت تبلیغی میمانند و از احکام کامل شریعت پیروی میکنند از جمله لباسهای میپوشند که به اونها پرده میگویند (حجاب و برقع لباسهای زنانه اسلامی) آنها به زنان محلی تعلیم میدهند که به آنها بپیوندند. بعلاوه این هسته ها، تبلیغی های در سفر هستند که مسئولیت وارد کردن دیگران به اسلام را بعهدہ دارند. بغیر از موعظه، پیروان تشویق میشوند که روزانه ۲،۵ ساعت دیگران را خدمت کنند.

^{۱۳۰} بباد آوردن الله. ذکر بعنوان عملی عبادتی شامل تکرار اسماء الهی، کلمات قصار از حدیث و بخشهایی از قرآن هست.

^{۱۳۱} کلمه درویش به مسلمانان صوفی اطلاق میشود که در فقر زندگی میکنند و ریاضت میکشند و شبیه راهبان تارک دنیای مسیحی هستند.

^{۱۳۲} جماعت تبلیغی گروه دعوت به اسلام که به آن تبلیغ میگویند. تبلیغ در عربی به معنی رساندن (پیام) هست.

جماعت بعنوان یک سامانه تبلیغی در جنوب آسیا معروف هست و هواداران بین المللی فراوانی دارد. اجتماعات محلی قدرتمندی که نهضت را پشتیبانی میکنند در هندوستان پاکستان، مالزی، تایلند، بنگلادش، سریلانکا، فی جی، آسیای مرکزی، آسیای شرقی افریقای شمالی و مرکزی، آمریکای جنوبی و خلیج قرار دارد. در پاکستان نهضت در رای وند نزدیک لاهور قرار دارد. اجتماع سالانه تبلیغی در بنگلادش، اجتماع پیشوا بیش از سه میلیون نفر هوادار را از سراسر دنیا جذب میکند. مشارکت مهم در تلاشهای تبلیغی در اروپا، آمریکای شمالی، افریقای جنوبی، افریقای شمالی و شرق آسیا به چشم می خورد. تأثیر عظیم اجتماعی جماعت تبلیغی انکار ناپذیر هست. مسجدی که مقر ستاد مرکزی نهضت در اروپا هست در منطقه شهر ساویل دووس بری، یورکشایر غربی در انگلستان قرار دارد.

۱,۶,۵ نهضت احمدیه

در پایان قرن ۱۹م میرزا غلام احمد^{۱۳۸} قادیانی خود را بعنوان مصلح زمان، مجدد الاسلام، مسیح موعود، مهدی و پیامبر زمان اعلام کرد. در ابتدا او کتابهایی نوشت که از اسلام در برابر مبلغین مسیحی دفاع میکرد. در ۱۸۷۹ در حالیکه هنوز در روستای قادیان در پنجاب هندوستان اقامت داشت در ملا عام ظاهر شد و خود را مسیح موعود اعلام کرد (تقریباً به شکل مسیح موعود). به این جهت خود را مأمور سری جدید الله نامید. و به این ترتیب بنیان گزار نهضت/احمدیه شد. بر خلاف صوفی گری نهضت احمدیه به عقاید متماثل هست. اگرچه این گروه نسبتاً کوچک هست، اما پیروانش در سطح جهانی بسیار فعال هستند و ادعا میکنند که در ۲۰۰ کشور با بیش از ۲۰۰ میلیون نفر دفتر تأسیس کرده اند. ایمان احمدیه بعنوان بدعتی خارج از اسلام در بین مسلمین شناخته شده. در پاکستان پیروان احمدیه مورد آزار قرار میگیرند که این امر سبب شده که گروهها در کشور های غربی مستقر شوند که از آزادیهای مذهبی برخوردارند^{۱۳۹}. پیروان احمدیه میخواند اسلام را با وسایل صلح جویانه توسعه دهند.

امروزه احمدیه ای ها با بحث های استدلالی با مسیحیت مبارزه میکنند. آنها نه تنها مرگ عیسی بر صلیب را رد میکنند بلکه تولد او از باکره و طبیعت بیگانه او را نیز رد میکنند^{۱۴۰}. گروه سعی دارد هر ویژگی والا و خارق العاده ای که مسیح را در مرتبه والاتری از محمد قرار میدهد انکار کند. پیروان احمدیه بر این باورند که عیسی بعنوان یک معلم مذهبی به هندوستان مهاجرت کرده و در آنجا مثل هر انسان معمولی دیگری مرده. احمدیه برای عیسی در کشمیر مقبره ای ساخته اند.

میرزا غلام احمد ادعا میکند که نبوت بازگشت عیسی را به کمال رسانده است. او در صدد بود پیروان تمام مذاهب را زیر لوای اسلام بیاورد. در ۱۸۸۹ میرزا غلام احمد زیر بنای جمعیتش را بنا کرد که بعد ها جماعت اسلامی احمدیه نام گرفت. که از اسم دوم پیامبر اسلام احمد الهام گرفته. به زودی بعد از مرگ اولین جانشینش^{۱۴۱} در ۱۹۱۴ نهضت به خاطر سنوالت کلیف پایان نبوت به دو فرقه تقسیم شد. جنبش احمدیه لاهور تعبیر اسلام رسمی را تأیید میکند که میگوید بعد از محمد هیچ پیامبری نخواهد آمد، و خود را بعنوان جنبشی اصلاح طلب درون امت اسلام میدانند. اما جمعیت مسلمانان احمدیه ادعا میکنند که میرزا غلام احمد واقعا یک پیامبر بوده و با تفسیر صحیح قران و سنت تطابق دارد.

اگرچه ارزشهای اصلی اسلام (نماز، صدقه، روزه و غیره) در تمام مسلمانان مشترک هست، مسلمانان احمدیه باور های مشخص دیگری دارند از جمله:

- قران هیچ ضد و نقیض (یا آیات منسوخ) ندارد و مقدم بر حدیث یا سنت هست. و هیچ آیه قران دیگری را باطل نمیکند و هیچ حدیثی نمیتواند یک آیه از قران را باطل کند. حدیثی که مغایر با قران باشد مورد پذیرش مسلمانان احمدیه نیست.

- عیسی (که به او یوز آساف میگویند) مصلوب شد و چهار ساعت بر صلیب ماند بعد در قبر به هوش آمد. و در سن پیری در کشمیر مرد او به دنبال ده طایفه گم شده اسرائیل میگشت. او همینطور به وضوح آمدن محمد را بعد از خودش پیش بینی کرده که مسیحیان آن را به غلط تعبیر کرده اند.

۱۳۸ مسلمانان احمدیه پیروان میرزا غلام احمد هستند (ت. و ۱۸۳۵ و ف. ۱۹۰۸).

۱۳۹ امروزه مرکز بین المللی آنان مرکز عظیمی در لندن هست.

۱۴۰ سنی ها براساس (سوره ۱۹: ۲۲) قران به تولد از باکره و بیگانه بودن عیسی باور دارند.

۱۴۱ اولین خلیفه احمدی: مولانا حکیم نورالدین میبانش (ت. و ۱۸۴۱ - و ف. ۱۹۱۴)

• جهاد برای دفاع از مسلمین میباشد نه برای درگیری های سیاسی و دستاویزی برای حمله به کشور های همسایه . امروز این به معنی جهاد از طریق قلم هست چون اسلام توسط رسانه ها مورد حمله قرار میگیرد. و جهاد با نفس زمانی هست که هر مسلمانی توسط جنبه های منفی نفس تهدید میشود.

۱۰۶،۶ درّوز

درّوز ها جمعیت مذهبی کوچک مشخصی هستند که عمدتاً در خاورمیانه قرار دارند^{۱۴۲}. آنها خودشان را فرقه تهذیب اسلام میدانند، با اینحال مسلمانان اصیل آنها را بعنوان مسلمان به رسمیت نمی‌شناسند. آنها عربی صحبت میکنند و از الگو های اجتماعی مشابه با سایر اعراب پیروی میکنند، اما تحت تأثیر فلسفه یونان و دیگر مذاهب قرار دارند. درّوزها در ۱۰۱۷ م.ی از اسماعیلیان شیعی منشعب شدند. درّوز ها به خودشان *اهل التوحید* یا قوم یکتا پرست یا موحدین میگویند. نام فرقه درّوز از نام محمد بن اسماعیل الدرّازی بدعت گزار سالهای نخستین گرفته شده. آنها این دیدگاه را دارند که الله به شکل بشری تجسم یافته و تجسم نهائی در خلیفه فاطمی حکیم بوده (۹۹۶ - ۱۰۲۱) که نمرده بلکه هنوز زنده است و در جایی از نظر ها پنهان هست و زندگی میکند.

مدعیان اصلی سالهای نخست، حاکم فاطمی پیوس، *طریق الحکیم* و مهاجر ایرانی حمزه *ابن علی ابن احمد* معماران اصلی نهضت بودند. این حمزه بود که برای اولین بار آشکارا اعلام کرد که حکیم حاکم در نام الله هست. درّوز معتقدند که حکیم از نظر ها ناپدید شده و در ایام آخر باز خواهد گشت بعنوان احیا کننده قران یا مهدی کسی که هدایت میکند. بعد از ناپدید شدن حکیم، درّوز مجبور شدند اصل دورویی پذیرفته شده *تقیه* رو بکار بگیرند. آنها ایمان حقیقی خود را پنهان کردند و ظاهراً ایمان مذهبی کسانی را که با آنان زندگی میکردند پذیرفتند. ایمان موحدین (یکتاپرستان) نامی که درّوز به خودشان دادند، حول این محور هست که گروه فرشتگان نه گانه ای نگهدارنده نظریه مذهبی آنان هستند که بر دیگران پوشیده هست و در کتاب "حکمت" آنان مکتوب هست.

درّوز روزه نمیگیرند ، به زیارت مگه نمی روند و در مساجد نماز نمی خوانند. آنها ایمان خودشان را تبلیغ نمی کنند. و هیچکس جز بوسیله تولد در خانواده درّوز نمیتواند به آنان ایمان بیاورد. ازدواج خارج از طایفه باعث طرد آنها میشود. درّوز تعصبی قوی نسبت به حریم خودشان دارند. اعتقاد راسخی به تناسخ دارند.

که جانها بعنوان انسان دوباره متولد میشوند، هم نیکان و هم بدان. نیکان همون اندازه فرصت تولد دوباره دارند که بدان دارند. بسیاری از درّوزی ها داستانهای عجیب و غریبی به بچه ها در مورد جزئیات زندگی های پیشین خود میگویند. طالع بینی هم در این مکتب اهمیت دارد و پیشگویی یک مهارت محسوب میشود. یثرون پدر زن موسی پیامبر مورد احترام آنان هست. کشیدن سیگار، نوشیدن الکل و خوردن گوشت خوک برای درّوز ممنوع هست اما بسیاری از درّوزی های جوان در بند این ممنوعیت ها نیستند. عید اصلی درّوزی ها روز عاشورا است که یادآور شهادت امام حسین هست. این نوه محمد که در جنگ علیه نیروهای مسلمانان رقیب ۱۳۰۰ سال پیش کشته شد. عید *الاضحی* یا عید قربان نیز جشن گرفته میشود. درّوز ها بسیار مهمان نواز هستند و در مورد غریبه ها بسیار کنجکاوند.

^{۱۴۲} درّوز اساساً در لبنان، اسرائیل، سوریه و اردن مستقر هستند (که به عنوان جامعه مجزای مذهبی با قوانین و سیستم قضائی خودشان شناخته میشوند). جماعت کوچکی نیز به صورت تبعیدی در سایر نقاط دنیا زندگی میکنند. درّوز نقش عمده ای در جنگهای داخلی لبنان داشتند (۱۹۷۵ - ۱۹۹۰) و یکی از قویترین سازمانهای نظامی را در جنگ ترتیب دادند.

اکثر آنها از جهال^{۱۴۳} هستند که تقریباً مذهبی قومی دارند که بر اساس تناسخ، طالع بینی و تقدیر بنا شده. ضرب المثلی هست که میگوید در خانه دروژی بخور و در خانه مسیحی بخواب. که این نشان دهنده بنگمانی سایر فرقه ها نسبت به دروژ ها هست.

اصول ایمانی دروژ عبارتند از:

نگهبانی از زبان خود (صداقت) حمایت از برادر خود، احترام به مسن تر ها، کمک به دیگران، حفاظت از میهن، و ایمان به یک خدا (از این رو آنها نام یکتا پرست را ترجیح میدهند). به اعتقاد خیلی ها آنها تحت تأثیر فلسفه صوفی قرار ندارند. آنها اعتقاد راسخی به تناسخ انسانی در مورد تمام اعضاء جمعیت دارند. آنها چند همسری، دخانیات، الکل، خوردن گوشت خوک را رد میکنند. گرچه مصرف گوشت خوک و الکل شاید در بسیاری از خانه های غیر مذهبی یا جهال وجود داشته باشد. مذهب آنها اجازه ازدواج با سایر مسلمانان، یهودیان و اعضاء سایر مذاهب را به آنها نمیدهد. اما این قوانین در اجتماعات امروزی نادیده گرفته میشوند.

۱،۶،۷ بهائیت

ایمان بهائی در اواسط ۱۸۰۰ م.ی در ایران بعنوان شاخه ای فرعی از شیعه بوجود آمد. و در سالهای اخیر توجه زیادی را بعنوان مذهبی که ادعا میکند جهانی هست به خود اختصاص داده. اون برای آرزومندان صلح جهانی وعده امید میدهد. برابری نژاد و مساوات زن و مرد، استقلال مذهبی و فکری و انسجام معتبر دین و دانش.

بهائیان، دوره باب^{۱۴۴} ۱۸۴۴ اعلام بهائیت در شیراز تا ۱۹۲۱ درگذشت عبدالبهاء^{۱۴۵} را به عنوان دوره قهرمانی ایمان گرامی میدارند. در طی این دوره زیربنای بهائیت در چندین کشور نهاده شد و نخستین پیروان آن مورد آزار بسیار قرار گرفتند. از ۱۹۲۱ تا ۱۹۵۷ شوقی افندی بعنوان رهبر ایمان منصوب شد. که خلاصه زیر را نوشت که بعنوان اصول اختصاصی تعالیم بها الله شناخته شده:

جستجوی مستقل حقیقت؛ رهایی از قید خرافات و سنت ها؛ وحدت کل نژاد های انسانی؛ اصول محوری و نظریه اساسی ایمان؛ اتحاد اساسی تمامی ادیان؛ محکومیت هر نوع تعصب؛ خواه مذهبی یا نژادی، طبقاتی یا ملی؛ هماهنگی ای که باید بین مذهب و علم وجود داشته باشد؛ برابری زن و مرد؛ دو بالی که در آن نوع بشر میتواند به اوج پرواز کند؛ رسمیت آموزش اجباری؛ پذیرفت یک زبان کمکی جهانی؛ ریشه کن کردن فقر یا ثروت مفرط؛ ایجاد دانشگاهی جهانی برای حل اختلاف ملت ها، تجلیل از کار که در روح خدمت انجام میشود، معادل پرستش و تجلیل از عدالت بعنوان اصل حاکم جوامع بشری. و مذهبی بعنوان پناهگاه برای حفاظت مردم از همه ملتها؛ برقراری صلح پایدار جهانی بعنوان هدف عالی تمام بشریت. اینها بعنوان عوامل ضروری برجسته به شمار میروند^{۱۴۶}.

۱۴۳

دروژ به دو شاخه تقسیم شده. شاخه بیرونی جهال گفته میشود که به معنی نادانان هست، که اجازه ندارند به نوشتجات سری و مقدس دسترسی داشته باشند. آنها عموماً شاخه نظامی سیاسی دروژ را تشکیل میدهند و در کل خود را از مسائل مذهبی کنار میکنند. آنها شامل حدود ۹۰٪ دروژ هستند. شاخه درونی العقلا خوانده میشوند که به معنی باهوش و مبتکر هست. زنان مخصوصاً برای عقلا شدن بیشتر مناسب تشخیص داده میشوند. آنها حتی به لحاظ روحانی بر مردان ارجحیت دارند، اعتقادی که بر خلاف نظر جوامع مسیحی و مسلمان اطراف هست.

۱۴۴

سید علی محمد (۲۰ اکتبر ۱۸۱۹ تا ۹ جولای ۱۸۵۰) بنیانگذار و پیامبر بابی ها بود. او بازرگانی اهل شیراز بود که در سن بیست و پنج سالگی اعلام کرد که قائم موعود (یا مهدی) میباشد. بعد از این ادعا او عنوان باب به معنی در را گرفت.

۱۴۵

عبدالبها عباس افندی (۲۳ می ۱۸۴۴ – ۲۸ نوامبر ۱۹۲۱) که در بین عامه به عبدالبها معروف هست پسر بها الله بود. در ۲۸ سالگی بها الله پیامی گرفت که در مورد باب بود و او این پیام را پذیرفت و بابی شد. در ۱۸۹۲ عبدالبها برحسب اراده پدرش بعنوان جانشین و رهبر بهائیان شد.

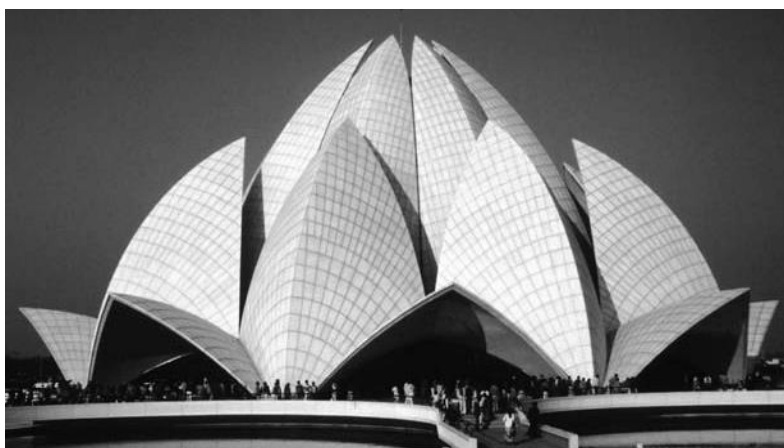
۱۴۶

شوقی افندی (۱۹۴۴). خدا عبور میکند نوشته ویلمت، امریکا: انتشارات بهائی ص ۲۸۱

اما اصول اصلی تعلیم بهائی که موجب خشم دیگر مسلمانان شده این هست که آنها محمد را بعنوان بزرگترین و آخرین پیامبر به حساب نمی‌آورند، بلکه یکی از مجموعه پیامبرانی که پایانی برای آن نیست. از این گذشته قرآن آخرین کتاب آسمانی وحی شده از طرف الله نمی باشد بلکه یکی از سری کتابهای الهامی هست و کتاب مقدس بهائیان نیز یکی از آنهاست که بعد از اسلام آمده.

۱۲ اصل زیر بعنوان خلاصهٔ تعلیم بهائی بارها ذکر شده. این ۱۲ اصل موثق نیستند. سه تا از این اصول بطور عام به وحدت سه گانه معروف هستند و زیربنای ایمان بهائی را تشکیل میدهند.

- (۱) وحدت و یگانگی الله
- (۲) وحدت ادیان
- (۳) برابری انسانها
- (۴) برابری جنسی
- (۵) ترک تعصبات از هر نوع
- (۶) صلح جهانی
- (۷) هماهنگی دین و دانش
- (۸) جستجوی مستقل حقیقت
- (۹) تعلیم و تربیت اجباری
- (۱۰) وحدت خط و زبان جهانی
- (۱۱) اطاعت از حکومت و عدم شرکت در سیاستهای چریکی
- (۱۲) تعدیل معیشت همگانی و مبارزه با فقر و مشکلات اقتصادی



خانهٔ پرستش بهائی (معبد لوتوس) دهلی نو هندوستان

اگرچه اصول ایمان بهائی بر مسائل اخلاقی و اجتماعی متمرکز هست، متون زیربنائی آن ممکن است رمزی توصیف شود. هدف از زندگی در ایمان بهائی، کسب فضیلت، شناخت الله، رشد روحانی، و کمک به پیشرفت فراینده تمدن. رشد روحانی شخصی به رشدحیاتی تشبیه شده مثل رشد و تکامل جنین به کمک پیامبر خدا. بها الله زندگی پس از مرگ را تعلیم داده که در آن جان بطور نامحدود پیشرفت میکند و به قلمرو های روحانی دائمی صعود میکند. به بهشت و جهنم بعنوان تقرب شخصی به خدا و یا دوری از خدا اشاره شده نه بعنوان محل هائی فیزیکی.

بهائیان ادعا میکنند که تا سال ۲۰۰۵ هفت میلیون نفر پیرو در سطح جهانی داشتند. اما هنوز هم در کشورهای اسلامی بنیاد گرا مخصوصاً ایران مورد آزار قرار میگیرند. بعد از انقلاب اسلامی ۱۹۷۹ بهائیان ایران دائماً مورد آزار بودند خانه هایشان بازرسی میشود، از تحصیلات دانشگاهی محروم هستند، از مشاغل دولتی و نظامی محروم هستند، و صد ها نفر از آنها به خاطر ایمانشان به زندان محکوم شدند. و اخیراً بخاطر شرکت در محافل مطالعاتی زندانی شدند.

۱،۶،۸ علوی ها

گروه خاص علویان^{۱۴۷} در شکل های متفاوت در کشور های مختلف در خاور نزدیک و کشور های منطقه بالکان زندگی میکنند. آگاهی در مورد علویان ترکیه که یکی از فرقه های گسترده توحیدی هست، مخصوصاً در رفتار با مسلمانان در اروپا از اهمیت خاصی برخوردار است. تخمیناً ۲۰% تا ۳۰% از جمعیت ترکیه از زمینه علوی هستند. بسیاری از کردها علوی هستند، اما همینطور سنی های کرد و علوی های ترک هم هستند.

مانند شیعیان، علوی ها هم فقط علی را جانشین برحق و قانونی پیامبر میدانند. چهره شاخص علویان ترک حاجی بکتاش ولی بود که بین سالهای (۱۲۴۸ تا ۱۳۲۷ میلادی میزیسته). به مرور زمان آئین علوی نه تنها تحت تأثیر اسلام قرار گرفته بلکه تأثیراتی از ریشه شمنی^{۱۴۸} فرهنگ ترک ها و عقایدی از مسیحیت هم گرفته اند. بر اساس اعتقاد علویان خدا دور نیست^{۱۴۹} او در مردان کاملی مثل علی و همینطور در عیسی، محمد و دیگران زندگی میکند. چون مردان کامل میتوانند خودشان خوب و بد را تشخیص دهند. کتابهای مذهبی و قوانین جانبی از اهمیت کمتری برخوردارند. دعا اساساً بر خود شخص متمرکز هست، از این نظر علویان به اومانیزم غربی شباهت دارند. به جای نماز های معمول در مساجد علویان در گرد همائی هائی که به آن جمع خانه میگویند پرسش میکنند. که در آنجا موزیک و رقص سماء برگزار میشود و داستانهای مذهبی نقل میکنند. مرد و زن بطور مساوی شرکت میکنند. تفکیک جنسیتی در اجتماعات علوی به ندرت به چشم میخورد. اگر چه علویان هم از همان قوانین تغذیه اسلامی تبعیت میکنند اما الکل به مقدار متعادل مجاز شمرده میشود. در خلال

حکومت عثمانی (۱۳۰۱ تا ۱۹۲۱) منازعات مکرری بین سنی ها و علویان به وقوع پیوسته، که همیشه علویان مورد ستم قرار گرفته اند. به این دلیل بسیاری از علویان از حکومت جمهوری لائیک^{۱۵۰} آتاتورک^{۱۵۱} استقبال کرده اند و همینطور بعد ها گرایشهای سوسیالیستی پیدا کردند. با اینحال

^{۱۴۷} نام علوی از نام علی ابن ابیطالب، پسر عمو و داماد محمد پیامبر مسلمانان گرفته شده است. علویان به شکل گسترده ای از علی پیروی میکنند.

^{۱۴۸} شمنیزم اعتقادی مذهبی هست که در آسیای مرکزی و گروه هائی از مردم سیبری به آن معتقدند. شمن ها بعنوان درمانگر عمل میکنند. و برای خدایان آسمان قربانی میکنند و با ارواح درگذشتگان ارتباط برقرار میکنند. شمن در عین حال که پزشک و کاهن به شمار میرود، از راهنمایان ارواح مردگان برخوردار هست.

^{۱۴۹} علویان معتقدند که نور الهی در علی و ذریت او دوازده امام تجسم یافته. عامل کلیدی نظریه اتحاد الله، محمد و علی هست: سه نامی که یک مفهوم دارند و با هم یکی هستند.

^{۱۵۰} لائیکیزم: تلاشی برای دور نگهداشتن روحانیون از مسائل غیر دینی.

^{۱۵۱} مصطفی کمال (۱۸۸۱ تا ۱۹۳۸) معروف به آتاتورک " یعنی پدر ترک ها".

بسیاری از علویان امروزه به شدت به ریشه های گذشته خود برمیگردند. برای بسیاری از علویان، آئینشان بیشتر جنبه فلسفه زندگی دارد تا یک مذهب و اکثریت آنها به سیستمی سکولار و آزاد وابسته هستند.

علویان اروپا گرایش و علاقمندی شدیدی به کلیسا های مسیحی پیدا کرده اند. آنها با تأکید بر محبت موافق هستند و از محبت عیسی نسبت به فقیران و درماندگان قدرانی میکنند. علیرغم احترام عمیقشان به عیسی، برای آنها سخت هست که به موقعیت سرگستگی خودشان و نیازشان به نجات اقرار کنند.

۱، ۶، ۹ بنیاد گرایی یا اسلامیسم

بنیاد گرایی اسلامی ایدئولوژی ای هست که از موارد زیر دفاع میکند:

- تفسیر تحت اللفظی متون مقدس اسلامی
- اجرا و پیاده کردن شریعت.
- کشوری اسلامی

بنیاد گرایی اسلامی واژه ای قدیمی است که کمتر برای اسلام بکار میروند^{۱۰۲}. مجموعه ایدئولوژی های سیاسی هست که تأیید میکند که اسلام نه تنها یک دین بلکه نظام سیاسی هست که بر حسب تعبیر خود از قوانین اسلامی، بر شرع، اقتصاد، و ضروریات اجتماعی کشور حکومت میکند. به این ترتیب اسلامیسم تفسیر مدرنی از اسلام هست که تلاش میکند اسلام را در جهان امروزی تفسیر کند^{۱۰۳}.

برای درک طرز تفکر اسلام باید تاریخ معاصر را درک کرد. اسلامیسم در طی قرنهای ۱۹م و ۲۰م در شمال آفریقا، در خاور میانه و در آسیای مرکزی و جنوبی که عمدتاً کشورهای مستعمره غرب بودند دوباره گسترش یافت. اسلامیسم اغلب بعنوان واکنشی در برابر استعمار توصیف شده یا نتیجه پسا استعماری و میراث استعمار هست. این تنها یک روی سکه هست. بیشتر مسلمین شرقی هائی هستند که سیستم ارزشی آنها بر مبنای صحیح یا خطا قرار نگرفته، پارسائی یا گناه، بلکه بر افتخار و شرم و نیز قدرت و ترس قرار گرفته. به این ترتیب رفتار عادلانه مهم نیست مهم این هست که عادلانه بنظر بیاید. افشای این فاجعه است و میتواند باعث رسوائی و ننگ شخص و خانواده، ملت و یا حتی اسلام شود. این برای مسلمانان ننگ بزرگی محسوب میشد که سرزمین اسلامی تحت تسلط و حکومت ملت هائی باشد که در نظر آنها کافر بودند. این نه تنها اهانت به مسلمین بلکه نسبت به الله نیز بود.

در نتیجه اسلامیسم جنبش جدیدی بود که در طی قرن بیستم در واکنش به رسوائی تسلط و حکومت کافران بر سرزمین های اسلامی توسعه پیدا کرد. بدنبال جنگ جهانی اول و فروپاشی امپراتوری عثمانی و به دنبال آن فروپاشی خلافت با همّت مصطفی کمال آتا ترک (بنیانگذار ترکیه) بسیاری از مسلمانان اسلام را در خطر دیدند. آنها احساس کردند که افکار غربی در جوامع اسلامی منتشر میشود. این باعث شد که بنیاد گرایی اسلامی یا اسلامیسم ظهور کند. این جنبشی هست که سازمانها و شخصیتهای بیشماری را پرورش داده:

- ۱) آنها معتقدند که قوانین اسلامی (شریعت) برای تمامی عرصه های حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی معتبر هست.

^{۱۰۲} استفاده از این واژه مورد بحث و جدل هست. خود بنیاد گرا ها با این واژه بسیار مخالف هستند، چون این نشان میدهد که فلسفه آنها یک قیاس گیری سیاسی از اسلام هست نه یک اظهار صریح از اسلام بعنوان یک روش زندگی. بسیاری از مسلمین این را در دسرس ساز میدانند که کلمه ای از اسلام مشتق شود و در سازمانهای افراطی و بنیاد گرا استفاده شود.
^{۱۰۳} روی ۲۰۰۶ را ببینید.

- (۲) آنها سعی دارند کشور های اسلامی را متحد کنند.
- (۳) آنها معتقدند که علما مجاز هستند برای شرایط خاص قران و احادیث را تفسیر کنند.
- (۴) آنها ایمان دارند که مکاشفاتی که به محمد رسیده تنها راه ارتباط انسان و الله هست.
- (۵) آنها ادعا میکنند که ملل اسلامی کنونی با تعالیم اصیل محمد سازگار نیستند.

در کل، بنیاد گرا ها ادعا میکنند که اسلام اصیل زمان محمد ایده ال هست و خواستار بازگشت به آن شیوه ها هستند. بنیاد گرا ها بر بنیاد ایمانشان تأکید دارند، با اینحال تحقیقات اندکی در مورد این جوامع اصیل توسط علمای اسلام صورت گرفته.

نظریه واضحی از مشخصات این اسلام اصیل وجود ندارد^{۱۰۴}. فقط بر این تأکید شده که در آن ایام اسلام کاملاً پیاده شده بود. مسلمانان میانه رو ادعا میکنند که اسلام حقیقی اسلام محمد در مکه هست، در حالیکه مسلمانان جنگ طلب یا بنیاد گرا ادعا میکنند که اسلام حقیقی اسلام محمد در مدینه هست.

عقدۀ حقارت نظامیان مصری در جنگ با اسرائیل به همراه حمایت اسرائیل از جانب غرب موجب خشم نهضت بنیاد گرایی و ایجاد انجمن های مخفی با سلسله مراتبی دقیق و سازمان یافته شده. اعضاء آنها انکار نفس را تمرین میکنند، و مایلند از خودکشتگی های بزرگی بکنند از جمله در صورت نیاز جانشان را فدا کنند (شهادت)، با اطاعت بی چون و چرای مذهبی، افراد امیدوارند در تغییر شکل جامعه سهیم باشند.

دو گرایش در اسلامیسیم میتوان تعریف کرد:

- (۱) گروه های اسلامی که که با راه های صلح جویانه در صدد اصلاحات مذهبی هستند.
- (۲) گروه های اسلامی که در صددند با تمامی امکاناتی که در دست دارند از جمله تروریسم دست به اصلاحات بزنند.

رویداد های اصلی که منجر به بنیاد گرایی شد:

- (۱) در پایان جنگ جهانی اول (۱۹۱۸) امپراتوری عثمانی که بر تمام کشور های اسلامی خاور میانه و افریقای شمالی حکومت میکرد از هم پاشید و توسط جامعه ملل و در بعضی موارد بصورت داوطلبانه به چندین کشور تقسیم شد، که بیشترشان تحت کنترل بریتانیا و فرانسه بودند که این وضعیت برای دنیای اسلام و مسلمانان غیر قابل تحمل بود.
- (۲) در ۱۹۲۴ آنا ترک کشور غیر مذهبی ترکیه را تأسیس کرد و سیستمی غربی را جایگزین سیستم اسلامی کرد. بسیاری از مسلمین به این مسئله واکنش منفی نشان دادند.
- (۳) این وقایع در ترکیه مصر را به طرف بنیاد گرایی اسلامی سوق داد. یک رهبر مذهبی بنام شیخ حسن البنا جنبش برادری اسلامی در ۱۹۲۸ را براه انداخت که به آن/الخارجی میگفتند. هدف آن این بود که قانون اسلامی را در مصر دوباره برقرار کند. جنبش برادری بسیار جنگ طلب، سلطه جو و نسبت به رهبران کشور و مخالفان قوانین اسلامی کینه توز بود. آنها برای تکان دادن جوامع و تعقیب اهداف خود برای احیاء قوانین شریعت و اسلام اصیل باشکوه دست به ترور میزدند.

^{۱۰۴} به اسلام اصیل، اسلام واقعی، اسلام حقیقی و اسلام صحیح نیز میگفتند.

۴) بعد از اینکه در ۱۹۴۸ اسرائیل بعنوان یک کشور تأسیس شد گروه‌های بنیاد گرای اسلامی حتی بیشتر رشد کردند و هسته‌های مقاومت زیادی تشکیل دادند. مسلمانان کینه توز میخواستند بخاطر اهداف نهضت شان بمیرند. این کینه توزی متوجه یهودیان، رهبران مصر و هرکسی بود که او را مسلمان حقیقی نمیدانستند. آنها فعالیت هایشان را بر ترور متمرکز کردند.

نمائی از یک گروه جهادی

- تزکیه درون: زدودن تمام منابعی که در رقابت با الله و قران بودند. این شامل کتابها و تفسیر های اسلامی انسانی بود.
- آنها جز اعتبار الله در مورد هیچ چیز عقیده دیگری را معتبر نمیدانستند.
- آنها از اولیای امور و جامعه انتظار مقاومت داشتند.
- آنها از نیروهای مسلح برای براندازی حکومتها و هر سیستم مخالف خودشان استفاده میکنند.
- همانطور که محمد از خشونت های فیزیکی استفاده میکرد.
- در این جنگ نباید هیچ رحم و سازشی باشد.
- در ابتدا سخت خواهد بود اما بزودی ایمانداران حقیقی خواهند شنید و به آنها ملحق خواهند شد و گروه رشد خواهد کرد.
- جهاد باید عملی شود: اسلام باید بعنوان یک دین از حرف به عمل تغییر کند.
- آنها قصد دارند که کشور اسلامی بزرگی تأسیس کنند که به سراسر جهان گسترش پیدا کند. تنها سیستم سیاسی بر اساس قوانین اسلامی خواهد بود.

سید قطب پدر جهاد^{۱۰۰} نوین:

- سید قطب از جانب حکومت مصر در ۱۹۴۸ انتخاب شد تا در آمریکا تحصیل نماید.
- او پر از حس کینه و حسادت به امریکا به مصر بازگشت.
- بعد از بازگشت او به جنبش برادری مسلمانان، اخوان المسلمین پیوست.
- او بیش از هفت کتاب نوشت و بعنوان پدر و بنیان گزار جهاد نوین شناخته میشود.
- کتاب نشانه هائی در راه سبب شد که حکومت او را به مرگ محکوم کند.
- او در ۱۹۶۵ در دوره ریاست جمهوری ناصر به مرگ محکوم شد.
- حکومت سعی کرد تمام کتابهایش را بسوزاند اما آنها باقی ماندند و در بازار سیاه قابل دسترسی هستند.
- سید قطب و کتابهای او به قلب تپنده جنبش بنیاد گرائی اسلامی امروزی تبدیل شده اند.
- او فیلسوف و رهبر روحانی گروه های تروریست اسلامی امروزی هست.
- او عمدتاً از تعالیم ابن تیمیه^{۱۰۱} پیروی میکرد.
- او احساس میکرد دنیا سیر قهقرائی کرده و به دوران پیش از تعالیم محمد برگشته و کافر و بت پرست شده است.
- او همینطور احساس میکرد که الله تنها حاکم روی زمین هست و تمام سیستمهای حکومتی ساخته انسان را رد میکرد از جمله: دموکراسی، سوسیالیسم، دیکتاتوری و کمونیسم.
- منطق او این بود: خیر و شر نمیتواند با هم زندگی کنند، پس باید روش های انسانی را نابود کرد (که شریرانه هست) و از راه الله پیروی کرد.

گابریل (۲۰۰۲ بخش ۱۵) را ببینید.

ابو عباس تقی الدین احمد بن عبدالسلام بن عبدالله اب تیمیه (۱۲۶۳ – ۱۳۲۸)، یکی از علمای سنی بود او در دوره سخت حمله مغولان زندگی میکرد. بعنوان عضوی از مکتب ابن حنبل او در پی باز گرداندن اسلام به اصل خود بود: قران و سنت. او همچنین سرچشمه اصلی عقلائی نهضت وهابی بود.

چهره حقیقی اسلام چیست؟

آیا اسلام اصیل باید از الگوی رفتار محمد در مکه (۵۷۰ - ۶۲۱ م.ی) برداشت شود، یا در مدینه (۶۲۲ - ۶۳۲) و یا ترکیبی از هر دو مورد؟ به عبارت دیگر، آیا اسلام اصیل میانه رو بوده یا افراطی؟ محمد در طی زندگی در مکه یک هشدار دهنده یک واعظ و یک شهروند صلح طلب بوده. اما در مدینه او رهبر و فرمانده سپاه بود و از نیروی نظامی برای توسعه اسلام استفاده میکرد، و یک جنگ طلب بود. مسلمانان بر سر چگونگی اسلام حقیقی اختلاف نظر دارند. یک محقق اسلامی در زوربخ، سوئیس با این سؤال مواجه شد: چرا به زنان در عربستان سعودی اجازه داده نشده رانندگی بکنند؟ جواب او این بود: خوب این نوع اسلام که در عربستان هست اسلام درست نیست. اسلام ما در زوربخ تنها اسلام حقیقی هست!

۱،۶،۱۰ دیگر گروه ها و نهضت های مختلف

- برادری مسلمانان یا اخوان المسلمین
- نهضت جهاد اسلامی
- اسلام عبادی

این گروه ها و دیگران اینجا شرح داده نشدند. خوانندگان را تشویق میکنم که اطلاعاتی از طریق کتب و یا از سایت ویکی پدیا اطلاعات جامعی در زمینه همه گروه های اسلامی کسب کنند.

۱،۶،۱۱ اسلام رایج یا عمومی

اسلام شکل های زیادی دارد. تفاوت های زیادی بین شاخه های مذهبی و مشخصات اسلام در کشور های مختلف وجود دارد. انواع روش های پارسائی و اختلافات فاحش در نظریات به چشم میخورند. قرآن بزرگترین منبع معتبر برای عقاید و زندگی همه این گروه هاست. با این حال تفسیر آن و کاربرد آن توسط حدیث و اجماع^{۱۵۷} تعیین میشود.

در ورای این تفاوت ها در ایمان معتبر، تفاوت های دیگری در ایمان و عمل هست که به آن اسلام رایج یا اسلام مردمی^{۱۵۸} میگویند، در فرهنگ غربی به نوعی از اسلام گفته میشود که مسلمانان در زندگی روزمره به آن عمل میکنند^{۱۵۹}. در زمانهای پیش از اسلام باور عمومی و اعمال مردم در عربستان سعودی به شدت تحت تأثیر اسرار نهانی بود. مردم تحت کنترل روح دنیا بشدت احساس درماندگی میکردند و از غیب گو ها و فالگیران که میتوانستند بر این نیرو ها تأثیر بگذارند برای رهایی از آنها کمک می گرفتند. این غیب گو ها (شمن ها) خودشان قدرت شکن بودند. وقتی اسلام ظهور کرد. حتی گزارش شده که خود محمد نیز از این نیرو ها رنج میبرده و دنبال راههای رایج برای رهایی از این نیرو ها بوده. اسلام و ایمان جدید با خرافات و فالگیری سازش کرد و آنها را تحمل نمود. وقتی اسلام به دیگر کشور ها با اعمال خفیه مختلف وارد شد، مردم محلی در کنار اسلام این خرافات را نیز حفظ کردند. به لحاظ عملی یعنی دین رسمی و مشهود، اسلام با همه یکنواختی خود هست، اما مشکل حقیقی یا فاجعه مربوط به بُعد دوم یعنی دنیای مرموز و نامرئی هست.

شکافی بین الهیات تعریف شده اسلام و نحوه بکار بردن اسلام بوجود آمده. اسلام عمومی بر طبق نیازمندیها و عاداتی مردم به مشکلات جاری زندگی روزمره میپردازد. این شامل وقایعی مثل بیماریها، سیل ها، قحطی و کمی محصول، تصادفات میشود و چیز هایی که اسلام اصیل به ندرت به آنها اشاره میکند.

بخش ۱،۴،۲ را ببینید.

واژه اسلام رایج یا اسلام عمومی در دنیای اسلام ناشناخته هست.

پپچیدگی مشابه این در بین مسیحیان هم هست. کلیسا ها انواع عبارات مذهبی را عنوان میکنند و مسیحیان هر روزه به روش متفاوتی زندگی میکنند.

باور عمومی با افسانه‌ها، رسوم اجدادی، امثال، و اشعار در هم آمیخته. پدر بزرگ‌ها اسراری را که شخصاً تجربه کرده‌اند به اعضای جوانتر خانواده انتقال می‌دهند. جادوگری یا منجمی می‌توانند از دیگر سازه‌های ایمان عمومی به حساب آیند.

رابطه بین ایمان عمومی و ایمان ارتدکس یا ایمان سنتی خیلی وخیم هست. علمای اسلامی با اسلام عمومی بعنوان نظریه‌ای دروغین مبارزه می‌کنند، اما اغلب تحت فشار هستند که تا حدودی آنها را تحمل کنند. مبانی اسلام عمومی که دائماً در تضاد با اسلام سنتی هست عبارتند از مثلاً:^{۱۱۰}

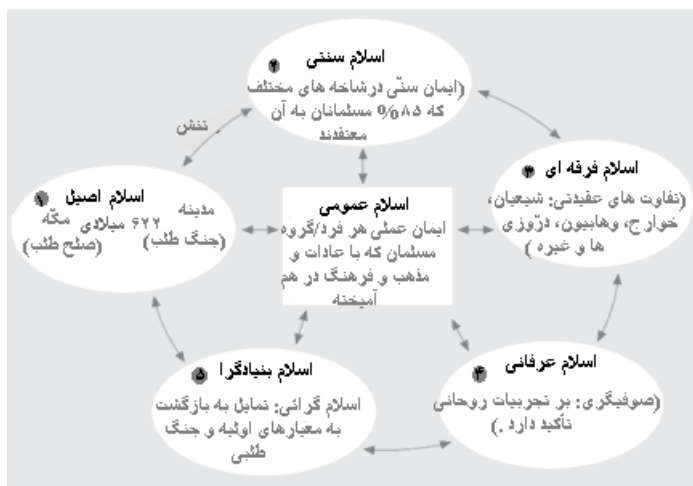
- اعمال مقدس روحانی (مثلاً زیارت مکانهای مقدس و زیارتگاهها)
- اعمال تصوف

• خرافات یا دیدگاههای بدعتی

• اعمال اسرار آمیز و سحر و جادو (از جمله قربانی حیوانات، مناسک و آئین‌های مذهبی)

در تاریخ اسلام هیچ مشورت یا تصمیمات شورائی عقیدتی در باره عقاید بنیادی تعصب آمیز به رسمیت شناخته نشده. بنابراین غیر ممکن هست که دقیقاً مشخص کرد اسلام عمومی کجا با اسلام یا ایمان سنتی اختلاف دارد. این سؤال هم که معنی بی‌ایمانی (کفر) چیست، در فرقه‌های متفاوت جوابهای مختلفی دریافت کرده. از آنجائی که این نوع تقوا در زمانهای مختلف و گروه‌های فرهنگی (قومی) مختلف می‌تواند بسیار متفاوت باشد، غیر ممکن هست که بتوان پدیده اسلام عمومی را به روش قابل درکی توصیف کرد.

نمای زیر پنج عنصر اسلام را نشان میدهد که نحوه اعمال مذهبی مسلمانان متأثر از آنهاست. مسلمانان در کشمکش مداوم زندگی میکنند: پنج عنصر زیر نه تنها تشابهات بلکه تناقضات را هم نشان میدهد.



ماسک (۱۹۹۲) با مثال‌هایی از زندگی روزمره مسلمانان به شرح جزئیات مسئله اسلام عمومی می‌پردازد.

اسلام رایج یا عمومی

هر فرد مسلمانی با ایمانی که در آن متولد شده و با ایمانی که در طول عمرش میپذیرد، زندگی میکند. آن ایمان معمولاً با فرهنگ و سنت‌ها در هم آمیخته و از یکی و یا چند شکل مختلف اسلام که در پی می‌آید، عناصری برگرفته و اغلب درجات متغیری دارد:

۱) اسلام اصیل^{۱۱۱}

این اسلامی هست که محمد و اصحابش بر اساس آن عمل میکردند. تقریباً به دو دوره زمانی مربوط به مکه (۶۱۰ - ۶۲۲ م.ی) و مدینه (۶۲۲ - ۶۳۲ م.ی) تقسیم شده. محمد اساساً در مکه صلح طلب و در مدینه جنگ طلب بود. سؤال این هست: اسلام حقیقی کدام هست، اسلام مکی یا اسلام مدینه یا ترکیبی از هر دو؟

۲) اسلام سنتی^{۱۱۲}

این نوع اسلام را میتوان اسلام سنتی نامید که ۸۵٪ از مسلمانان پیرو آن هستند، ایمانی که از زمان محمد تا امروز توسط رهبران مذهبی محلی جامعه آنها تفسیر و تجویز شده. درون اسلام سنتی انشعابات مختلفی هست.

۳) اسلام فرقه ای^{۱۱۳}

انشعابات مذهبی زیادی بر سر مسئله جانشینی، احکام عقیدتی، اجرای شریعت، نظرات مربوط به اعتبار حدیث و غیره، بوجود آمده.

۴) اسلام عرفانی^{۱۱۴}

اسلام عرفانی یا تصوف بر تجربیات روحانی تکیه دارد، این اعمال در تضاد با اسلام سنتی هست اما در بسیاری موارد با آن مدارا میشود. زیر مجموعه های زیادی در اسلام عرفانی هست.

۵) اسلام بنیاد گرا^{۱۱۵}

درصد فزاینده ای از مسلمانان به بنیاد گرایی روی می آورند و برای گسترش اسلام به زور متوسل میشوند. این چهره ای از اسلام هست که بیشترین بحث های رسانه ای را سبب شده. به این اسلامیم هم گفته میشود (بازگشت به ریشه های اسلام). همان اسلامی که در زمان محمد اجرا میشد. اسلامیم سعی دارد چیزی را که بعنوان اسلام حقیقی باور دارد اجرا کند. اما گروههای مختلف، عقاید مختلف دارند و اغلب با هم در ستیز هستند.

^{۱۱۱} بخش ۱، ۱، ۲ را ببینید.

^{۱۱۲} بخش ۱، ۶، ۱ را ببینید.

^{۱۱۳} بخش ۱، ۶ را ببینید.

^{۱۱۴} بخش ۱، ۶، ۳ را ببینید.

^{۱۱۵} بخش ۱، ۶، ۸ را ببینید.

- آیا شما هم اسلام سنی و هم اسلام شیعه را اسلام حقیقی میدانید؟
- نشانه های مسلمان حقیقی چیست؟
- شما چه چیزی را بعنوان اسلام حقیقی تعریف میکنید؟
- اسلام شیعه چطور به وجود آمد؟
- آیا فکر میکنید محمد یک صوفی بود؟
- نظر شما در مورد نهضت احمدیه چیه؟
- چرا بسیاری از مسلمانهای عرب و ترک یکنیگر را به عنوان مسلمان حقیقی به رسمیت نمی شناسند؟
- آیا مسلمانان بنیاد گرای جنگ طلب را بعنوان مسلمان حقیقی می شناسید؟
- نظر شما در مورد حملات تروریستی مسلمانان در دوره اخیر چیست؟
- آیات قرآنی را که کشتار مردم را رواج میدهد چطور تفسیر میکنید؟ (مثل سوره ۵:۹)

۱،۷، مذهب، فرهنگ و سنت ها

۱،۷،۱ مذهب، فرهنگ و سنت ها

اسلام هم مثل یهودیت دینی هست با مشخصه های فرهنگی که پیروانش نمیتوانند از آن بگریزند. کشور هایی که اسلام در آنها نفوذ کرده فرهنگ باستانی و مهمی داشتند که اسلام با آنها در هم آمیخته و در مسیر جدیدی توسعه یافته. ایمان اسلامی با فرهنگ اجتماعی کشور های مسلمان شده در هم آمیخته. پیروان اسلام در این کشورها اعمال مذهبی متفاوتی نسبت به زمان محمد به جا می آورند. تاریخ مسلمانان در این کشورها موردی هست که میشود نحوه اختلاط ایمان مذهبی با فرهنگهای مختلف را مطالعه کرد. این سازواری فرهنگی اغلب بیش از اختلافات عقیدتی گروههای اسلامی را از هم تفکیک مینماید. از سوئی، زبان عربی مسلمانان را فراتر و بالا تر از عقاید سنتی متحد میکند. غنای فن شاعری و سبک نگارش شیوای عربی هست که به ایمان اسلامی شکوه میبخشد.

۱،۷،۲ نقش مسجد در جامعه

دنیای امروز از چیزهایی که به نام اسلام میبیند، در حیرت فرو رفته و گیج شده است. بسیاری از مسلمانان هم بویژه در عرصه حقوق بشر با مشکل مواجه شده اند. آزادی انتخاب از سوئی و چیزی که القاعده بعنوان ماهیت ارزشهای اسلامی نشان میدهد. در اسلام زندگی و مذهب عمیقاً و به طرز تفکیک ناپذیری با هم عجین شده اند. مسجد نقطه مرکزی برای انتشار و پذیرش حاکمیت قوانین اسلامی. و نیز موسسه اصلی با نقش محوری در جوامع اسلامی است که تقریباً هر چیز مربوط به زندگی را اداره میکند. مسجد محلی برای گرد همانی مسلمانان روشنفکر و نیز مسلمانان بنیاد گرا هست.

کلمه مسجد از کلمه ریشه ای "سَجَد/سُجِد" گرفته شده که معنی آن به خاک افتادن یا سجده هست، که طبعاً بعنوان پرستش نشان داده شده. پرستش در اسلام تأیید و اجرای قوانین مکتشف الله هست. کلمه عربی دیگر که معمولاً برای مسجد مرکزی شهر استفاده میشود کلمه "جامع" هست، که به معنی مسجد اجتماعات هست که به آن "مسجد جمعه" هم میگویند.

هر مسجدی سعی میکند که نمونه ای از اولین مسجدی باشد که محمد در مدینه ساخت و اداره میکرد، او قبل از ساختن خانه برای خودش مسجد را بنا کرد که حد اعلاي اهمیت آن را نشان دهد.^{۱۶۶} به محض اینکه شریعت در مدینه علنی شد، مسجد باید نه تنها ساختمانی میشد که در آن تعالیم مذهبی داده میشود، بلکه باید محلی برای زندگی فرهنگی جامعه مسلمان هم میشد.^{۱۶۷} اما از زمان محمد، جوامع مسلمان از انشعابات داخلی و فرقه های مذهبی که در اثر برخورد آراء و عقاید مکاتب مختلف شکل میگرفت رنج میبردند.

بسیاری از اندیشمندان اسلامی متفق القول بر این باورند که "اسلام بالاترین دین هست" این اصل اساسی شریعت اسلام هست که به تمام جنبه های فقه اسلامی تسری یافته. بر اساس این اصل، ساختمان یک مسجد باید مرتفع ترین، وسیع ترین، و بزرگترین عمارتها باشد. مخصوصاً در کشورهای غیرایماندار (غیر اسلامی) تا قدرت و برتری اسلام نشان داده شود.^{۱۶۸}

۱،۷،۳ زنان در اسلام

موقعیت زن در اسلام در کشور های مختلف با هم متفاوت هست. و در هر کشوری بین مناطق شهری و روستائی نیز تفاوت دارد.^{۱۶۹} قرآن برتری مرد را نسبت به زن اعلام میکند، که زن باید از مرد اطاعت کند. (سوره ۴: ۳۴)

مردان سرپرست زنانند به دلیل آنکه خدا برخی از ایشان را بر برخی برتری داده و نیز به دلیل آنکه از اموالشان خرج می کنند پس زنان درستکار فرمانبردارند و به پاس آنچه خدا برای آنان حفظ کرده اسرار شوهران خود را حفظ می کنند و زنانی را که از نافرمانی آنان بیم دارید نخست پندشان دهید و بعد در خوابگاه ها از ایشان دوری کنید و اگر تاثیر نکرد آنان را بزنید پس اگر شما را اطاعت کردند دیگر بر آنها هیچ راهی برای سرزنش مجوید که خدا و الای بزرگ است.



۱۶۶ از آنجائیکه محمد بالاترین و مورد احترام ترین نمونه در جامعه مسلمانان هست، به مسلمانان فرمان داده شده از او تقلید کنند و او را اطاعت کنند (سوره ۴: ۸۰؛ ۲۱: ۳۳؛ ۸: ۴۸ – ۱۰: ۵۹؛ ۷: ۶۸؛ ۴: نگاه کنید)

۱۶۷ همینطور به بلطشصر و عبد نغو (۲۰۰۶) نگاه کنید.

۱۶۸ سوره ۳: ۱۱۰؛ ۴: ۹۵؛ ۳۲: ۱۸ را نگاه کنید.

۱۶۹ برای این موضوع بروکس (۱۹۹۵)؛ گلاسز (۱۹۹۸)؛ مرنیسی (۱۹۸۵) تاکر (۱۹۹۳) را ببینید.

بر اساس این موقعیت قوی مرد، نظام پدر سالاری شکل گرفت. حجاب، محروم کردن زن از زندگی اجتماعی (کلاً یا از بخشی از فعالیتها) و چند همسری نشانه سرکوبی زن و نشانه زیردست بودن او هست. تفسیر جملات قرآنی همیشه باعث مشاجرات شدیدی شده^{۱۷۰}.

خانواده اهمیت فراوانی برای سلامت داخلی اسلام دارد. به هر مسلمانی فرمان داده شده ازدواج کند و فرزندان زیادی به دنیا بیاورد. یک مرد مسلمان میتواند چهار زن بگیرد، به این فرض که با همه رفتاری یکسان داشته باشد، و برای آنان لوازم غذا، و لباس یکسان تهیه نماید^{۱۷۱}. به جز این زنان او میتواند هر چند تا که دلش بخواهد صیغه داشته باشد. تعالیم قرآنی که ازدواج با پیروان دیگر ادیان را ممنوع کرده بود (سوره ۲: ۲۲۱) بعد ها به نفع مردان تعدیل شد: یک مرد مسلمان بعد ها اجازه یافت که با زن یهودی و مسیحی ازدواج کند (سوره ۵: ۶). مرد مسلمان همچنین از امتیاز حق طلاق هم برخوردار هست.

چند همسری یک وظیفه نیست بلکه یک انتخاب هست^{۱۷۲}. در حال حاضر، بسیاری از مردان مسلمان تک همسری را ترجیح میدهند مخصوصاً در کشورهای غربی. از این گذشته قوانین اسلامی هم همیشه رعایت نمیشود، بخصوص در کشورهای غیر اسلامی و غالباً رفتارهای روشنفکرانه تری در مورد حقوق زن تحت تأثیر جوامع دیده میشود^{۱۷۳}. بسیاری از آداب در مورد زنان، دیگر بر اساس مذهب نیست، بلکه بر اساس فرهنگ هاست و در بعضی موارد از قوانین عمومی پیش از اسلام هم تأثیر میگیرد، مثلاً (ختنه فرعونى زنان^{۱۷۴}).

شکی نیست که زنان در اسلام موقعیت پائین تری دارند و در بسیاری از کشورهای اسلامی به ندرت در جوامع ظاهر میشوند. این اساساً به خاطر نقش اختصاصی سنتی زن هست، به این معنی که مردان مسئول کسب درآمد و معاش هستند و زنان مسئول خانه داری و نگهداری از فرزندان هستند^{۱۷۵}. حتی امروز در دنیای اسلام زنانی هستند که بعد از ازدواج هرگز به بیرون از خانه نرفتند چون شوهرانشان این را بی نزاکتی میدانند. مسلمانان و غیر مسلمانان به این سلسله مراتب روشن و نقش های اختصاصی، رویکردی متفاوت دارند. مسلمانان این مسئله را به عنوان ثبات خانواده مسلمانان و حمایت از زنان تلقی میکنند و غیر مسلمانان این را نوعی بردگی زنان میدانند که بعنوان انسان درجه دو طبقه بندی شده اند. در عربستان سعود زنان حتی اجازه رانندگی ندارند یا مجاز نیستند بدون اجازه همسرانشان سفر کنند. آنها باید به همراه یکی از بستگانشان سفر کنند. مثال های بعدی که موقعیت درجه دومی زن در اسلام را نشان میدهند عبارتند از:

• زنان فقط نصف مردان ارث میبرند (سوره ۴: ۱۷۶).

۱۷۰ حجاب: سوره ۲۴: ۳۱؛ سوره ۳۳: ۵۹؛ محرومیت: سوره ۳۳: ۵۳ - ۵۵ ، چند همسری: سوره

۴: ۳۴؛ ۴: ۱۲۹

۱۷۱ در واقع برای یک مرد غیر ممکن هست که با چند همسر رفتار یکسان داشته باشد. بنا

براین چنین خانواده هایی همیشه با مشکل روبرو میشوند.

۱۷۲ بعضی کشور ها از جمله ترکیه چند همسری را در قوانین ملی ممنوع کرده اند.

۱۷۳ در بعضی موارد زن هست خانواده هست. در نتیجه او تأثیر بسزایی در کارهایی که شوهرش انجام میدهد دارد، گرچه عموماً کم سوادتر از شوهرش هست. زنان گاهی از مردان سنتی تر هستند.

۱۷۴ ختنه فرعونى کلمه ای هست که در نوشته ها و توسط سودانی ها برای ختنه زنان مورد استفاده قرار میگیرد و مترادف واژه ختنه زنان و انسداد آلت تناسلی برای جلوگیری از جماع هست. طی عمل ختنه فرعونى کلیتورس و لبه های کوچک برداشته میشود و لبه های بزرگ دوخته میشود و مجرای کوچکی برای ادرار و دفع خون عادت ماهانه باقی میماند.

۱۷۵ این نقش تخصصی دقیقاً از قرآن گرفته نشده.

- شهادت دو زن به اندازه شهادت یک مرد معتبر هست (سوره ۲: ۲۸۲).^{۱۷۶}
- آیات مشخصی در قرآن هستند که زن را ناپاک میدانند (سوره ۴: ۴۳؛ ۵: ۶).
- زنان باید در خانه بیصدا باشند، ظاهر عفیفی داشته باشند، و اگر از خانه خارج میشوند، باید حجاب داشته باشند (سوره ۳۳: ۳۳).
- زنان نباید به مردان نگاه کنند و نباید هیچ قسمت از بدنشان را به کسی جز اعضاء نزدیک خانواده یا محارم نشان دهند (سوره ۲۴: ۳۱).
- زنا به جز با زنان اسیر ممنوع هست (سوره ۴: ۲۴).
- مرد میتواند با سه بار تکرار کلمه خاص طلاق همسرش را طلاق دهد (سوره ۲: ۲۲۴ - ۲۳۰).
- مرد میتواند چهار همسر اختیار کند (سوره ۴: ۳).
- غیر ممکن بودن رفتار یکسان با زنان متعدد (سوره ۴: ۱۲۹).
- هر زن بی حیائی میتواند تا روز مرگ در خانه زندانی شود (سوره ۴: ۱۵).
- رویکرد مرد نسبت به زن چگونه باید باشد: زنان شما کشتزار شما هستند پس از هر جا [و هر گونه] که خواهید به کشتزار خود [در] آید ... (سوره ۲: ۲۲۳)
- زنان در مذهب و قدر شناسی ناقص العقل هستند (بخاری جلد ۱ ش ۳۰۱)
- اکثر ساکنان جهنم زنان هستند (بخاری جلد ۱ ص ۴۸ و ۳۰۱).

روایاتی از حدیث در این باره:

- از ابو حریره نقل شده: رسول الله (صلوات بر او باد) گفته: اگر قرار بود به کسی امر کنم پیش دیگری سجده کند به زن امر میکردم پیش شوهرش سجده کند ال ترمذی حدیث (۳۲۵۵).
- ابو حریره گزارش کرده که از پیامبر خدا پرسیدند: در بین زنان چه کسی بهترین هست؟ او پاسخ داد کسی که به شوهرش وقتی به او نگاه میکند، لذت بدهد، و وقتی به او پیشنهاد میکند اطاعت کند، و با او به خاطر خودش و ترس از ناراحتی مخالفت نکند. (مشکوٰۃ I، ص ۲۱۶)
- از معاویه ابن هابیده نقل شده: من گفتم یا رسول الله چطور باید به زنانمان نزدیک شویم و چطور از آنها جدا شویم؟ او جواب داد: به کشتزارتان (زنتان) هر زمان و هر طور که میخواهید در آید، وقتی غذا میخورید به آنها غذا بدهید، وقتی لباس میپوشید آنها را هم بپوشانید، به او ناسزا نگوئید و کتک نزنید. (سنت ابو داوود حدیث ۲۱۳۸).
- ابو حریره (رضی الله عنه) از رسول الله (صلوات بر او باد) نقل کرده که میگوید: قسم به آنکه دستش در زندگی من است، وقتی مردی زنش را به رختخواب فرا میخواند، و او جواب نمیدهد، آنکه در آسمان هست از او ناراضی میشود تا زمانیکه شوهرش از او راضی شود. ابو حریره (رضی الله عنه) از رسول الله (صلوات بر او باد) گزارش کرده که میگوید:
- وقتی مردی زنش را به رختخواب فرا میخواند و او نمی آید و او (شوهرش) شب را از دست او عصبانی میگذراند، فرشتگان تا صبح او را لعنت میکنند. (صحیح مسلم ۲ ص ۷۲۳).

^{۱۷۶} شرعاً یک زن فقط نصف یک مرد ارزش دارد.

بنظر میرسد که محمد در زمان خودش برای بهتر شدن شرایط زنان هیچ اقدامی نکرده. اما امروزه با تمام زنان مسلمان بدرفتاری نمیشود؛ بعضی ها شخصیت قدرتمندی دارند و در محیط خانه بر مردان تأثیر میگذارند. در عین حال زنان مسلمانی هستند که حتی بر این قوانین صحه میگذارند و آنرا بعنوان قوانین محافظ میبینند.

۱،۷،۴ ترتیب زمانی اعیاد اسلامی

سال اسلامی بر اساس فاز های ماه (اهله قمر) تنظیم میشود. بنا بر این یازده روز کوتاه تر از سال شمسی هست. از این رو ماه ها و اعیاد هر سال ده یا یازده روز زودتر واقع میشوند. یک قرن اسلامی سه سال کوتاه تر از قرن م.ی هست^{۱۷۷}. اولین روز تقویم اسلامی ۶۲۲ م.ی سال هجرت هست، که محمد از مکه به مدینه مهاجرت کرد. ماه قمری ۳۵۴ روز هست و به ۱۲ ماه تقسیم شده که هر کدام بین ۲۹ یا ۳۰ روز هستند. یک خلاصه راحت به این ترتیب هست^{۱۷۸}:

- شروع تقویم اسلامی: ۶۲۲ م.ی = اول ه. ق
- ۲۰۰ سپتامبر ۱۳۰۰ م.ی = ۷۰۰ ه. ق
- ۲۰۰۰ م.ی در ۱۴۲۰ ه. ق شروع شد.

اسامی دوازده ماه اسلامی عبارتند از:

۱. محرم
۲. صفر
۳. ربیع الاول
۴. ربیع الثانی
۵. جمادی الاول
۶. جمادی الآخر
۷. رجب
۸. شعبان
۹. رمضان
۱۰. شوال
۱۱. ذی القعدة
۱۲. ذی الحجة

محرم ماه سوگواری مسلمانان هست (مسلمانان شیعه)، رمضان ماه روزه داری و ذیحجه ماه زیارت حج هست.

گروه های مختلف اسلامی اعیاد مختلفی را جشن میگیرند. در اسلام سنتی اعیادی که در زیر آمده حائز اهمیت هستند:

جدول کامل تبدیل تقویم را میتوانید در کتاب جی.اس.پی. فریمن – گرانویل، تقویم مسلمانان و مسیحیان، پیدا کنید. که از ۱۹۷۷ تا سال ۲۰۰۰ م.ی را در بر میگیرد

سال م.ی با علامت اختصاری AD نشان داده شده که مخفف کلمه آنو دومینی به معنی بعد از میلاد هست. در سال خداوند شمارش سالها با تولد عیسی شروع شد. و سال هج با علامت AH نشان داده شده که مخفف کلمه آنو هگیرا به معنی بعد از هجرت هست، شمارش سالها از مهاجرت محمد از مکه به مدینه در سال ۶۲۲ م.ی شروع شده است.

روز/ ماه		نام	توصیف
۱	محرم	روز اول سال جدید	در بسیاری از کشور ها تعطیل هست. روز اول سال جدید هجری ، برای مسلمانان یاد آور هجرت محمد از مکه به مدینه در ۶۲۲ م. ی هست.
۱۰	محرم	عاشورا	شیعیان این روز را روز شهادت امام حسین میدانند.
۱۲	ربیع الاول	تولد رسول مولید النبی	روز تولد محمد . همه مسلمانان این روز را جشن نمیگیرند.
۲۷	رجب	شب معراج لیلة المعراج	یاد آور سفر شبانه محمد در رؤیا به آسمان. بعضی از مسلمانان معتقد به سفر جسمانی محمد به آسمان هستند.
۱	رمضان	شروع ماه روزه داری	مومنین از طلوع آفتاب تا غروب از خوردن ، نوشیدن و دخانیات خودداری میکنند. و از روابط نزدیک خودداری میکنند. روزه از نماز سپیده دم سحر شروع میشود و در نماز مغرب پایان می یابد، افطار وعده غذایی هست که بعد از ساعات روزه، به همراه خانواده و دوستان خورده میشود.
۲۷	رمضان	لیلة القدر شب قدرت	شب قدر یا سرنوشت این شبی هست که پنج آیه اول قران که از سوره ۹۷ شروع میشود بر محمد مکاشفه شد. مسلمانان سرتاسر این شب را دعا میکنند، و جلال الله را میطلبند.
۱	شوال	عید الفطر شکستن روزه	عید پایان رمضان ماه روزه داری را نشان میدهد، این مخصوصاً عید بزرگی هست که در آن لباسهای نو خریده میشود وبه مستمندان و دوستان هدایا داده میشود. در ترکیه به این عید شکر میگویند. در آسیای جنوب شرقی هاری رایا پواسا میگویند.
۱۰	ذی الحجة	عید الاضحی عید قربان	برای بسیاری از مسلمانان بزرگترین عید اسلامی هست. این یادآور فرمان قربانی کردن اسمعیل توسط توسط درش ابراهیم هست. خانواده ها حیوانی را به رسم قربانی ذبح میکنند که معمولاً یک گوسفند هست. در پایان مراسم حج مراسم عید گاهی تا چهار روز طول میکشد. که در ترکیه به آن، کوربان بایرامی و در آسیای جنوب شرقی هاری رایا حج و در بخشهایی از افریقا تاباسکی میگویند.

در تقویم اسلامی ماه روزه داری،^{۱۷۹} رمضان، از موقعیت خاصی برخوردار هست. گرچه آن فقط بعنوان ماه نهم به حساب می آید، با اینحال آن وسط سال مذهبی و ماه مقدسی در اسلام هست. و زمانی هست که محمد گفت اولین وحی خود را دریافت کرده است. حتی آن مسلمانانی که اعمال روزمره ایمانی خود را ترک کرده اند، باید در رمضان به منبع هویتشان قرآن برگردند. آنها به خودشان یادآوری میکنند که خدایی نیست به جز یک الله. به همراه روزه از بر خوانی کل قرآن هم در سرتاسر ماه رمضان مرسوم هست و به همه نماز ها دقت میشود. گفته میشود کارها و اعمالی که در این ماه انجام میشود با ارزش تر از سایر ماه ها هست.

۱،۷،۵ سنّت ها و قوانین روزانه

در ابتدای هر عملی، حتی در رانندگی، مسلمانان مؤمن کلمه بسم الله (در نام الله) را میگویند. و در آخر هر کاری میگویند الحمد لله (شکر بر الله). این در مورد اعمالی در محل کار و در غذا خوردن هم مراعات میشود.^{۱۸۰}

وقتی کسی قصد دارد کاری انجام دهد و یا قولی بدهد در بیشتر موارد از ورد، *إن شاء الله* (الله بخواهد) در جمله استفاده میشود. اگر مسلمانی یک هم ایمانش را ببیند به او اینطور سلام میکند *السلام علیکم* و دیگری در جواب میگوید، و علیکم السلام (سلامتی بر تو باد، بر تو هم سلامتی باد). قبل از رفتن به رختخواب و قبل از برخاستن از رختخواب از خدا با این شعار تجلیل میکنند، سبحان الله (حمد بر الله). ورد های زیادی هست که معتقدند از جنّ و (دیوها) و شیاطین محافظت میکند.

اسلام تقریباً هر چیزی را، از جمله خوراکی ها و نوشیدنی ها را به دو دسته طبقه بندی کرده که عبارتند از حلال (مجاز) و حرام (ممنوع). اطاعت اکید از قوانین مربوط به رژیم غذایی برای یک مسلمان واجب هست،^{۱۸۱} و بخش مهمی از هویت مذهبی آنهاست. بطور کلی نظر بر این هست که مصرف هر چیز خوبی که به لحاظ پزشکی و اخلاقی بی ضرر هست مجاز میباشد. غذا های ممنوعه میتوانند در سه دسته طبقه بندی شوند:

- (۱) مواد مست کننده که هشیاری را از بین میرد (شراب و دیگر مشروبات الکلی بطور خاص و اما مواد مخدر هم در زمره آنهاست).
- (۲) خون و گوشت حیواناتی که خون آنها تماماً خارج نشده ممنوع هست. و مصرف گوشت خوک نیز ممنوع میباشد تمام گوشت هایی که بدون ورد بسم الله^{۱۸۲} ذبح شده ناپاک و (حرام) است.
- (۳) غذا های مضر و فاسد شده.

۱۷۹

۱۸۰

۱۸۱

۱۸۲

در مورد روزه، به سوره ۲: ۱۸۳ - ۱۸۷ نگاه کنید و بخش ۱،۵،۲ را ببینید.
 عموماً این ورد های (بسم الله) به زبان عربی گفته میشوند. اما استثنا هایی هم هست مثلاً در آلمان که ۷۰٪ مسلمانان از نژاد ترک هستند ورد ها مشابه هستند اما با لهجه و تلفظ ترکی.
 واژه *حلال* (مجاز یا جایز) و *حرام* (ممنوع یا غیر مجاز) در این رابطه یکار رفته اند. سوره ۵: ۵ را هم ببینید.
 عبارت بسم الله معمولاً به نام الله ترجمه میشود، با نام بسملا و تسمیه هم شناخته میشود.

- پیام اسلام چی هست؟
- چرا زنان در اسلام حق برابر با مردان ندارند؟
- چرا زنان در اسلام اغلب لباسی میپوشند که همه جای آنها را می پوشانند؟
- فکر میکنید که چرا مریم مادر عیسی تنها زنی هست که در قرآن به نام او اشاره شده است؟
- چه منفعت روحانی ای از مراعات ماه روزه داری رمضان کسب میکنید؟
- آیا روز تولد محمد را جشن میگیرید؟ اگر بله، چرا؟
- کدام یک از عید های اسلامی را جشن می گیرید؟
- عید قربان یاد آور ابراهیم هست. این عید واقعاً برای شما چه مفهومی دارد؟ پسری که باید قربانی میشد کدام بود؟ آیا میتوانید نشان دهید که این در کجای قرآن نوشته شده است؟
- تقویم اسلامی از سال ۶۲۲ م.ی شروع میشود. آیا زمان پیش از این (وقتی محمد در مکه بود) غیر اسلامی بود؟
- آیا میتوانید واژه "حلال" و "حرام" را برای من شرح بدید؟ این واژه ها چه تأثیری بر زندگی شما دارند؟

۲. مسیحی به ایرادات مسلمان پاسخ میدهد

- این بخش اطلاعاتی را پیرامون مطالب زیر فراهم میکند
- (a) رایج ترین ایرادات مسلمانان و راههای اندیشیدن
 - (b) اختلافات عقیدتی بین مسیحیت و اسلام^{۱۸۳}
 - (c) نحوه فراهم کردن پاسخ ها توسط مسیحیان طوریکه مسلمانان درک کنند.

^{۱۸۳} مسلمانان خیلی کمی از پیام و تعالیم مسیحی درک واضحی دارند. برای اثبات مثلاً اسلام مسیحیان را متهم میکند که سه خدا را می پرستند.

اعتراض به تعلیم کتاب مقدسی از محمد شروع شد. قرآن که متنهای فرضی وحی شده به محمد در آن ثبت شده، حاوی اظهارات جدلی زیادی هست که متناقض با تعلیم مسیحی هست. آیا مسیحیان به این ایرادات پاسخ مستدل و مستحکمی دارند؟ در واقع بله! مسیحیان میتوانند به هر ایرادی پاسخی حقیقی و صادقانه بدهند. این بخش سعی دارد گزیده ای از رایج ترین ایرادات^{۱۸۴} مسلمانان را بطور خلاصه ارائه نماید.

اطلاع درست و کافی از کتاب مقدس و تعلیم مسیحی یک پیش نیاز مهم برای بحث با مسلمانان هست. مسیحیان را تشویق میکنم که مطالب این بخش را با همدیگر مطالعه و مورد بحث قرار دهند تا برای بحث با مسلمانان آمادگی و اطمینان داشته باشند. جوابهایی که از کتاب مقدس داده میشود باید با صبر و محبت زیاد داده شود. تنها نکته این نیست که توضیح دهیم مسیحیان به چه چیزی باور دارند، بلکه باید توضیح دهیم چرا باور دارند. در مواردی که یک مسیحی جواب را فی البداهه نمیداند بهتر است که به این اقرار کند و جواب نسنجیده و بدون فکر ندهد. اون موقع زمان کافی برای تحقیق و آماده کردن جواب در روح "دوم تیموتائوس ۲:۱۵" برای سؤال مطرح شده را، در ملاقات بعدی خواهد داشت.

منتهای کوشش خود را بکن تا مانند کارگری که از کار خود خجل نیست و پیام حقیقت را بدرستی تعلیم می دهد در نظر خدا کاملاً مورد پسند باشی. دوم تیموتائوس ۲:۱۵

جوابها باید مسلمانان را در مورد رابطه اشان با خدا و در نتیجه پذیرش حقیقت به چالش بکشد^{۱۸۵}.

۲,۱ عرصه های مورد اختلاف الهیاتی

فرق بین مسیحیان و مسلمانان، ایرادات مسلمانان و جوابهایی که توسط مسیحیان داده میشود در بخش بعدی شرح داده شده. ما با بررسی تشابهات بین دو مذهب شروع میکنیم، که میتواند نقطه شروعی در گفتگوهای بین مسیحیان و مسلمانان باشد^{۱۸۶}. جدولی که مشاهده خواهید کرد مثالهایی از موضوعات مسیحیت و اسلام را که تا حدی تشابهاتی دارند و اما اختلافاتی هم دارند ذکر کرده :

مسلمانان زیادی هستند که از مسیحیت ایراد میگیرند. مثلاً گیل کرایست ۱۹۹۹ را ببینید.
باید به خاطر داشت که مسلمانان، قاعداً، مسائل مذهبی را مورد سؤال قرار نمیدانند بلکه بعکس، بی چون و چرا از بر خوانی قرآن را به زبان عربی میپذیرند. زیر سؤال بردن محمد یا قرآن گناه هست.
در مورد این موضوع به توضیح بخش ۳,۴ نگاه کنید.

۱۸۴

۱۸۵

۱۸۶

اختلافات	تشابهات	موضوع
کتاب مقدس و قرآن خدا را به روش متفاوتی به تصویر میکشند.	ایمان به اینکه فقط یک خدا وجود دارد.	خدا واحد هست
روشی که خدا بر جهان حکومت میکند	خدا تا ابد زنده هست و بر جهان حکومت میکند.	خدا حاکم هست
روش مکاشفه(وحی) و اینکه عملاً کدام کتاب ها حاوی کلام خدا هستند.	خدا کلامش را بر انسانها آشکار کرده.	مکاشفه یا وحی
تعریف گناه بطور بنیادی متفاوت است.	انسان مرتکب گناه میشود.	گناه
روشی که خدا می بخشد.	خدا میتواند گناهان انسان را ببخشد.	بخشش
این افراد چه کسانی بودند و واقعاً مأموریتشان چه بود.	قرآن و کتاب مقدس از شخصیتهای یکسانی بحث میکنند مانند ابراهیم، موسی، نوح، مریم، عیسی ^{۱۸۷} و غیره.	اشخاص ذکر شده
در این روز واقعاً چه اتفاقی خواهد افتاد.	این واقعیت که روز داوری خواهد بود.	روز داوری
مفهوم کلی متفاوت هست.	وجود آسمان (بهشت) و جهنم	ابدیت

همانطور که در بالا ملاحظه کردید از مسائل و افراد زیادی هم در کتاب مقدس و هم در قرآن و بحث به میان آمده. اما مأموریت و تعالیم مربوط به آنها تفاوت قابل ملاحظه ای دارند. قرآن مثلاً در مورد تخلف آدم در بهشت صحبت میکند، اما جزئیات داستان و اهمیت سقوط انسان تماماً بد فهمیده شده و متفاوت از آن چیزی هست که در پیدایش ثبت شده. در اسلام گناهی که آدم مرتکب شده، عواقب بعدی برای بشریت ندارد و در نتیجه مسلمانان مفهوم کتاب مقدسی منشأ گناه را رد میکنند. این باید کاملاً روشن شود که ما بخاطر گناه آدم محکوم نخواهیم شد اما ما طبیعت گناه کار آدم را به ارث بردیم و بنابر این تمایل شدیدی به گناه داریم.

عیسی از موقعیت برجسته ای در بین پیامبران در قرآن برخوردار هست، اما از دیدگاه مسیحیان مسئله تعیین کننده نادیده گرفته شده: در اسلام عیسی پسر خدا نیست که بخاطر گناهان جهان بر صلیب مرد. بررسی دقیق تر نشان میدهد که اختلافات بیشتر از تشابهات هست. اینها در بخش بعدی توضیح داده خواهد شد.

۲، ۲ ایرادات مسلمانان بر کتاب مقدس

۲، ۲، ۱ " کتاب مقدس مکاشفه یا وحی خدا نیست"

ایراد مسلمانان

کتاب مقدس مکاشفه یا وحی حقیقی الله نیست. تنها قرآن آخرین و بهترین وحی از جانب الله هست.

در قرآن نام چیزس عیسی قید شده و تلفظ صحیح عربی آن یسوع هست. نمیتوان دلیل واضحی برای این تفاوت پیدا کرد.

اولاً، این مهم هست تفاوت های نظریه مکاشفه یا وحی را درک کنیم:

اسلام	مسیحیت
<p>الله خودش را آشکار نمیکند، فقط اراده اش را آشکار میکند. او پیامبرانی به قومهای مختلف در زمانهای مختلف میفرستد. بغیر از چند عرب برخی از شخصیتهای مهم کتاب مقدسی که با نام در قران ذکر شده اند: عبارتند نوح، ابراهیم، موسی، داوود، سلیمان، زکریا، یحیی، و عیسی. مسلمانان ادعا میکنند که محمد آخرین پیامبر هست. و قران قطعه به قطعه در فواصل مختلف توسط فرشته مقرب (جبرئیل) به او داده شده. اصل قران به زبان عربی گفته میشود که در آسمان هفتم نگهداری میشود و مادر کتاب هست. اون حاوی فرامین الله برای تمام اعمال انسان هست. گفته میشود که محمد متن وحی شده را مستقیماً بدون تغییر انتقال داده است. یعنی اینکه هیچ عامل انسانی در قران دخالت ندارد پس ادعا میشود که کلام خالص الله هست. اگرچه مسلمانان معتقدند که در قران تنها الله با انسانها به صورت مستقیم صحبت میکند، اما از سوره اول مشخص هست که بخشهایی از قران در سوم شخص نوشته شده (سوره ۵: ۱ تنها تو را میپرستیم و تنها از تو یاری میجوییم). و اینجا انسان حرف میزند.</p>	<p>خدا خودش را از طریق خلقتش، در تاریخ و مخصوصاً توسط قوم برگزیده اسرائیل آشکار میکند. خدا ذات و نام خودش را آشکار میکند(خرو ۲۰). در عیسی او به این جهان می آید تا مردم را دوباره به آشتی بیاورد و به سوی او جذب کند. عیسی کلام نهانی و ضروری خدا هست(یوحنا ۱: ۱ - ۱۴؛ و عبر ۱). خدا خودش را در عیسی آشکار میکند. کتاب مقدس نشانه وحی شده خدا از آشکار سازی خودش هست. خدا نویسنده گانی را برگزید که با الهام روح القدس آیات کتاب مقدس را نوشتند (دوم تیمو ۳: ۱۶؛ دوم پط ۱: ۱۶ - ۲۱). این افراد کتاب مقدس را به شیوه خودشان نوشتند. بنابراین کتاب مقدس مؤلف دوگانه ای دارد، خدا توسط قوت روح خودش و شخصی برگزیده. بنا بر این اگر چه کتاب مقدس را انسان نوشته اما تحت کنترل خدا بوده تا یقیناً حقیقت آشکار شود.</p>

مسیحیان معتقدند که کتاب مقدس کتاب وحی شده خدا هست و تنها پیام واضح خدا به انسان در مورد بخشش گناه، باز خرید یا رستگاری، و قطعیت نجات هست.

هیچ عمل انسانی هرگز نمیتواند کامل باشه. بنا بر این اعتماد کردن بر این ادعای اسلامی مشکل هست که میگوید قران مکتوب امروزی سینه به سینه انتقال یافته و ۲۳ سال بعد از مرگ محمد توسط کاتبین نوشته شده و نسخه کاملی از اصل سخنان الله هست^{۱۸۸}. مسلمانان معتقدند که کتاب مکتوب قران، کلام الله در کاملترین شکل آن میباشد.

در مقابل این، مسیحیان معتقدند که کلام خدا در عیسی مسیح به شکل انسان درآمد^{۱۸۹}. پسر خدا که از جنبه الهی کامل بود. پس مسلمانان بعنوان آخرین وحی یک کتاب دارند، در حالیکه به مسیحیان یک شخص بعنوان مکاشفه الهی داده شده. پس سؤال این هست: کدامیک مکاشفه معتبر تری از خدا هستند، یک کتاب یا یک شخص^{۱۹۰}؟

مسلمانان ادعا میکنند که هیچ چیز به جز الله کامل و قئوس نیست! پس چطور کتابی مثل قران در روی زمین میتواند کامل باشد؟

یوحنا ۱: ۱۴ را ببینید که خود عیسی باید مکاشفه خدا بوده باشد. و بنابر این کلام خدا در شکل انسان بر انسان آمده، و این با عقیده اسلامی در مورد اینکه خدا چگونه خود را آشکار میکند سازگار نمیشد.

داستان بخش ۴، ۳، ۳ را ببینید.



ایراد مسلمانان

کتاب مقدس دیگر نمیتواند کلام خدا باشد: آن عوض شده و توسط یهودیان و مسیحیان دستکاری شده (تحریف)

از دیدگاه مسلمانان قرآن حاوی تمام مکاشفات مکتوبی هست که قبلاً از طرف خدا وحی شده^{۱۹۱}. مسلمانان عقیده دارند که این نوشته های پیشین تحریف شده اند، و حالا تنها قرآن حاوی کلام حقیقی خدا هست. قرآن به بسیاری از مطالب کتاب مقدسی اشاره میکند، اما اکثراً کوتاه تر شده اند، و به شدت بغرنج و بد تفهیم شده اند و برداشتی سطحی از آنها شده.

از آنجائیکه قرآن با بسیاری از مطالب کتاب مقدس تناقض دارد، مسلمانان معتقدند که کتاب مقدس تحریف شده است. آنها بدون بررسی جدی قرآن این را ادعا میکنند. موضع آنها عملاً برخلاف اظهارات قرآن در مورد کتاب مقدس هست^{۱۹۲}. و این بدان معناست که هر چیزی که مسلمانان میگویند در راستای قرآن نیست. جنول زیر این را به تصویر میکشد:

باور مسیحیان چیست	باور مسلمانان امروزی بر چیست	تعالیم قرآنی
عطف به اصل کتاب مقدس		
افرادی که توسط خدا انتخاب شدند تحت رهبری روح القدس کتاب مقدس را نوشته اند (نوم پتر ۱: ۲۱؛ و نوم تیموتائوس ۳: ۱۶).	نوشته های کتاب مقدسی اساساً از سوی الله توسط انبیاء بر انسان آشکار شده .	کتاب مقدس از طرف الله نازل شده (سوره ۴۷: ۵) .
عطف به اعتبار کتاب مقدس		
کتاب مقدس کلام مکتوب خدا هست که راه نجات را نشان میدهد (یوحنا ۲۰: ۳۱).	کتاب مقدس دیگر کلام الله نیست چون یهودیان و مسیحیان آن را تحریف کرده اند.	در کتاب مقدس هدایت و نور الله هست (سوره ۴۶: ۵ و ۹۴: ۱۰) . (۲۳: ۳۲)

این کتابها در بخش ۱، ۵، ۱ بترتیب آمده.

قرآن هرگز به کتاب مقدس اشاره نکرده بلکه به بخشهایی از کتاب مقدس مثل کتاب شریعت تورات و به انجیل اشاره کرده است.

جدول زیر دو آیه چالش برانگیز قرآن را توضیح داده است^{۱۹۳}:

توضیح	فارسی	آیه عربی
قرآن یقیناً در مورد عهد قدیم کتاب مقدس صحبت میکند و آنطور که مسلمانان ادعا میکنند نمیگوید که آنها تغییر یافته اند	و به راستی [ما] به موسی کتاب دادیم پس در لقای او [با خدا] تردید مکن و آن [کتاب] را برای فرزندان اسرئیل [مایه] هدایت قرار دادیم.	سوره ۲۳: ۳۲ وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَلَا تَكُنْ فِي مِرْيَةٍ مِّنْ لَّيَّاهُ ۖ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَءِيلَ ﴿٣٢﴾
این آیه عملاً میگوید که هر مسلمانی که در مورد هر مکاشفه ای از الله در شک هست باید از کسانی که قبلاً به آنها کتاب داده شده بپرسد: یهودیان و مسیحیان	و اگر از آنچه به سوی تو نازل کرده ایم در تردیدی از کسانی که پیش از تو کتاب [آسمانی] می خوانند بپرس قطعاً حق از جانب پروردگارت به سوی تو آمده است پس زنهار از تردیدکنندگان مباش.	سوره ۹۴: ۱۰ فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكٍّ مِّمَّا أَنزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْأَلِ الَّذِينَ يَقْرَءُونَ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ ﴿١٠﴾

اعتبار کتاب مقدس در هیچ کجای قرآن زیر سؤال نرفته، بلکه بطور قطع و یقین بر آن تأکید شده است. در سوره ۳: ۳ مثلاً *انجیل و تورات* (کتاب شریعت) بعنوان راهنمای انسان توصیف شده اند. بعد ها قرآن همینطور در (سوره ۶: ۳۴؛ ۱۰: ۶۴) اظهار مینماید که کسی نمیتواند کلام الله را جایگزین کند. پس جا دارد که این سؤال پرسیده شود: چرا مسلمانان امروزی به دیدگاهی که متضاد با قرآن هست متوسل شده اند؟

برای اثبات ادعای تحریف کتاب مقدس، مسلمانان را با سؤالاتی در این رابطه که در زیر میبینید به چالش بکشید:

- (۱) کی و چرا کتاب مقدس تحریف شده است؟
- (۲) چه کسی کتاب مقدس را تحریف کرده؟
- (۳) دیگر ایماندارانی که در تحریف کتاب مقدس شرکت نکردند چه واکنشی نشان دادند؟
- (۴) از کجا باید دانست کتاب مقدس اصیلی وجود داشته، مگر اینکه دلایلی برای اثبات این ادعا در دست داشته باشیم؟

اعتبار و وثوق کتاب مقدس با چهار حقیقت بنیادی تأیید شده است:

- (۱) **تحقق یافتن نبوت ها:** بسیاری از این ها را میتوانید در کتاب مقدس ببینید. غالباً وقایعی هستند که چند صد سال پیش از زمان وقوع پیش بینی شده اند و هیچ منتقدی نمیتواند منکر این شود و —

آیات بعدی قرآن که اعتبار کتاب مقدس را یقیناً تأیید میکنند: سوره های ۲: ۱۳۶؛ ۳: ۴۳؛ ۴: ۱۳۶؛ ۵: ۶۸؛ ۱۰: ۳۷.

در کل تاریخ منحصر بفرد بوده و در هیچ مذهب دیگری به این روشنی اتفاق نیفتاده. مثالهایی از نبوت ها و تحقق یافتن آنها در جدول زیر ارائه شده است:^{۱۹۴}

وقایع مربوط به عیسی (و زمان نبوت شدن آنها)	نبوت	به انجام رسیدن
زادگاه مسیح و وجود ازیلی او (۷۰۰ پیش از میلاد)	میکا ۲:۵	لوقا ۲: ۷-۴
تولد از باکره (۷۰۰ پیش از میلاد)	اش ۱۴:۷	متی ۱: ۱۸-۲۳
الوهیت او (۷۰۰ پیش از میلاد)	اش ۶:۹	متی ۱: ۲۳
ورود او به اورشلیم سوار بر الاغ (۴۸۰ پیش از میلاد)	ذکر ۹:۹	متی ۲۱: ۱-۹
او می آید که نجات دهد و شفا دهد (۷۰۰ پیش از میلاد)	اش ۳: ۵۳-۶	متی ۲۱: ۱-۴۰ لوقا ۱۹: ۴۳-۱۰
نام مسیحا (۷۰۰ پیش از میلاد)	اش ۸: ۱-۴۹	متی ۲۱: ۱
رنجها و مصلوب شدن او	اش ۵۳ مزا ۱۸-۱: ۲۲	متی ۲۷: ۳۳-۵۰ یوح ۱۸: ۳۶-۳۷
دفن شدن او	اش ۹: ۵۳	متی ۲۷: ۶۰
رستاخیز او	مزا ۱۱-۸: ۱۶	اعما ۲: ۲۵-۳۲
صعود او به آسمان	مزا ۱: ۱۱۰	اعما ۱: ۶-۱۱ عبر ۱: ۱۳

(۲) **شاهدان عینی:** وقایعی که در کتاب مقدس ثبت شده در ملاً عام واقع شده؛ تمام قوم اسرائیل شاهد بودند. رسولان بکرّات تکرار کرده اند که با شاهدان عینی برای تأیید حقیقت تماس داشته اند. (لو ۲: ۱؛ اعما ۲: ۲۲-۲۴؛ ۳۰: ۵-۳۲؛ ۲۵: ۲۶-۲۶ و غیره):
... و برای انجام این کار، از مطالبی استفاده کرده اند که از طریق شاگردان او و شاهدان عینی وقایع، در دسترس ما قرار گرفته است. (لو ۲: ۱)

(۳) **باستان شناسی:** یافته های باستان شناسی بیشماری اعتبار کتاب مقدس را تأیید میکنند، و بر حقایق تاریخی و دقت آن صحّه میگذارند.^{۱۹۵} وقتی با دیگر کتابهای مذهبی مقایسه میشود، کتاب مقدس به گواهی مکانها، مردم، عنوانها و وقایع موجود در آن و زبان و قالب بندی ادبی و سبک نگارش آن به لحاظ قدمت منحصر بفرد هست. کشفیات باستان شناسی میتواند در رفع شبهات در مورد وثوق تاریخی کتاب مقدس مفید واقع شود. وقتی حقایق کتاب مقدس توسط شکاکان زیر سؤال میرود، باستان شناسی میتواند نشان دهد که افراد، مکانها، و وقایع کتاب مقدس واقعی هستند. نکات برجسته ای در رابطه با کشفیات باستان شناسی وجود دارند، یکی از نمونه هایش که درست بعد از ۱۹۶۷ ثبت شده:

به دنبال تسخیر دیوار غربی و معبد در طی جنگ شش روزه، باستان شناسان حفاریات گسترده ای را درون شهر مجاور اورشلیم جدید آغاز کردند.

همینطور نلز (۱۹۸۵) را ببینید و وبسایت www.answering-islam.org
مثلاً فری (۱۹۹۲) یا با وبسایتهایی مثل www.christiananswers.net را ببینید که نشانه های محکمی را بوسیله کاوش های متعدد از حقیقت بودن کتاب مقدس ارائه میدهد.

۱۹۴

۱۹۵

یکی از بارز ترین چیز هائی که از جنوب غربی شهر قدیم بدست آمد: دو کتیبه نقره ای کوچک بود که بطور منحصر بفردی متون کتاب مقدسی را حفظ کرده بود که قدیم تر از طومار های دریای مرده بود. هردوی این نوشته ها حاوی مطالبی از کتاب اعداد هستند. یکی از آنها حاوی نوشته ای به موازات آیات خروج (۶:۲۰) و تثنیه (۱۰:۵) و ۹:۷) هست. همان آیات دوبار بعد ها حتی در دانیال (۹:۴) و نحما (۱:۵) هم ظاهر میشود.

۴) تاریخ: مورخین آن دوره مثل تاسیتوس و یوسفوس،^{۱۹۶} که غالباً غیر مسیحی بودند هم داستانهائی کتاب مقدس را تأیید میکنند. بنا براین دلیلی نداریم که به کتاب مقدس شک کنیم، چونکه وقایع همانطور که اتفاق افتادند شرح داده شدند. یوسفوس مثلاً در ۹۳ م.ی نوشته است:^{۱۹۷}

در آن زمان، عیسی، انسانی خردمند، در واقع اگر بتوان او را یک انسان نامید، میزیست. زیرا، او انجام دهنده کار های شگفت انگیزی بود؛ معلم کسانی که با رضایت حقیقت را می پذیرند. او پیروان بسیاری در میان یهودیان و یونانیان یافت. او مسیح بود. آنگاه که پیلاتوس، تحت تأثیر مردان قترمند در میان ما، او را به مرگ بر صلیب محکوم کرد، آنهایی که از ابتدا او را دوست می داشتند، همچنان به او وفادار ماندند. زیرا، او، در روز سوم بر آنها ظاهر شد، همان گونه که پیامبران خدا این [واقعۀ] و هزاران کار شگفت دیگر از سوی او را پیش گوئی کرده بودند. و فرقه ی مسیحیان (که نام خود را از نام او گرفته است) همچنان از آن به بعد به حیات خود ادامه داده است. (عهد عتیق یهودیان، کتاب ۱۸، باب ۳:۳ در کار فلاویوس یوسفوس ترجمه شده توسط ویلیام ویستون، میلنز و سوربای، لندن ص ۳۹۲).

۲،۲،۳ " مسیحیان اناجیلی با متون متناقض دارند"

ایرادی که مسلمانان وارد میکنند

"مسیحیان کتاب مقدس های گوناگون دارند که در برخی جا ها متون آنها متفاوت است، خدا مسلماً مؤلف کتب مقدس متناقض نیست"

این بحث بر اساس این فرضیه مبتنی هست که متون مختلف کتاب مقدس وجود دارد. واضح هست که مسلمانان هرگز این ادعا را بررسی نکرده اند. چیزی که عملاً مورد نظر آنها هست این هست که ترجمه های مختلفی وجود دارد که این در مورد قران هم صدق میکند. آنها باید یاد بگیرند که ترجمه های مختلف نشان از زمینه خردمندی مردمان در دوره های متفاوت هست. از آنجائی که زبان عنصری پویا هست و از نسلی به نسل دیگر تغییر میکند لازم است که ترجمه ها به روز گردند. اما کتاب مقدس به هر حال از زبان اصلی عبری و یونانی ترجمه میشود! برای بسیاری از مسلمانان درک این مطلب دشوار هست که میشود کتاب مقدس را بدون اینکه مفهوم محتوای آن تغییر کند به زبانهای مختلف ترجمه کرد.

در رابطه با قران در زمینه تعالیم اسلامی در مورد وحی^{۱۹۸} مسلمانان عقیده دارند که کلام الله باید لفظ به لفظ بررسی شود. این فرضیه غیر واقع گرایانه هست، چونکه وقتی متنی شفاهاً منتقل میشود یا باز نویسی میشود و به صورت دستی تکثیر میشود، لزوماً در طی قرن ها اختلافات کوچکی ظاهر میشود. این فرضیه ای است که قدرت استدلالی کمی دارد. مسلمانان بدون نگاهی منتقدانه به متن و محتوای قران می پندارند که قران کامل است. اما به رغم تفکر مسلمانان، قران به هیچ وجه کامل و متجانس نیست^{۱۹۹}.

پولیبوس (یا گایوس) کرنلیوس تاسیتوس (۵۴ - ۱۱۷ م.ی) بزرگترین مورخ امپراتوری روم بود. یوسفوس (کمی بعد از ۱۰۰ م.ی) بود که در هویت رومی خودش به فلاویوس یوسفوس معروف بود. یک مورخ یهودی رومی و زندگی نامه نویس بزرگان دینی و شاهان اجدادی یهود که تاریخ یهود را با تأکید ویژه بر سده نخست (۷۰ م.ی) ثبت کرده است. کار او درک مهمی از یهودیت قرن اول به دست میدهد.

برای شواهد علمی بیشتر در باره حقیقت کتاب مقدس استونر (۱۹۶۹) را ببینید.

این نظریه در بخش ۲،۲،۱ توضیح داده شده.

گیل کرایست ۱۹۹۹: ۲۳ - ۴۰ را ببینید.

در مقایسه با آن، میتوان گفت که هیچ کتاب دیگری تا کنون به اندازه کتاب مقدس مورد بررسی منتقدانه قرار نگرفته – و کاملاً امتحان خود را پس داده است!

مسیحیان میتوانند آسوده باشند چون، از بین همه کتابها، کتاب مقدس از بیشترین اعتبار برخوردار هست. هیچ کتاب باستانی دیگری تا این اندازه نسخه خطی قدیمی ندارد. در بین بیش از ۵۰۰۰ نسخه دست نوشته قدیمی و یا بخشهایی از آن که پیدا شده سه کتاب خطی عمده هست که پیش از اسلام نوشته شده. اینها نشان میدهند که کتاب مقدسی که امروز داریم درست مطابق با همانی هست که یهودیان و مسیحیان باستانی استفاده کرده بودند.^{۲۰۰}

(۱) **نسخه خطی اسکندریه** در قرن پنجم م.ی نوشته شده. آن شامل تمام کتاب مقدس هست به استثنای چند صفحه ای از عهد جدید که از بین رفته است.^{۲۰۱} کل دست نوشته حاوی مطالب کتاب مقدس امروزی هست. این نسخه در کتابخانه بریتانیای لندن قرار دارد.

(۲) **نسخه سیناییه** در انتهای قرن چهارم م.ی نوشته شده. این نسخه شامل کل عهد جدید و بخشهایی از عهد قدیم میباشد. این نسخه در کتابخانه سنت پترزبورگ روسیه نگهداری میشد، بعد ها فروخته شد و اکنون در کتابخانه بریتانیای لندن نگهداری میشود.

(۳) **نسخه واتیکان** احتمالاً قدیم ترین نسخه ای هست که شامل کل کتاب مقدس هست. این کتاب در قرن چهارم م.ی نوشته شده و اکنون در کتابخانه واتیکان در رم نگهداری میشود. آخرین بخش از عهد جدید توسط شخص دیگری نوشته شده است و خط آن با بقیه متفاوت هست.^{۲۰۲}

در رابطه با ادعای تحریف و تغییر کتاب مقدس باید با قاطعیت اظهار کنیم که نسخه های خطی که در بالا به آنها اشاره شد، همه پیش از زمان محمد بوده اند. و به هیچ وجه نمیتوان هیچ تغییری را بعد از آن زمان به کتاب مقدس نسبت داد، چون کتاب مقدس امروزی فرقی با متن نسخه های مذکور بالا ندارد. قرآن صراحتاً کتاب مقدس را در زمان محمد به عنوان مکاشفه الهی ذکر میکند که هیچ کس نمیتواند آن را تغییر دهد. بنا بر این باید فرض کرد مسلمانانی که ادعا میکنند کتاب مقدس تحریف و مخدوش شده، از این حقایق آگاه نیستند.

^{۲۰۰} نسخه های خطی فراوان دیگری هستند که درستی و همسانی کتاب مقدس را ثابت میکنند مثلاً متون عبری ماسوره، طومارهای دریای مرده، سپتجوانت(هفتاد گانی)، نسخه لاتین قدیمی(همینطور گیل کرایست ۲۰:۱۹۹۹ – ۲۳ را ببینید).

^{۲۰۱} متن های مفقوده در نسخه اسکندریه عبارتند از: متی ۱:۱ – ۲۵؛ متی ۶؛ یوحنا ۵:۶ – ۵۲:۸؛ دوم کورسیان ۴:۱۳ – ۶:۱۲.

^{۲۰۲} از عبرانیان ۱۴:۹ تا پایان مکاشفه.

جدول زیر مقایسهٔ جالبی در مورد مکاشفه و کتابهایی هست که خدا به انسان داده:

موضوع	مسیحیت	اسلام
مکاشفهٔ کامل و نهائی که خالق به انسان داده	عیسی = شخصی زنده	قران = یک کتاب
راهنمای مکتوب برای انسان ها	کتاب مقدس = کلام مکتوب خدا	قران و حدیث = کلام الله

به این ترتیب تفاوت این هست که در مسیحیت " کلام جسم شد و تا مدتی در بین ما زندگی کرد... " (یعنی عیسی ، در یوحنا ۱: ۱۴) در حالیکه در اسلام، کلام الله یک کتاب شد یعنی قران. در مسیحیت مکاشفهٔ کامل نهائی عیسی هست، شخصی زنده، در حالیکه در اسلام یک کتاب هست، قران. به این ترتیب در بحث از مکاشفهٔ کامل نهائی بین مسیحیت و اسلام لازم است که عیسی با قران مقایسه شود.

?

سئوالات

- قرانی که امروزه موجود هست چگونه تبدیل به متن مکتوب شد؟
- چرا امروزه مسلمانان ادعا میکنند که کتاب مقدس تحریف شده، در حالیکه قران اعتبار کتاب مقدس را تأیید میکند؟
- مسلمانان چه شواهدی دارند که ادعا میکنند کتاب مقدس تحریف شده؟
- مسلمانان ادعا میکنند در چه زمانی از تاریخ کتاب مقدس تحریف شده؟
- چرا مسلمانان از توصیهٔ قران بموجب سورهٔ ۹۴:۱۰ پیروی نمیکند، یعنی اگر آنها در معنی مکاشفه شک دارند چرا از یهودیان و مسیحیان نمپیرسند؟
- در حالیکه قران به کتاب مقدس یهودیان و مسیحیان اعتبار میدهد چرا مسلمانان از کتاب مقدس برای سئوالات روحانی مشورت نمیگیرند؟
- مسلمانان ادعا میکنند که هیچ چیز جز الله کامل و قدوس نیست! پس چطور کتابی مثل قران میتواند کامل باشد؟

•

۲،۳ ایرادات مسلمانان به عیسی مسیح

۲،۳،۱ "عیسی چیزی جز یک پیامبر معمولی نیست"

×

ایراد مسلمانان

عیسی پیامبری مانند سایر پیامبران هست. عیسی فقط برای اسرائیلی ها آمد. محمد بزرگترین و آخرین پیامبری هست که برای تمام انسانها آمد (ر.ک سوره های ۴: ۱۷۱؛ ۵: ۷۵؛ ۳۳: ۴۰؛ ۴۳: ۵۹؛ ۴۳: ۶۳ – ۶۴).

مسلمانان عیسی را به جز یک پیامبر نمیشناسند. از طرفی محمد، بعنوان آخرین و مهم ترین و بزرگترین پیامبر نشان داده میشود. در حالیکه قران واقعاً موقعیت منحصر بفرد و والائی را –

به عیسی نسبت میدهد^{۲۰۳}. اگر چه از ۱۱۴ سورة قرآن^{۲۰۴}، ۱۵ سورة به عیسی اشاره کرده، هیچکدام از این سورة ها منحصرأ درباره شخص او و یا اعمال او نیست. پس تصویری که قرآن از عیسی بدست میدهد باید از بین ۹۳ آیه پراکنده که به او اشاره کرده شکل بگیرد. مهم ترین اظهارات در مورد عیسی و نام هائی که به او داده شده در لیست زیر آمده:

نظریه اظهار شده	سوره
او در این دنیا و در آخرت بسیار ارجمند و گرامی داشته شده.	۴۵:۳
او به آسمان برده شده (عملاً توسط الله به سوی الله).	۱۵۸:۴
او مسیحا هست (مسیح) ^{۲۰۵} ، او کلمه الله هست ^{۲۰۶} ، او روحی از جانب الله هست	۱۷۱:۴
او شفا میداد، و مردگان را زنده میکرد و زندگی خلق میکرد	۱۱۳:۵
او پاک و منزّه بود (بیگناه بود). ^{۲۰۷}	۱۹:۱۹
او از باکره به دنیا آمد.	۲۰:۱۹
او نشانه ای برای بشر هست.	۲۱:۱۹
او کلام حقیقت هست.	۳۴:۱۹
او نشانه ای برای تمام مردم جهان هست.	۹۱:۲۱
او از ساعت خبر دارد (از داوری)	۶۱:۴۳
او با دلایل آشکار آمد.	۶۳:۴۳

بسیاری از مسلمانان نسبت به این اظهارات قابل توجه قرآن که عیسی را منحصر بفرد میکند تجاهال میکنند. اما این مهم هست که قرآن – حتی در جاهائی که خیلی سخت با تعالیم مسیحی مخالفت میکند هرگز هیچ گناهی را به عیسی نسبت نمیدهد^{۲۰۸}. بعلاوه این در خور توجه هست که قرآن کلمه مسیح را بکار میبرد^{۲۰۹}، گرچه میشد انتظار داشت که این عنوان خاص به شدت رد شود. پس حتی قرآن نیز عیسی را بعنوان فردی منحصر بفرد و بی همتا توصیف میکند که بیش از یک پیامبر هست. همه مسلمانان این بحث را میکنند که مسیح فقط یک پیامبر بود که برای قوم خودش فرستاده شد، برای قوم اسرائیل. و بر این آیه کتاب مقدس استناد میکنند: او در جواب گفت: «فرستاده نشدهام مگر بجهت گوسفندان گم شده خاندان اسرائیل» (متی ۱۵:۲۴؛ و متی ۲۱:۱ و ۱۰:۵:۶-).

جواب این مشخص و این هست که مأموریت عیسی را باید در کل زمینه آن مشاهده کرد^{۲۱۰}. در ابتدا عیسی موعظه اش را بر قوم یهود متمرکز کرد، و بعد ها آنرا به غیر یهودیان نیز گسترش داد.

^{۲۰۳} مسیحیان نیازی ندارند که قرآن منحصر بفرد بودن عیسی را به تصویر بکشند. اما این به مسلمانان نشان میدهد که آنها میتوانند با مطالعه دقیق قرآن درک کنند که عیسی بیش از یک پیامبر هست: او منحصر بفرد و بی همتا هست.

^{۲۰۴} در رابطه با عیسی در قرآن به پاریندر ۱۹۶۵ نگاه کنید.

^{۲۰۵} توضیح در مورد موضوع مسیح را در بخش ۳، ۴، ۳ ببینید.

^{۲۰۶} البخاری (۲۰۰:۶ – ۲۰۱:۴، ۱۷۸، ۲۳۶) این عنوان کلمه الله را برای عیسی تأیید میکند.

^{۲۰۷} قرآن در سورة ۱۹:۱۳ میگوید یحیی تعمید دهنده مقدس بود. همه پیامبران دیگر باید برای گناهانشان طلب بخشش میکردند، از جمله محمد (سورة ۴:۱۰۶، ۵۵:۴۷، ۱۹:۴۷). حدیث البخاری (۳۲۴:۶، ۵۴، ۱۰۵، ۵۰۶) به جز عیسی که از لمس شیطان و گناه مصون ماند.

^{۲۰۸} گزارشهایی موجود هست که میگوید همه پیامبران دیگر گناه کردند و طلب بخشش نمودند. سنت اسلام نیز بیگناهی عیسی را تأیید میکند.

^{۲۰۹} قرآن هیچ توضیحی درباره این عنوان ارائه نمیکند.

^{۲۱۰} مسلمانان پیوسته آیات کتاب مقدس را خارج از متن آن میگیرند، که منتهی به نتیجه گیری غلط میشود. بنابر این مسیحیان باید با ذکاوت و درایت، کل متن را توضیح دهند.

این از مواجهه های بیشماری که عیسی داشت مشخص میشود مثلاً ملاقات او با زن سامری بر سر چاه یعقوب (یوح ۴) ^{۲۱۱} مأموریت بزرگ (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰) و وعده روح القدس به شاگردان (اعمال ۸: ۱) نشان میدهد که پیام عیسی برای تمام انسانها هست.

خط مشی عیسی ریشه در برکتی دارد که خدا به ابراهیم داده (پیدایش ۱۲: ۱ - ۳): ... و از تو تمامی امتهای جهان برکت خواهند یافت. برکت به اسحق انتقال یافت و در نهایت به عیسی. عیسی این را با این کلام تأیید کرده ... زیرا نجات از یهود است. (یوحنا ۴: ۲۲). از این رو عیسی خدمت خودش را با موعظه برای یهودیان شروع کرد چون برکت خدا توسط یهودیان به تمام مردم میرسد. استدلال مسلمانان که میگویند عیسی فقط برای اسرائیلیان فرستاده شده مغایر اظهارات قرآن هست. سوره ۲۱: ۱۹ میگوید عیسی نشانه ای برای انسان بود.

۲، ۳، ۴ عیسی پسر خدا نبود

✕

ایرادات مسلمانان

غیر ممکن هست که الله پسری داشته باشد، در غیر اینصورت او میتواند دختران و زنانی نیز داشته باشد. خدا واحد هست (سوره ۱۹: ۳۵).

همانطور که قبلاً تأکید کردیم، عیسی از موقعیت خاص در قرآن برخوردار هست، و عناوین خارق العاده و اعمال فوق طبیعی به او نسبت داده شده اما از طرف دیگر یقیناً تفاوتهای اساسی نیز وجود دارد:

قرآن	کتاب مقدس	اظهارات در رابطه با
پیامبر، نبی (رسول)	پسر خدا	موقعیت عیسی
موعظه و شفا	رستگاری و باز خرید ^{۲۱۲} انسان	خدمت عیسی

محمد نظریه مسیحی مبنی بر پسر خدا بودن عیسی را درست درک نکرده و آنرا از جنبه جسمانی تصور کرده چنانکه گویی خدا همسری داشته و از او پسری به دنیا آورده این سو تفاهم در آیات مختلف قرآن نمود پیدا کرده ^{۲۱۳}. موقعیت و خدمت عیسی در اسلام منحصر بر اساس مفهوم قرآنی پیامبر و رسول توصیف شده. تعالیم مسیحی درباره عیسی بعنوان پسر خدا و منجی جهان مغایر با عقیده مسلمانان درباره خدا یعنی وحدانیت و بی همتائی الله هست (توحید). بنابر این برای مسلمانان بسیار سخت هست که بپذیرند الله و عیسی یک رابطه پدر و فرزندی دارند. و چون الله پسری ندارد او نمیتواند بعنوان پدر درک شود خواه برای عیسی یا مومنان مسلمان. در نتیجه واژه پدر برای مسلمانان غریب و غیر قابل پذیرش هست. اما این اظهار که خدا پدر تمام مسیحیان هست یکی از پر مغز ترین اظهارات کتاب مقدس هست (دوم تسلا ۲: ۱؛ اول پتر ۱: ۱۷).

^{۲۱۱} اینجا عیسی با زنی سامری اهل دهکده سنحار گفتگو میکند. بعد از آن او برای بسیاری از مردم دهکده صحبت میکند. و در نتیجه این رویا رونی بسیاری به عیسی ایمان می آورند. باز خرید در بخش ۲، ۴، ۳ مورد بحث قرار گرفته.
^{۲۱۲} سوره ۱۰۰: ۶ - ۱۰۱، ۱۰: ۶۸، ۱۹: ۸۸ - ۹۲ را ببینید.

در عهد جدید، پسر خدا یا فقط پسر نقش عمده مسیحائی برای عیسی هست. خدا عیسی را پسر خود میخواند و در مقابل مردم این را اعلام میکند.^{۱۱۴} عیسی آشکارا خود را پسر خدا میخواند و به این ترتیب اصل خود را از خدا و رابطه منحصر بفرد خود را با خدای پدر^{۱۱۵} آشکار میکند. وقتی عیسی خود را پسر خدا میخواند. این شامل ادعای وجود قبل از آفرینش نیز میشود.^{۱۱۶} توسط او همه چیز بوجود آمد. به این ترتیب واژه پسر خدا با واژه خداوند برابری میکند. اقرار به اینکه عیسی پسر خدا هست پذیرفتن و باور مکاشفه ای هست که توسط او آمد (متی ۱۶: ۱۶). اینکه حتی دیوها عیسی را بعنوان پسر خدا تشخیص میدادند بعد کیهانی مکاشفه او را نشان میدهد.^{۱۱۷}

مفهوم پسر خدا را چگونه توضیح دهیم



وقتی برای اولین بار با مرد مسلمانی ملاقات میکنید، میتوانید از او بپرسید اهل کجاست و بعد با او احوالپرسی میکنید و (بسته به مورد) میگوید اوه بچه پاکستانی، یا اوه بچه نیل هستی، یا اوه بچه عراقی. اما بعد بگید، ولی پاکستان (یا هر کجا) همسر/ زنی نداشته با اینحال تو بچه پاکستان هستی (یا هر کشوری) این کمک کرده خیلی ها به یاد بیاورند که پسر به جز فرزند جسمانی که از رابطه ای جنسی بوجود آمده معانی دیگری را هم شامل میشود.

۲، ۳، ۳ عیسی نمیتواند خدا باشد



ایرادات مسلمانات

عیسی خدا نبود. او هم انسانی بود همانند همه ما. خدا یکی هست؛ او شریک و انبازی ندارد (ر.ک. سوره ۱۹: ۵ - ۲۰)

در اسلام سنتی، استنباط این هست که الله نمیتواند خود را به عنوان شخصی انسانی آشکار کند و نخواهد کرد. مکاشفه الله فقط پیامی هست که بر اساس اسلام توسط جبرئیل فرشته بر محمد آشکار شد و بعد کلمه به کلمه به شکل مکتوب ثبت شد. و اینکه شخص عیسی مسیح مکاشفه خداست و به این ترتیب کلام ابدی خدا در شکل جسمانی هست، در قالب مفهوم اسلامی مکاشفه نمیگنجد. این به عنوان بت پرستی (شرک) قلمداد میشود که در اسلام بدترین نوع بی ایمانی محسوب میشود.

اما اظهارات کتاب مقدس واضح هست: عهد قدیم پیش گوئی کرده که کسی خواهد آمد که خدا خواهد بود، و عهد جدید نشان میدهد که این چگونه تحقق یافت^{۱۱۸}. کتاب مقدس صراحتاً اظهار میکند که عیسی "خدا با ما هست" (امانوئیل؛ متی ۱: ۲۳).

۲۱۴ متی ۱۶: ۳ - ۱۷ : ۱۷ ؛ لوقا ۹: ۳۵ را ببینید.

۲۱۵ ر.ک. متی ۲۷: ۱۱ ؛ یوح ۱۴: ۲۰

۲۱۶ ر.ک. کول ۱۵: ۱ - ۱۶ ؛ یوح ۳: ۱

۲۱۷ متی ۲۹: ۸ ؛ مرق ۱۱: ۳ ؛ لوق ۴: ۴۱

۲۱۸ این آیات را در کتاب مقدس ببینید: داو ۱۳: ۷ - ۱۴ ؛ اش ۷: ۱۴

۶: ۹ ؛ یوح ۱۰: ۱ - ۱۲ ؛ ۲۱: ۵ - ۲۷ ؛ ۲۵: ۱۰ - ۳۳ ؛ ۶: ۱۴

اعما ۲۶: ۲۰ - ۲۹ ؛ روم ۴: ۹ - ۵ ؛ مت ۳۲: ۱۴ - ۳۳ ؛ ۲۶: ۲۶

- ۶۴ ؛ لوق ۴۸: ۷ - ۵۰ ؛ فیلیپ ۲: ۵ - ۶ ، عبر ۱: ۱ - ۴ ؛ ۲

قرنت ۴: ۴ ؛ یوح ۲۰: ۵ ؛ تیت ۱: ۲

فیلبیان ۶:۲ - ۱۱ واقعیات زیر را تأیید میکند:

- (۱) عیسی بر روی زمین خدا بود و در عین حال انسان هم بود.
- (۲) عیسی تنها کسی بود که تا کنون بر روی زمین زندگی کرده که طبیعت الهی و طبیعت انسانی را به طور کامل با هم یکی کرده (ر.ک. روم ۳:۱ - ۴).
- (۳) عیسی چون تنها انسان بیگناه بود، قادر بود که خودش را به عنوان قربانی کامل تقدیم کند، و برای گناهان تمام کسانی که به او ایمان می آورند و او را می پذیرند بمیرد.
- (۴) این مأموریت عیسی بود و او به نحو احسن آن را انجام داد.
- (۵) عیسی نامی برتر از تمامی نامها میگیرد، و تمامی مردم او را در برابر او تعظیم میکنند و اقتدار او را می پذیرند.

!

گفتگو با یک مسلمان

مسلمان : عیسی نمیتواند خدا باشد، هیچ انسانی نمیتواند خدا باشد.
مسیحی: آیا برای خدا چیزی غیر ممکن هست؟
مسلمان : نه خدا میتواند هر کاری را انجام دهد!
مسیحی : اگر خدا امروز تصمیم بگیرد در مقابل خانه تو در بدن انسانی ظاهر شود(و در عین حال هنوز هم بر تمام کائنات کنترل داشته باشد) آیا قادر هستی که مانع شوی تا خدا چنین کاری نکند؟
مسلمان : نه هیچ کس نمیتواند مانع شود، خدا هر کار بخواهد میکند!
مسیحی : خوب خدا در گذشته تصمیم گرفت در شکل بدن انسانی بر زمین ظاهر شود - و آن شخص عیسی نامیده شد! چطور جرأت میکنی که بگویی این برای خدا غیر ممکن هست؟

۴, ۳, ۲ عیسی مصلوب نشد

×

ایرادات مسلمانان

عیسی مصلوب نشده؛ امکان ندارد الله اجازه دهد یک پیامبر به چنان وضع وحشتناکی نابود شود (ر.ک. سوره ۱۵۷:۴).

قران سه حقیقت بنیادی را در مورد عیسی انکار میکند، یعنی الوهیت او و نقش او بعنوان ناجی و مصلوب شدن او را انکار میکند و در این مورد عمیقاً با مسیحیت متفاوت هست. رسیدن به هماهنگی ای که خواسته الهیدانان روشنفکر هست بدون به رسمیت شناختن بنیاد های ایمان مسیح امکان پذیر نمیشد. مرگ عیسی بر صلیب وضعیت مبهمی در قران دارد. اظهارات نامفهوم هستند و تصویر واضحی ارائه نمیدهند. قران عملاً

در یک جا به مصلوب شدن عیسی اشاره میکند و این همان جایی هست که آن را انکار میکند. سوره ۱۵۷: ۴ - ۱۵۸ در باره عیسی میگوید:

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ

عِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَكِنْ
شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ لِيَشَكَّ مِنْهُ مَا لَهُمْ
بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا اتَّبَاعُ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا ﴿١٥٧﴾ بَلْ
رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا ﴿١٥٨﴾

و گفته ایشان که ما مسیح عیسی بن مریم پیامبر
خدا را کشتیم و حال آنکه آنان او را نکشتند و
مصلوبش نکردند لیکن امر بر آنان مشتبه شد و
کسانی که در باره او اختلاف کردند قطعا در
مورد آن دچار شک شده‌اند و هیچ علمی بدان
ندارند جز آنکه از گمان پیروی می‌کنند و یقینا او
را نکشتند بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد و
خدا توانا و حکیم است.

از آنجائیکه قرآن اصل مصلوب شدن را انکار میکند تعجبی ندارد که به مسئله مصلوب شدن بعنوان
وسیله نجات اشاره ای نکرده است. رد کردن مصلوب شدن مسیح را میتوان اینطور توضیح داد که
محمد عمدتاً با فرقه های مسیحی بدعت گزار ملاقات کرده بنابراین توضیح مناسب و درستی از کار
نجات بخش مسیح را ننشیده. متون قرآنی حاوی ابهاماتی هست، و تفاوت تفسیر کلماتی که در آن هست،
نظریات و عقاید مختلفی را در مورد اینکه چه اتفاقی میتوانست بیفتد بوجود آورده. الهیدانان مسلمان
دیدگاه های متفاوتی دارند. از جمله^{۲۱۹}:

- کسی مصلوب نشد - امر بر یهودیان مشتبه شد. اما مصلوب شدنی اتفاق نیفتاد.
- عیسی مصلوب شد ولی نمرود - یهودیان و رومیان فکر کردند که مرده. اما عیسی در قبر به هوش
آمد و ترتیبی داد تا فرار کند (این تفسیر فرقه احمدیه هست).
- کس دیگری به جای عیسی مصلوب شد - الله مردم را فریب داد^{۲۲۰}. عیسی در حالیکه زنده بود به
آسمان برده شد. این مشخص نیست که چه کسی به جای عیسی مصلوب شد، و عقاید بسیار زیادی
در مورد این جابجائی وجود دارد (مثلاً یهودا). امروزه این نظریه توسعه پیدا کرده.

پیروان نهضت / احمدیه^{۲۲۱} می پندارند که عیسی بر روی صلیب زنده ماد و به هندوستان مهاجرت کرد
و در آنجا به مرگ طبیعی مرد^{۲۲۲}. چنان مرگ ظالمانه ای برای یک نبی معمولاً در اسلام، که همه
پیامبران موفق مطرح شده اند پذیرفته نیست. خدا هرگز به رسوائی مصلوب شدن اجازه نمیدهد. اما
این با سرنوشت پیامبران در عهد قدیم تناقض دارد.

این وضع را بیشتر پیچیده تر میکند، قرآن بر طبق ترجمه یوسف علی میگوید: همانا الله گفت: ای عیسی
من تو را خواهم برد و تو را به سوی خود بالا خواهم برد. متن اصلی کاملاً متفاوت هست. کلمه
مُتَوَفَّكَه به معنی من سبب خواهم شد تو بمیری هست. در این نسخه دوم " من ترا خواهم برد" معنی
شده که اینهم فریب دهنده هست. محمد مارمادوک پیکتال اینطور ترجمه کرده، من ترا جمع خواهم کرد.
اینهمه نیرنگ آشکار برای چی هست؟ تَوَفَّى بر اساس لغت نامه های زیر: جی کاتافاگو، ای دبلیو لین و
ابن مکرم، به معنی مردن هست. ابن عباس یکی از اصحاب معتبر محمد گفته، متوفکه همان مومبتوکه
هست یعنی من سبب خواهم شد تو بمیری (البخاری).

^{۲۱۹} همینطور گیل کرایست (۱۹۹۹: ۱۱۹ - ۱۲۵) را ببینید.

^{۲۲۰} که الله نقشه بهتری میکشد، میتواند مردم را فریب دهد، این موضوع در سوره های ۳: ۵۴، ۷: ۹۹، ۱۰: ۲۱ آمده.

^{۲۲۱} این نهضت در بخش ۱، ۶، ۵ شرح داده شده.

^{۲۲۲} به این نظریه " نظریه غش کردن" هم میگویند چون بنا به گفته بعضی عیسی در این مصلوب شدن فقط بیهوش شده، اما
نمرده و تمام حاضرین فریب خورند. در قبر، عیسی به هوش آمده و سنگ را غلطانده و فرار کرده. این نظریه در قرن
۱۸م و ۱۹م توسط تنوریسین های عقل گرای اروپائی توسعه پیدا کرده. پیروان نهضت احمدیه حتی فکر میکنند قبر
عیسی را در کشمیر (هندوستان) یافته اند.

متن دیگری که این شهادت را سخت تر میکند این گفته از عیسی در قرآن هست:
و درود بر من روزی که زاده شدم و روزی که می‌میرم و روزی که زنده برانگیخته می‌شوم این است ماجرای عیسی پسر مریم [همان] گفتار در سنی که در آن شك می‌کنند. (سوره ۱۹: ۳۳ - ۳۴)

بسیاری از مسلمانان استدلال میکنند که این مرگ بعد از باز گشت عیسی به زمین برای شکست دادن الدجال یا ضد مسیح اتفاق خواهد افتاد. بعد از آن عیسی انتظار می‌رود کنار محمد در مدینه دفن شود. این نمیتواند یک تفسیر حقیقی و درست باشد چونکه تقریباً تمام کلمات مشابه پیشتر در آیه ای در مورد یحیی تعمید دهنده نقل شده اند:

و درود بر او روزی که زاده شد و روزی که می‌میرد و روزی که زنده برانگیخته میشود. (سوره ۱۹: ۱۵).

چرا یحیی تعمید دهنده مرده و عیسی که تقریباً همان کلمات در موردش گفته شده نمرده؟ این تناقض در سوره ۴: ۱۵۷ هم نقل شده.

در نظر مسیحیان مصلوب شدن عیسی مرکز و اوج پیام کلی کتاب مقدس هست. مصلوب شدن بخشی از مأموریت عیسی بود^{۲۲۳}. خدا عظمت قدرتش را با برخیزانیدن عیسی از مردگان بعنوان انسانی زنده نشان داد. قیام عیسی یک حقیقت مسلم و پذیرفته شده کتاب مقدس هست. بعلاوه شواهد تاریخی دیگری بر این موضوع وجود دارد. شواهدی از جمله:

- مرگ مسیح توسط انبیاء عهد قدیم پیشگوئی شده بود (اش ۵۳؛ مز ۲۲: ۱ - ۸).
- مرگ عیسی بر صلیب نتیجه منطقی و انجام تعالیم عهد قدیم هست (لوق ۲۴: ۲۶؛ ۲۴: ۴۴). مرگ فداکارانه عیسی بعنوان قربانی در عهد جدید جایگزین قربانی های عهد قدیم گردید که باید مرتباً تکرار میشد (عبر ۱۰: ۱۸).
- حدود یک سوم اناجیل مربوط به آخرین هفته زندگی عیسی بر روی زمین و مرگ و قیام او هست.
- عیسی مرگ خود را پیشگوئی کرده بود (لو ۹: ۲۲؛ ۲۲: ۳۷).
- شاهدان عینی زیادی هستند که شهادت میدهند (دوم پطرس ۱: ۱۶ - ۱۸؛ اول یوح ۱: ۱ - ۳؛ اول کو ۱۵: ۳ - ۸).
- مورخین مرگ عیسی را گزارش کردند از جمله (یوسیفوس و کرنلیوس تاسیتوس مورخین قرن اول).
- شهادت کسانی که زندگیشان توسط عیسی مسیح عوض شده بود (اعما ۴: ۸ - ۱۳؛ ۷: ۵۶؛ ۲۴: ۲۴).

^{۲۲۳} مأموریت عیسی این بود که بعنوان قربانی کامل نهائی بر صلیب بمیرد، تا اینکه تمام کسانی که به او ایمان می‌آورند، بتوانند بخشش او را برای گناهانشان و هدیه حیات ابدی را دریافت کنند (یوح ۳: ۱۶؛ ۵: ۲۴؛ ۱۴: ۶؛ ۲۰: ۳۱).

جدول زیر اختلاف نظر فاحش در مورد موضوع مصلوب شدن را در بین مسیحیان ، یهودیان و مسلمانان نشان میدهد:

اسلام (بر اساس قرآن)	یهودیت	مسیحیت
عیسی مسیحا بود، اما بر صلیب نمرد.	عیسی مسیحا نبود اما بر صلیب مرد.	عیسی مسیحا هست و بر صلیب مرد.

۲،۳،۵ زندگی محمد باشکوه تر از زندگی عیسی بود

ایرادات مسلمانان

محمد آخرین پیامبر هست و زندگی او از شخصیت باشکوه تری از عیسی برخوردار است!

بسیاری از مسلمانان آگاه هستند که مسیحیان بیشترین احترام را برای عیسی قائل هستند و حتی او را می پرستند. این برای آنها عجیب می نماید و از این رو فکر میکنند که مسیحیان مرتکب بت پرستی شده اند. در اسلام محمد آخرین و بزرگترین پیامبر در بین سایر انبیاء هست و شخصیت اصیل تری از آنها ، از جمله مسیح دارد.

مسلمانان اغلب برای مطلوب کردن محمد چیز هائی را به او نسبت میدهند که او اصلاً انجام نداده و یا نگفته و این فقط از اشتیاق آنان سرچشمه میگیرد. آنها مایلند محمد را بالاتر از آنچه در حقیقت بود نشان دهند. اما اینها بیشتر افکار واهی هستند تا حقیقت. بنابراین، این مهم هست که مسیحیان با دقت به حرفهائی که مسلمانان میزنند گوش کنند و با مهربانی از آنها برای اثبات حرفهایشان سند و مدرک بخواهند. همانطور که در بخش ۲،۳،۱ گفتیم، عیسی بالاتر از هر کس دیگری حتی در قرآن تصویر شده از جمله محمد. جدول زیر مقایسه های برجسته ای بین زندگی عیسی و محمد را به تصویر کشیده:

موضوع	زندگی عیسی	زندگی محمد
ازدواج	عقیده خدا در مورد ازدواج در داستان آفرینش (پید ۱:۲۷؛ ۲:۲۱-۲۵). عیسی این قانون را تأیید میکند که ازدواج بین یک مرد و یک زن هست. (مرق ۱۰:۲-۱۲).	محمد به عنوان الگوئی برای تمام مسلمانان زنان زیادی داشت. قرآن (سوره ۴:۳) به هر مرد مسلمانی اجازه میدهد که تا چهار زن داشته باشد. که این سبب مشکلاتی برای بسیاری از زنان شده است.
قدرت و اختیار بخشش	عیسی قدرت و اختیار دارد گناهان مردم را ببخشد. (متی ۹:۱-۸؛ مرق ۲:۱-۱۲؛ روم ۹:۱۰).	در هیچ کجای قرآن ادعا نشده که محمد حتی در نام الله گناه کسی را بخشیده باشد.
بقیه جدول در صفحه بعد		

موضوع	زندگی عیسی	زندگی محمد
پادشاهی آینده و صلح	عیسی پادشاهی روحانی، بر اساس حقیقت، محبت، صلح با خدا، شادی، انکار نفس، فداکاری و زندگی وقف شده به خدا را اعلام میکند (متی ۲۶: ۲۶ - ۲۹؛ اول پطرس ۲: ۹ - ۱۰؛ مکا ۱: ۵ - ۶).	پیمانی که محمد با رهبران مدینه در (۶۲۲ م.ی) بست، زیربنای حیات سیاسی آینده او بر مبنای گسترش امپراتوریش با نیروی نظامی بود. امروزه هدف مسلمانان بنیاد گرا این هست که کل دنیا را تحت نفوذ خود درآورند و قانون اسلامی را برای استقرار صلح اعمال نمایند.
نفع شخصی و قدرت	عیسی از مأموریت خود آگاه بود، و در اطاعت از پدر خود در آسمان بود. گرچه عیسی میدانست که بر صلیب در اورشلیم خواهد مرد، از روی خود خواهی فرار نکرد، بلکه داوطلبانه به اورشلیم آمد تا بعنوان قربانی برای همه ایماندارانش بمیرد (متی ۱۷: ۲۰ - ۱۹).	محمد در ۶۲۲ م.ی از مکه به مدینه مهاجرت کرد. او توسط قوم خودش در مکه مورد آزار واقع شده بود، و تصمیم گرفت جایی برود که امنیت شخصی اش تضمین شده باشد! در مکه او ارتشی ایجاد کرد و به سرعت در قدرت و ثروت رشد کرد.
بخشش	عیسی به پیروانش فرمان داد دیگران را با رضایت خاطر ببخشند (متی ۱۴: ۶ - ۱۵).	محمد قانون انتقام خون را اعمال کرد مثل دندان در مقابل دندان. مسلمانان از بخشش بی قید و شرط خبر ندارند.
جانشین	عیسی اعلام کرد بعد از مرگ او روح القدس خواهد آمد و همه شاگردان را هدایت خواهد کرد (یوح ۱۴ - ۱۶).	چون محمد جانشینی تعیین نکرده بود بعد از مرگش طرفدارانش بر سر اینکه چه کسی باید رهبر آینده شود نزاع میکردند.

سئوالات

- چرا قرآن میگوید که عیسی پسری پاکیزه هست (سوره ۱۹: ۱۹) درحالیکه الله به محمد فرمان داده بود که برای گناهانش طلب بخشش کند (سوره ۲: ۴۸)؟
- قرآن اشاره میکند (سوره ۳: ۵۴؛ ۷: ۹۹؛ ۱۰: ۲۱) که الله سریعتر نقشه میکشد و به اینترتیب میتواند مردم را فریب دهد. اگر اینطور باشد از کجا مطمئن هستی چیزی که امروز در تاریخ هست مگر هست یا حقیقت؟
- چرا قرآن مصلوب شدن را در یک آیه رد میکند (سوره ۴: ۱۵۷) در حالیکه این یک حقیقت تاریخی هست که در واقع این عیسی بود که مصلوب شد؟
- اظهاری که در قرآن هست عیسی را بالاتر از محمد به تصویر میکشد، پس چرا مسلمانان باور دارند که محمد بزرگترین پیامبر بود؟
- درک الهیاتی واضح هست که مسیح پسر خدا هست. پس چرا مسلمانان عیسی را به عنوان مسیح میپذیرند اما او را بعنوان پسر خدا رد میکنند؟
- اگر محمد آخرین پیامبر هست، پس چرا عیسی به آسمانها برده شد (سوره ۴: ۱۵۸)؟ آیا این عیسی را به عنوان آخرین پیامبر مهر نمیکند؟



ایرادات مسلمانان

" الله تنها خدای حقیقی هست، که کائنات را خلق کرده. کتاب مقدس مسیحیان خصوصیات زیادی را از خدا تصویر کرده که مسلمانان نمیتوانند با آنها موافق باشند. فقط در قرآن میتوان شرح حقیقی خدا را پیدا کرد."

وقتی مسلمانان خدا را با نام عربی آن الله می خوانند، آنها از ریشه ای سامی استفاده میکنند که میتوان در عبری هم آن را دید اله، ال، الوهیم. مسیحیان عرب زبان از واژه الله استفاده میکنند که در واقع قبل از ظهور اسلام هم همین کلمه را بکار میبردند.^{۲۲۴} آیا همان خدائی که در تاریخ نجات کتاب مقدسی خود را آشکار کرده، در قرآن نیز خود را ظاهر کرده؟ آیا شواهد کتاب مقدسی و قرانی در مورد خدا در توافق با هم هستند؟ جواب یقیناً نه هست! در پاراگراف های بعدی توضیح مختصری در این باره ارائه شده.

بعضی از مسیحیان مایل هستند که بگویند مسلمانان شیطان و یا خدائی دروغین را می پرستند. این اظهارات سهل انگاری و خطرناک هستند. مردم باید از دآوری همدیگر بپرهیزند بلکه دآوری را به خدا بسپارند. هر کسی باید فقط این سؤال را بپرسد که مثلاً کرنلیوس کدام خدا را میپرستید (اعمال ۱۰: ۲): یک شیطان یا خدای دروغین؟ کرنلیوس هم مثل بسیاری از مسلمانان با صداقت خدا را می پرستید، گرچه او را نمی شناخت. با اینحال باید پیام عیسی را می شنید. مسلمانان هم همینطور، تا بتوانند با خدا آشتی داده شوند. کرنلیوس بعد از شنیدن پیام عیسی توانست خدای حقیقی را بشناسد.



داستان واقعی

داستانی که در زیر میشنوید از یک مسلمان نقل شده: در گذشته من بارها نزد الله دعا کردم. اما چون الله خیلی دور بود، فرشته دعای خصوصی من باید مسافت طولانی ای را سفر میکرد تا درخواست های مرا به الله برساند. هیچکدام از درخواستهای من از طرف الله پذیرفته نشد. من خیلی مشکوک هستم که شاید فرشته من وظیفه اش را خوب انجام نمیدهد. به احتمال زیاد او هرگز نزد الله نمیرسد بلکه شاید خسته میشود و در راه به خواب می رود. یا فرشته دیگری را میبیند و مشغول صحبت با او میشود و بهمین دلیل فراموش میکند درخواست های مرا به الله برساند. من درمانده شدم و نمیدانم چه کنم!

بسیاری از مسلمانان اطمینان ندارند که دعا های آنها حتی به الله برسد. به این ترتیب مسیحیان فرصت خارق العاده ای دارند که مفهوم خدا را برای آنها توضیح دهند که خدا همیشه نزدیک ما هست و با روح خود صدای ما را می شنود.

^{۲۲۴} در ترجمه عربی کتاب مقدس خدا، الله ترجمه شده. گرچه مسیحیان عرب زبان هم مانند مسلمانان در صحبت از خدا او را الله میخوانند. اما مفهوم این واژه متفاوت هست.

پس الله در قرآن چگونه توصیف شده؟ بعضی از خصوصیتها به نظر میرسد همانهایی هستند که در کتاب مقدس توصیف شدند. از جمله ، خدا خالق هست، او مهربان هست، قادر مطلق هست، عالم مطلق، و ازلی و ابدی هست – اما برخی از مهمترین خصوصیات بطور اساسی متفاوت هستند. وقتی شرح کلی خدا در کتاب مقدس با قرآن مقایسه شود، روشن میشود که تنها خدای حقیقی نمیتواند خودش را هم در کتاب مقدس و هم قرآن آشکار کرده باشد. تفاوت های در زیر بیان شده اند^{۲۲۰}:

الله در قرآن	خدا در کتاب مقدس	خصوصیات
رابطه ارباب و بنده (رابطه کارگر و کارفرما)	رابطه پدر و فرزند (رابطه ای محبت آمیز)	رابطه
فقط اراده اش را آشکار میکند.	خود و اراده اش را آشکار میکند.	مکاشفه
با کسب شایستگی در برابر الله با انجام اعمال نیکو. اطمینانی در مورد نجات نیست.	فقط توسط عیسی و اطمینان از نجات.	نجات
عهدی نیست، وعده ها کم هستند، الله به عنوان موجودی دمدمی مزاج نشان داده شده	عهد با تضمین اینکه او به وعده اش عمل خواهد کرد وعده ها زیاد هستند.	عهد
وقتی اسلام در سراسر زمین برقرار شود، (صلحی سیاسی).	بر اساس پذیرش هدیه حیات ابدی توسط مسیح (آرامش درونی).	آرامش یا صلح
الله یکی هست و پسر و والدینی ندارد.	تثلیث	ذات یا طبیعت

از اینجا نتیجه میگیریم که خدای کتاب مقدس نمیتواند همان الله موصوف در قرآن باشد. به همان نحو که پطرس خدای حقیقی را به کرنلیوس شناساند (اعما ۱۰) ، امروزه مسیحیان هم این وظیفه را دارند که خدای حقیقی و پیام کتاب مقدس را در عیسی مسیح به مسلمانان معرفی کنند.

۲، ۴، ۲ "تثلیث وجود ندارد"

ایرادات مسلمانان

" فقط یک خدا وجود دارد! چطور مسیحیان میتوانند به تثلیث باور داشته باشند؟ این ها سه خدا هستند – اما خدا فقط یکی هست" (سوره ۴: ۱۷۱؛ ۷۵: ۵ – ۷۶ را ببینید).

چه کسی میتواند خدای ازلی و ابدی را توصیف کند؟ ذهن های انسانی قادر به سنجش چیزی که فراتر از ادراک ما هست نیستند. به این دلیل خدا خودش را عمدتاً با تمثیل ها آشکار کرده تا اینکه در نهایت در بُعدی انسانی خودش را در مسیح عیسی آشکار کرده. مسلمانان نظریه تثلیث^{۲۲۱} و همینطور پسر خدا بودن عیسی را مغایر با نظریه وحدانیت خدا (توحید) میدانند. محمد تا جایی که از قرآن استنباط میشود نوشته های کتاب مقدسی را نمیدانست که در آنها آمده خدای واحد خود را به صورت تثلیث آشکار میکند. تثلیثی شامل پدر ، پسر، و روح القدس. کتاب مقدس هیچ توضیحی درباره تثلیث خدا نمیدهد و فقط حقیقت را اظهار مینماید (متی ۱۹: ۲۸).

برای توضیحات بیشتر گیل کرایست (۱۳۷: ۲۰۰۳ – ۱۴۰) را ببینید.

اصول تثلیث (گیل کرایست ۱۹۹۹: ۷۰ – ۸۹ را ببینید) در نتیجه تفحصات مداوم کلیسا از داده های کتاب مقدسی و بحث ها و رسالات استنتاج شد و بالاخره در ۳۲۵ م. توسط شورای نیقیه تدوین شد به نحوی که اعتقادات آنها با کتاب مقدس سازگار شد و در شورا های بعدی اصلاحاتی صورت گرفت و وسیع ترین زیرساخت کتاب مقدسی برای تأیید و تدوین عقیده تثلیث در انجیل یوحنا وجود دارد.

اگر چه به اشعیا روایاتی داده میشود که تثلیث را قابل پذیرش مینماید (اش ۷: ۶۳ - ۱۰)؛ یهوّه در (آیه ۷) و در (آیه ۸) یهو شوا که نام عبری عیسی در روی زمین بود) نجات دهنده شد.

بعد گفته که مردم علیه یهو شوا عصبان کردند و روح القدس را محزون کردند (آیه ۱۰). بنظر میرسد که اطلاع محمد از تثلیث فقط از طریق شنیده هایش بوده و اینکه مریم را هم بخشی از تثلیث میدانسته که عملاً هیچ مسیحی ای به آن باور ندارد (سوره ۱۹: ۵). ماهیت این موضوع ایجاب میکند که با احترام و آگاهی از محدودیت افکارمان از آن بحث ننماییم. باور کردن به طبیعت تثلیث خدا همواره مسئله ای ایمانی بوده، همانطور که ادراک یگانگی خدا هم مسئله ای ایمانی هست.

شخصیت های سه گانه خدا در کتاب مقدس به شرح زیر توضیح داده شده:

• **بعنوان خدای پدر**^{۲۲۷}. رایج ترین نام در عهد جدید برای خدا، پدر هست (متی ۱۰: ۱۸؛ لوق ۱۲: ۳۲؛ یوح ۱۱: ۴؛ ۱۲: ۱۴). کتاب مقدس خدا را بعنوان شخصی به تصویر میکشد که با انسان رابطه ای شخصی دارد. خدای کائنات خدای رابطه هست. در خدای واحد پدر، پسر و روح القدس با همدیگر در محبتی کامل ارتباط دارند، بخاطر ذاتش خدا انسان را دعوت میکند که با او رابطه برقرار کند و او را بعنوان پدر بشناسد.

• **بعنوان خدای پسر**. عیسی در مورد رابطه اش با پدر آسمانی با چنان کلمات مؤکدی صحبت کرده که اهمیت منحصر بفرد بودن او را به عنوان پسر خدا نشان میدهد (متی ۲۷: ۱۱؛ یوح ۱: ۱۷ - ۵). عیسی از طرف پدر به این جهان آمد، و این جهان را ترک کرد و به سوی پدر بازگشت (یوح ۲۸: ۱۶). عیسی خلق نشد بلکه قبل از جسم پوشیدن خود وجود داشت (میک ۵: ۲؛ یوح ۱: ۱ - ۲). در بحث با مسلمانان تأکید بر چنین متن های کتاب مقدسی حائز اهمیت فراوانی هست. چون که این متن ها رابطه درونی و الهی بین پدر و پسر را نشان میدهند.

• **بعنوان روح القدس**. روح القدس توسط عیسی اعلام شده (یوح ۱۴ - ۱۶) که از طرف پدر می آید و بر عیسی شهادت می دهد (یوح ۲۶: ۱۵)، جهان را بر گناه، عدالت و داوری ملزم میسازد (یوح ۸: ۱۶)، و تا ابد با ایمانداران خواهد بود و روح راستی هست که در آنها زندگی میکند (یوح ۱۴: ۱۶ - ۱۷). روح القدس شاگردان را به حقیقت رهنمون میشود و گفته های عیسی را به یاد آنها می آورد (یوح ۱۴: ۲۶).

در بعضی جا ها، کتاب مقدس در یک جمله به سه شخص خدای واحد اشاره میکند - پدر، پسر، و روح القدس - (متی ۲۸: ۱۹؛ دوم قر ۱۳: ۱۴؛ افس ۲: ۱۸).

این آیات میتوانند در بحث با مسلمانان مورد استفاده قرار بگیرند، اما اشعیا ۷: ۶۳ - ۱۰ واضحتراً از بقیه هست. مثالهایی از طبیعت هم میتوانند برای توضیح دادن تثلیث مورد استفاده قرار گیرند:

- خورشید خودش را با جسم و نور و گرما ظاهر میکند ولی در واقع یکی هست.
- آب میتواند به سه صورت ظاهر شود: مایع، جامد و بخار.
- سکه میتواند از سه وجه مشاهده شود: (بالا، پائین و لبه).
- زمان شامل گذشته، حال و آینده هست
- انسان از سه بخش جسم، جان، و روح تشکیل شده.

^{۲۲۷} این عنوان در اسلام وجود ندارد و بنابر این رد شده.



چنین مثال هائی هر چند نه به صورت کامل ولی تا حدودی ميتوانند به درک تثليث کمک کنند. گرچه اين مهم هست که به مسلمانان توضيح داده شود که مسيحيان به خدای واحد (تث ٦: ٤) ايمان دارند که خودش را در سه شخصيت ظاهر ميکند.

٣، ٤، ٢ "راه ورود به آسمان (بهشت) نمیتواند با مرگ مسیح میسر گردد."

ايرادات مسلمانان

" برای پذیرفته شدن در بهشت انسان بايد کارهای خوبی انجام دهد، به اين ترتيب الله به او پاداش ميدهد. چطور ممکن است که عیسی برای بخشیده شدن گناهان انسان بمیرد؟ اين غير ممکن هست (ر.ک. سورة ٦: ١٦٤).

مسلمانان مرگ عیسی بر صليب و قربانی شدن او را بعنوان جایگزین رد میکنند. آنها برداشت خاص خودش را برای نحوه بخشیده شدن گناهان دارند. جدول زیر تفاوت های مربوط به نجات و راه ورود به آسمان را از دیدگاه مسیحیت و اسلام نشان میدهد:

تعاليم مسیحي	تعاليم اسلامي و اسلام عمومي
آستی به معنی اعاده صمیمیت با خدا هست. اين توسط خدا در عهد قدیم مطرح شد و در عهد جدید تکمیل شد. هر دو عهد بر مبنای اين قضيه قرار گرفته که گناه انسان را از خدا جدا میکند. بر اساس اين قضيه شخص متخلف در حال و تا ابد از حضور خدا محروم میشود. راه چاره ای از جانب خدا پیشنهاد شده که اين مُعضل را حل میکند.	گذشته از اعتقاد بر مفهوم غلطی از خدا مسلمانان درک اشتباهی از گناه و عواقب آن هم دارند. گناه واقعاً به عنوان توهين نسبت به خدا تلقی نمیشود. بلکه بر عکس عملی هست که راه ورود متخلف را به بهشت سد میکند. پاکی قلب به ندرت مورد توجه قرار گرفته. مسلمانان معتقدند در روز داوری اعمال نیک در مقابل اعمال بدی که شخص مرتکب شده سنجیده میشوند. اگر اعمال نیک سنگین تر بود، گناهان میتوانند وارد بهشت شود. به منظور ارزیابی خود الهیات اسلامی لیستی از شدت گناهان تهیه کرده: خطایا واژه ای هست که برای اشتباه و لغزش بکار رفته.
ادامهٔ جدول در صفحهٔ بعد	

تعالیم مسیحی	تعالیم اسلامی و اسلام عمومی
<p>کس دیگری به جای شخص متخلف قرار داده میشود - قربانی جایگزین شخص متخلف میشود. در لایوای ۴ و ۱۶ به گناهکار فرمان داده شده که حیوان خاصی را به عنوان جانشین خود قربانی کند. "چون مزد گناه موت هست" (رومیان ۶: ۲۳) و چون زندگی جسم در خون هست. شخص متخلف تنها با ریختن خون میتواند با خداوند آشتی داده شود (ر. ک. لایو ۱۱: ۱۷). این آئین قربانی که در عهد قدیم بود در عیسی مسیح به کمال رسید که کتاب مقدس در (یوحنا ۱: ۲۹) او را اینطور معرفی میکند:</p> <p>"اینک بره خدا که گناه جهان را برمی‌دارد!" با مرگ فداکارانه عیسی راه بخشش و در نتیجه آشتی با خدا برای تمامی کسانی که این فرمان خدا را با ایمان^{۲۲۸} بپذیرند مهیا شده. تمام حیوانات قربانی که در عهد قدیم تقدیم میشدند، به عیسی مسیح به عنوان تنها قربانی ارزشمند اشاره میکردند (ر. ک. عبر ۱۰: ۱۰ - ۱۴). بنا براین مرگ مسیح بر صلیب تنها راهی هست که مردم میتوانند به وسیله آن نجات یابند (یوح ۱۴: ۶؛ عبر ۱۰: ۱ - ۱۸؛ اول پط ۳: ۱۸). خدا با محبت خودش راهی برای نجات به ما نشان داده، از همه خواسته شده که با پذیرفتن عیسی به عنوان ناجی شخصی خود به این محبت پاسخ دهند (یوح ۳: ۱۶). در نتیجه خدا به تمامی کسانی که او، و راه نجات او را بپذیرند، حیات ابدی حتمی را وعده داده (اول یوح ۵: ۱۱ - ۱۳؛ یوح ۵: ۲۴). خدا نجات را به عنوان یک هدیه ارزانی داشته که نمیشود آن را با اعمال خوب بدست آورد (افس ۲: ۸ - ۹؛ روم ۶: ۲۳).</p> <p>درک این مفهوم الهی آشتی داده شدن، برای بسیاری از مردم سخت هست، مخصوصاً مسلمانان. تنها زمانی قابل درک میشود که خود روح القدس انرا آشکار سازد (اعما ۱۰: ۴).</p>	<p>ذنب یک تقصیر و جرم هست. شرک و کفر بعنوان سخت ترین گناهان محسوب شده اند: از جمله قرار دادن شریک برای الله (بنابر این ایمان به مسیح شرک هست). گناهان سبک میتوانند با اعمال خوب جبران گردند. برای گناهان سنگین تر طلب بخشش (استغفار) میکنند. برای شرک و کفر باید توبه یعنی باز گشت کرد. بر اساس این استنباط مسلمانان نیازی برای ناجی احساس نمیکند. قرآن پیام واضحی از چگونگی بخشش گناهان ارائه نمیکند، و هیچ اطمینانی از بخشش^{۲۲۹} نیست. از آنجائی که قرآن حاوی نظریه نجات نیست، به مرور زمان نظریات متعددی در مورد نحوه ورود شخص به بهشت ابداع گردیده است.</p> <p>در زیر برخی از متداول ترین عقایدی که مسلمانان عقیده دارند بر اساس آن وارد بهشت میشوند آمده (برخی از آنها بر اساس باور های عامه هست نه الهیات اسلامی):</p> <ol style="list-style-type: none"> ۱. نجات توسط اعمال نیک (ر. ک. سوره ۷: ۷ - ۹) ۲. مسلمانان سعی دارند الله را با تلاش خودشان برای حفظ قوانین اسلامی راضی کنند. ۳. نجات با رحمت الله (ر. ک. سوره ۳: ۳۱). مسلمانان زیادی امیدوارند که الله بهر حال از روی خیر خواهی گناهان آنها را خواهد بخشید. ۴. نجات بوسیله سرنوشت (ر. ک. سوره ۲۳: ۵؛ ۱۴: ۴؛ ۲۹: ۳۰). الله از پیش مقدر کرده چه کسی وارد بهشت خواهد شد یا نخواهد شد. ۵. بسیاری از مسلمانان معتقدند که در روز داوری محمد به جای آنها سخن خواهد گفت. ۶. هر کسی بمدت محدودی در جهنم برای گناهانش تنبیه خواهد شد. بعد از آن همه مسلمانان امیدوارند که وارد بهشت شوند. ۷. به شهیدان، یعنی کسانی که در جنگ های مقدس (جهاد) برای اسلام کشته میشوند، اجازه داده شده بلافاصله وارد بهشت شوند (ر. ک. سوره ۹: ۲۰ - ۲۲؛ ۱۱۱: ۹). ۸. بعضی از مسلمانان بر این باورند که اگر در سفر به مکه برای حج بمیرند، بلافاصله وارد بهشت میشوند.

^{۲۲۸} باید تأکید کرد که فقط عیسی قادر بود این کار را انجام دهد، چون او تنها کسی بود که بیگناه و کامل بود (عبر ۴: ۱۵).
^{۲۲۹} حتی بنظر نمیرسد محتمل هم از جانی که قرار بود بعد از مرگ برود اطمینان چندانی داشته (سوره ۹۶: ۹؛ مشکوٰه المصابیح جلد سه ص ۱۱۸).

اسلام	مسیحیت
<p>الله عرضه کرده:</p> <p>(۱) نجات مبتنی بر اساس سعی در انجام اعمال نیکو و و کارهای ثواب و اطاعت از شریعت هست. مردم میتوانند انواع راهها را برای ورود به بهشت انتخاب نمایند.</p> <p>(۲) مردم میتوانند برای این راهها با توان شخصی خودشان سعی کنند. هیچ کس از این اطمینان ندارد که گناهانش بخشیده شده یا نه</p> <p>(۳) خدا به هیچ کس تضمینی نمیدهد (هرچند گفته میشود که شهیدان به بهشت میروند).</p>	<p>خدا فراهم کرده:</p> <p>(۱) خدا عیسی را مهیا کرده تا ناجی تمام کسانی باشد که توسط قربانی شدن او از گناهانشان طلب عفو و بخشش می کنند. تنها راهی که برای نجات عرضه شده.</p> <p>(۲) خدا حیات ابدی (آسمان) را به عنوان هدیه عرضه میکند. هر کسی که این هدیه را بپذیرد گناهانش بخشیده خواهد شد.</p> <p>(۳) خدا تضمین میکند هر کسی که راه نجات او را با ایمان بپذیرد حیات ابدی خواهد داشت و وارد آسمان خواهد شد.</p>

۴، ۴، ۲ "گناه ذاتی وجود ندارد"

ایرادات مسلمانان

"ما گناه را به ارث نمیبریم. همه مردم بیگناه متولد می شوند و فقط در اثنای بزرگ شدن زندگی گناه آلود را از بزرگتر ها یاد میگیرند. یک نفر با تخلف از شریعت گناهکار میشود" (ر.ک. سوره ۶: ۱۶۴).

تفاوت دیگر بین دو مذهب در ادراک آنها از طبیعت گناه آلود و گناهکاری انسان هست:

تعالیم اسلامی و اسلام عمومی	تعالیم مسیحی
<p>قران گناه ذاتی را تعلیم نمیدهد. هر انسانی بی گناه و بدون هیچ باری به دنیا می آید، پاک و آزاد (ر.ک. سوره ۳۰: ۳۰). به این ترتیب انسان در وضعیت جدا از الله نیست. بعضی از مسلمانان معتقدند که هر انسانی مسلمان به دنیا می آید و فقط وقتی اسلام را رد میکند از الله جدا میشود. با این حال قران هم داستان سقوط را نقل میکند، اگرچه متناقض با کتاب مقدس هست. آدم و همسرش حوا سعی نکردند گناهشان را ببوشانند، بلکه بلافاصله از الله طلب بخشش کردند، آنها گفتند: پروردگارا ما بر خویشتن ستم کردیم و اگر بر ما نبخشایی و به ما رحم نکنی مسلماً از زیانکاران خواهیم بود (سوره ۲۳: ۷)</p>	<p>وجود گناه در دنیا به اولین گناه آدم و حوا در باغ عدن بر میگردد. آدم نخستین کسی بود که گناه کرد، و بدین وسیله گناه وارد جهان شد (پیدایش ۳). از آنجائیکه تمامی انسانها از نسل آدم هستند، همگی تحت تأثیر عواقب این گناه قرار گرفتند و تمایل به گناه را به ارث بردند. (ر.ک. رومیان ۳: ۲۳؛ ۵). به این گناه ذاتی میگویند. هر بچه ای در بدو تولد (بیگناه هست و هنوز هیچ گناهی مرتکب نشده)، اما ذاتی را به ارث برده که به گناه تمایل دارد.</p>
<p>→ لامله جنول در صفحه بعد</p>	

تعالیم اسلامی و اسلام عمومی	تعالیم مسیحی
بنابر این آدم و حوا اساساً در مقابل الله گناه نوزیدند، بلکه به خودشان ظلم کردند. تخلف آنها از فرمان الله رابطه آنها را با الله و با خودشان عوض نکرد. الله آنها را از بهشت تبعید کرد، اما تخلف آنها را بخشید، بنابراین گناه آنها دیگر عواقبی برای انسان نداشت. اسلام تعلیم میدهد که انسان ها اخلاقاً موجوداتی خنثی هستند و میتوانند آزادانه بین نیک و بد انتخاب کنند. گرچه قران انسان را موجودی ناسپاس اعلام میکند که تمایل به بدی دارد(سوره ۱۰۰: ۶ - ۸)، سقوط و شکست انسان بدرفتاری جدی ای به حساب نیامده.	آدم در مقابل خدا نافرمانی کرد و فرامین او را نادیده گرفت. این دوستی او را با خدا شکست. نتیجه اش این شد که همه نسل آدم به عبارت دیگه همه انسانها به لحاظ روحانی ذاتاً مرده اند و در نتیجه از خدا جدا هستند. محبت خدا به ما تا ابد پایدار هست بنابراین او راهی را فراهم کرد تا گناهان بخشیده شود تا انسان بتواند با خدا آشتی داده شود(یوح ۱۶: ۳؛ ۱۴: ۶). خدا همه زنان و مردان را از هر کجا دعوت میکند توبه کنند) به او برگردند)، و عفو او را بپذیرند و وارد رابطه ای جدید شوند که شامل پاک شدن از گناه هم میشود(عبر ۸).

مسلمانان بر این دیدگاه پایبند هستند که نیازی به نجات و آشتی داده شدن با خدا توسط مرگ عیسی بر صلیب ندارند. آنها گمان میکنند که میتوانند با انجام اعمال نیک و با قوت تلاش خودشان گناهانشان را پاک کنند. کتاب مقدس اعلام میکند که بدون نیرو و کمک خداوند انجام اعمال نیکو غیر ممکن هست. بعلاوه تمام کارهای نیک برای جبران گناهان ما کافی نیستند(اش ۶: ۶) و بنابراین انسانها قادر نیستند خودشان را نجات دهند(ر.ک. افس ۸: ۲ - ۹).

مسلمانان با مسیحیان در این مورد هم عقیده اند که آدم و زنش حوا از بهشت رانده شدند. اگر خدا آنها را بخشیده بود پس چرا آنها را از بهشت اخراج کرد؟ چرا آنها و تمام ذریت آنها محکوم شدند که در روی زمین زندگی کنند و بر روی زمین بمریند؟ اسلام برای این سوال جدی پاسخی ندارد. مسلمانان در ضمن عقیده دارند که عیسی تنها کسی بود که بدون مردن به آسمان صعود کرده. چرا این امکان فقط برای عیسی فراهم شده و نه برای بقیه انسانها از جمله آدم و محمد؟ باید توجه مسلمانان را به این واقعیت جلب کرد که عیسی میگفت به جایی که از آن آمده بر خواهد گشت (یوح ۳: ۱۳؛ ۱۶: ۲۸). عیسی تنها راه به سوی حیات ابدی هست (یوح ۱۴: ۶؛ ۵: ۲۴). بدون کار نجات بخش او هیچ راهی به آسمان نیست.

۲، ۴، ۵ "دعا های مسیحیان بی اعتبار هست"

ایرادات مسلمانان

"روش صحیح آئین دعا روش اسلامی هست! سمت دعا باید به طرف مکه باشد. الله فقط این دعا ها را میپذیرد!" (سوره ۱۴۲: ۱ - ۱۴۴).

جدول زیر تفاوت های دعا در مسیحیت و اسلام را نشان میدهد. درک مفهوم دعا برای مسیحیان در هر دو مذهب اهمیت شایانی دارد تا بتوانند این را برای مسلمانان توضیح دهند. به هر حال قبل از هر چیز اطلاعات کسب شده باید برای طرح سوالات چالش برانگیز کمک کند.

دعا در مسیحیت	دعا در اسلام
<p>روش دعای مسیحی در کتاب مقدس شرح داده شده، جایی که عیسی به عنوان نمونه ارائه میکند (لوق ۱۱: ۴ - ۵). نمونه های مختلفی از انواع جمله بندی یا قاعده سازی، و وضعیت ایستادن را میتوان دید ببینید اما هیچ آئینی نیست که اکیدا توصیه شده باشد. دعای خداوند را میبینیم که اجزاء بنیادی ای را منعکس میکند. دعا به عنوان بزرگترین جنگ افزار روحانی هست که خدا به ما داده تا با ایمان و با قوت روح القدس به حضور خدا برویم (افس ۶: ۱۸). مسیحیان هم به صورت شخصی و هم به صورت جمعی دعا میکنند. فرقه های مختلف تأکیدات متفاوتی در عمل دارند. انواع دعاهایی که در زیر آمده متمایز هستند. دعا های ضروری حداقل برخی از این اجزاء را دارند:</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) پرستش، نیایش (۲) شکرگزاری (۳) اعتراف (۴) تسلیم (۵) شفاعت (۶) درخواست^{۲۲۰} (۷) توبه <p>بسته به شرایط مسیحیان آزاد هستند در هر حالتی دعا کنند. دعای خداوند معروفترین دعا ها هست:</p> <p>پس شما به اینطور دعا کنید:</p> <p>"ای پدر ما که در آسمانی، نام تو مقدس باد . ملکوت تو بپاید. اراده تو چنانکه در آسمان است، بر زمین نیز کرده شود . نان کفاف ما را امروز به ما بده . و قرض های ما را ببخش چنانکه ما نیز قرضداران خود را می بخشیم . و ما را در آزمایش میاور، بلکه از شریر ما را رهایی ده. زیرا ملکوت و قوت و جلال تا ابدالا" باد از آن تو است، آمین"^{۲۲۱}</p>	<p>دعای اسلامی نماز (صلوٰه) اساساً یک آئین مؤکد و واجب هست. این یک وظیفه هست که نماز بخوانند و با انجام آن امیدوارند که از برکات الله^{۲۲۲} بهره مند گردند. راهنمای دعا یا نماز در قرآن و همینطور در حدیث وجود دارد. تفاوت های اندکی در آئین نماز بین فرقه های مختلف اسلامی هست نکات زیر میتوانند جلب نظر کنند:</p> <ol style="list-style-type: none"> (۱) دعوت برای نماز (اذان) معمولاً در یک قالب یکسان توسط مؤذن خوانده میشود. (۲) مسلمانان باید طی آئینی خودشان را بشویند (وضو) تا شایسته ایستادن در مقابل خدا باشند. (۳) پنج نوبت نماز روزانه شامل نکات مشخص شده زیر هست: <ul style="list-style-type: none"> • مسلمانان میتوانند به تنهایی نماز بخوانند اما توصیه شده (مستحب) که نماز را در جماعت بخوانند • پیش نماز یا امام در جلو صف می ایستد و جماعت نماز گزار را رهبری میکند. • کل جماعت (مردان و زنان بطور جداگانه نماز میخوانند) فقط کارها و گفته های امام را پیروی میکنند. • وردهای نماز یکسان و از قبل مشخص شده است و باید به زبان عربی ادا شود. • وضعیت قرار گرفتن نماز گزار در هر مرحله مشخص شده است. • نماز باید به سمت مکه (قبله) ادا شود در غیر این صورت ارزش ندارد. • اوقات نماز برای هر روز مشخص شده هست و بر اساس طلوع و غروب آفتاب تنظیم گردیده. در خلال پنج وقت نماز، مسلمانان کلماتی را که در زیر آمده به زبان عربی بیان میکنند: <p>الله خیلی بزرگ است (الله اکبر) و بعد اولین بخش از قرآن را از حفظ میخوانند؛ او شکر کنندگان را میشوند . به نام خداوند رحمتگر مهربان ستایش خدایی را که پروردگار جهانیان رحمتگر مهربان و خداوند روز جزاست. بار الهی تنها تو را می پرستیم و تنها از تو یاری می جویم ما را به راه راست هدایت فرما راه آنان که گرامی شان داشته ای نه [راه] مغضوبان و نه [راه] گمراهان.</p>

^{۲۲۰} دعا به عنوان درخواست از خدا؛ در رابطه با نیاز های شخصی، و درخواست آسایش و سلامتی برای دیگران به حضور خدا عرضه میشود.

^{۲۲۱} در ترجمه زبان انگلیسی از مشاوره علم العبادات(نی ال ال سی) یک ترجمه جهانی در مورد کلیسا ها بهره گرفته شده.

^{۲۲۲} همینطور بخش ۱۰، ۵، ۲ را ببینید. قرآن در مورد نماز صحبت میکند، اما بطور خاص نوشته نشده که مسلمانان باید پنج بار در روز نماز بخوانند: سوره های ۴۳: ۱۱؛ ۱۱۴: ۱۷؛ ۷۸: ۱۷؛ ۱۷: ۳۰؛ ۲۰: ۱۳۰.

دعای شخصی (دعا) چندان متداول نیست، اما گاهی دعا هم میشود، چون برای بیشتر مسلمانان پنج بار آئین نماز روزانه بیشتر اهیت دارد. تفاوتی که در اجرای دعا در دو ایمان وجود دارد چشمگیر هست. در مسیحیت دعا گفتگوی شخصی بین انسان و خدا هست درست مثل گفتگوی فرزندی با پدرش. مسلمانان خود را بعنوان بندگان الله میدانند. در اسلام مسلمانان اطمینان ندارند که آیا الله دعا های آنها را میشوند یا نه. بنابر این مسیحیان میتوانند تجربیات شخصی خودشان در دعا ها با خدا را با مسلمانان در میان بگذارند.

۲،۴،۶ " مسیحیان روزه نمیگیرند "

ایرادات مسلمانان

" طریقه درست روزه گرفتن روش اسلامی هست! الله فقط روزه را در ماه رمضان میپذیرد " (سوره ۱۸۵:۲).

جدول زیر تفاوت بین روزه در مسیحیت و اسلام را شرح میدهد. مسیحیان باید مفهوم روزه در هر دو مذهب را درک کنند و بتوانند این را برای مسلمانان توضیح دهند. این آگاهی باید به طرح سوالات چالش برانگیز کمک کند.

تعالیم اسلامی و اسلام عمومی	تعالیم مسیحی
<p>مسلمانان روزه های متعدد دارند. مهمترین آنها در طی ماه رمضان هست، که نهمین ماه از تقویم مسلمانان هست. این برای مسلمانان الزامی هست (سوره ۲: ۱۸۳ - ۱۸۵). آیه ۱۸۵ اعلام می کند که قرآن در ماه رمضان بر محمد نازل شده. مسلمانان (بر اساس سخنانی که از محمد گزارش شده) معتقدند که در ماه رمضان دروازه های بهشت باز هستند و در های جهنم بسته اند، و همه آنهاهی که روزه میگیرند گناهان قابل عفو گذشته اشان بخشیده میشود.</p> <p>۱. مقررات رمضان</p> <p>۱. ماه رمضان نمیتواند شروع شود مگر اینکه مسلمانی بتواند اظهار کند که هلال ماه نو را دیده است.</p> <p>۲. روزه باید از سنین بین ده تا دوازده سالگی گرفته شود (استثناء های خاص: بیماران؛ مسافران و غیره).</p>	<p>روزه گرفتن در کل به معنی نخوردن غذا و نوشیدن مایعات طی دوره ای هست (مثلاً استر ۱۶:۴)، نه فقط پرهیز کردن از غذاهای خاصی. اما در عمل این تفاوت ها را میتوان دید:</p> <p>۱. نخوردن و یا نوشیدن (استر ۱۶:۴؛ اعما ۹:۹) طولانی ترین دوره سه شبانه روز، به استثنای خروج ۲۸:۳۴.</p> <p>۲. معمولاً نه تنها خوردن بلکه نوشیدن هم برای زنده ماندن ضروری هست، (دوم سمو ۱۶:۱۲ - ۱۷؛ متی ۲:۴)</p> <p>۳. خوردن و نوشیدن در سطح فقرا (دان ۳:۱۰). گاهی رفتار های درونی با نشانه های ظاهری نشان داده میشود (نح ۱:۹).</p> <p>۱. در عهد قدیم</p> <p>الف) روزه های سالانه خاصی وجود داشت. یهودیان در روز کفاره روزه میگرفتند (لاو ۱۶:۲۹). بعد از تبعید چهار روزه سالانه دیگر برقرار گردید (زکر ۸:۱۹) - همه بر اساس تلموذ، بلایای معروف در تاریخ یهود بود</p>
ادامه جدول در صفحه بعد	

تعالیم اسلامی و اسلام عمومی	تعالیم مسیحی
<p>۳. روزه از سپیده دم آغاز میشود و تا غروب ادامه دارد، در طی این مدت، یک روزه دار نباید حتی آب دهانش را قورت دهد.</p> <p>۴. بعلاوه بعد از نماز عشاء ۲۰ رکعت اضافی هم خواند میشود.</p> <p>۵. روزه سی روز طول میکشد، سی روز طول یک ماه مسلمانان هست.</p> <p>۶. در طی شب یک مسلمان هر چقدر که دلش بخواهد میتواند بخورد و در هر لذت مشروع افراط کند.</p> <p>۷. اگر یک مسلمان نتواند روزه بگیرد، به او اجازه داده شده که بعداً روزه قضا بگیرد.</p>	<p>(ب) روزه های گاه و بیگاه: گاهی به صورت انفرادی (مثل دوم سمو ۲۲:۱۲) و گاهی دسته جمعی (مثل داوران ۲۶:۲۰).</p> <p>هدف از روزه</p> <ul style="list-style-type: none"> • ابراز اندوه (اول سمو ۱۳:۳۱؛ استر ۳:۴؛ مزا ۱۳:۳۵ - ۱۴). • طلب آمرزش (اول سمو ۶:۷؛ دان ۳:۹ - ۴؛ یون ۵:۳ - ۸). • روشی که انسان میتواند خود را فروتن کند (عز ۸:۲۱). • تنبیه و انضباط نفس • گاهی مستقیماً به منظور تأمین و دریافت هدایت و راهنمایی خدا. • به جای دیگران (عز ۶:۱۰). <p>بعضی ها فکر میکنند روزه بطور اتوماتیک باعث میشود انسان صدای خدا را بشنود (اش ۵۸: ۳ - ۴) اما انبیاء اعلام کرده اند که، بدون رفتار درست روزه بیهوده است (اش ۵۸: ۵ - ۱۲، ار ۱۱: ۱۴ - ۱۲؛ زکر ۷).</p>
<p>۲. منافع</p> <p>(بر اساس باور های اسلام عمومی)</p> <p>۱. روزه سبب میشود که شخص فروتن شود و از مجازات الله بترسد</p> <p>۲. فرض بر این هست که شهوات و هوس های شخص را میشکند.</p> <p>۳. روزه همدلی، دلسوزی و رحم نسبت به دیگران ایجاد میکند، و شخص را قادر میکند که ازدادن صدقات به فقرا لذت ببرد.</p> <p>۴. روزه هم به ثروتمندان و هم به فقرا، هم به شاه و هم خدمتکار هم به قدرتمندان و هم به ضعیفان این فرصت را میدهد که گرسنگی را تجربه کنند و به همه فرصت برابری و مساوات میدهد.</p> <p>۵. مواد زائد ناسالم جمع شده در بدن را ذوب میکند مخصوصاً در مورد کسانی که غذاهای چرب میخورند و به ندرت ورزش میکنند.</p>	<p>۲. در عهد جدید</p> <p>(الف) اعمال عمومی یهودی: روز کفاره تنها روزه سالانه هست که در عهد جدید به آن اشاره شده (اعما ۹:۲۷). بعضی فریسی های متعصب هر دوشنبه و هر پنجشنبه را روزه میگرفتند (لوق ۱۲:۱۸). دیگر یهودیان مؤمن مثل حنّا اغلب روزه میگرفتند (لوق ۲: ۳۷).</p> <p>(ب) عیسی: زمان وسوسه (متی ۴: ۲)، برای آماده شدن به جهت خدمت آینده اش. روزه باید متوجه به خدا باشد (متی ۱۶: ۶ - ۱۸)، و شایسته باشد (متی ۹: ۱۴ - ۱۷؛ مرق ۲: ۱۸ - ۲۲).</p> <p>در اعمال: رهبران کلیسا زمانی روزه میگرفتند که میخواستند خادمینی انتخاب کنند (اعما ۱۳: ۲ - ۳) و برای انتخاب مشایخ (اعما ۱۴: ۲۳).</p> <p>(ج) امروزه: در عهد جدید روزه با اختیار افراد مسیحی گرفته میشود. گرچه کلیسای کاتولیک آنرا به صورت قانون و شریعت برای شایسته شدن به جهت آسمان درآورده.</p>
<p>۳. خلاصه</p> <ul style="list-style-type: none"> • هر مسلمانی باید روزه بگیرد و از مقررات آن پیروی نماید. • خستگی مفرط در ملاء عام نشان میدهد که شخص روزه اش را رعایت میکند. 	

ادامهٔ جدول در صفحهٔ بعد

تعالیم اسلامی و اسلام عمومی	تعالیم مسیحی
<ul style="list-style-type: none"> • مسلمانان امید های خاصی در رابطه با روزه دارند مثلاً امیدوارند که به درک بیشتری از الله نائل شوند، آنها آرزومند شادی در این دنیا و همینطور کامیابی در زندگی آینده و بخشش گناهانشان هستند، مشتاق برکات و پادشاهی الله هستند، و غیره. اما مسلمانان از هیچ کدام اینها اطمینانی ندارند. • بعضی از رهنمود ها در مورد روزه را میتوان در حدیث ها یا سنت های اسلامی پیدا کنید، اما چند رهنمود خاص هم در قران وجود دارند. 	<p>اصلاحات تغییراتی را در این مورد بوجود آورد، اما نخواست که بر روزه کتاب مقدسی تأکید کند. و نتیجه اش امروز این هست که، در بسیاری از کلیسا ها، روزه در پشت صحنه قرار گرفته و یا تماماً نادیده گرفته شده.</p> <p>۴. منافع (به ارجاعات بالا نگاه کنید)</p> <ul style="list-style-type: none"> • نزدیک تر شدن به خدا و شناختن بهتر پدر ما خدا. • قبل از هر تصمیم مهمی. • نشانی از توبه • در رابطه با شفاعت (مرق ۹:۲۹). <p>۵. خلاصه</p> <p>روزه معمولاً محرمانه گرفته میشود، و موضوعی بین انسان و خداست. هیچ قانون اکید یا مقررانی ندارد. دستور العمل برای روزه مخصوصاً تعالیم عیسی فقط در کتاب مقدس وجود دارد.</p>

بطور کلی روزه گرفتن در بین مسیحیان آنطور که در بین مسلمانان اکیداً اجرا میشود، معمول نیست. مسلمانان مطمئن نیستند که آیا الله برای کسانی که روزه میگیرند برکت و پاداش خواهد داد یا نه. بنابراین مسیحیان میتوانند مسلمانان را در این مورد به چالش بکشند و تجربیات خودشان را از روزه هایشان با آنها در میان بگذارند.

سئوالات

- در مورد الله چه میدانید؟
- آیا احساس میکنید الله از شما راضی هست یا نه؟
- الله چطور محبتش را به شما نشان میدهد؟
- آیا فکر میکنید الله میتواند کاری بکند؟
- آیا فکر میکنید برای الله این امکان وجود دارد که بر روی زمین بعنوان انسان ظاهر شود و در عین حال به اداره جهان ادامه دهد؟
- فکر میکنید که گناه از کجا وارد جهان شد؟
- گناه برای شما چه مفهومی دارد؟
- برای ورود به بهشت چه چیزی ضروری هست؟
- آیا فکر میکنید با انجام این کار ها به بهشت خواهید رفت؟
- چرا روزی پنج بار نماز میخوانید؟ واقعاً این در کجا نوشته شده؟
- با روزه گرفتن در ماه رمضان چه نفعی عایدتان میشود؟
- ممکنه لطفاً به من نشان دهید که کجا فرمان داده شده در رمضان روزه بگیرید؟

ابرادات مسلمانان

"کتاب مقدس شامل چهار انجیل هست، متی، مرقس، لوقا و یوحنا عیسی فقط یک انجیل دریافت کرده چرا حالا چهار انجیل هستند؟ چرا مسیحیان انجیل بارنابا را حذف کرده اند؟"

مسلمانان چهار انجیل را معتبر نمی‌دانند. بسیاری از آنها در مورد "انجیل بارنابا"^{۲۳۳} شنیده اند و به آنها گفته شده این انجیل حقیقی هست. مسلمانان استدلالشان این هست که این انجیل در قرن اول م.ی توسط برنابای رسول نوشته شده. این انجیل نخستین بار در ۱۷۰۹ در هلند مطرح شد. مسلمانان دوست دارند بر سر این موضوع هیاو به پا کنند، اما مسیحیان باید با اطمینان از آنان بخواهند دلایلشان را ارائه نمایند.^{۲۳۴}

این انجیل چیست؟ مضمون آن حتی برای افراد غیر روحانی هم فاش میشود که این یک جعل اسلامی هست. تاریخ دقیق آن را میتوان به قرن ۱۴ م.ی نسبت داد. مضمون آن به طور فاحشی زندگی عیسی مسیح را تخریب کرده و در بسیاری موارد با تعالیم اسلامی هماهنگ کرده. هدف طراحان آن آشکارا این بوده که مسیحیان آن دوره را به اسلام ترغیب و مسلمان نمایند. بعضی از جملات آن نه تنها با کتاب مقدس بلکه با قرآن نیز مغایر هست.

کل داستان انبوهی از اشکالات هست:

- بعضی از پس زمینه های فرهنگی بازتابی از قرن اول زمان عهد جدید نیست، بلکه بر عکس بازتابی از قرون وسطی هست مثلاً جنگ تن به تن یا دوئل های عاشقانه.
- متن حاوی نقل قول هایی از دانته هست (شاعر و سیاستمدار ایتالیایی، ۱۲۶۵ – ۱۳۲۱).
- متن حاوی خطاهای جغرافیائی و فرهنگی فاحشی در مورد سرزمین مقدس و خطاهای عدم رعایت ترتیب و توالی تاریخی هست. و کاملاً مشخص هست که نویسنده هرگز در سرزمین مقدس نبوده. مثلاً در (باب ۲۰) گفته شده که عیسی با قایق به ناصره که در ساحل قرار دارد رفت. در حالیکه ناصره امروز هم وجود دارد و در بیست کیلومتری دریاچه و در ارتفاع صد متری از دریاچه قرار دارد. در باب ۲۱ گفته شده عیسی پیاده به کفرناحوم رفت، که در ساحل جلیل قرار دارد و ۲۰۰ متر از سطح دریا پائین تر قرار دارد. هیچ کس نمیتواند پیاده به آنجا برود! جلوتر گفته عیسی روزه میگرفت (باب های ۹۱ – ۹۲) که بعد از قرن چهارم م.ی در کلیسا مرسوم شده. اشاره به بشکه شراب در فصل ۱۵۲ یک اشتباه تاریخی است. به سه مجوسی اشاره میکند (باب ۶، انجیل عددی ذکر نکرده)، به سکه های (مینیوتی باب ۵۴) اشاره میکند، که اولین بار در قرن هفتم م.ی در اسپانیا استفاده شده. در این انجیل آمده که عیسی زمانی متولد شد که پیلطس فرماندار فلسطین بود. اما طبق گزارشهای تاریخی، پیلطس بعد از ۲۶ م.ی به فرمانداری فلسطین منصوب شد.
- انجیل برنابا محمد را مسیح میدانند. نه عیسی را (بابهای ۴۲؛ ۸۲؛ ۹۷)؛ عیسی بعنوان هموار کننده معرفی شده (مثل یحیی تعمید دهنده برای عیسی) تا راه محمد را هموار کند (بابهای ۸۲؛ ۹۱). این هم مغایر با کتاب مقدس و هم مغایر با قرآن میباشد.

ترجمه انگلیسی را ببینید: انجیل برنابا، شرکت انتشارات اسلامی، لاهور، پاکستان.

مسلمانان را میتوان با این سوال به چالش کشید که آیا انجیل برنابا را بعنوان کلام خدا میشناسند یا نه، به همان اعتبار قرآن آیا به آن باور دارند.

بابهای زیادی به روشنی نشان میدهد که انجیل برنابا یک کتاب جعلی است که هیچ اعتبار و پشتوانه تاریخی ندارد^{۲۳۰}. بنابر این مسلمانان باید متقاعد شوند که این کتاب جعلی را کنار بگذارند، و برای درک حقایق در مورد عیسی انجیل چهار گانه را بخوانند.

۲، ۵، ۲ "محمد در کتاب مقدس پیش گونی شده"

ایرادات مسلمانان

"چرا مسیحیان پیامبر اسلام محمد را رد میکنند؟ بالاخره او در کتاب مقدس پیشگونی شده." (ر.ک. سوره ۱۵۷:۷)

بر اساس اظهارات سوره های ۱۵۷:۷ و ۶:۶۱،^{۲۳۱} مسلمانان فرض میکنند که محمد در کتاب مقدس پیشگونی شده و فکر میکنند که پذیرفتن این آیات آسانتر هست. آنها از درک این که پیشگونی های بیشمار کتاب مقدس اشاره به عیسی دارد نه محمد در مانده شده اند. محققین اسلامی در کتاب مقدس با این اشتیاق کنکاش کرده اند که متنی پیدا کنند که در آن ردی از پیشگونی در مورد محمد باشد. دیدگاههای متفاوتی در دنیای اسلام وجود دارند که کدام متن کتاب مقدسی به او اشاره دارد. بسیار از مسلمانان تنثیه ۱۸:۱۸ را در عهد قدیم و یوحنا باب های ۱۴ - ۱۶ را در عهد جدید بعنوان چنین نشانه ای میدانند. اما یک بررسی دقیق تر از این متنها بلافاصله و به روشنی نشان میدهد که عیسی و روح القدس در این آیات مورد اشاره هستند نه محمد.

۱) متن عهد قدیم: تنثیه ۱۸:۱۸

انبیائی را برای ایشان از میان برادران ایشان مثل تو مبعوث خواهم کرد، و کلام خود را به دهانش خواهد گذاشت و هر آنچه به او امر فرمایم به ایشان خواهد گفت.

مسلمانان گمان میکنند که نبوتی که موسی کرده در رابطه با محمد هست. این ادعای اسلامی بر سه دلیل مبتنی هست:

۱. محمد مشخصاتی شبیه به موسی داشت^{۲۳۲}.

۲. وعده "کلام خود را به دهان او" خواهم گذاشت وقتی جبرئیل قرآن را بر محمد نازل کرد عملی شد.

۳. محمد از بین برادران آنها آمد؛ از نسل اسماعیل.

در اولین نگاه، این استدلال ها منطقی به نظر میرسند. اما نگاهی به زمینه متن نتیجه کاملاً متفاوتی به دست میدهد. اولاً ما باید متن ارائه شده رو به خوبی تفسیر کنیم. واژه از بین برادرانشان در متن آیه پانزده توضیح داده شده که در آنجا در متن عبری بطور تحت اللفظی میگوید:

یهوه، خدایت، نبی ای را از میان تو از برادرانت، مثل من برای تو مبعوث خواهد گردانید، او را بشنوی. همین به تنهایی برای فرو نشانیدن مشاجره کافی هست.

بعلاوه اعمال ۱۷:۳ - ۲۳ و ۳۷:۷ به وضوح اظهار میکند که این نبی عیسی هست. خود عیسی هم بطور ضمنی همین کار را کرد و وقتی در (یوحنا ۴:۵ - ۴۷) گفت:

"اگر شما به موسی ایمان می داشتید به من نیز ایمان می آوردید زیرا او در باره من نوشته است اما اگر به نوشته های او ایمان ندارید چگونه گفتار مرا باور خواهید کرد؟"

برای توضیح بیشتر گیل کرایست (۱۹۹۹: ۱۴۸ - ۱۶۲) را ببینید.

۲۳۵

۲۳۶

سوره ۱۵۷:۷ "همان که از این فرستاده پیامبر درس نخوانده که [نام] او را نزد خود در تورات و انجیل نوشته می یابند پیروی می کنند..." سوره ۶:۶۱ "... و هنگامی را که عیسی پسر مریم گفت ای فرزندان اسرائیل من فرستاده خدا به سوی شما هستم تورات را که پیش از من بوده تصدیق می کنم و به فرستاده ای که پس از من می آید و نام او احمد است بشارتگرم..." احمد معنی مشابه محمد را دارد.

۲۳۷

ادعا از کلمه "مثل تو" در تنثیه ۱۸:۱۸ سرچشمه گرفته. مسلمانان مثلاً میگویند، که محمد مثل موسی معمولی زندگی کرد، و اینکه هر دو رهبران قوم خودشان بودند، هر دو از دواج کردند و نسل هر دو فلسطین را فتح کردند.

عیسی از بسیاری جهات شبیه موسی هست که محمد نیست. فقط موسی و عیسی واجد خصوصیات منحصر به فرد زیر هستند مثلاً:^{۲۳۸}

- هر دو واسطه عهده بین خدا و انسان بودند.
- هر دو خدا را در رو می شناختند.
- هر دو آیات و معجزات بزرگی به ظهور رساندند.
- محمد واسطه یک عهد نبود. و خدا را هم رو در رو نمی شناخت. و هیچ آیت و معجزه بزرگی هم انجام نداد (ر. ک. سوره ۴۸:۲۸). مسلمانان میخوانند مسیحیان محمد را بعنوان یک پیامبر قبول کنند^{۲۳۹}.
- مسیحیان باید نسبت به این چه واکنشی نشان دهند؟ آنها باید اشاره کنند که یک نبی حقیقی خدا از زمره انبیاء کتاب مقدس باید واجد معیار های خاصی باشد^{۲۴۰}:
- او باید قادر باشد نبوت کند، و باید نبوت هایش تحقق پیدا کند.
- نبوت ها و تعلیم او باید در راستا و موافق اظهارات دیگر انبیاء خدا باشد.
- اگر به چالش کشیده شد باید بتواند معجزاتی به ظهور رساند، تا ثابت کند از طرف خدا آمده.
- تعلیم او باید حاوی مبانی جدیدی از پیام خدا باشد.

بعد از آن میشود مسلمانان را به چالش کشید که متنی از قران پیدا کنند که در آن معیار های کتاب مقدسی انبیاء^{۲۴۱} در محمد هم وجود داشته.

۲) متن عهد جدید یوحنا ۱۴ - ۱۶

اظهارات عهد جدید که مسلمانان فرض میکنند به محمد اشاره میکند از صحبت های عیسی سرچشمه میگیرد که در آن عیسی به پشتیبان یا مشاور^{۲۴۲} اشاره میکند. مسلمانان گمان میکنند که محمد آن پشتیبان هست نه روح القدس آنطور که مسیحیان باور دارند و دلایلی که ارائه میکنند در زیر آمده:

۱. اظهارات عیسی، "در هر حال، وقتی او که روح راستی است بیاید شما را به تمام حقیقت رهبری خواهد کرد زیرا از خود سخن نخواهد گفت بلکه فقط در باره آنچه بشنود سخن می گوید و شما را از امور آینده باخبر می سازد" (یوح ۱۶:۱۳)، این را به محمد نسبت میدهند.
۲. چون عیسی وقتی از مشاور یا پشتیبان صحبت میکرد از ضمیر (او)ی مذكر استفاده کرده، مسلمانان استدلال میکنند که پشتیبان فقط میتواند یک مرد باشد نه یک روح.
۳. بر اساس این گفته عیسی، "حقیقت را به شما می گویم که رفتن من برای شما بهتر است زیرا اگر من نروم پشتیبانان پیش شما نمی آید اما اگر بروم او را نزد شما خواهم فرستاد" (یوح ۱۶:۷)، مسلمانان معتقدند که این فقط میتواند محمد باشد، "چون" آنها استدلال میکنند که "روح القدس همیشه آنجا بوده."

مسیحیان فرصت خوبی دارند که متن را در زمینه آن توضیح دهند، و پشتیبان حقیقی روح القدس و کار او را معرفی نمایند. این متن عهد جدید اشاره به روح القدس دارد که ۵۰ روز بعد از قیام عیسی آمد (اعما ۱:۲ - ۲۱). به این ترتیب مسیحیان میتوانند جواب دهند:

^{۲۳۸} برای جزئیات بیشتر گیل کرایست (۲۰۰۳: ۷۱ - ۸۰) را ببینید.

^{۲۳۹} مسلمان به این واقعیت اشاره میکنند که آنها پیامبران پیشین مثل موسی، عیسی و غیره را میپذیرند، و میگویند

مسیحیان هم باید در مقابل محمد را بپذیرند

^{۲۴۰} مثلاً خروج ۸:۷ - ۱۰، تثویه ۲۱:۱۸ - ۲۲ را ببینید.

^{۲۴۱} کتاب مقدس حاوی متن های زیادی در باره این موضوع هست، مثلاً تثویه ۵:۱۳ و ۱۹:۱۸ - ۲۲؛ ارمیاء ۱۴:۱۴ - ۱۶ و ۱۶:۲۳ - ۲۲ و غیره.

^{۲۴۲} بسیاری از ترجمه ها از واژه یاور یا تسلی دهنده استفاده کرده اند.

۱. با خواندن متن کامل در بارهٔ پشنتیان ما متوجه میشویم که او "روح راستی هست" (یوح ۱۴:۱۷) نه یک پیامبر یا هر انسان دیگری، که تا "ابد" با ما خواهد بود (یوح ۱۴:۱۶)، که "او در شما خواهد بود" (یوح ۱۴:۱۷) در ایمانداران زندگی خواهد کرد و مسیح را جلال خواهد داد (یوح ۱۴:۱۶) و تعالیم عیسی را به یاد شاگردان خواهد آورد (یوح ۱۴:۲۶ و غیره) و "از امور آینده خبر خواهد داد" (یوح ۱۳:۱۶). این فقط میتواند روح القدس باشد نه محمد.
۲. عیسی به وضوح میگوید که پشنتیان روح القدس هست (یوح ۱۴:۲۶).
۳. عیسی گفته که پشنتیان را برای شاگردانش خواهد فرستاد (یوح ۱۶:۷)، نه ۶۰۰ سال بعد برای مسلمانان!

مسلمانان ادعا میکنند که مسیحیان کلمهٔ یونانی *پریکلیتوس* (ستوده شده) را عوض کرده اند و به جای آن *پاراکلیتوس* (پشنتیان رک. یوحنا ۱۴:۱۶) را گذاشته اند. محققین اسلامی به این اشاره میکنند که معنی نام محمد همان ستوده شده یا هست. برای مسلمانان این هم نشانهٔ دیگری هست که شخص مورد نظر عیسی در یوحنا ۱۴ – ۱۶ باید محمد باشد. اما مسلمانان مطلقاً و به هیچ وجه برای این فرضیه دلیلی در دست ندارند.

میتوان از مسلمانان خواست که خودشان شخصاً متن (یوح ۱۵:۱۴ – ۱۷؛ ۲۶:۱۴) را بخوانند و به جای کلمهٔ پشنتیان یا یاور نام محمد را قرار دهند. به آسانی خواهند فهمید که این تغییر با متن جور در نمی آید. جدول زیر خلاصه ای از استدلال ها را نشان میدهد:

مرجع	مسلمانان استدلال میکنند که این پیشگونی کتاب مقدس مربوط به محمد هست.	مسیحیان پاسخ میدهند که این مرجع ها عیسی یا روح القدس را پیشگونی کرده اند.
تثنیه ۱۸:۱۸	<ul style="list-style-type: none"> • محمد برخی از خصوصیات عیسی را داشت. • محمد از نسل برادران آنها یعنی از اسمعیلیان بود. 	<ul style="list-style-type: none"> • عیسی بسیاری از مشخصات موسی را داشت. • آیات دیگر به وضوح نشان میدهد که این نبوت در مورد عیسی بوده (یوح ۴:۵ – ۴۷؛ اعا ۳:۱۷ – ۲۳ و ۳۷:۷). • برادران موسی اسرائیلی بودند (تثنیه ۱۵:۱۸)
یوحنا ۱۴ – ۱۶	پشنتیان در این باب ها محمد بوده که توسط عیسی پیشگونی شده. محمد پیامبر بعد از عیسی هست.	<ul style="list-style-type: none"> • متن دقیقاً و به روشنی به یک روح اشاره میکند که با شاگردان خواهد بود (یوح ۱۴:۱۷؛ ۲۶:۱۴؛ ۲۷:۷). • زمینهٔ متن نشان میدهد که عیسی روح القدس را پیشگونی کرده است: (یوح ۱۴:۱۷؛ ۱۶:۷؛ اعا ۲:۱ – ۲۱).

هیچ چیزی در این متون کتاب مقدسی پیدا نمیشود که کوچکترین اشاره ای به آمدن پیامبر اسلام محمد کرده باشد. این برای بقیهٔ متون کتاب مقدسی نیز صدق میکند: هیچ پیشگونی ای در مورد محمد در کتاب مقدس وجود ندارد!

سئوالات

- آیا فکر میکنید انجیل برنابا حقیقی هست؟
- انجیل برنابا اعلام میکند که محمد مسیح موعود هست (باب ۴۲). اما قران اعلام میکند که عیسی مسیح موعود هست! پس به قران باور دارید یا به انجیل برنابا؟
- اگر باور دارید که محمد در کتاب مقدس پیشگویی شده است، میتوانید آیات مرجع را به من نشان دهید؟
- ممکنه خواهش کنم متن مورد نظرتان را با هم بخوانیم و برای من توضیح دهید که فکر میکنید در کجای کتاب مقدس محمد پیشگویی شده؟
- فکر میکنید نشانه های یک پیامبر حقیقی خدا چی هست؟
- بر اساس دیدگاه شما چه کسی یک نبی هست؟

۳. رویارویی با مسلمانان

این بخش حاوی مطالب زیر هست

- (a) یک رفتار مسیحی با مسلمانان
- (b) اطلاعات پایه برای یک ملاقات عملی
- (c) مشورت های عملی برای کمک به نو ایمانان و هدایت آنها در ایمان جدیدشان
- (d) انگیزه برای کلیسا برای رساندن بشارت به مسلمانان
- (e) اطلاعاتی در مورد مسائل سیاسی و اجتماعی

بعد از مسیحیت، امروزه اسلام دومین مذهب به لحاظ تعداد پیروان در جهان هست. مردم در افریقا، آسیا و در غرب دیگر برای ملاقات با مسلمانان مجبور نیستند به کشور های اسلامی سفر کنند - آنها امروزه تقریباً در تمامی کشورهای روی زمین ساکن شده اند. مسیحیان و مسلمانان می توانند در هر کجا با هم ملاقات کنند، در کار یا در فراغت. بسیاری ملیت مشترک دارند.

بسیاری از مسلمانان در کشور های غیر اسلامی سکولاریزه شدند و دیگر چندان پایبند الزامات و اصول مذهبی خود نیستند. بعلاوه بسیاری از مسلمانان در کشور هایی مثل ایران از مذهب خود ناامید شده اند و دنبال چیزی متفاوت میگردند. بطور کلی مسیحیان در برقراری ارتباط با مسلمانان جهان به میزان زیادی ناموفق بوده اند. یک دلیل عمده برای این عدم ارتباط بین مسیحیان و مسلمانان عدم آگاهی هست، و ایجاد ترسی که موجب میشود مسیحیان از برقراری ارتباط با مسلمانان امتناع کنند. این کتاب قصد دارد به مسیحیان کمک کند که اسلام و مسلمانان را بشناسند و به این ترتیب بر این ترس غلبه کرده و شروع به پرسیدن سئوالات چالش برانگیز از مسلمانان بکنند.

مسلمانان در کشور های بومی خودشان، اغلب فرصت بسیار کمی دارند که اطلاعاتی در مورد انجیل کسب کنند. اما در افریقا آسیا و در غرب این میتواند آسانتر باشد چون مسیحیان و مسلمانان میتوانند با آزادی با هم ملاقات کنند. بسیاری از مسلمانان به دنبال جواب ها میگردند، چون اسلام عمیق ترین نیاز های شخص را برآورده نمیکند. همه مردم دنبال پذیرش از جانب خدا هستند. اطمینان از بخشیده شدن گناهانشان و مراوده شخصی با خدا. در مسیح هر کسی میتواند همه اینها و بیش از این را پیدا کند. بنابراین لازم هست که مسیحیان در شیوه زندگی یک نمونه باشند، چون مسلمانان اغلب با دقت به

رفتار آنها توجه میکنند. در نتیجه شهادت مسیحیان با کلام و اعمال و رفتار، مسلمانان میتوانند از رابطه متفاوت مسیحیان با خدا مطلع شوند. نمیتوان گفت همه رهنمود های این بخش در تمامی شرایط تعامل بین مسلمانان و مسیحیان کاربرد دارد. بنابراین خواننده در رابطه با بکار گیری عملی گامهای توصیه شده باید با حکمت عمل کند.

۳، ۱ واکنش مسیحیان به ادعا های اسلامی

۳، ۱، ۱ کتاب مقدس چه می گوید؟

اسلام چالشی برای مسیحیان هست. در مأموریت بزرگ (متی ۲۸: ۱۸ - ۲۰)، از مسیحیان دعوت شده که با این چالش روبرو شوند. تمهیدات باید به صورت دوگانه اندیشیده شود. اول، مسیحیان باید خودشان را با دعا و گفتگوی صمیمانه با عیسی برای این موضوع آماده کنند. دوم، لازم است مسیحیان با بکار گیری محبت مسیحی و علاقه، به یادگیری نحوه مناسب دادن بشارت انجیل به افرادی از فرهنگ ها و افکار مختلف بپردازند. درک و شناخت همسایگان مسیحی حائز اهمیت هست، شناخت مذهب آنها، استدلال آنها، امید و آرزو هایشان برای رساندن و انتقال پیام انجیل بصورت قابل درک، به آنها ضروری هست.

۱) **دعا:** در کتاب مقدس مکرراً بر اهمیت دعا تأکید شده است^{۲۳}. بعلاوه مسیحیان باید آماده باشند برای موارد خاص روزه بگیرند (اعمال ۱۳: ۳؛ ۱۴: ۲۳). با دعا میتوان اراده خدا را تشخیص داد. بهترین نمونه این داستان پطرس و کرنلیوس در باب ۱۰ اعمال هست. در زمان دعا بود که پطرس داشت برای رویا رؤی با کرنلیوس آماده می شد، و روح خدا کار می کرد تا او را برای تبدیل آماده کند (اعما ۹: ۱۰ - ۱۶؛ ۱۰: ۴۴). مسیحیان باید دعا کنند که مسلمانان انجیل را بشنوند، درک کنند و بپذیرند. پیام مسیحیان می تواند با شهادت شخصی خودشان، کتابها و دیگر رسانه ها منتشر گردد. بعلاوه مسیحیان میتوانند دعا کنند که روح القدس از طریق خواب و رویا با مسلمانان صحبت کند^{۲۴}. دعا کردن برای دیگر مسیحیان هم از اهمیت خاصی برخوردار هست که از نیاز به دادن شهادت به مسلمانان آگاه شوند، و همراه با دعا برای آنها شهادت بدهند.

۲) **جنگ روحانی:** از مسیحیان خواسته شده که برای جنگ روحانی آماده باشند، و خودشان را تجهیز کنند (افس ۱۰: ۶ - ۱۸). اسلام یک مذهب ضد مسیحی هست، و به مسیحیان مؤکداً توصیه شده که فقط تحت حفاظت و هدایت روح القدس عمل کنند. مسیحیان باید از جنگ روحانی بعنوان وسیله ای از جانب خدا برای در هم شکستن تاریکی جبر استفاده کنند، که مسلمانان با آن سر و کار دارند. هدف اینست که توسط جنگ روحانی به مسلمانان کمک کنیم آزادی در مسیح را تجربه کنند. باید تأکید کرد که هر مسیحی میتواند شاهدی باشد، اما آمادگی بهتر به معنی تأثیر عمیقتر در بین مسلمانان هست. بنابراین یقیناً داشتن اطلاعات خوب و درست از کتاب مقدس از ضروریات هست. داشتن اطلاعات اسلامی هم در مدافعه استدلالی از مسیحیت بسیار سودمند هست. مسیحیان باید آماده باشند دائماً مطالعه کنند تا بتوانند زمین های تازه ای را فتح کنند.^{۲۵}

۳) **ملاقات های با محبت:** خدا تمامی انسانها را خلق کرده و همه را بطور یکسان دوست دارد - از جمله مسلمان ها. اول یوحنا ۴: ۸ میگوید که خدا محبت هست. همه مسیحیان خوانده شده اند که این محبت را به مسلمانان انتقال دهند که بدون آن همه چیز بیهوده است (اول قرنت ۱۳). مسیحیان لازم است در این محبت رشد کنند تا اینکه در زندگی روزمره آنها بیشتر و بیشتر نمایان شود (فیلیپ ۱: ۹؛ اول قرنت ۱۶: ۱۴). بعد از هر ملاقاتی یک مسیحی باید از خودش بپرسد، آیا من محبت خدا را انتقال داده ام؟

^{۲۳} مثلاً مرق ۳۸: ۱۴؛ لوق ۳۶: ۲۱؛ افس ۱۸: ۶ را ببینید.

^{۲۴} خواب ها و رویا ها نقش بزرگی در تبدیل مسلمانان بازی میکند. بسیاری از تبدیل شدگان این را تأیید میکنند.

همینطور به بخش ۳، ۶، ۱ نگاه کنید.

^{۲۵} این اساساً به معنی آموختن شیوه های جدید خدمت و ارتباطات هست.

۳، ۱، ۲ رفتار شایسته کدام هست؟

اولاً این مهم هست که تفاوت بین اسلام به عنوان یک مذهب و مسلمانان بعنوان مردم را تشخیص دهیم. مسیحیان خوانده شده اند که مسلمانان را به عنوان مخلوقات خدا محبت کنند و در عین حال هر چیزی را که بر ضد مسیح هست رد کنند - این در مورد بسیاری از نظریات اسلامی هم صدق میکند. رفتار های متعددی ممکن است در رویارویی با مسلمانان دیده شود. در این کتاب شماره چهار بعنوان رفتار شایسته مورد ملاحظه قرار گرفته است:

(۱) **رفتار روشنفکرانه:** اسلام و مسیحیت تقریباً مذهبی با ارزش برابر هستند. اسلام همان قدر برای خدا ارزش دارد که مسیحیت دارد. بنابر این خدمت بین مسلمانان تهاجمی هست و نشان دهنده خود خواهی می باشد. در این صورت شخص فقط اساساً در رویدادهای فرهنگی یا کار در پروژه های انسانی با مسلمانان ملاقات میکند. همینطور سرویس های کلیسایی بین المذاهب نیز ممکن است برگزار شود.

(۲) **رفتار توافقی یا سازگاری:** مسیحیان سعی دارند که به مسلمانان بشارت دهند و برای این کار تا آنجا که میتوانند با آنها سازگار میشوند. لباسهای اسلامی میپوشند، از آئین دعائی آنها تبعیت میکنند و در طول رمضان روزه میگیرند. به این ترتیب امیدوار هستند که دست یابی بهتری به مسلمانان داشته باشند. اما نتیجه اش غالباً سوتفاهم هست، مسلمانان شاید فکر کنند چنین مسیحیانی میخواهند مسلمان شوند. یا سعی دارند با نیرنگ آنها را مسیحی بکنند و یا قصد جاسوسی دارند^{۲۴۱}.

(۳) **رفتار ستیزه جویانه:** مسلمانان دشمن تلقی میشوند. کسانی که چنین رفتاری میکنند ذهنیتی از جنگهای صلیبی دارند و مسلمانان را بعنوان عامل نفوذی بیگانه می پندارند که باید حذف شوند. و بشارت دادن به مسلمانان جزء گزینه هایشان نیست.

(۴) **رفتار بشارتی:** فرمان بروید و تمامی امت ها را شاگرد سازید (مت ۲۸:۱۹) مسلمانان را مستثنی نمیکند. آنها هم نیاز دارند که خبر خوش پیام عیسی مسیح، را بشنوند،



در اینجا صحبت از هماهنگی با محیط نیست که آنهم جای مناسب خود را دارد (بخش ۳، ۸، ۳ را ببینید). اما مسیحیان همیشه باید از خود بپرسند: با اعمال و رفتارهایشان چه نوع علائمی به مسلمانان میدهند؟ ممکن است مسلمانان آن را به چه تعبیر کنند؟ اما به هر حال پیدا کردن نقطه تعادل درست در تطبیق با محیط و قرار دادن حدودی بر آن کار آسانی نیست.

که برای آنها هم مرد، و آنها هم باید نجات و حیات ابدی را توسط او دریافت کنند(یوح ۳: ۱۶؛ ۱۴: ۶). مسیحیان مسلمانان را با محبت خدا ملاقات میکنند، و به فرهنگ آنها احترام قائل میشوند اما در عین حال بر سر پیام مسیح سازش کاری و تساهل نمیکند. لازمه این، آن هست که مسیحیان پل دوستی و اعتماد با مسلمانان ایجاد کنند نه دیوار جدائی. اگر یک مسلمان مسیحی ای را نشناسد و به او اعتماد نکند احتمالاً به پیام گوش نخواهد داد. شخص باید حق صحبت کردن بگیرد. اما لازمه بنای رابطه ای بر اساس اعتماد، صبوری و محبت هست!

۳،۱،۳ تعامل چگونه باید واقع شود؟

تعامل میتواند در سه سطح واقع شود. و همه باید در جهت بنای پل ارتباطی و ایجاد رابطه ای دوستانه بر اساس اعتماد باشند:

(۱) **در سطح گفتگو:** مسیحیان با مسلمانان صحبت میکنند تا هر دو بتوانند همدیگر را در مسائل اجتماعی یا دیگر مسائل بهتر بشناسند، در حالیکه به نظرات هم احترام بگذارند. گفتگو باید تا جایی که ممکن است معقول باشد، و همیشه با آمادگی شنیدن همراه باشد.

(۲) **در سطح کار:** مسیحیان و مسلمانان در پروژه های اجتماعی و بشردوستانه با هم مسئولیت های مشترکی را به عهده میگیرند. هر دو علاقمند عدالت اجتماعی، صلح، و حفاظت از محیط زیست هستند و میتوانند در چنین پروژه هایی با همدیگر کار کنند.

(۳) **در سطح خدمت بشارتی:** مسیحیان به مسلمانان از عیسی مسیح به عنوان حقیقت شهادت میدهند. این باید به روشی مؤثر انجام شود تا مسلمانان بتوانند پیغام آن را درک کنند. لازمه این گوش کردن با دقت به مسلمانان، و تلاش و کار مداوم به جهت درک متقابل، و تلاشی مداوم جهت درک اسلام با فرهنگ و تاریخ آن و در نام عیسی مسیح، غلبه روحانی بر آن هست.

هدف از تعامل این هست که با مردان و زنان مسلمان آشنا شویم و بفهمیم در کجا مسیحیان میتوانند و یا نمیتوانند اشتراک مساعی داشته باشند. ما تعامل میکنیم تا زمینه های مشترک و نیز موارد اختلاف نظر را بشناسیم و تصدیق کنیم، نه اینکه مذهبی یکسان ایجاد کنیم. مسیحیان در مقابل مسلمانان مدیون هستند که بعنوان شاهدان عیسی مسیح رفتار کنند.

بعلاوه هدف مأموریت مسیحی باید دستیابی به عمق و کشف دیدگاههای مسلمانان در مجموعه های آنها باشد، مجموعه هایی که گاهی غیر قابل پیش بینی و اغلب دنیائی متخاصم هستند و نیز مجموعه هایی که از نظر عامه کمتر شناخته شده هستند، دنیای موازی ملت اسلام^{۲۴۷}. این دنیا را میتوان از طریق نوشته های اسلامی حدیث، و از عاداتهای اجتماعات محلی، و افسانه ها کشف کرد. میتوان آن را از طریق آئین ها در شرایط حساس زندگی، مثل تولد، ازدواج و مرگ مشاهده کرد. روزنامه ها و مجلات اسلامی، درکی از زندگی روزانه مسلمانان را به ما میدهند.

۳،۱،۴ مشی غیر تهدید آمیز: پرسیدن سنوال

اکثر مسلمانان از کودکی طوری تعلیم یافته اند که در باره مذهب خود شکی نکنند و آنرا به هیچ وجه زیر سنوال نبرند. چرا مسلمانان مجاز نیستند مذهب خودشان را زیر سنوال ببرند؟ آیا به این دلیل هست که مسلمانان متقاعد شده اند که اسلام حقیقت هست و بنابر این نباید زیر سنوال برده شود؟ یا به این دلیل هست که زیر سنوال بردن میتواند مشکلاتی را آشکار کند که آیا اسلام سعی دارد آنها را تحت کنترل درآورد؟ اگر چیزی حقیقت باشد بنابرین جایی برای ترس وجود ندارد. شما میتوانید هر قدر میخواهید سنوال بکنید اما حقیقت باقی خواهد ماند.

^{۲۴۷} بخش ۱،۶،۱۰. و نیز ماسک (۱۹۸۹) را نیز ببینید.

در ملاقات با مسلمانان من مسائل زیر را ملاحظه کرده ام:

- (۱) اغلب مسلمانان اظهاراتی دربارهٔ مذهبشان میکنند.
- (۲) وقتی از آنها پرسیده میشود کجا نوشته شده، در اکثر موارد ادعا میکنند که در قرآن نوشته شده.
- (۳) اما اغلب اوقات این چیز ها در قرآن نوشته نشده بلکه در جای دیگری نوشته شده اند، اطلاعات نادرست و یا افکار واهی را منتشر میکنند.
- (۴) پرسیدن سئوالات خوب از مسلمانان آنها را به تکاپو میندازد خودشان شخصاً دنبال حقیقت بگردند و آن را پیدا کنند!



شهادت: اهمیت پرسیدن سئوالات

با مردی اهل اسکندریه (مصر) ملاقاتی داشتم و او این داستان را برای من تعریف کرد: من در خانوادهٔ مسلمان مؤمنی در اسکندریه بزرگ شدم و بر حسب عادت طوری تربیت شدم که اسلام را زیر سؤال نبرم. اما در بین ۱۶ تا ۲۰ سالگی هرساله توریست های زیادی را میدیدم و گفتگوی کوتاهی با آنها داشتم. در هر بار آنها سئوالات چالش برانگیزی در مورد اسلام از من می پرسیدند. بعنوان یک مسلمان خوب سعی میکردم این سئوالات را نادیده بگیرم. اما وقتی ۲۰ ساله شدم دیگر نمیتوانستم خوب بخوابم؛ این سئوالات در ذهن من دور میزد. تصمیم گرفتم جواب ها را پیدا کنم. برای اولین بار در زندگی قرآن را فقط از حفظ نمیخواندم بلکه سعی میکردم آن را درک کنم. خیلی مأیوس کننده بود - درک قرآن بسیار سخت بود و در بیشتر موارد به سئوالات من جواب نمیداد. این بحران بزرگی را در زندگی من پیش آورد؛ دیگر نمیخواستم یک مسلمان باشم! بخاطر شغلم به انگلستان سفر کردم با مسیحیان آشنا شدم و شروع به خواندن کتاب مقدس کردم و متوجه شدم که کتاب مقدس جواب سئوالات مرا دارد و بالاخره یک مسیحی شدم. آرزو میکردم که این توریست ها را پیدا کنم و به خاطر پرسیدن این سئوالات ساده که توسط آنها حقیقت را در عیسی مسیح پیدا کردم، از آنها تشکر و قدردانی بکنم! به احتمال زیاد این توریست ها که بعضی از آنها مسیحی بودند از این تغییر در زندگی من آگاه نیستند!

سئوالاتی که دوست دارم از مسلمانان بپرسم این هست که، "بمن بگو چطور مسلمان شدی؟" بیشتر مواقع آنها میگویند "من مسلمان به دنیا آمدم" بعد، از آنها میپرسم خوب آیا اگر در ژاپن متولد میشدی یک بودائی و یا چیز دیگری غیر از مسلمان می شدی؟ این به بحث های بیشتری منتهی میشود. اغلب در خاتمه آنها می پرسند، "خوب تو چطور مسیحی شدی؟"

پرسیدن سئوالات مخصوصاً در کشور هایی که بشارت دادن علنی در آنها آزاد نیست بسیار سودمند هست. اگر از یک مسلمان فقط سؤال کنید و او از شما سؤال کند، هیچ کس نمیتواند شما را متهم کند که کسی را به دین دیگری ترغیب میکنید.

پیشنهادهای زیر را ملاحظه کنید:

- (۱) تا جایی که میتوانید در مورد اسلام و مسلمانان مطالعه کنید.
- (۲) برای شناخت بهتر آنها اشتیاق شدید نشان دهید.
- (۳) با دقت به آنچه آنها در مورد خودشان و اسلام میگویند گوش دهید.
- (۴) سئوالات چالش برانگیزی به روش دوستانه بپرسید.

روش پرسیدن سئوالات به جای دادن جواب آبی روشی بود که معمولاً عیسی به کار میگرفت. یک نمونه اش در مرقس ۲۹:۱۱ هست،

بعد از اینکه معلمان شریعت میخواستند عیسی را با سؤالاتی به دام بیندازند^{۲۴۸}:
عیسی در جواب ایشان گفت: “من از شما نیز سخنی نمی‌پرسم، مرا جواب دهید تا من هم به شما گویم به چه قدرت این کارها را می‌کنم.

نتیجه‌گیری

- یک شخص به چیز دیگری خارج از هنجارهای فرهنگی و باورهای خودش ایمان نخواهد آورد مگر اینکه صحت و قابل اعتماد بودن ایمان خودش را زیر سؤال ببرد و مورد بررسی قرار دهد. بنابر این لازم است که یک مسلمان به جایی برسد که عدم صحت و غیر قابل اعتماد بودن ایمان خودش را درک کند. اینجا مخصوصاً پرسیدن سؤالات مناسب بسیار مؤثر واقع میشود. به هر حال سؤال درست کلید هست، مراقب باشید مبادا گفتگوها حالت تهاجمی و یا نامربوط به خود بگیرند.
- هر مسیحی میتواند برای یک مسلمان شهادتی باشد. هرچه بیشتر در مورد مذهب آنها و طرز فکر و آئینهای مربوط به آن بدانید، بهتر خواهید توانست سؤالات مؤثر و چالش برانگیز مطرح کنید.
- پرسیدن سؤالات مناسب روشی مسالمت آمیز هست که میتواند در سطحی جهانی مورد استفاده قرار گیرد.
- مسیحیان باید آگاه باشند که پرسیدن سؤال به هیچ وجه جایگزینی برای دادن بشارت انجیل نیست.

۳،۲ رهنمودهای عملی

جان بیش از یک بار در مورد همکلاسی اش عمر در خانه حرف زده بود. تمام خانواده عمر مسیحی هستند. یک بار والدین در جلسه اولیاء و مربیان در مدرسه ملاقات و با هم گفتگو کردند. در بین صحبت هایشان، پدر عمر میگوید هشت سال هست که در انگلستان زندگی میکنند، اما هیچ دوستان محلی ندارند. آنها پناهنده سیاسی از آفریقا هستند. او مدتها دنبال کار در محیطی گشته بود که با الکل سر و کاری نداشته باشد و این در بخش هتلداری زیاد آسان نیست. حالا او در هتلی بعنوان باربر کار میکند و از کارش بسیار راضی بود. همسرش هم به چیزهای متعددی اشاره کرد که نشان میداد اختلاط با جامعه غربی چقدر برایش مشکل بوده. خانواده جان قول دادند که در آینده نزدیک آنها را برای صرف غذا دعوت کنند (اسامی عوض شده اند).

زندگی روزمره امکانات بیشماری برای مسیحیان فراهم میکند تا با مسلمانان معاشرت و با آنها دوستی^{۲۴۹} ایجاد کنند. مسیحیان دعوت شده اند که این فرصت را مغتنم شمرده و ارتباط برقرار کنند و شهادتی برای عیسی باشند.

^{۲۴۸} همچنین مرق ۳:۱۰ و لوق ۳:۲۰ را ببینید.

^{۲۴۹} گرچه قرآن تا حدی در رابطه با نصیحت به مسلمانان برای دوستی با مسیحیان به دو قسمت تقسیم شده (سوره ۵:۵ منفی هست و سوره ۸۵:۵ مثبت)، اما اکثر مسلمانی که من دیده ام از دوستی با مسیحیان خوشحال هستند.

۱) مسلمانان را به عنوان انسانی معمولی ملاحظه کنید.

- تعداد اندکی از آنها افراطی یا بنیاد گرایان خشونت طلب هستند.
- بسیاری زندگی آرام و شاد را ترجیح می‌دهند.
- اکثر افراد ساده ای هستند که میخواهند خدا را خدمت کنند.
- آنها هم مانند هر کس دیگری آرزو ها ، امید ها، شادیهها و درد هائی دارند.

۲) مسلمانان را به صورت فرد ملاحظه کنید

- هر مسلمانی فردی هست که از دیگران متفاوت می باشد، از ملاحظه آنها به صورت گروه مسلمانان اجتناب کنید.
- آنها را به صورت فردی بشناسید و به آنها علاقه و اشتیاق نشان دهید.
- هر مسلمانی از اسلام ملت و قوم خود تبعیت میکند که در آئین هایشان شیوه ای متفاوت از دیگر مسلمانان دارند.

۳) تنش های درونی آنها را درک کنید

- بسیاری از مسلمانان احساس عدم امنیت دارند و از خود می پرسند: اسلام حقیقی کدام هست و من چطور باید به آن عمل کنم؟
- مسلمانان جوان در جوامع آزاد و رو به انحطاط غرب اغلب سردر گم هستند. آنها به جوامعی دوگانه ناسازگار و استثنائی تعلق دارند: آنها وظیفه فرهنگی پیروی از اسلام را دارند، اما وسوسه شدند در دنیای آزاد زندگی کنند. سیستم ارزشی دنیای آزاد و دموکراسی در تضادی آشکار با محافظه کاری اسلامی و حکومت روحانیون هست.^{۲۰۰}

۴) تفاوت های فرهنگی را مد نظر قرار دهید

- بسیاری از مسلمانان بین فرهنگ غربی و فرهنگ اصلی والدینشان دچار دوگانگی شدند.
- مخصوصاً تفاوت بین رفتار با زنان در کشور های اسلامی و کشور های غیر اسلامی چشمگیر و بارز هست.
- مسیحیان باید این را مد نظر داشته و در هر رویارویی حساس باشند.

۵) از اسلام یا از اشخاص مسلمان نترسید

- مسلمانان اغلب ظاهراً خیلی مطمئن به نظر میرسند اما غالباً در قلبشان احساس عدم اطمینان دارند.
- اسلام برای مسیحیت تهدیدی به شمار نمیرود بلکه چالشی پیش روی مسیحیت هست! در نظر داشته باشید: عیسی در آخرین سخنان خود گفت " تمامی قدرت در آسمان و بر زمین به من داده شده است... اینک من هر روزه تا انقضای عالم همراه شما می باشم. آمین. (متی ۲۸: ۱۸-۲۰). مسیحیان حقیقت را در عیسی مسیح میدانند! پس از چه چیزی باید بترسند؟

دموکراسی جایی هست که مردم کشور رأی نهائی را برای قوانین کشوری دارند، و در مقابل حکومت روحانیون جایی هست که اکثر قوانین توسط رهبران مذهبی وضع میشود. بسیاری از کشور های اسلامی به صورت دیکتاتوری و یا پادشاهی اداره میشوند. و بقیه از آزادی انتخابات تا حد معینی تبعیت میکنند.

۶) برای ملاقات با مسلمانان پیشقدم شوید

- مسیحیان اغلب خیلی کم رو هستند! جرأت به خرج دهید و برای ملاقات با مسلمانان تلاش کنید.
- مسلمانان اغلب تنها و منزوی هستند: برای برقراری دوستی با آنها شما پیشقدم شوید.
- برای برقراری رابطه با مسلمانان به روش های تازه ای فکر کنید و برای آن دعا کنید.

۷) محبت خدا را به آنها انتقال دهید

- خدا همه مردم از جمله مسلمانان را دوست دارد.
- مسلمانان محبت خدا از طریق عیسی مسیح را نمی شناسند.
- مسیحیان موظف هستند محبت خدا را با مسلمانان تقسیم کنند: اول با محبت عملی و بعد با در میان گذاشتن بشارت انجیل.

۸) اول گوش کنید بعد با قلب آنها صحبت کنید

- در مورد مسائل روزمره مربوط به مسلمانان صحبت کنید.
- به نگرانی ها، ترس ها و شک های آنها گوش کنید و آنها را تصدیق کنید.
- از آنها اجازه بگیرید که برایشان دعا کنید، یا در حضور خودشان یا در خلوت.

۹) طبیعی و به وضوح صحبت کنید

- توضیح دهید که به چه چیزی ایمان دارید و از تجربیات هدایت خدا در هر روز زندگیتان با آنها صحبت کنید.
- به روشی صحبت کنید که آنها درک کنند. و از آنها بپرسید که آیا حرف های شما را فهمیده اند یا نه.
- در زمان مناسب می توانید داستان تبدیل شدن و ایمان آوردن خودتان را برایشان باز گو کنید.
- مسلمانان به احتمال زیاد می خواهند شما را به بحث در مورد ایمان مسیحی بکشانند. آنها شیوه زندگی آزاد غربی را که در تلویزیون دیده اند به عنوان روش زندگی مسیحی درک کرده اند. به آنها گفته شده که کتاب مقدس تحریف شده و عیسی پسر خدا نیست و بر صلیب نمرده که کفاره گناهان ما بشود. به عنوان شاهی حقیقی مسیحیان باید به این ادعا پاسخ دهند و تمام ادعا های دروغین را به روشی محبت آمیز و آگاهانه رد کنند.

۱۰) منحصر بفرد بودن عیسی را توضیح دهید

- سعی نکنید اسلام را بدنام کنید، بلکه بیشتر بر پیام کتاب مقدس تمرکز کنید.
- قبل از هر چیز باید منحصر بفرد بودن عیسی را توضیح دهید: او بیش از یک پیامبر معمولی هست.
- اسامی و عنوان های عیسی را توضیح دهید.

۲، ۳، مسائل فرهنگی و مذهبی

- قوانین فرهنگی و مذهبی رفتاری باید محترم شمرده شود. این قوانین برای مسلمانان کشور های مختلف و بسته به اینکه مسلمان سنتی یا روشنفکر هستند، متفاوت هست. بعضی قوانین عمومی عملی در زیر آمده: ^{۲۰۱}
- اولین تأثیرات مهم هستند. آیا من خجالتی هستم، مهاجم هستم، حالت دفاعی دارم، یا خونسرد هستم؟ یا دوستانه، علاقمند، شنونده خوب، رو راست و صادق هستم؟

^{۲۰۱} این لیست تکمیل نیست. مسیحیان باید در هر شرایطی رفتاری شایسته داشته باشند.

- قانع کننده بودن: مسیحیان باید با اطمینان رفتار کنند چونکه رفتار با اطمینان پیامی قانع کننده دارد!
- گوش کردن با علاقه، شکر گزار بودن و اظهارات مثبت سودمند و بنا کننده هست.
- به کتاب مقدس و قرآن احترام نشان دهید. آنها را روی زمین قرار ندهید، یا چیزی روی آنها قرار ندهید. کتاب مقدس تمیزی استفاده کنید. کتاب مقدس باید در وضعیت مطلوب و بدون علائم و یادداشتهایی روی متون آن باشد.
- مهمان نوازی مهم هست، اما فقط باید با غذا ها و نوشیدنی های مورد قبول مسلمانان (یعنی *حلال*) از آنها پذیرائی کنید. بهتر است قبلاً از مهمانان سؤال کنید، و بر آن اساس آماده شوید.^{۲۰۲}
- دعوت مسلمانان باید با سپاسگزاری پذیرفته شود.
- بطور کلی مکالمات باید فقط بین دو نفر همجنس صورت بگیرد، خانمها با خانمها و آقایان با آقایان مخصوصاً وقتی شخص سومی حضور ندارد.
- خانمها باید محافظه کارانه لباس بپوشند و به عادات محلی در رابطه با لباس و لوازم آرایش حساس باشند و مطابق عرف محلی رفتار نمایند.
- اکثر مسلمانان به شیوه های مدرن غربی حساس هستند مثلاً موی بلند و استفاده از گوشواره در آقایان با ترش روئی مواجه میشود.
- مسیحیان باید رفتار زبان بدن^{۲۰۳} (ایما) را در مسلمانان مد نظر قرار دهند. اگر شک دارند بهتر است سؤال کنند که رفتار شایسته کدام است و درست آن را بپذیرند.

۳، ۲، ۳ برقراری یک مکالمه

به روند گفتگو ها توجه داشته باشید. مسیحیان باید آرام و دوستانه باقی بمانند، حتی اگر بحث بسیار داغ شود و مسلمانان از کلمات و جملات کفر آمیز استفاده کنند. قوانین اساسی که در زیر آمده میتواند کمک کند:

۱. وقتی مسلمانی صحبت میکند با اعتنا و دقت گوش کنید. کسانی که به تجربیات و نظرات دوستانشان علاقه واقعی نشان میدهند، بعد ها شنونده ای با دقت خواهند داشت.
۲. کلمات معینی مخصوصاً در چارچوب مذهبی حامل پیام مبهم و نامفهومی هستند. مثل خدا، دعا، نجات، آسمان، جهنم، نبی، گناه، و بسیاری دیگر. وقتی مسلمانی سؤالی میپرسد، اغلب بهتر است با سؤال متقابلی مسئله را روشن کنید، مثل این **"منظورت از این چیه؟"**^{۲۰۴}

^{۲۰۲} الکل یا گوشت خوک سرو نکنید. بعلاوه، مسلمانهای خیلی افراطی حتی از ظرفهایی که مسیحیان قبلاً از آن برای پختن غذا استفاده کرده اند هم استفاده نمیکند.

^{۲۰۳} مثلاً توصیه میشود که در موقع نشستن پای خود را روی پایتان نیندازید. مسلمانان سنتی ممکن است ناراحت شوند چون این صلیب را به یاد آنها میآورد. شما فقط زمانی میتوانید پایتان را روی پایتان بگذارید که مسلمانان هم اینکار را بکنند.

^{۲۰۴} وقتی یک مسلمان مثلاً می پرسد، شما مسیحی هستید؟ میتوانید با سؤال متقابل جواب دهید تا بفهمید منظور او از واژه مسیحی چی هست و بعد بر اساس آن جواب دهید. این طرز جواب دادن با سؤال متقابل روشی بود که اغلب عیسی در عهد جدید بکار میبرد (مرق ۳: ۱۰؛ ۲۷: ۱۱ - ۲۳؛ لوق ۳: ۲۰).



مردم از فرهنگ ها و مذاهب مختلف اغلب منظور های متفاوتی از یک کلمه دارند، مخصوصاً در کلمات مربوط به مذهب. اجازه بدهید دوست مسلمان شما منظورش را از کلمه توضیح دهد تا اینکه شما کاملاً متوجه سؤال او بشوید تا از سوء تفاهم جلوگیری شود.

!

نکات زیر ممکن است کمک بیشتری بنماید

- روش های پرسیدن سؤالات جالب و چالش برانگیز قابل یادگیری هست. البته نمیتوانید انتظار داشته باشید که مسلمانان به هر سؤالی جواب دهند. مسلمانان باید تشویق شوند که در روابط شخصی اشان با خدا تأمل کنند. بعضی از سؤالات عبارتند از: چرا مسلمانان پنج بار در روز نماز میخوانند؟ گناهان ما چطور میتواند بخشیده شود؟ تجربیات شما در طی سفر حج در مکه چه بوده؟ مسلمانان چگونه میتوانند وارد بهشت گردند؟^{۲۰۰} جواب آنها هر چه که باشد میتواند راهگشای گفتگوهای بعدی باشد، تا شما را به نکته اصلی برساند.
- وقتی مسلمانان مطلبی مذهبی اظهار میکنند از آنها بخواهید منبع و دلایل آن را نشان دهند. در این صورت آنها ممکن است وقت بگذارند و این مطالب را مطالعه نمایند.
- هرگز از محمد یا اسلام انتقاد نکنید! بهتر این هست که به جای جملات مثبت از جملات سؤالی استفاده کنید؟ بعلاوه اگر مسلمانان سؤالی پرسیدند و یا جمله ای اظهار کردند که به نظر عجیب میآمد هرگز آنها را مسخره نکنید.
- نظرانتان را واضح بیان کنید. هر اظهار مسلمانان باید با دقت توضیح داده شود تا مسلمانان بتوانند آن را درک کنند.
- هرگاه لازم هست که کتابهای قابل قبول و خاصی برای توضیح بیشتر مسائل مورد بحث ارائه شود، قبل از این که آن کتاب را به مسلمانها بدهید لازم هست که خودتان قبلاً آن کتاب ها را بخوانید تا تشخیص دهید آیا برای آن موضوع مناسب هست یا نه. طوری کتاب را بدهید که اگر دلشان نخواست، بتوانند آن را رد کنند.

^{۲۰۰} سؤالات بیشتر از مسلمانان در انتهای هر بخش اصلی این کتاب تهیه شده است. میتوانید از وبسایت ما هم دیدن کنید.

- اگر جواب سؤالات مسلمانان را نمیدانید، بهتر هست که صراحتاً بگوئید نمیدانید نه اینکه جوابی نادرست ارائه کنید. بعداً میتوانید تحقیق کنید و جواب درست را پیدا کنید و در ملاقات بعدی جواب درست را ارائه کنید. چون افراد عامی به احتمال زیاد منابع و اطلاعات کافی برای چنین سؤالاتی ندارند بنابر این لازم است از افراد مطلع و منابع آگاه کمک بگیرید.

- در بعضی موارد مخالفت ها و بحث ها ممکن است بالا گیرد و مسلمانان از کلمات تندى استفاده کنند اما شما باید سعی کنید آرام و واقع گرا بمانید. مسئله این نیست که یک مسلمان را با کلمات مغلوب کنید!

- مسیحیان خوانده شده اند که در "حقیقت" شفاف باشند. باید در زمان مناسب شهادت بدهید که امید و ایمانتان از کجا ناشی میشود. همینطور میتوانید داستان تبدیل خودتان را بیان کنید، از رابطه شخصی خودتان با عیسی و از تجربیات روزمره اتان با خدا حرف بزنید.

۳.۲.۴ دیدار از مسجد

ملاقات با مردم در مساجد یکی از راههای ملاقات با مسلمانان هست. اما فقط برای آن دسته از مسیحیانی که از این کار احساس راحتی دارند. قوانین اخلاقی باید پیشاپیش تصریح شده مورد ملاحظه قرار گیرد. مسلمانان انتظار دارند که شخص در مسجد کفش هایش را در بیاورد و این نوعی ادب محسوب میشود اما باید حدودی را هم رعایت کرد. شرکت کردن در مراسم نماز مسلمانان شاید علامت نادرستی به آنها بدهد.

رهنمود های گام به گام:

۱. افراد مسیحی یا رهبران گروه ها باید با رهبر مسجد قبلاً ملاقات کند و چهارچوب ملاقاتش را با او در میان بگذارد.
۲. دلایل خودتان را ارائه کنید که چرا بعنوان یک مسیحی میخواهید از مسجد دیدن کنید از جمله:
 - علاقه به مذهب و فرهنگ آنها
 - برقراری رابطه بهتر بین مسلمانان و مسیحیان
 - میخواهید بدانید مسلمانان در طی هفته چه مراسمی در مسجد دارند، و کدامیک برای شما بعنوان مسیحی آزاد هست
 - توضیح دهید که حاضر هستید گوش کنید اما آماده هم هستید در مواردی که میدانید حقیقت هست گفتگو کنید.
 - همینطور شاید بخواهید در کتابخانه آنها مطالعه کنید.
۳. دیدار از مسجد به شکل گروهی: قبلاً سؤال کنید که گروه شما چطور باید در مسجد رفتار کند و قوانین را رعایت کنید (درآوردن کفشها، لباسهائی برای مردان و زنان، قوانین خاص برای زنان). مسلمانان انتظار دارند شما قوانین مذهبی و فرهنگی آنها را در مساجد رعایت کنید. اما شما به عنوان مسیحی در مراسم نیایش و یا آداب تطهیر آنها شرکت نخواهید کرد. شما میتوانید عقب بنشینید و به آرامی نگاه کنید و برای آنها دعا کنید.
۴. بهتر است از طرف یک سازمان یا از طرف کلیسای محلی اتان بروید. مسلمانان میتوانند نسبت به خادمین مسیحی کمی محتاط باشند و شاید خدمت آنها را با جنگهای صلیبی یا تلاشی در جهت مسیحی کردن مسلمانان با ارائه کمک های مادی مربوط بدانند.
۵. حساس باشید و برای انجام هر کاری اجازه بگیرید. همیشه دوستانه و مؤدب رفتار کنید.
۶. برسید که تا چه زمانی میتوانید در مسجد بمانید و در ساعت مقرر آنجا را ترک کنید.

۷. سؤالات باید در مورد مسائلی باشد که مسلمانان در موردش صحبت کرده اند. برای آنها در مسجد موعظه نکنید (فراموش نکنید که مسلمانان معمولاً در یک گروه روی حقیقی خود را نشان نمیدهند!) شما میتوانید بعد ها در جلسه ای در خانه با آنها مستقیم حرف بزنید.
۸. به دقت گوش کنید و به چیزی که آنها میگویند علاقه نشان دهید. " برای گفتن چیزی اجازه بگیرید"
۹. شما میتوانید دیدگاههای کتاب مقدسی را در زمان مناسب ارائه کنید، اما جواب های کوتاه و به جا در هر مورد بدهید.
۱۰. در هر بار شما میتوانید مؤدبانه از آنها بخواهید برای اظهاراتی که میکنند، منبع آن را ارائه کنند (بگویند که قرانی در خانه دارید و میخواهید خودتان به آن نگاهی بیندازید). - اگر آنها نتوانند به سؤال شما پاسخ دهند، زیاد روی موضوع فشار نیاورید.
۱۱. سؤالات تهاجمی یا توهین آمیز نکنید.
۱۲. گروه های مسیحی همیشه باید از رهنمود های رهبرشان تبعیت کنند.
۱۳. یک خانم مسیحی فقط باید در معیت یک مرد از مسجد دیدن کند، مگر اینکه با بانوان مسلمان دوستی ایجاد کرده باشد.
۱۴. در ضمن مسیحیان میتوانند از مسلمانان دعوت کنند که از کلیسای آنها دیدن کنند. مثلاً تسهیلات را توضیح دهید و در مورد پیام کتاب مقدس صحبت بکنید.
۱۵. وقتی دوستی ایجاد کردید، میتوانید خودتان مرتب از مسجد دیدن کنید.
۱۶. اما اگر اولین بار به مسجد میروید همیشه از یک راهنمای مسلمان بخواهید که مسجد را به شما نشان دهد و شما را همراهی کند. اگر سرزده وارد شوید شاید احساس کنند بی احترامی کرده اید. خودتان را برای ملاقات های بعدی با قوانین آنها تجهیز کنید.
۱۷. از مقابل مسلمانی که نماز میخواند عبور نکنید.
۱۸. یادتان باشد: " اگر سؤال نکنید، آگاه نخواهید شد!" هر مسجدی مقررات و برنامه خاص خودش را دارد

۳, ۲, ۵ مسائل خاص در ارتباط با زنان

- ۱) وقتی مسلمانان را دعوت میکنید یا از آنان دیدن میکنید، در ملاقات های خصوصی اگر دو نفر از جنس مخالف هستید سعی کنید حتماً شخص سومی هم حضور داشته باشد:

 - فقط زنان باید با همدیگر ملاقات کنند. زنان مسلمان را به خانه خود دعوت کنید؛ غالباً آنها هم متقابلاً شما را به خانه خود دعوت خواهند کرد.
 - بردن یک هدیه کوچک مرسوم هست (شیرینی، کتاب مقدس، کتاب، دی.وی.دی) آنرا در کاغذ کادو بپیچید.
 - اگر آنها به ملاقاتتان می آیند مطمئن باشید که خانه اتان محیطی دوستانه و آرام باشد. برای احترام به آنها صندلی تعارف کنید.
 - نباید هیچ سگی آنجا باشد و یا هیچ مرد غریبه ای جز افراد خانواده نباید حضور داشته باشد.
 - به تصاویر یا وسایل توی اتاق دقت کنید که باعث رنجاندن آنها نشود و آنها را از دم دست دور کنید.
 - کتاب مقدس را در جای مناسبی قرار دهید - نه روی زمین.
 - فکر کنید با چه چیزی میخواهید پذیرائی کنید و سخاوتمند باشید.
 - به چیزی که آنها میگویند گوش دهید. به زندگی روزمره آنها و به فرهنگ و مذهب آنها اشتیاق زیاد نشان دهید. سؤالات مناسب بپرسید، اما اگر جوابی برای آن ندارند، آنها را تحت فشار قرار ندهید.

- ۲) موضوعاتی که زنان به آن علاقمندند: (اینها نیازها و زمینه هایی هستند که میتوانید به آن بپردازید و آنها را محبت کنید. به آنها بگویند که چطور کتاب مقدس این نیاز ها را برطرف میکند).

- فرزندان: داشتن فرزند بسیار مهم هست! زنانی که فرزند ندارند شدیداً آرزوی بچه دارند. نداشتن یک پسر برای یک زن مسلمان به این معنی هست که مانند زنان دیگر مورد پذیرش نیست. مراقبت از فرزندان و تربیت آنها بزرگترین مسئولیت او هست. او ممکن است از این برترسد که با طلاق فرزندانش را از دست بدهد.
- ازدواج: هر دختری بهترین شوهر را میخواهد، اما از این میترسد که والدینش چه کسی را انتخاب خواهند کرد، یا او را وادار به ازدواج خواهند کرد. دختران امروزی آرزو دارند که قبل از ازدواج مدرسه را تمام کنند، حتی به دانشگاه بروند. آنها امیدوارند ازدواج خوبی داشته باشند و طلاق نگیرند و یا هوو نداشته باشند.
- لباس پوشیدن: لباسهایی بپوشید که باز نباشد، و برانزده فرهنگ و مردمی باشد که در کشورشان زندگی میکنند.
- روابط: بعضی از زنان کسی را ندارند که با او رابطه ای صمیمی داشته باشند. خانواده ها معمولاً با هم درد و دل نمیکند و زنان ممکن است دوستی غریبه خارج از دایره خانواده را برای صحبت های خصوصی ترجیح دهند. شما بعنوان یک زن مسیحی شاید بخواهید به او کمک کنید که به مرور زمان خدا را بعنوان صمیمی ترین دوست بشناسد، تا اینکه بتواند رابطه خصوصی ای با او داشته باشد.
- نیاز های سلامتی: این میتواند عرصه ای از نیاز ها باشد که آنها نتوانند به هیچ پزشکی نیاز هایشان را بگویند و ترجیح بدهند به یک زن بگویند و زنی پیدا کنند که بتواند از او کمک بگیرند.

۳) زنان ایمان و زندگی روحانی اشان را چگونه میبینند

خانه و خانواده جایی هست که اسلام در تولد، ازدواج، مرگ و جشن های سالانه در آن اعمال میشود. خانه قلمرو زن هست، او حافظ ایمان در خانه هست. او اغلب کسی هست که به بچه ها نماز و داستانهای حدیث را تعلیم میدهد. او غذاهای رمضان را می پزد و برای جشن عید رمضان آماده می شود.

۴) مسیحیان به زنان مسلمان شهادت میدهند

- در مورد مسائل روحانی طبیعی، باز و شفاف صحبت کنید.
- تجربیات خودتان را از رابطه با خدا در زندگی روزمره با آنها در میان بگذارید.
- داستان تبدیل شدن خودتان را به آنها بازگو کنید اما از کلماتی استفاده کنید که برایشان قابل درک باشد. مطمئن شوید که فرق بین زمان قبل از تبدیل، مرحله تبدیل، و وضعیت کنونی تان را به روشنی بیان کنید.
- وقتی او نیازی را بیان میکند از او بپرسید آیا میتوانند برایش دعا کنید. دوباره به او تلفن بزنید و باز هم برایش دعا کنید. اگر نیازش برطرف شد، بعد با او خدا را شکر کنید!
- با مثالها تعلیم دهید: الف) خدا آنها را دوست دارد و نگران نیاز های آنها هست؛ ب) خدا دعا ها را میشود؛ ج) خدا جواب میدهد؛ د) خدا قابل اعتماد هست و به وعده اش عمل میکند؛ ه) سعی کنید از نیاز های جسمانی به طرف نیاز ها و مسائل روحانی حرکت کنید.

۵) یاد بگیرید که داستان تعریف کنید

- زنان از یادگیری شفاهی لذت میبرند. بسیاری میتوانند بخوانند اما خیلی ها هنوز نمیتوانند بخوانند. زنان معمولاً برای تفریح و لذت بردن کتاب نمیخوانند اما به داستان ها گوش میکنند و به همدیگر داستان میگویند.
- داستانهایی که آنها اطلاعات میدهند، احساساتشان را بر می انگیزند و حقایق جهانی را به روشی انتقال میدهند که آنها لذت میبرند، برای آنها بار ها و بار ها داستان بگویند.
- داستانهایی یاد بگیرید و بگویند که در جهت نیاز های آنها باشد. به ایمان آنها فکر کنید، به داستانهایی که میدانند و با آن موافقت، چیزی را که ایمانشان از قلم انداخته داستانهایی درباره

کسانی که خدا را دوست داشتند و اطاعت کردند، در باره کسانی که به خدا گوش نکردند و اطاعت نکردند، داستانهای درباره ترس یا مرگ.

- داستانهای درباره عقیده اساسی مسیحی. به این فکر کنید که هر کسی برای داشتن رابطه با خدا و نجات یافتن به شنیدن چه داستانی نیاز دارد.
- از نمایشنامه، ویدئو، موزیک و دیگر وسایل ارتباط جمعی برای برقراری رابطه استفاده کنید.

۳,۲,۶ رویارویی با فرزندان مسلمانان

رویارویی با فرزندان مسلمانان چالش برانگیز هست و از خود گذشتگی زیادی را می طلبد، لازمه اش صبور، محبت و همدلی از طرف مسیحیان هست. بچه ها از پس زمینه فرهنگی و خانوادگی متفاوتی می آیند. بعضی ها با زبان و فرهنگ های متفاوت مشکل دارند. بسیاری از بچه ها زندگی دوگانه ای دارند: فرهنگ مدرن و روشفکرانه جامعه اغلب با فرهنگ سخت اسلامی حاکم بر خانه مقایسه میشود. در بسیاری از بچه ها این طرز زندگی دوگانه منجر به ستیزه جویی میشود. مشکلات بیشتر زمانی بروز میکند که دانش آموزان مسلمان در سیستم آموزشی نوین نیازمند کاری مستقل برای سؤالات انتقادی هستند. در کل مسلمانان اجازه ندارند و طوری تربیت نشدند که سؤالات انتقادی بکنند.

اغلب کودکان به مراکز اسلامی میروند که در آنجا دوره های قرآن برگزار میشود. آنها خواندن متون عربی را یاد میگیرند، اما معمولاً چیزی را که میخوانند درک نمیکنند.^{۲۵۶} به آنها مقدمه ای از اخلاق و اندیشه اسلامی یاد داده میشود، که اغلب کودکان را برای مخالفت با تعلیم مسیحی آماده میکند.

بنابراین بچه ها اطلاعات کمی در مورد مسیحیت، کتاب مقدس و عیسی دارند؛ همان اطلاعات اندکی هم که کسب میکنند، تا حد زیادی تحریف شده و غلط هست. معمولاً آنها دیدگاه کاملی از مسیحیت ندارند. بچه های کشور های مختلف بطور متفاوتی رشد میکنند، و از عادت های والدین و اجتماع خودشان تبعیت میکنند. به مسیحیانی که با کودکان و جوانان مسلمان کار میکنند قویاً توصیه شده که توسط کتابهای خاص و سمینار ها اطلاعات کافی کسب کنند.

تذکرات عملی برای رهبران گروه ها که انجمن های کودکان را اداره میکنند:

- جماعت های مسیحی باید رهبران گروه های کودکان را به هر طریق ممکن پشتیبانی کنند، از جمله دعا و کمک های عملی.
- در گروه های کودکان، کودکان محلی باید فرزندان مسلمانان را به روشی دوستانه بپذیرند، آنها را محبت کنند و در صورت امکان به خانه خود دعوت کنند.
- ارتباط رهبران با والدین حائز اهمیت هست. رهبران هر چیزی را که فرزندان یاد میگیرند و انجام میدهند گزارش میکنند. ملاقات منظم والدین در خانه برای ایجاد اعتماد هم در فرزندان و هم در والدین ضروری هست.

گفتن داستان های کتاب مقدسی:

- داستانهای کتاب مقدسی باید به روشی ساده و قابل درک بیان شود. عبارات مسیحی باید بقدر کفایت توضیح داده شود.
- مراقب داستان های رایج تبلیغی باشید. بچه ها خیلی راحت میتوانند احساس کنند که آنها فقط اهدافی برای تبلیغ هستند.

^{۲۵۶} مسلمانانی که زبان ملی آنها عربی نیست، یاد میگیرند که قرآن عربی را بخوانند، اما عموماً نمیدانند که چه میخوانند. برای مسلمانان از بر خوانی قرآن به عربی حائز اهمیت شایانی هست. و الزاماً درک آن ضرورتی ندارد.

- نقش گزاری عملی با وسایل توجیه کننده اکیداً توصیه شده.
- با گروه بچه ها زیاد سرود بخوانید - کلمات سرود ها آسانتر از کلمات صحبت های معمولی در ذهن بچه ها جا میگیرد.
- بهتر است در نام عیسی به حضور خدا دعا کنید. میتوانید در حالت ایستاده دعا کنید. چشمان نباید بسته باشد دست ها نباید بسته باشد.
- متون کتاب مقدسی باید حفظ شود. مسلمانان در این مورد خوب تعلیم دیدند.
- کودکان باید قادر باشند از رفتار و شهادت رهبر بفهمند که کتاب مقدس مرجع معتبر هست. کتاب مقدس نباید با بی دقتی روی زمین قرار گیرد.
- هیچکس نباید کودکان را برای تبدیل شدن تحت فشار قرار دهد. مسیحیان چیزی را که ایمان دارند حقیقت هست با آنها در میان میگذارند، اما فقط قدرت خدا میتواند قلب مردم را عوض کند.

تبدیل شدن و مراقبت های بعد از آن:

- وقتی بچه ای میخواد به مسیح ایمان بیاورد مطمئن شوید که آیا او معنی کاری را که میکند میفهمد. آیا به گناهکاریش پی برده ، آیا میداند که حیات ابدی هدیه ای از جانب خدا هست، و نه توسط اعمال نیک؟ معنی پیروی کردن از عیسی در عمل چیست (خواندن کتاب مقدس، دعا، دوستی ، عواقب، ادیت های احتمالی)؟
- بچه ها باید بدانند که ممکن است با مشکلاتی روبرو شوند (آنها را نترسانید!) بلکه بگوئید عیسی بطور خاص کنار آنها خواهد بود و به آنها کمک خواهد کرد.
- اگر بچه موافق بود میتوانید برای تبدیل دعا بکنید.
- به بچه باید ترجمه خوب و قابل درکی از کتاب مقدس داده شود، و لازم است یک راهنمای مطالعه کتاب مقدس هم به او داده شود.
- کودکان به شدت نیازمند تعلیم بیشتر و مشارکت با آنها در زندگی مسیحی اشان هستند. آنها به مساعدت همراه با محبت مخصوصاً در زمانهای سخت نیاز دارند.

۳،۳ توضیح دادن انجیل به مسلمانان

۳،۳،۱ رهنمود های کلی

کتاب مقدس به وضوح میگوید که گناهان فقط از طریق قربانی کفاره یا جانشین آمرزیده میشوند. عیسی خودش را به عنوان قربانی بر روی صلیب تقدیم کرد و به ما آموخت که همه میتوانند با ایمان به او نجات یابند و حیات ابدی را بدست آورند. اما عیسی کسی را مجبور نمیکند که هدیه او را بپذیرد. بنابراین مسیحیان نباید به مسلمانان برای تبدیل شدن^{۲۰۷} فشار بیاورند. مژده نجات توسط قوم خدا داده میشود، اما فقط روح القدس میتواند تبدیل و ایمان به عیسی مسیح را عملی سازد.

بخاطر محبت به دوستانمان اعم از زن و مرد و اطاعت از فرمان مأموریت بزرگ، این نهایت خودخواهی هست که بخواهیم چنین گنجینه گرانبهرانی را برای خودمان نگهداریم. حقیقت انجیل باید به مسلمانان انتقال داده شود. وقتی مژده نجات را به مسلمانان اعلام میکنید، لازم است که قواعد زیر را مد نظر قرار دهید.

- هیچ شیوه بشارتی کلی وجود ندارد که در هر بار موفقیت را تضمین کند؛ و در شرایط و اشخاص مختلف متفاوت هست. مسیحیان باز و صادق هستند و در شهادت هایشان از راه های شرم آور استفاده نمیکند (ر. ک. دوم قرن ۴: ۱-۲).

^{۲۰۷} تبدیل شدن در این متن به این معنی هست که شخص شروع میکند به اعتماد و باور به عیسی مسیح.

- این مهم هست ، چیزی که مسیحیان میگویند متناقض با چیزی نباشد که هستند. افرادی که تبدیل شده اند تأیید میکنند که مسلمانان پیوسته رفتار اخلاقی مسیحیان را زیر نظر دارند (ر.ک. رومیان ۱:۱۲ – ۲؛ اول تسالونی ۲:۸).
- همه ما برای درک عقاید ظرفیت محدودی داریم. مسلمانان هم از این قاعده مستثنی نیستند. شهادت خودتان را با جنبه های زیادی از کتاب مقدس همراه نکنید. خیلی بهتر است که هر بار یک نکته را مطرح کنید.
- به مسلمانان دستمایه ای برای فکرکردن بدهید، مسائل مربوطه را میتوانید به روشی غیر مستقیم به آنها بدهید. مسیحیان باید یاد بگیرند حقایق کتاب مقدسی را همانطور که خود عیسی هم انجام میداد با مثل ها بیان کنند (متی ۱۳:۲۴، ۳۴).^{۲۵۸}
- در زمان مناسب مسلمانان باید تسلیق شوند کتاب مقدس را بخوانند.^{۲۵۹}

۳.۳.۲ روشهای معرفی انجیل

از کسی شنیدم که میگفت: "در مسائل طبیعی روحانی باشید و در مسائل روحانی طبیعی باشید." ایمان مسیحی جنبه روحانی زندگی را تشکیل میدهد، با اینحال بخشی طبیعی از آن میشود، بدون آنکه نیازی به جلوه بزرگی داشته باشد. در مورد ایمان به روشی غیر طبیعی صحبت نکنید. هر مسیحی انجیل را با کمی تفاوت به زبان ساده خودش توضیح بدهد، وقایع را طوری بازگو کنید که ذهن ها را شایسته جواب های روحانی کند. مثلاً مسلمانان که افراد مذهبی ای هستند، به گفتگو های روحانی بطور میانگین بیش از اروپائی ها پاسخ میدهند. راه های زیادی برای عرضه انجیل هست، میتوان از آیاتی استفاده کرد که به درون مایه انجیل اشاره میکنند.^{۲۶۰} این سودمند هست که ، تا آنجائی که ممکن هست آیات بیشتری در این مورد حفظ کنید، از قبیل رومیان ۲۳:۶

توضیحات	رومیان ۲۳:۶
جدی بودن گناه در نظر خدا باید توضیح داده شود، هر گناهی (افکار، سخنان، اعمال) به معنی مرگ هست که نتیجه اش جدائی از خدا هست.	زیرا که مزد گناه موت است
خدا حیات ابدی را فقط به عنوان هدیه میدهد، آن کسب کردنی نیست. هدیه/ کادو بدون پرداخت بهائی دریافت میشود! زندگی ابدی به معنی زندگی در حضور خدا در آسمان/ بهشت هست (ر.ک/ یوح ۵:۲۴).	اما نعمت خدا حیات جاودانی
عیسی مسیح همان مسیحائی هست که وظیفه اش مردن بر صلیب برای گناهان ما و به جای ما بود، تا هرآنکه به او ایمان بیاورد بتواند زندگی کند عیسی قربانی کاملی هست که از طرف خدا معین شده (ر.ک. یوح ۳:۱۶؛ ۱۶:۶).	در خداوند ما عیسی مسیح.

مسیحیان باید مشی طبیعی ای را بر اساس شرایط در پیش بگیرند. گزیده ای از روشها بطور خلاصه در زیر آمده:

- آیات را به صورت فردی یا متونی از کتاب مقدس ، همانطور که (در مورد رومیان ۲۳:۶) نشان داده شده بکار بگیرید.

^{۲۵۸} بخش ۳،۳،۴ را نیز ببینید.

^{۲۵۹} انجیل های لوقا و یوحنا برای شروع توصیه شده اند چون این انجیل زندگی عیسی را طوری شرح داده اند که برای مسلمانان قابل فهم هست. ویدئوی عیسی هم بر اساس انجیل لوقا تهیه شده برای معرفی سودمند هست. برای اطلاعات بیشتر وبسایت www.jesus.ch یا www.cfc.ch را ببینید.

^{۲۶۰} برای مثال یوح ۱۶:۳، اول تیمو ۲:۵ – ۶؛ روم ۲۳:۳ – ۲۴؛ ۱۲:۵، ۲۱؛ افس ۸:۲ – ۹؛ اول یوح ۴:۹؛ ۱۱:۵ را ببینید.

- از داستان‌ها و ضرب‌المثل‌ها برای توضیح حقایق کتاب مقدسی استفاده کنید^{۲۲۱}.
- داستانهای عهد قدیم را در زمینه‌ی عهد جدید با آنها در میان بگذارید^{۲۲۲}.
- توضیح دهید که چگونه نبوت‌های عهد قدیم در عهد جدید جامعه‌ی عمل پوشیده - و نشانه‌ای از منشأ الهی کتاب مقدس هست. احتمالاً هیچ راهی بهتر از این نیست که کسی را به این حقیقت ملزم و متقاعد کند که کتاب مقدس توسط انسان تدوین نشده، زیرا کسی نمیتوانست پیشگوئی کند که مسیح با تولد از بکره در بیت لحم به این جهان خواهد آمد (میکا ۵: ۲، لوق ۲: ۴ - ۷).^{۲۲۳}
- موضوعات و مسائلی را انتخاب کنید که در قرآن به آنها اشاره شده و در توافق با کتاب مقدس میباشد، و بر اساس کتاب مقدس به آنها توضیح دهید.^{۲۲۴}

۳.۳.۳ مطالعه‌ی مخصوص کتاب مقدس

بشارت دادن در وهله‌ی اول و فراتر از هر چیزی انتقال اطلاعاتی در مورد خدا، عیسی، انسان، گناه و آشتی دوباره با خدا هست. یک مسلمان به سبب گذشته‌اش که در اکثر موارد طی آن عقاید ضد مسیحی فراوانی را دریافت کرده، به زمان قابل ملاحظه‌ای برای درک مژده‌ی نجات دارد. به محض اینکه از کسی علاقه‌ای صمیمی مشاهده کردید، وقت گذاشتن خصوصی و ترتیب دادن مطالعه‌ی کتاب مقدس با او مفید خواهد بود. موضوعاتی که در زیر آمده موضوعاتی مبنایی است و در صورت امکان باید طبق قاعده‌ی معین توضیح داده شود:^{۲۲۵}

(۱) **کتاب مقدس.** بسیاری از مسلمانان از بچگی یاد گرفتند که کتاب مقدس مخدوش شده است. مسلمانان باید یادگیرند که کتاب مقدس چگونه به دست ما رسیده و چرا قابل اعتماد هست. به محض اینکه به کتاب مقدس اعتماد کنند، پذیرفتن پیام نجات برایشان آسانتر خواهد بود. آنها لازم است شخصاً برای خواندن کتاب مقدس وقت بگذارند و با حقیقت دست و پنجه نرم کنند.

(۲) **خدا.** بعضی اظهارات قرآنی در مورد الله به نظر میرسد که با تصویر کتاب مقدسی از خدا در یک راستا هستند. از طرفی، دیگر اظهارات بنیادی، آشکارا در تضاد با اظهارات کتاب مقدس هست. مسلمانان لازم است بدانند خدا واقعاً کی هست و در مورد خودش چه میگوید، قوانین او و محبت او چگونه هست. مسلمانان علاقمند در مورد محبت خدا به انسان بیشتر بدانند و ببینند که او راهی برای همه‌ی انسانها عرضه میکند که با پذیرفتن آن حیات ابدی را بعنوان هدیه دریافت میکنند.

(۳) **انسان و گناه.** نظریه‌ی سقوط انسان باید توضیح داده شود. مسلمانان لازم است دردناک بودن گناه را از دیدگاه خدا و عواقب آن را درک کنند. آنها تا زمانی که نفهمند شخصاً نمیتوانند خود را از گناه رها کنند، ضرورت یک منجی را درک نخواهند کرد.

عیسی. لازم است مسلمانان واقعاً درک کنند که عیسی چه کسی هست، و چرا آمد. این متضمن درکی از معنی و اهداف قربانی هائی هست که در زمان عهد قدیم تقدیم میشد. این کمک میکند که مردم مرگ عیسی بر صلیب به جای آنان و قیام او از مردگان را درک کنند و آن را به آسانی بپذیرند. لازم است که مسلمانان عیسی حقیقی را بشناسند، که بیش از یک پیامبر هست؛ او مسیحای حقیقی هست و پسر خداست.

^{۲۲۱} بخش ۳.۳.۴ را ببینید.

^{۲۲۲} مثلاً موضوع ابراهیم همانطور که در بخش ۳.۴.۱ نشان داده شده (بدون استفاده از قرآن بعنوان مبنا).

^{۲۲۳} برای منابع بیشتر بخش ۲.۲.۲ را ببینید.

^{۲۲۴} بخش ۳.۴ را ببینید

^{۲۲۵} مثالهایی از روشهای مناسب را میتوان از سازمانهای متعدد درخواست کرد (مثلاً نلز ۱۹۸۵ را ببینید). هفت نکته‌ای که در اینجا ذکر شده رؤس کلی موضوعاتی هست که باید طی دوره‌ای فرا گرفت.

۴) **پادشاهی خدا.** مسیحیان باید ضرورت تولد دوباره را برای ورود به پادشاهی خدا توضیح دهند. تفاوت بین پادشاهی خدا و امت اسلامی لازم است که توضیح داده شود، همبطور تعالیم کتاب مقدس را در زمینه چگونگی روش زندگی اخلاقی مسیحی و هماهنگ با خالقمان و خداوند را که برای او جلال می‌آورد باید توضیح داد.

۵) **روح القدس.** مسلمانان باید بدانند که روح القدس کیست، چه کاری انجام می‌دهد و چگونه می‌توان نظریه تثلیث را درک کرد.

۶) **مأموریت و آینده نوع بشر.** خدا همه مسیحیان را دعوت میکند که شاهدان او در جهان باشند و وعده می‌دهد که همیشه با شاگردانش باشد. مسلمانان باید یاد بگیرند که خدا به وعده‌هایی که می‌دهد عمل میکند، از جمله تأمین آینده مسیحیان؛ خدا به آنانی که عیسی را با ایمان پیروی کنند اطمینان می‌دهد که نجات یافته‌اند.

۳، ۳، ۴ استفاده از مثال‌ها، تمثیل‌ها و داستانها

داستان‌ها و وسایل کمک ارزشمندی هستند که حقایق کتاب مقدسی را به مسلمانان انتقال می‌دهند. عیسی با مثل‌ها شنوندگانش را به چالش میکشید تا تأمل کنند (لوق ۳۹:۶). در فرهنگ عرب، داستانها بخش مهمی از زندگی روزمره هستند. داستان سرایی هنر سودمندی است که بکار برده میشود. و داستانهای مفید باید گردآوری شوند، چون میدانیم که دسترسی به این داستانها محدود هستند. گزیده‌ای از داستانهای کوتاه در زیر آمده:

مرد در حال غرق شدن

مسلمانان معتقدند که قرآن آخرین و کامل‌ترین مکاشفه خدا هست. مسیحیان معتقدند که عیسی کامل‌ترین مکاشفه خداست. برای انسان بعنوان مکاشفه خدا کدام بهتر هست یک کتاب یا یک شخص؟ مثال زیر میتواند برای درکی عمیق‌تر مورد استفاده قرار گیرد:

تصور کنید که در ساحل یک دریاچه ایستادید، و ببینید کسی در آب هست که فریاد می‌زند و کمک می‌طلبد. چه کار میکنید؟ به نزدیک‌ترین کتاب فروشی می‌روید و یک کتاب می‌خرید که عنوانش هست چگونه شناگر ماهری بشویم، و آن را به طرف شخص داخل آب می‌ندازید؟ یا بعنوان شناگری ماهر به درون آب می‌پرید و شخص مغروق را نجات میدهید؟



تخم مرغ فاسد

مسلمانان تصور میکنند که میتوانند بدون قربانی گناه عیسی – توان کارهای بد خود را با کارهای نیک بدهند، و بعد از آن الله اجازه خواهد داد آنها وارد بهشت شوند. مسلمانان باید درک کنند که خدا گناه را جدی می‌گیرد و باید بدانند که گناهان تنها بر اساس نقشه خدا بخشیده میشوند. یک مثال: خانم خانه‌داری خمیری با استفاده از چند تخم مرغ آماده کرده. او اشتباهاً تخم مرغ فاسدی درون آن می‌اندازد. حالا باید چیکار کند؟ آیا باید تخم مرغ‌های سالم بیشتری اضافه کند و امیدوار باشد که تخم مرغ فاسد تأثیر نخواهد کرد؟ نه – همه میدانند که همان یک تخم مرغ فاسد تمام خمیر را فاسد خواهد کرد،



مهم نیست که چند تخم مرغ سالم درون خمیر هست به همان ترتیب یک گناه زندگی ما را فاسد میسازد، و خدا نمیتواند ما را با وضعیت گناه آلودمان ببیند مگر اینکه روش بخشش او را بپذیریم.

پرسیدن از بالای پرتگاه



مسلمانان سعی میکنند با کارهای خوب وارد بهشت شوند. اما این غیر ممکن هست. هیچ کس با قدرت خودش نمیتواند این کار را بکند؛ هیچ کس کامل نیست. مثال زیر را ملاحظه کنید:

در مسیر راه گروهی از راه پیمایان باید از دره ای به عرض سی متر عبور میکردند. آنهایی که فکر میکردند میتوانند بپرند، پریدند. بعضی پنج متر و بعضی بیشتر اما هیچ کس نتوانست به آن طرف برسد - همه به داخل دره افتادند. همین مسئله برای کسانی اتفاق میفتد که میخواهند وارد بهشت شوند. تنها یک راه برای ورود به آسمان هست یک پل: پل خدا به نام "عیسی".

برای هدیه بهانی می پردازید؟



کتاب مقدس به وضوح اظهار میدارد که خدا حیات ابدی را فقط به عنوان هدیه میدهد. کسانی که میخواهند بهشت را بخرند - همانطور که مسلمانان با کارهای خوب میخواهند بخرند - عملاً سعی دارند چیزی را بخرند که فقط بعنوان هدیه قابل دسترسی هست. البته مسیحیان هم کارهای نیک انجام میدهند اما نه برای خریدن حیات ابدی، بلکه برای تشکر از خدا بخاطر هدیه ای که دریافت کرده اند. مرد فقیری را تجسم کنید، که از طرف مرد ثروتمندی به مهمانی دعوت شده. در انتهای مهمانی مرد ثروتمند هدیه بزرگی به مرد فقیر میدهد: یک ماشین نو! اما مرد فقیر نمیخواهد ماشین را به عنوان هدیه را بپذیرد، او میخواهد حداقل کمی بابت آن بپردازد. آیا میزبان از این کار ناراحت نمیشود؟ او میخواست ماشین را بعنوان هدیه بدهد همانطور که خدا میخواهد حیات ابدی را بعنوان هدیه بدهد.

چهار گزارش

مسلمانان کتابی به عنوان بالاترین مرجع دارند، قرآن که حاوی اظهاراتی در مورد محمد هست. مسیحیان چهار انجیل دارند که زندگی عیسی را از دیدگاه های مختلف توصیف میکنند. برای مسلمانان پذیرفتن چهار انجیل سخت هست، چون عملاً آنها همان چیز را نمیگویند. مقایسه زیر بر اهمیت چهار گزارش تأکید میکند:



چهار دوست یک صحنه تصادف را نگاه میکنند. پلیس وارد میشود و از چهار شاهد سؤال میکند، هر کدام به نوبه خود یک شهادت عینی مکتوب میدهند. ببانید فرض کنیم که هر شاهدهی گزارش خود را به شیوه خود و با کلمات خودش مینویسد. گزارشات طول متفاوتی دارند. اما بعد بذارید فرض کنیم به جای آن، چهار نوشته عیناً کلمه به کلمه مطابق هم به پلیس داده شود. کدامیک معتبر خواهد بود؟ پلیس یقیناً تصور خواهد کرد که اشکالی در این نوشته ها هست و چهار نفر باهم تبانی کرده و گزارشی یکسان آماده و ارائه کرده اند.

دو کارفرما

تصور کنید که دنبال شغلی میگردید و میتوانید بین دو گزینه یکی را انتخاب کنید. در کارخانه اول رئیس قراردادی امضاء شده از طرف خودش به شما میدهد که در آن شغلی برای شما تضمین شده و حقوقی معین کرده که در پایان هر ماه دریافت خواهید کرد. در کارخانه دوم رئیس قراردادی به شما نمیدهد و هیچ تضمینی از دریافت حقوق نیز به شما نمیدهد. رئیس اعلام میکند که شما میتوانید با مسئولیت خودتان کار کنید و اگر او به عنوان رئیس سر حال بود، شاید به شما مقداری پول پرداخت بکند. کدام یک از کارهایی را که پیشنهاد شده میپذیرید؟ یقیناً اولی را می پذیرید! در مسیحیت خدا راهی برای نجات عرضه میکند و بهشت را برای تمام کسانی که هدیه او را بپذیرند تضمین میکند. در اسلام راه های متفاوتی برای نجات عرضه میکند و تضمینی هم بابت آن نمیدهد.^{۲۶۶}



۳، ۴ زمینه اتفاق نظر

وقتی مسیحیان مسلمانان را ملاقات میکنند که قرآن را میدانند و مکرراً به آن اشاره میکنند، باید آماده باشند که قرآن را با مسلمانان مطالعه کنند و در مکالمات از آن استفاده ضمنی بکنند. آنوقت تشابهات بین مسیحیت و اسلام میتواند برای انتقال حقایق کتاب مقدسی مورد استفاده قرار گیرد.^{۲۶۷} اما مسیحیان باید از این فکر که قرآن را بعنوان مرجعی معتبر میپذیرند، اجتناب کنند. تا زمانی که یک مسلمان به قرآن بعنوان مرجع اشاره نکرده، لازم نیست که مسیحیان چنین کاری بکنند، بلکه باید ترجیحاً به کتاب مقدس بعنوان مرجع اصلی اشاره کنند.

وقتی مسلمانی مکرراً به قرآن اشاره میکند و از آن نقل میکند، مسیحی لازم است قرآن و دیگر کتابهای لازم را مطالعه کند. بعضی از اظهارات قرآنی در توافق با کتاب مقدس هست، اما در کل تا نقطه معینی توافق دارد. دانستن این تشابهات و اختلافات حائز اهمیت هست.^{۲۶۸} این دستیابی به اتفاق نظر به این معنی است که مسیحیان جمله ای از قرآن را انتخاب میکنند که موافق کتاب مقدس هست و متعاقب آن این جمله را بر اساس کتاب مقدس به مسلمانان توضیح میدهند در بخش بعدی بعضی مثالها پیشنهاد شده است.

۳، ۴، ۱ ابراهیم دوست خدا

ابراهیم تنها پیامبری هست که در کتاب مقدس و در قرآن عنوان دوست خدا^{۲۶۹} را به خود اختصاص داده. مسیحیان میتوانند از مسلمانان بپرسند چرا این عنوان منحصر بفرد به ابراهیم داده شده است. فقط کتاب مقدس برای این توضیحی دارد:

ابراهیم بطور حیرت انگیزی با اعتماد به خدا هدایت شد. اطاعت او – قربانی ای که از او خواسته شد تقدیم کند – پیش بینی چیزی بود که قرار بود خدا روزی توسط پسر خودش عیسی انجام دهد. به این ترتیب ابراهیم مژده نجات را توسط این واقعه پیشگونی کرد. ابراهیم قادر بود بوسیله این تجربه پیام خدا و نقشه نجات او را درک کند،

۲۶۶

همینطور در مبحث ۲، ۴، ۳ "راهی به بهشت..." را ببینید.

۲۶۷

این مثلاً روشی بود که پولس رسول در آتن بکار گرفت (اعما ۱۷: ۲۲ – ۲۳ را ببینید).

۲۶۸

در بخش ۲، ۱ برخی از تشابهات و تفاوت ها قبلاً در لیستی آمده.

۲۶۹

کتاب مقدس: دوم ثوا ۷: ۲۰؛ اش ۴۱: ۸؛ یعق ۲: ۲۳. قرآن: سورة ۴: ۱۲۵

(اسحق تصویری از عیسی بود، ر. ک یوحنا ۸:۵۶؛ پیدایش ۸:۲۲):

- این توسط پسری که دوست میداشت اتفاق افتاد.
- پسر توسط تولدی غیر معمولی وارد این جهان شد.
- قربانی یک قربانی گناه بود.
- وعده برکت توسط پسر آمد.

عیسی صلیب چوبی را حمل کرد، همانطور که اسحق چوب را به بالای کوه حمل کرد. عیسی بسته شد همانطور که اسحق بسته شد، در انتها اسحق قربانی نشد (خدا بره ای فرستاد پید ۱۱:۲۲ - ۱۳)، اما او به ابراهیم درسی داد از آنچه که خدا میخواست در آینده توسط پسر خودش بکند. خدا برکات را به یاد ابراهیم آورد (پید ۱۶:۲۲ - ۱۸). ابراهیم فهمید که پیروان حقیقی او از جسم نخواهند آمد بلکه با ایمان خواهند آمد.

تمام کسانی که این این حقایق را همانند ابراهیم با ایمان بپذیرند، فرزندان ابراهیم و به این وسیله توسط واقعیت این ایمان فرزندان خدا خواهند شد. این توسط انبیاء (اش ۷:۵۳، ۱۰) و یحیی تعمید دهنده نیز تصدیق شد (یوح ۱:۲۹). به این دلیل بود که ابراهیم دوست خدا خوانده شد. مقایسه ای بین نوشتجات کتاب مقدس و قرآن^{۲۷۰}:



اظهارات	کتاب مقدس	قرآن
ابراهیم بعنوان پدر و الگوی همه ایمانداران حقیقی	یهودی ها: لوق ۸:۳؛ یوح ۳۳:۸، ۳۹. مسیحیان: روم ۱۶:۴؛ غلا ۷:۳، ۹.	الگو: سوره ۲:۱۲۴. حنیف: سوره ۳:۶۷؛ ۱۶:۱۲۰
خدا به ابراهیم فرمان میدهد که با ایمان اطاعت کند.	غلا ۳:۶ - ۹	سوره های ۲:۱۳۰؛ ۲:۱۳۵؛ ۳:۹۵؛ ۶:۶۱؛ ۲۲:۷۸.
وعده یک پسر	پید ۱۵:۱۷ - ۱۶؛ روم ۱۸:۴	سوره های ۱۱:۷۱؛ ۳۷:۱۱۲
فرمان قربانی کردن پسر ^{۲۷۱}	پید ۲۲:۱ - ۱۳	سوره ۳۷:۱۰۲

^{۲۷۰} فقط منابع بسیار مهم در لیست آمده.

^{۲۷۱} مسلمانان استدلال میکنند که این اسماعیل بود که باید قربانی میشد نه اسحق. اما قرآن در هیچ جایی به روشنی نمیگوید که این اسماعیل بوده. بلکه برعکس زمینه بیشتر به اسحق اشاره میکند. سوره های ۵۳:۱۵؛ ۲۷:۲۹؛ ۳۷:۱۰۰ - ۱۱۳؛ ۵۱:۲۴ - ۳۱ را ببینید. مسلمانان همچنین معتقدند قربانی در منا نزدیک مکه انجام شد.

سئوالات زیر را از مسلمانان بپرسید و اگر مقتضی بود مرجع ها را باهم بخوانید

- چرا ابراهیم دوست خدا خوانده شد؟
- چرا ابراهیم پدر همهٔ ایمانداران حقیقی بود؟
- ایمان ابراهیم چه بود؟
- چرا از ابراهیم خواسته شد پسرش را قربانی کند؟
- اگر باور دارید این اسماعیل بود که باید قربانی میشد، میتوانید نشان دهید، کجا چنین چیزی میگوید؟

۲، ۴، ۳ منحصر بفرد بودن عیسی

قران الوهیت عیسی و مصلوب شدن او را رد میکند^{۲۷۲}. اما متن های زیاد دیگری در قران در رابطه با عیسی اظهاراتی مثبت هست. و تا حدودی با کتاب مقدس تطبیق میکند. این اظهارات قرانی بمقدار زیادی مبهم هست و نشانه ها به وضوح توضیح داده نشده اند، و میتوان بر اساس کتاب مقدس توضیح داد. مسائل زیر در ارتباط با عیسی در قران ذکر شده اند، اما فقط در کتاب مقدس توضیح داد شده و باز شده اند:

قران	کتاب مقدس	اظهار
سوره ۴: ۴۵-۱۷: ۱۹-۲۱	لوق ۱: ۲۶-۳۵	عیسی از مریم باکره متولد شد.
سوره ۴: ۱۵۷-۱۵۸	اعما ۹: ۱-۱۱	صعود به آسمان
سوره ۴: ۱۷۱	یوح ۱: ۱-۱۴	عنوان: کلمه
سوره ۴۳: ۶۱	متی ۲۵: ۳۱-۳۲	عیسی در روز داوری بر میگردد. ^{۲۷۳}
سوره ۱۹: ۳۳	یوح ۱۹: ۲۸-۳۷	مرگ عیسی

وقتی این اظهارات و عناوین بر اساس کتاب مقدس توضیح داده شود، معلوم میشود که عیسی مکاشفه کامل از طرف خدا برای انسانهاست. ما فقط میتوانیم نجات خدا برای انسانها را از طریق عیسی بدست آوریم.

سئوالات زیر را بپرسید و با مسلمانان بحث کنید

- چرا عیسی از باکره متولد شد؟
- پدر عیسی کیست؟
- چرا خدا به عیسی اجازه میدهد به آسمان صعود کند نه به محمد؟ دلیل خدا چه بود؟
- چرا عنوان "کلمه خدا" در قران فقط به عیسی داده شده؟

^{۲۷۲} سوره های ۴: ۱۵۷-۱۹: ۵ و نیز بخش ۲، ۳ را ببینید.

^{۲۷۳} قران آمن ثانویه عیسی را به روشنی کتاب مقدس توضیح نمیدهد. اما مسلمانان عموماً به سوره ۴۳: ۶۱ استناد میکنند که به بازگشت عیسی به زمین اشاره میکند.

موضوع دیگری که در قرآن ذکر شده عقیده یک مسیحا هست. متن های زیادی در قرآن به عیسی عنوان *المسیح عیسی* داده اند (سوره های ۴: ۴۵؛ ۴: ۱۵۷؛ ۱۷۱). فرضیه ای هست که محمد این عنوان را در طی زندگی در مدینه از یهودیان و مسیحیان دریافت کرده است. این عنوان همیشه با حرف تعریف استفاده شده، *المسیح* قرآن این عنوان را منحصر بفرد میداند که فقط برای عیسی کاربرد دارد ولی توضیحی در این مورد نداده. مسلمانان باید از خود بپرسند، معنی عنوان مسیحا چی هست؟ باز هم مسیحیان فرصتی دارند که موضوعی را توضیح دهند که فقط کتاب مقدس برای آن جواب دارد.

"کرایست" ترجمه یونانی مسیحا هست و به معنی "مسح شده" هست (ر.ک. یوح ۱: ۴۱؛ ۴: ۲۵). مسح شدن دلالت بر خواندگی و تجهیز برای وظیفه ای خاص در خدمت خدا دارد. مسیح خداوند پیش از همه پادشاه اسرائیل بود. داود مسیح خداوند به روشی خاص بود. به خانه او وعده داده شد که فرمانروای بزرگ^{۲۷۴} از آن به دنیا خواهد آمد. نبوت ها به مسیحای موعود اشاره میکرد که اوج مکاشفه^{۲۷۵} خدا خواهد بود. انتظار برای این مسیحای منجی، را میتوان در بین اواخر عهد قدیم و ظهور عیسی ملاحظه کرد. در زمان عیسی این امید توسط قوم یهودی در مانده از وضعیت سیاسی موجود تقویت و زنده شد. این وعده مسیحا در عیسی به انجام رسید. ادعای مسیح بودن او، مسیح خداوند، بر مریم زمانی آشکار شد که فرشته از تولد قریب الوقوع او خبر داد و در مقابل قیافا و شورا تأیید شد و توسط بصیرت شاگردان روشن شد^{۲۷۶}. این ادعای مأموریت مسیحایی عیسی و اختیار او در مرکز موعظه های کلیسایی باقی میماند؛ و خواهد ماند تا سرانجام حاکمیت او تماماً تصدیق شود^{۲۷۷}.

سؤال عیسی از فریسیان در متی ۲۲: ۴۲، "درباره مسیح چه گمان می‌برید؟ او پسر کیست؟" را میتوان از مسلمانان هم پرسید. متون کتاب مقدسی تصریح میکند که مسیح پسر خدا هست^{۲۷۸}. برای یهودیان آن موقع سخت بود و امروز هم هست که ببینند امید های مسیحایی آنها در عیسی تکمیل شده است. همینطور برای مسلمانان هم سخت هست که توضیحات کتاب مقدسی را در مورد عنوان مسیح برای عیسی بپذیرند. بنابراین توضیح معنی این عنوان بسیار سخت هست.

؟

سنوالاتی برای پرسیدن از مسلمانان

- چرا قرآن عنوان *المسیح* را برای عیسی داده؟
- این عنوان مهم "مسیح" برای شما چه مفهومی دارد؟

۳، ۴، ۴ پرده خدا

عید قربان (عربی *عید القربان*، ترکی *کوریان بابیرامی*) بزرگترین عید اسلامی هست، که در آن روز مسلمانان ابراهیم را بیاد میاورند که میخواست پسرش را قربانی کند^{۲۷۹}. خانواده ها حیوانی برای قربانی ذبح میکنند، که معمولاً یک گوسفند است. بعد از دعای کوتاهی شریان گردن بریده میشود و خون حیوان به گودالی که آماده شده جاری میشود. حیوان بعد از کندن پوست به سه قسمت تقسیم میشود. یک قسمت معمولاً به بستگان داده میشود و دومین قسمت به فقرا و قسمت سوم برای خود خانواده میماند. قربانی فقط به منظور یادآوری قربانی ابراهیم انجام میشود. قرآن هر مفهوم روحانی دیگری را رد میکند (سوره ۲۲: ۳۲ - ۳۷). اما در اسلام بین اقوام معانی متعدد دیگری هم افزوده شده است. بعضی ها معتقدند که قربانی به جای پسر نخست زاده قربانی میشود،

^{۲۷۴} دان ۲۵: ۹ اش ۶: ۹ - ۱: ۱۱؛ ۴۷ - ۱۱: ۱۱؛ ۴۵ - ۱۰: ۱۱؛ ۴۲ - ۱: ۵۳ را ببینید.

^{۲۷۵} نبوت های زکر ۱۲: ۶؛ میک ۱: ۵؛ دان ۱۳: ۷ - ۱۴ را ببینید.

^{۲۷۶} لوق ۳۱: ۱ - ۳۳؛ مت ۱۶: ۱۶؛ ۲۶: ۶۳ - ۶۴؛ یوح ۱: ۴۱ را ببینید.

^{۲۷۷} فیلیپ ۹: ۲ - ۱۱؛ اعما ۲۰: ۹؛ ۲۲ - ۱۰: ۳۶ - ۳۸ را ببینید.

^{۲۷۸} لوق ۴: ۴۱؛ مت ۱۶: ۱۶؛ ۲۶: ۶۳ - ۶۴؛ یوح ۱۱: ۴۷؛ ۲۰: ۳۱ را ببینید.

^{۲۷۹} بر خلاف داستان کتاب مقدس بسیاری از مسلمانان فکر میکنند پسرکی که باید قربانی میشد اسماعیل بود نه اسحق. پانوشت های بخش ۳، ۴، ۱ را ببینید.

یا بعنوان شکر گزاری به الله، یا بعنوان حفاظت از ارواح شریر. از آنجائیکه قرآن جواب روشنی برای این سئوالات ندارد، مسیحیان فرصت خوبی دارند که معنی روحانی را از کتاب مقدس^{۲۸۰} توضیح دهند. قربانی های عهد قدیم توسط خدا مقرر شد. قربانی به عنوان جانشین عرضه میشود و کشته میشود تا شخص زنده بماند.

بطور نمادین گناهان از شخص گناهکار به حیوان قربانی منتقل میشود، بر اساس کتاب مقدس بدون ریختن خون هیچ گناهی بخشیده نمیشود (عبر ۹:۲۲). اگر کسی مکرراً گناه میکرد، قربانی عهد قدیم باید تکرار میشد. در عهد جدید، خدا توسط عیسی پیمان تازه ای منعقد کرد؛ عیسی به عنوان قربانی منحصر بفرد برای تمامی گناهان مرد (عبر ۱۰:۱۴). این پایانی بود برای ذبح حیوانات بعنوان قربانی، زیرا "عیسی بره خداست که گناه از این جهان بر میدارد!" (یوح ۱:۲۹). هر کسی که این قربانی را با ایمان بپذیرد، نجات خواهد یافت.^{۲۸۱}

?

سنوالاتی برای بحث با مسلمانان

- چرا مسلمانان هنوز باید عید الاضحی را (عید قربان) امروز هم برگزار کنند؟
- عید چگونه جشن گرفته میشود؟
- معنی "ریختن خون و خوردن گوشت" قربانی (گوسفند) چه هست؟

۵، ۴، ۳ موضوعات بیشتر

موضوعات زیادی هستند که میتوان از قرآن انتخاب کرد و بر پایه تعالیم کتاب مقدس توضیح داد. مطالعه موضوعاتی که در زمره "زمینه های اتفاق نظر" قرار میگیرند در کتاب تبیین کتاب مقدس برای مسلمانان نوشته گیل کرایست (۲۰۰۳) مورد بررسی قرار گرفته:

عهد جدید	خصوصیات عهد قدیم
عیسی: منحصر بفرد در کتاب مقدس و در قرآن	آدم: انسان خاکی، انسانی از آسمان
پسر خدا: مسیحا، روح و کلمه	حوا: سه وسوسه بزرگ شیطان
المسیح عیسی: مسیح مسح شده خدا	نوح: اولین منادی عدالت
محبت خدا: پدر پسر و روح القدس	ابراهیم: بشارتی که برای او موعظه شد
نزول عیسی: آمدن ثانویه مسیح	اسحق: بازتاب محبت پدر
	یوسف: نمادی از منجی آینده
	موسی: شریعت و فیض در مقام مقایسه
	داود: مرگ و رستاخیز را نبوت میکند
	سلیمان: تصویر پسر حقیقی داود
	اشعیا: اینک خادمی که او برگزیده

^{۲۸۰}

همینطور بخش های ۲، ۳، ۴، ۵، ۶، ۷ را ببینید.

^{۲۸۱}

آیه های مهم کتاب مقدس در رابطه با بره قربانی عبارتند از: پید ۴: ۷ - ۶: ۲۲؛ ۸ - ۴ خرو ۱۲: ۳ - ۲۲، ۲۲، ۲۳؛ لاو ۱۶: ۵؛ اش ۵۳: ۴ - ۸؛ یوح ۱: ۲۹؛ ۳۶؛ اعما ۸: ۲۶ - ۳۹؛ اول پتر ۱: ۱۸ - ۲۱؛ مکا ۵: ۶ - ۸؛ ۲۲: ۲۱

۳،۵ اجرای رؤیا در کلیسای محلی

پیشبینی تمامی جماعت های مسیحیان از خدمت به مسلمانان امری واجب و حیاتی هست. رهنمود های کلی زیر قواعد سختی نیستند و لازم است که در شرایط و فرهنگ های مربوط بکار گرفته شوند. و باید نسبت به عملکرد کلیسا ها مورد ملاحظه قرار گیرند: یک کلیسا در انگلستان از آزادی های مذهبی بیشتری برخوردار هست و بنا براین امکانات بشارتی بیشتری هم دارد، تا یک کلیسا در مصر. هدایت روح القدس برای تنظیم وسایل توسعه مناسب در هر کلیسائی الزامی هست.

با فعال شدن در زمینه بشارت برای مسلمین کلیسا به موارد زیر دست پیدا میکند:

- الف. دیدگاه های جدیدی برای آوردن مسلمانان به مسیح پیدا خواهد کرد.
- ب. اعضاء کلیسا تشویق خواهند شد برای فعالیت های جدید و تبدیل مسلمانان دعا کنند.
- ج. مسیحیان تعلیم خواهند دید و ترس از نزدیک شدن به مسلمانان در آنها از بین خواهد رفت.
- د. مسیحیان در شهادت دادن به مسلمانان موثرتر خواهند شد و باب دوستی های جدید باز خواهد شد.
- ه. اطلاعات کتاب مقدسی بیشتر مورد توجه قرار خواهد گرفت و مسیحیان یاد خواهند گرفت که چگونه ایمانشان را به روش قابل درک برای مسلمانان با آنها در میان بگذارند.
- و. اطلاعات پایه ای اسلام به مسیحیان این امکان را خواهد داد که بهتر با مسلمانان گفتگو کنند.
- ز. مسئله تبدیل مسلمانان تحت مراقبت مسیحیان تعلیم دیده انجام خواهد شد.

۳،۵،۱ انگیزه و تعلیمات

مأموریت بزرگ می گوید:

آنگاه عیسی جلوتر آمده برای آنان صحبت کرد و فرمود: تمام قدرت در آسمان و بر روی زمین به من داده شده است. پس بروید و همه ملتها را شاگرد من سازید و آنها را به نام پدر و پسر و روح القدس تعمید دهید و تعلیم دهید که همه چیزهایی را که به شما گفته ام انجام دهند و بدانید که من هر روزه تا اقتضای عالم با شما هستم. (متی ۲۸: ۱۸-۲۰)

از این آیه میتوان موارد زیر را از عیسی یاد گرفت:

- او تمام قدرت را دارد. اگر از او پیروی کنید، تحت حمایت بالاترین قدرت هستید. هیچ چیز نمیتواند به شما آسیب بزند.
- او به همه مسیحیان فرمان میدهد با خبر خوش نجات به همه مردم (از جمله مسلمانان) نزدیک شوند.
- او همینطور به مسیحیان فرمان میدهد شاگرد بسازند، و آنها را تعمید و تعلیم بدهند.
- عیسی فقط فرمان صادر نمیکند بلکه وعده حیرت انگیزی هم به ما میدهد: او همیشه با شما خواهد بود و به شما کمک خواهد کرد.

این مهم هست که تمام جماعت کلیسائی بپذیرند که مأموریت بزرگ به تمام مردم اشاره دارد از جمله مسلمانان! اغلب مسیحیان برای تماس با مسلمانان محتاط و ترسو هستند، با این حال مسیحیان حقیقت را میدانند و این حقیقت باید بازگو شود. اغلب دلیل ترس نا آگاهی هست، و چاره آن گرفتن تعلیم درست هست – با تعلیم دادن افراد کلیسا با موارد زیر میتوان بر ترس غلبه کرد:

۱. **مقدمه ای بر اسلام.** تاریخ، زندگی محمد، قرآن، شریعت، و غیره. وقتی مسیحیان ایمان دوستان مسلمانان را بدانند، ارتباطات و روابط بهبود خواهند یافت.
۲. **مدافعه استدلالی از مسیحیت.** برای توانائی پاسخگویی حکیمانه به ایراداتی که مسلمانان از ایمان مسیحی میگیرند.
۳. **رهنمود های عملی.** چطور به روشی عملی در زندگی روزمره با مسیحیان روبرو شویم.

۳,۵,۲ تشکیل گروه کاری خاص

حتی الامکان اعضای بیشتری از کلیسا اطلاعات پایه ای از اسلام را کسب کنند، و نیز باید مدافعه استدلالی از مسیحیت و رهنمود های عملی را برای تعامل با مسلمانان فرا گیرند. اما گروه ویژه ای در بدنه کلیسا باید تعلیمات پیشرفته تری بگیرند و برای تماس با مسلمانان دعای متناسب هم باید همراه باشد.

گامهای زیر توصیه شده اند:

۱. رهبری کلیسا باید تا حدی با خدمت مسیحیان به مسلمانان به توافق برسند و این خدمت در آینده بخشی از فعالیتهای کلیسا شود.
۲. کل جماعت کلیسا باید به اندازه کافی در مورد راهکارها و گامهای خاص برای پیشرفت آموزش ببینند.
۳. کلیسا ۵ - ۱۰ نفر از مسیحیان متعهد را برای گروه کاری ویژه انتخاب میکند و رهبری برای آنان تعیین مینماید.
۴. اعضای گروه منظمأً برای دعا گرد هم می آیند و برای فعالیت های آینده و تعلیم بعدی برنامه ریزی میکنند.

۳,۵,۳ مسئولیت های گروه کاری

- گروه های موظف، برای گسترش ارتباط با جماعت مسلمانان برنامه هائی تهیه میکنند و تصمیماتی میگیرند تا خبر خوش نجات را به آنها برسانند. شرح مسئولیتهای گروه های کاری عبارتند از:
- پیش قدم شدن برای فعالیتهای جدید جهت ملاقات با مسلمانان ساکن در محله.
 - هدایت و تنظیم فعالیتهای.
 - آگاه کردن اعضاء کلیسا از فعالیتهای و درخواست دعای پشتیبانی از آنها.
 - برنامه ریزی و هدایت آموزشهای مستمر برای گروه های کاری و برای کل کلیسا.
 - مراقبت شایسته از تبدیل شدگان جدید
 - بررسی امکان تماس با سایر کلیسا ها و یا سازمانهایی که رویائی مشابه برای نجات مسلمانان و آوردن آنها به مسیح دارند (برای تشویق، و تکمیل تعلیمات، و دعا).

این گروه های کاری ویژه نیازمند تعلیم مستمر و تشویق میباشند. تعلیم مستمر از الهیات مسیحی ضروری هست اما آگاهی از متون اسلامی هم اهمیت دارد. جلسات آموزشی باید با ارزیابی و برنامه ریزی برای آینده خاتمه یابد.

- عرصه مهم دیگر شبکه سازی هست. گروه کاری باید هرگاه که امکان داشت با دیگر گروه های کاری در کلیسا های مجاور ارتباط برقرار و اطلاعات خود را مبادله نمایند:
- برای تشویق همدیگر و دعا کردن برای هم.
 - هماهنگ نمودن و تکمیل آموزش های بعدی.
 - افزایش تبادل تجربیات از فعالیتهای گذشته.
 - برنامه ریزی و هدایت فعالیتهای تکمیلی در آینده.

۳,۵,۴ فعالیت های ممکن

توسط دعای بیشتر و گفتگو های کلیسا ها و مخصوصاً گروه های کاری ویژه لازم است که فعالیتهای مناسب، که شهادت های مسیحیان را ارتقا میدهد تشخیص داده شود، تا در هر فرصتی مژده نجات به مسلمانان داده شود. نظریاتی که اینجا ارائه شده میتواند نظریات تهییج کننده ای باشد. به مسیحیان توصیه شده که دائماً در پی توسعه روشهای جدید باشند:

- برنامه منظمی برای ملاقات با مسلمانان در منازل آنها تدوین کنید (مثلاً به کمک پرسشنامه های مخصوصی که طرح کرده اید).
- مسلمانان را در مکانهای عمومی از جمله بیمارستانها و زندان ها و غیره ملاقات کنید.
- از آنها در مساجد دیدن کنید و آنها را به کلیسای خودتان دعوت کنید.
- در مکانهای عمومی استند هائی برای پخش نشریات برپا کنید.
- در پایان سال تقویم های مسیحی بین مسلمانان پخش کنید که در آن برای هر روز از سال مناجات کوتاهی اختصاص یافته باشد.
- دوره های آموزش کامپیوتر، آموزش زبان و دیگر مهارتهای مفید برگزار کنید.
- فعالیتهای تکمیلی دیگر مثل پیاده روی، دوچرخه سواری، یا دیدار از موزه ها برگزار کنید.
- گفتگو های خاصی در مسائل هم نظر ترتیب دهید.^{۲۸۲}
- در روز تولد افراد از آنها دیدن کنید. هدیه ای بیاورید و آیه ای از کتاب مقدس برایشان بخوانید.
- دعوت آنها را برای شرکت در اعیاد خاص شان بپذیرید و در مقابل آنها را برای جشنها و اعیاد مخصوص خودتان به کلیسا دعوت کنید.
- آنها را به طور گروهی یا فردی برای صرف غذای خاصی در کلیسا یا در خانه اتان دعوت کنید.
- برنامه ای شامل موسیقی، سرود و خواندن کتاب مقدس یا نشان دادن فیلمی و غیره تدارک ببینید.
- تراکت هائی به منازل آنها یا صندوق پستی اشان پخش کنید و بعد تلفن بزنید و از آنها سؤال کنید آیا سئوالی یا موضوعی برای بحث دارند؟^{۲۸۳}

تماس از طریق پرسشنامه

یکی از راههای تماس با مسلمانان از طریق پرسشنامه های خاصی هست که طرح میکنید. راههای مختلفی را میتوانید بکار بگیرید. دو یا سه نفر مسیحی میتوانند باهم به ملاقات مسلمانان در خانه بروند در زیر چگونگی انجام آن آمده:

در مقابل در ورودی گروه خودشان را معرفی میکنند:

- روز بخیر من ... هستم و این هم دوست من ... هست ما از ... میانیم و سئوالاتی پیرامون مسائل مذهبی اجتماعی طرح کرده ایم که شاید بتواند به کسانی که در جستجوی خدا هستند کمک کند!
- ممنون خواهیم شد اگر نظرات شما را در رابطه با چند سؤال بشنویم. اجازه میدهید چند دقیقه وقتتان را بگیریم؟ (اگر شخص جواب دهد بله میتوانید ادامه دهید؛ اگر جواب نه بود، بعد سعی کنید بدون پرسشنامه وارد گفتگویی مذهبی شوید با گفتن چیز هائی مثل: " اجازه میدید بگم چطور از داشتن حیات ابدی یقین حاصل کردم؟ اگر شخص علاقمند نبود، خداحافظی کنید؛ اگر زمان مناسب نبود، سعی کنید برای زمان دیگری قرار ملاقات بگذارید).

سئوالات پیشنهادی

اجتماعی:

- (۱) چند وقته که در این محل زندگی می کنید؟
- (۲) آیا از این محله راضی هستید؟
- (۳) دوست دارید برای بهتر شدن این محل چه چیزی در اینجا تغییر کند؟

^{۲۸۲} بخش ۳، ۵، ۵ را ببینید.

^{۲۸۳} تراکت ها باید بطور خاص برای مخاطبین مسلمان تهیه شده و مناسب موقعیت باشد.

مذهبی:

- (۱) به چه مذهبی وابسته هستید؟
- (۲) آیا به گروه خاص مذهبی ای تعلق دارید؟
- (۳) آیا از بدو تولد در این مذهب بودید یا انتخاب شخصی خودتان بوده ؟
- (۴) خودتان را در ایمان عملی زندگی روزمره چطور ارزیابی میکنید: (خیلی مذهبی – گاه و بیگاه مذهبی – به ندرت مذهبی)
- (۵) چرا مذهبیتان را مذهب حقیقی میدانید؟
- (۶) آیا از این چیز ها میترسید (الف) مرگ ؟ (ب) روز داوری؟ (ج) از این که خدا به شما رحمت نشان ندهد؟
- (۷) آیا مطمئن هستید که روزی در بهشت با خدا خواهید بود؟
- (۸) تصور کنید اگر امروز بمیرید و در مقابل خدا بایستید و او از شما بپرسد چرا باید اجازه دهم وارد بهشت شوید؟ شما چه جوابی خواهید داد؟

بعد از اینکه پرسشنامه را تمام کردید میتوانید بگویند:

- ما پرسشنامه را تکمیل کردیم. جواب های شما جالب هستند! خیلی متشکریم که وقتتان را به ما دادید!
- آیا میخواهید نتیجه و ارزیابی ما را از این بررسی بدانید؟
- وقت بیشتری دارید تا برای شما توضیح بدهم از کجا میادیم که وقتی مردم در بهشت با خدا خواهم بود؟
- دوست دارید مقداری نشریات مسیحی یا دی.وی.دی بگیرید؟
- می توانم باز هم شما را ملاقات کنم ؟

مسیحیان باید سوابق ملاقات های خود را با مسلمانان نگه دارند، مثل نمونه زیر:

آدرس:	مکان:
تلفن:	نام:
ملاحظات:	
تاریخ/ به چه کسی	نشریه ای که دادید

۳,۵,۵ ترتیب دادن ملاقات های خاص با مسلمانان

راههای مختلف زیادی برای ملاقات های مسالمت آمیز بین مردم، با ایمان های متفاوت وجود دارد. اما اینجا یک نمونه پیشنهاد میشود:

هدف از یک "ملاقات برای حسن تفاهم" انتقاد کردن نیست بلکه ارائه دیدگاه های مختلف در مسائل مورد توافق هست. هر طرف ایمان خودش را ارائه میدهد و نظرات هر دو نفر شنیده میشود، بعضی از اظهارات ممکن است موافق هم باشد در حالیکه بقیه شاید بر خلاف هم باشند. درک بهتر ایمان همدیگر بین دو گروه ایمانی، احترام متقابل ایجاد خواهد کرد که منجر به دوستی های تازه میشود. مسیحیان نمیتوانند مسلمانان را تبدیل کنند – این کار خداست! مسیحیان و مسلمانان هر دو باید بدانند و بپذیرند که بعضی ها ممکن است مذهبشان را در نتیجه چنین ملاقاتهایی عوض کنند^{۲۸۴}.

^{۲۸۴} چنین ملاقات هایی فقط جایی امکان دارد که آزادی های مذهبی از هر دو طرف اعطا شده.

بعضی رهنمود های پیشنهادی:

- (۱) مسلمانان و مسیحیان متواضعانه در کلیسا یا مسجد ملاقات میکنند.
- (۲) در ملاقاتهای مقدماتی، تمام مسائل با جزئیات و با توافق کمیته ای سازمان یافته مورد بحث قرار خواهد گرفت.
- (۳) هر دو طرف به اندازه یکسان وقت دارند (مثلاً ۳۰ دقیقه) که بر سر مسائل مورد توافق صحبت کنند.
- (۴) بعد از اظهارات دو طرف جلسه نیم ساعته دیگری برای پرسش و پاسخ برگزار خواهد شد. یک میانجی مورد قبول هر دو طرف این جلسه را اداره خواهد کرد. فقط سؤالات مربوط به موضوع مجاز میباشد. مردم باید از مطرح کردن سؤالات پرخاشگرانه و توهین آمیز خودداری کنند. نقطه نظرات کوتاه و خلاصه سؤال شود و جوابیه باید کوتاه باشد.
- (۵) مواقعی مسیحیان فرصت این را خواهند داشت که بشارت انجیل را به مسلمانان بدهند. میتوانند با غذا های سبک و یا چای و شیرینی پذیرایی کنید.

موضوعات انتخاب شده میتواند اجتماعی یا مذهبی باشد

مذهبی	اجتماعی
(۱) وحدانیت خدا	(۱۲) حقوق بشر و آزادیهای مذهبی
(۲) گناه چیست و انسان چگونه وارد بهشت میشود؟	(۱۳) اخلاقیات ، صداقت
(۳) عیسی مسیح کیست؟ محمد کیست؟	(۱۴) زندگی خانوادگی: روابط زن و شوهر
(۴) کتاب مقدس و قرآن، منشأ و الهام	- فرزندان
(۵) رابطه انسان با خدا	(۱۵) زندگی زناشویی
(۶) نشانه های پیامبر واقعی چه هستند؟	(۱۶) تربیت فرزندان در اجتماع محلی
(۷) خصوصیات خدا	(۱۷) قواعد بنیادی دوستی و همسایگی
(۸) دعا و روزه	(۱۸) چه چیزی سبب ترور میشود؟
(۹) نشانه های یک مسیحی/ مسلمان واقعی چه هستند؟	(۱۹) چطور میتوان از جنگ اجتناب کرد؟
(۱۰) تعریف جامع "کلیسا" / "امت"	(۲۰) دلیل این همه فساد چیست؟
(۱۱) در روز داوری چه اتفاقی می افتد؟	(۲۱) زندگی فرهنگی / تربیتی
	(۲۲) چطور میتوان به زندگی مسالمت آمیزی بین نژاد های مختلف دست یافت؟

۳, ۶ تبدیل و شاگرد سازی

از جنگ دوم جهانی به بعد، وضعیت جدید اقتصاد جهانی، جنگ های بیشمار محلی و آزار و اذیت اقوام مشخص، گروه های مذهبی یا سیاسی سبب تغییرات فاحشی در پراکنش جمعیت جهان شده. میلیونها نفر در جستجوی امنیت ، ثبات و کار از کشوری به کشور دیگر مهاجرت کرده اند. در نتیجه مسیحیان و مسلمانان هر روزه تقریباً در هر گوشه از جهان با هم ملاقات میکنند. آگاهی مسیحیان و مسلمانان از ایمان همدیگر بطور وسیعی افزایش یافته.

یکی از عرصه های مشترک مسیحیت و اسلام جایی هست که آنها تبلیغات مذهبی میکنند و ایمانداران فعالانه دیگران را دعوت میکنند که به ایمان آنها بگروند. این دعوت ها بر مبنای آیات هر کدام از مذهب ها هست: متی ۲۸:۱۱ میگوید: بیایید نزد من ای تمام زحمتکشان و گرانباران و من شما را آرامی خواهم بخشید^{۲۸۵}.
سوره ۱۶:۱۲۵: با حکمت و اندرز نیکو به راه پروردگارت دعوت کن و با آنان به [شیوه ای] که نیکوتر است مجادله نمای ...

بعضی از مسیحیان و مسلمانان از ایمان خودشان به دلایل مختلفی ناراضی هستند و بی تفاوت شده اند. چنین افرادی دنبال جایگزین هایی برای ارضای نیاز های احساسی شان هستند. در زمانهای اخیر تغییر دین از مسیحیت به اسلام و از اسلام به مسیحیت بسیار رایج شده است.

من شخصاً شاهد این تغییر مذهب در بسیاری از افراد بودم، هم در افریقا و هم در اروپا. در سال ۲۰۰۰ در زوریخ (سوئیس) رویدادی علنی بود که مسلمانان ایمان خودشان را به روشی غیر معمول و جذاب نشان میدادند. در سخنرانی ها رابطه اسلام با مردم اروپا توضیح داده میشد، نشریات فروخته میشد و غذاهای شرقی به رایگان عرضه میشد. تعدادی از سوئیسی هایی که قبلاً مسلمان شده بودند حضور داشتند و عده ای هم بودند که اسلام را بسیار جذاب میدیدند اما هنوز رسماً آن را نپذیرفته بودند. اکثر این افراد به من میگفتند که در محیطی مسیحی بزرگ شده اند و بعضی ها اقرار میکردند که قبلاً مسیحی بوده اند.

در مقابل، بازگانی از کشوری اسلامی را ملاقات کردم که در تمام عمرش مسلمان بوده و اخیراً مسیحی شده بود. او محرمانه کتاب مقدس پیدا کرده و به زبان خودش خوانده بود، و وقتی به اروپا سفر کرده بود، به کلیسا رفته با مسیحیان صحبت کرده بود و برایش مسلم شده بود که مسیحی شدن گام درستی هست. به دلیل جفا ها و از ترس جانش به عنوان یک مسیحی برایش بازگشت به کشورش مقدور نبود. او آماده بود که بهای ایمانش را بپردازد، خانواده و شغلش را ترک کند و زندگی کاملاً جدیدی را در اروپا شروع کند. این مرد بازگان اشاره میکرد که افراد زیادی را در کشورش میشناسد که از اسلام زده شده اند.

۳، ۶، ۱ انگیزه های تبدیل

در رساله دکترایم من با ۲۰ نفر نو ایمان مصاحبه کردم، ده نفر که از مسیحیت به اسلام گرویده بودند و ده نفر که از اسلام به مسیحیت گرویده بودند^{۲۸۶}. داستانها نشان میدهند که بین دو تا چهار انگیزه از پنج انگیزه ای که شرح داده ام در پروسه تغییر مذهب^{۲۸۷} دخیل بوده اند. در زیر بطور خلاصه پنج انگیزه تغییر مذهب که بر اساس یافته های من مهمترین انگیزه ها هستند آمده، اما اینها تنها دلایل نیستند.

پنج انگیزه تبدیل

۱) مذهبی

به این انگیزه گاهی انگیزه "عقلانی" تغییر مذهب، یا بطور سنتی انگیزه حقیقی گفته میشود. شخص فعالانه درباره مسائل مذهبی و روحانی از طریق مطبوعات، تلویزیون، سخنرانی ها و یا رسانه های دیگر دنبال کسب اطلاعات هست. در مطالعه من این بدان معنی هست که شخص به دنبال کسب اطلاعات مسیحی یا اسلامی هست.

^{۲۸۵} باید تأکید کرد که گرچه مسیحیان باید شهادت بر حقیقت بدهند، اما فقط روح القدس میتواند تبدیل ایجاد کند. (مثلاً اعا ۱۰:۴۴ را ببینید). از مسیحیان دعوت شده که به نو ایمانان تعلیم دهند که چگونه عیسی را پیروی کنند (متی ۲۸:۲۰).

^{۲۸۶} ماور (۱۹۹۹) را ببینید.

^{۲۸۷} داستان ها همچنین نشان میدهند که تبدیل معمولاً طی زمان طولانی ای - ماه ها و گاهی سالها انجام میگردد.

بعضی از تبدیل شدگانی که با آنها مصاحبه کردم در جستجوی اطلاعاتی در مورد مسیحیت یا اسلام بوده اند، چون یا مشکل و یا بحرانی در تجربیات ایمان اصلی خودشان داشته اند. دلیل اصلی که ارائه شده این بود که قادر نبودند تعالیم یا آئین ها را درک کنند. چون چنین اشخاصی دیگر نمیتوانستند تعالیم ایمان خودشان را درک کنند و بپذیرند، احساس میکردند که فشاری بر آنها هست که باید آن را رها کنند و جایگزین هائی پیدا کنند، وقتی مذهب جدید تجربه میشد که بهتر و قابل درک تر هست، شخص را به سوی خود جذب میکرد که آن را بپذیرد.

(۲) درونی

تجربه تبدیل اسرار انگیز " در کل یک اتفاق آنی است که با چشم باطنی و بصیرت، رؤیا، صدا و یا تجربه ماورالطبیعه ای القا میشود. " یک "پدیده فوق طبیعی" معمولاً به عنوان تجربه ای وصف شده که به آسانی نمیتوان توضیحی عقلانی و یا علمی برای آن یافت. نمونه بارز تبدیل اسرار انگیز در کتاب مقدس به شاول طرسوسی در راه دمشق نسبت داده شده (اعما ۹). در اصطلاح مذهبی این یعنی درک مداخله مستقیم نیروی روحانی الهی. در چنین تبدیل هائی این روح القدس هست که به روشنائی ماوراء درک انسانی عمل میکند.

گاهی واژه ماورالطبیعه هم در این زمینه بکار رفته - به این معنی که قابل توصیف با قوانین طبیعی و با فیزیکی نیست و دلایل خاص خودش را در "دنیای روح" دارد. وقتی مردم از تجربیات فوق طبیعی صحبت میکنند معمولاً به رؤیا، خواب، احساس، اتفاقی خارق العاده و یا رویدادی آنی و غیر منتظره مهمی اشاره میکنند. سطح انگیزتگی هیجانات فوق العاده بالا هست، گاهی با احساس تجلی خدا^{۲۸۸}، خلصه، هیبت، محبت، یا حتی ترس همراه هست. مکاشفه یک آشکار سازی خارق العاده است که کسی دریافت میکند. این بینش خارق العاده شخص را قادر میکند که در مسیری گام بگذارد که بدون آن مکاشفه به آسانی امکان نداشت وارد آن مسیر شود، مثل تغییر مذهب. خواب ها و رؤیا ها میتوانند یا شروعی برای تبدیل باشند و یا تأییدی بر آن و یا هر دوی آنها.

(۳) مهربانی

رشته مودت بین افراد بعنوان عاملی قاطع و تأثیر گزار در پروسه تبدیل مورد تأکید قرار میگیرد. شخصی که مهربانی را بعنوان فردی محبوب تجربه میکند توسط شخص دیگر و یا گروهی مورد تأیید قرار میگیرد و به بالندگی میرسد. رشته مودت بین افراد بطور گسترده ای به عنوان شرط زیربنایی برای پشتیبانی جذب افراد جدید، شناخته شده. در مصاحبه های من این انگیزه تبدیل که اساساً به شکل محبت پدیدار شده، بعنوان فعالیتهای مذهبی مورد ارزیابی قرار گرفته. چنین شخصی یا یک دوست بوده یا خویشاوند یا از جنس مخالف یا هم جنس. عوامل منفی که اغلب از رویدادی سخت ناشی میشود مثل مرگ عضوی از خانواده یا طلاق، موجب بروز بحران در زندگی شخصی میشود در چنین وضعی محبت میتواند شخص را به پروسه تبدیل بکشانند.

(۴) سیاسی اجتماعی

این مربوط به انجام وظیفه فرد در درون گروه اجتماعی سیاسی اش میشود. شخص به دلایل سیاسی اجتماعی برانگیخته میشود که مذهب خودش را تغییر دهد. این انگیزه در مصاحبه های من به شکل بارزی نمایان بود. چون که اکثر تبدیل شدگان به وضعیت سیاسی اجتماعی به عنوان انگیزه اصلی که سبب تغییر دین شان شده اشاره میکردند.

این انگیزه برای پژوهش من از اهمیت خاصی برخوردار بود، چندین نفر از تبدیل شدگان به این اشاره کردند. بسیاری از افراد فقیر در چنان وضع اسف باری قرار میگیرند که دین خود را تغییر میدهند تا شاید به نحوی سرنوشتشان عوض شود. گاهی بعنوان نادرست مورد انتقاد قرار میگیرند، این انگیزه تبدیل متضمن خواستن منافع از جمله غذا، لباس، هدایا، مسکن و غیره هست. همینطور پیشنهاد استخدام و تأمین هزینه های تحصیل را هم بعنوان انگیزه های مادی تغییر مذهب ملاحظه کردم. فقر بحرانی بوجود می آورد که گاهی شخص را بطرف پروسه تبدیل سوق میدهد که منجر به تغییر دین میشود.

۳،۶،۲ تبدیل از اسلام به مسیحیت

مسلمانی که علاقمند به انجیل هست و میخواهد بیشتر در مورد ایمان مسیحی بداند نیازمند کمک خاصی هست. مسیحیان برای حمایت از این پژوهشگر و تأمین نیاز های او باید از هیچ تلاشی دریغ نکنند. مخصوصاً باید آنها را به کلاس کتاب مقدسی معرفی کنند که سطح آسانی برای یادگیری دارند. بعلاوه ارزشهای مسیحی و وظایف کلیسای محلی باید به تفصیل توضیح داده شود. و باید توضیح مناسبی از این داده شود که چگونه کلیسا روش های خود را از کتاب مقدس برداشت میکند. گاهی ایمان آوردن به مسیح پروسه ای طولانی و در نتیجه عوامل متعددی هست. مسیحیان باید نو ایمانان را با محبت و علاقه در این مرحله غالباً سخت زندگی مورد مراقبت قرار دهند^{۲۸۹}. در اکثر موارد شخص تبدیل شده تحت فشار های سخت و آزار و اذیت خانواده اش و نیز جمعیت مسلمانان محلی هست. و هر کاری که از دستشان بر بیاید برای برگرداندن او به اسلام انجام میدهند. این واکنش جامعه مسلمانان بر اساس تعالیمی هست که میگوید هر کس اسلام را ترک کند خائن و باعث رسوائی بزرگی برای خانواده هست. اگر شخص تبدیل شده فکرش را عوض نکند و به اسلام باز نگردد در اکثر موارد از خانواده اخراج و از ارث محروم میشود. گاهی شخص تبدیل شده با مرگ تهدید میشود^{۲۹۰}.

در نتیجه شخص تبدیل شده به خانواده و جمعیت جدیدی نیاز دارد که در آنجا زندگی تازه ای را شروع کند. این ضروری هست که یک خانواده مسیحی یا یک گروه هر تبدیل شده ای را بپذیرد و از آنها با محبت زیاد مراقبت نماید. این مهم هست که هر شخص تبدیل شده مفهوم واقعی تبدیل را به روشنی درک کند. آنها باید تماماً انجیل را درک کنند. مهمترین نکات به شرح زیر میباشند:

۱. انتقال اعتماد و ایمان از محمد به عیسی (یوح ۱۴: ۶).
۲. شناختن عیسی مسیح قیام کرده و زنده به عنوان ناجی شخصی و باز خرید کننده (یوح ۱: ۱۲؛ مکا ۲: ۳).
۳. شناختن مسیح به عنوان خداوند، که باید تحت هدایت روح القدس از او اطاعت کرد (یوح ۱۴: ۲۳ – ۲۶).
۴. تمامی گناهان باید اعتراف شود (اعما ۲: ۳۸؛ اول یوح ۱: ۹). این شامل انکار کردن هر ارتباطی با نیرو های تاریکی و اعمال اسرارآمیز هست. اگر مشکلاتی در این عرصه ها بروز کند باید از یک مسیحی با تجربه برای مشورت دعوت شود.

۳،۶،۳ شاگردی

- در مراقبت از تبدیل شدگان نکات زیر باید مد نظر قرار گیرند:^{۲۹۱}
- باید برای توضیح تعالیم مسیحی از کتاب مقدس به تبدیل شدگان زمان و دقت کافی مبذول گردد. دعا و شیوه زندگی مسیحی باید تماماً توضیح داده شود. بعد از آن شخص نو ایمان باید به یک کلاس مناسب مقدماتی کتاب مقدس برود.

^{۲۸۹} هم نیاز های روحانی و هم اجتماعی باید مورد توجه قرار گیرد.

^{۲۹۰} بر اساس اعتقاد اسلام سنی، هر مسلمانی که اسلام را ترک کند سه روز مهلت دارد که تجدید نظر کند و به اسلام برگردد در غیر اینصورت با مجازات مرگ روبرو میشود.

^{۲۹۱} دوره پالم مخصوصاً برای چنین افرادی آماده شده: www.takwin-masihi.org

- مسیحیان باید مراقب باشند یک فرهنگ بیگانه را به نو ایمان تحمیل نکنند.
- شخص تبدیل شده باید به جماعت و به گروه های مسیح معرفی شود تا محبت شود و نیاز هایش درک و رفع گردد. نحوه عمل جماعت باید توضیح داده شود. کلیسا ها باید قادر باشند شخص تبدیل شده را به گرمی بپذیرند و شاگرد سازی کنند.^{۲۹۲}
- همیشه برقرار کردن ارتباط نو ایمان با افرادی از زمینه های فرهنگی و مذهبی مشابه که آنها نیز قبلاً تبدیل شده و به عیسی مسیح ایمان آورده اند برای او مفید هست.
- نو ایمان نباید در معرض یک سیستم قانونی قرار گیرد و مقید گردد. آنها به آزادی کافی نیاز دارند تا رشد کرده و به مسیحیان بالغ و مستقلی تبدیل شوند.
- نو ایمان باید در مشورت با رهبران کلیسا، شخصاً تصمیم بگیرد که چه زمانی تعمید بگیرد.
- انتشار زود هنگام داستان تبدیل بی احتیاطی هست. معمولاً حکیمانه نیست که اجازه دهیم تبدیل شدگان در ملاً عام صحبت کنند چون این میتواند آنها را به هدفی برای مسلمانان ستیزه جو تبدیل کند و یا شاید به دام غرور بیفتند.
- مسیحیان باید از دادن پول و امکانات بلند مدت به تبدیل شدگان خودداری بکنند. این میتواند سبب وابستگی علاج ناپذیری گردد. بهتر است که برای آنها کاری پیدا کنید تا نو ایمان حقوقی دریافت کند و یا وام کوچکی به آنها بدهید که باز گرداند.

۳، ۶، ۴ تبدیل از مسیحیت به اسلام

این چیز جدید و ناشناخته ای نیست که یک مسیحی از مسیحیت برگردد و به دینی دیگر از جمله اسلام ایمان بیاورد.^{۲۹۳} در اکثر موارد چنین کسانی از جامعه مسیحیت طرد میشوند. اما آیا این روش، رفتار درست مسیحی نسبت به آنها هست؟ وقتی شاگردان عیسی از او بر میگشتند، او چگونه رفتار میکرد؟^{۲۹۴} عیسی بر آنها فشاری اعمال نمیکرد؛ او اجازه میداد شاگردان خودشان برای خودشان تصمیم بگیرند. آماده بود آنها را بی قید و شرط محبت کند و اگر تصمیم گرفته بودند بروند اجازه میداد بروند. آیا نباید امروزه مسیحیان هم همان رویه را در پیش بگیرند؟

بعضی رهنمود های کاربردی:

۱. مسیحیان و کلیسا ها خوانده شده اند این افراد را با محبت دنبال بکنند و سعی کنند بفهمند چرا آنها چنین تصمیمی گرفته اند.
۲. حتی اگر چنین فردی بر ایمان به اسلام اصرار ورزد و دوره تبدیل را کاملاً دنبال کند، ارتباط دوستانه هرگز نباید شکسته شود.
۳. جامعه مسیحیان میتوانند از این ارتباط دوستانه باز بهره مند شده و اشتباهات احتمالی را بفهمد و سعی کند در آینده آنها را بهبود بخشد.
۴. اگر شخص تغییر عقیده دهد و به مسیحیت برگردد، جماعت مسیحی باید او را با آغوش باز بپذیرد.^{۲۹۵}
۵. رفتار درست برای مسیحیان رفتار دوستانه هست که محبت خدا را به دیگران منتقل کنند.

^{۲۹۲} بنابر این مسیحیان باید آماده باشند که خودشان را تجهیز کنند و تعلیم بگیرند، نشریات مفید بخوانند و همینطور در دوره های مناسب تعلیماتی شرکت کنند.

^{۲۹۳} مسیحیان تولد دوباره چنین افرادی را مسیحیان صوری میخوانند. افراد زیادی هستند که در محیطی مسیحی پرورش یافته اند و بعنوان مسیحی شناخته میشوند اما هرگز تعمیدی شخصی به عیسی مسیح نسپردند. مثلاً یوح ۶: ۷۱، و مرق ۱۷: ۱۰ - ۲۲ را ببینید.

^{۲۹۴} عیسی میگوید که تمام گناهان قابل بخشش هست به جز گناه علیه روح القدس (مرق ۳: ۲۸ - ۳۰؛ لوق ۱۲: ۱۰؛ متی ۱۲: ۳۱ - ۳۲). یعنی مقاومت آگاهانه در مقابل کار واضح و بی تردید روح القدس و نسبت دادن کار او به شیطان.

۳,۷ موضوعات سیاسی

۳,۷,۱ شریعت، دموکراسی و حقوق بشر

- فشار بنیاد گرایی اسلامی برای ترویج شریعت و برای ایجاد حکومت اسلامی در تمام کشور ها به مرحله مبارزه با سکولاریزم در کشورهای دموکراتیک رسیده. آنها در حمایت بین المللی از اعلامیه جهانی حقوق بشر در تضاد با هم هستند:
- رد کردن بنیادی حقوق بشر از جمله آزادی های مطلق مذهبی.
 - رد کردن برابری زنان و مردان
 - رد کردن جدائی دین از حکومت.
 - رد کردن حقوق مذهبی از جمله حق مسلمانان برای ترک مذهبشان.

دموکراسی یعنی حکومت مردم. این از طریق انتخابات انجام میشود. هر فرد بالغی میتواند کاندیدای خود را انتخاب کند. حزبی که بیشترین آراء را کسب کند، حکومت را در دست میگیرد. از طرفی اسلام در صدد تأسیس حکومت روحانیون هست کشوری که توسط خدا اداره میشود. و به معنی واقعی کلمه باید گفت ملایان قدرت را در دست میگیرند. بنابر این واضح هست که بنیاد گرایی اسلامی با دموکراسی^{۲۹۶} سازش نداشته باشد. اکثر کشور های موجود اسلام سیاسی به شدت و با قاطعیت پذیرش هر نوع تصور مفید از دموکراسی را رد میکنند.

کشور های متعدد بزرگ اسلامی بطور بارزی از اعلامیه حقوق بشر بخاطر شکست آن در پذیرفته شدن در زمینه فرهنگی مذهبی کشور های غیر غربی انتقاد کرده اند. ایران ادعا کرده که اعلامیه جهانی حقوق بشر یک برداشت سکولار از سنت های یهودی مسیحی هست، که نمیتواند در کشور های مسلمان بدون نقض قوانین اسلامی اجرا گردد. بنابر این کنفرانس سازمان اسلامی اعلامیه حقوق بشر قاهره را برای اسلام پذیرفت، که اساساً از اعلامیه جهانی حقوق بشر خیلی فاصله دارد، و شریعت را بعنوان تنها منبع حقوق بشر میدانند. این اعلامیه بشدت توسط کمیسون بین المللی حقوق دانان مورد انتقاد قرار گرفت.

زیرا بنا به گفته آنها به شدت وفاق بین المللی را تهدید میکرد، و تبعیض غیر قابل تحملی را هم بر علیه غیر مسلمانان و هم بر علیه زنان مطرح میکرد، مشخصه محدود کننده ای در رابطه با حقوق بنیادی و آزادی ها داشت و تعدی آشکار به تمامیت شئون انسانی بود.

استفاده فزاینده از قوانین شریعت باعث ایجاد امکانات آزار و اذیت روز افزونی میشود. در کشورهایی مثل عربستان سعودی، افغانستان، پاکستان دادگاه میتواند شهروندی را به دلیل مسیحی شدن به مرگ محکوم کند. در بسیاری از کشورهای اسلامی، گاهی کسانی که مسیحی شده اند توسط بستگانشان به قتل میرسند. این مشکلات زیادی را برای مسیحیان در سراسر دنیا بوجود آورده. مسیحیان دعوت شده اند که برای همدیگر دعا کنند و روزه بگیرند و با مساعدت های لازم کمک کنند. رهنمود های بیشتر در بخش بعدی ارائه شده.

۳,۷,۲ خشونت و تروریسم در اسلام

مسلمانان بنیاد گرایی هستند که میخواهند به چیزی برگردند که معتقدند اسلام اصیل بوده و توسط محمد و خلفای اولیه به آن عمل میشده. این مسلمانان عمدتاً توسط ملایان/ امامان/ رهبران دینی بر مبنای مطالعه بسیار دقیق قران، حدیث و رسالات علمای اسلامی هدایت میشوند. آنها تعالیم غربی را تحقیر میکنند و باور دارند که تمام علوم حقیقی از قران و احادیث سرچشمه میگیرند.

^{۲۹۵} دموکراسی (به معنی لغوی حکومت مردم از واژه یونانی دموکراتیا گرفته شده دمو به معنی مردم و کراتوس به معنی حکومت هست) شکلی از حکومت هست که با اراده مردم سر کار میاید. این یعنی شهروندان در انتخابات به حکومت حاکم و قوانین رای میدهند. قدرت حکومت در دست مردم هست و نه در دست مراجع مذهبی مانند حکومت دینی. تنوکراسی یا حکومت دینی از کلمه یونانی تنوکراتیا گرفته شده: حکومت یک کشور توسط هدایت الهی آنی و یا توسط مقاماتی که گفته میشود از هدایتی الهی برخوردارند.

آنها معتقد به جنگ مذهبی، جهاد هستند. بعضی ها جزء کسانی هستند که در کل تروریست خوانده میشوند که در بمب گذاری ها و حملات انتحاری در کشورهایی که با اعتقادات آنها موافق نیستند، شرکت میکنند. بوسیله این اعمال نابود کردن توده ها، هم مسلمانان و هم غیر مسلمانان جان خود را از دست میدهند. این بنیادگرایان معتقدند که اسلام حقیقی را اجرا میکنند. در پاکستان طالبان و حامیان آنها در بین این گروه بسیار فعال هستند، و این مسلمانان افراطی/ بنیادگرا در واقع اقلیت بسیار اندکی از جمعیت هستند.

گروه دیگر کسانی هستند که مسلمانان مدرن غرب زده خوانده میشوند. آنها معتقدند اسلام باید خود را با تحولات و پیشرفت های علمی، فرهنگی و اقتصادی دنیای امروزی تطبیق دهد و اجرا گردد. رهبران آنها دانشمندان، علما و دیگر رهبران سیاسی تحصیل کرده در غرب هستند، آنها به جهاد روحانی معتقدند، اما مایل نیستند درگیر جنگهای فیزیکی شوند مگر اینکه مورد حمله قرار گرفته و مجبور به جنگ شوند. آنها میخواهند زندگی کنند و بگذارند دیگران هم زندگی کنند. در اروپا و دیگر کشور های غربی طوفان اسلام بنیادگرا به شدت فراگیر شده که بسیار وحشتناک هست. جوامع سکولار غربی با ایدئولوژی بنیادگرانی اسلامی رو در رو هستند.

آیا اسلام تنها مذهبی هست که با عقیده، الهیات و سیستم شرعی به جنگ علیه بی ایمانان فرمان میدهد؟ آیا این حقیقت دارد که ۲۶ باب از قران به موضوع جهاد میپردازد؟ که مؤمنانی که توانائی جنگ دارند ملزم هستند بجنگند (سوره ۲: ۲۱۶ بر شما کارزار واجب شده است...) و اینکه متن به مسلمانان فرمان میدهد وحشت را در دل بی ایمانان بریزند. "در دل کافران وحشت خواهم افکند پس فراز گردنها را بزنید و همه سرانگشتانشان را قلم کنید..." (سوره ۸: ۱۲) یعنی سر آنها را ببرید؟ بطور کلی آن سؤالات بر این تمرکز دارد که آیا قران واقعاً خشونت را علیه غیر مسلمانان رواج میدهد، و چه مقدار از عقاید تروریست ها در باره خشونت جهاد، نابود کردن خود، آدم ربائی، حتی سر بریدن از قران سرچشمه میگردد؟ آیا آزمایش وفاداری به الله در کل، اعمال خوب و ایمان نیست، بلکه شهادت در نتیجه جنگیدن با بی ایمانان هست - که به نحوی درجه والائی از نجات در اسلام هست (سوره ۴: ۷۴؛ ۹۵: ۹؛ ۱۱۱: ۹؛ ۴۷: ۴)؟

سؤالات بیشتر

- آیا گناهان هر مسلمان شهیدی با همان عمل کشته شدن بخشیده میشود، در حالی که خودش مشغول کشتار و قتل غیر مسلمانان بوده (سوره ۴: ۹۵)؟
- آیا این واقعیت دارد که به شهیدان بغیر از لذایذ جسمانی دیگر در بهشت باکره هائی بعنوان پاداش داده میشود (سوره ۳۸: ۵۲؛ ۵۵: ۵۶؛ ۲۲: ۵۶)؟
- آیا کسانی که قادر به جهاد نیستند، مثل زنان و سالخوردهگان لازم است به کسانی که در راه الله با غیر مسلمانان میجنگند کمک و پناه بدهند (سوره ۸: ۷۴)؟
- آیا اسلام طرفدار توسعه با زور هست؟ و آیا فرمان نهائی جهاد که در قران بر محمد آشکار شده، این هست که جهان را به نام اسلام فتح کنند (سوره ۹: ۲۹)؟
- آیا اسلام مذهبی هست که قانون طلانی را تعلیم نمیدهد^{۲۹۷} (سوره ۴۸: ۲۹)؟
- آیا قران برعکس خشونت و دشمنی را بر علیه غیر مسلمانان تعلیم میدهد مخصوصاً یهودیان و مسیحیان (سوره ۵: ۵۴)؟
- آیا الله، کسی که قادر مطلق هست، به انسان ضعیف نیاز دارد که از او دفاع کند و از او حمایت کند؟
- آیا الله مایل است که بر انسان متکی باشد که در مقابل دیگران از او حمایت و دفاع نماید؟

^{۲۹۷} قانون طلانی بر اساس مسیحیت: در هر چیزی با دیگران طوری رفتار کن که میخواهی آنها با تو آنگونه رفتار کنند، زیرا این خلاصه شریعت انبیاء هست (متی ۷: ۱۲).

مسیحیان چگونه باید واکنش نشان دهند؟

من گاهی رویداد هائی را تجربه کرده ام که مسلمانان دست به خشونت میزنند: یکبار با دوستی مسیحی از خانه یک مسلمان دیدن کردیم. در حین گفتگو وارد بحثی شدید و دوست مسیحی من گفت: "محمد دروغگو بود" ناگهان دوست مسلمان ما از کوره در رفت و عصبانی شد، و به آشپزخانه دوید و کاردی برداشت! ما به سرعت خانه را ترک کردیم و دیگر هرگز نتوانستیم به آنجا برگردیم.

یک بار دیگر وقتی که از یک مسلمان دیدن میکردیم، داشتیم در باره مسائل مذهبی بحث میکردیم و من از این صحبت میکردم که کتاب مقدس در باره راه درست ورود به بهشت چه تعلیمی داده. ناگهان او حرف مرا قطع کرد و گفت: اگر به صحبت درباره ایمان مسیحی ام ادامه دهم او مجبور خواهد شد مرا بکشد. من کاملاً یکه خوردم ولی از آن به بعد تصمیم گرفتم در مورد چیز دیگری غیر از مذهب صحبت کنم.

این تنها پیروان دیگر ادیان نیستند که مورد حمله مسلمانان خشونت طلب قرار میگیرند. بسیاری از مسلمانان روشنفکر مجبور شدند از خانه هایشان به خاطر آزار و اذیت فرار کنند. این تنها گروه مسلمانان بزرگ مثل شیعیان نیستند که امروزه با سنی ها میجنگند، بسیاری از گروه های کوچک اسلامی بر علیه دیگر گروه های اسلامی به خشونت متوسل میشوند و دارائی و جان آنها را میگیرند. تهدید واقعی از جانب مسلمانان جنگ طلب هست که آماده میشوند جان و مال دیگران را نابود کنند تا از سیستم اعتقادی منحصر بفردشان دفاع و آن را توسعه دهند.

من با چشمان خود شاهد خشونت بوده ام. یک روز صبح دوست مسلمانی را ملاقات کردم. در کمال تعجب متوجه شدم که خانه او سوخته. او خیلی ناراحت بود، و گفت که مسلمانانی از گروه دیگر با کوکتل مولوتف به خانه اش حمله کرده اند.

چرا مسلمانان به خشونت متوسل میشوند؟ چرا معتقدند باید از اسلام و محمد بطور فیزیکی دفاع کنند؟

- همانطور که در بالا نشان داده شده مسلمانان جنگ طلب برای توجیه اعمال خود از قران انواع آیات را پیدا میکنند.
- قران به ترتیب تاریخ وقوع زمانی نوشته نشده، آیاتی که خشونت را ترویج میکنند پهلوی به پهلوی آیاتی نوشته شده که صلح را توصیه میکند. مسلمانان مایلند به آیاتی استناد کنند که برایشان جذاب تر است؛ آیاتی که مورد پسند نباشند نادیده گرفته میشوند.
- محمد که الگوی مسلمانان هست، اموال دیگران را غصب میکرد و مردم را به قتل میرساند و خیال میکرد این پرازنده نام اسلام هست.
- از ابتدای ظهورش، اسلام بعنوان دینی ظاهر شد که به اقتضای نیاز به راحتی چهره عوض میکند، چیز هائی را که در ضعف فی المجلس انکار میکند، در موضع قدرت دوباره تأیید میکند.

نتیجه گیری

- هرگز چیزی بر علیه محمد و اسلام نگویید. اظهاراتتان را به شکل جمله ای سنوالی عنوان ننمایید.
- به جای گفتن مثلاً "من معتقدم که..." بگویید: در کتاب خوانده ام... یا شنیده ام که...". این توجه دوستان مسلمان شما را از شما به کتاب معطوف میکند. او میتواند چیزی را که در کتاب نوشته شده تکذیب کند بدون اینکه دوستی شما به خطر بیفتد.
- وقتی با یک مسلمان بطور خصوصی صحبت میکنید، او ممکن است باز تر و صادق تر از زمانی باشد که مسلمان دیگری حضور دارد، در نمونه هائی که دیدیم، شخص احساس میکند تعهدی اجتماعی دارد که از اسلام دفاع کند.

تنش‌هایی در داخل اسلام بین دو گروه افراطی از دو سو در ایدئولوژی اسلامی وجود دارد این گروه‌ها عبارتند از:

- (۱) ایدئولوژی بنیادگرائی: مانند محمد زندگی میکنند و تمام قوانین اسلامی را به جا میآورند.
- (۲) دیدگاه تجددگرایانه: زندگی به سبک مدرن (غربی) را پذیرفته‌اند

در سازگاری با مردم مدرن، در سالهای اخیر در اسلام انشعاباتی رخ داده و ادامه خواهد یافت. در حالیکه بنیادگرایان هواداران جدیدی جذب میکنند، خیلی‌ها به ایمان شخصی روی می‌آورند. یکی از طرفداران اصلی این در دنیای عرب عمر خالد واعظ^{۲۹۸} جوان مسلمان هست، خالد در مدرسه الهیات اسلامی تربیت نشده اما ایمان بسیار شخصی شده‌ای را موعظه میکند که الله را به مسلمان بسیار نزدیک تر از آن میکند که معمولاً اسلام سنتی اجازه میدهد. این نمونه‌ای از گذر و شکل‌گیری هست که صلح را در هر زمان به ارمغان می‌آورد.

نمونه دیگر این تحول در اسلام سامی یوسف^{۲۹۹} هست که موسیقی معاصر اسلامی را عرضه کرده که برای جوانان بسیار جذاب هست. صنوف معتبر قدیمی اسلام – مثل ملایان تحصیل کرده الازهر مواق این شکل از اسلام نیستند.

حکومت‌های اسلامی هم رفته رفته غیر روحانی‌تر میشوند. تونس احتمالاً از اولین نمونه‌های آن هست. شاید ترکیه با درخواست ورود به اتحادیه اروپا نمونه دیگر آن باشد. اسلام در آینده چه روشی را دنبال خواهد کرد؟ آیا بیشتر با زمان معاصر هم سو شده و جوانتر خواهد شد؟ یا رهبری مذهبی همچنان در دست صنوف قدیمی ملایان باقی خواهد ماند؟ این شاید کلیدی‌ترین سؤال قرن ۲۱ام باشد. آیا اسلام خواهد توانست خود را بازسازی و مدرنیزه کند؟ آیا قادر خواهد بود مثلاً با درک معاصر از جهاد کنار بیاید؟ بنظر میرسد این سؤالات بسیار جدی هستند.

مسیحیان وقتی این مسائل مورد بحث قرار می‌گیرند باز هم به چالش می‌افتند. گامهایی که در پائین آمده میتواند بعنوان رهنمودهای کلی عرضه شود:

- (۱) به عقاید بنیادگرایان و یا تجددگرایان که در مورد اسلام اظهار میکنند به دقت و با شور و اشتیاق گوش کنید.
- (۲) سؤالات مناسب بپرسید.
- (۳) سعی کنید گفتگوها را با شهادت دادن از ایمان عملی خود به مسیر روحانی هدایت کنید.
- (۴) آماده باشید که این ایدئولوژی‌های جدید را بخوانید و به وبسایت‌های مربوطه سر بزنید.

۳۰۷،۴ تنوری‌های توطئه و نحوه واکنش

بسیاری از مسیحیان در دنیای عرب با این پدیده مواجه هستند. وقتی یک هواپیمای مصری به فاصله کوتاهی بعد از برخاستن از نیویورک سقوط کرد (پرواز شماره ۹۹۰، ۳۱ اکتبر ۱۹۹۹)، این نظریه عنوان شد که یا سی‌ای‌ای و یا موساد هواپیما را ساقط کرده‌اند. البته این نامعقول و مضحک هست؛ گروه‌های تحقیق به این نتیجه رسیدند که خود خلبان هواپیما را ساقط کرده. اما مصری‌ها نتوانستند این را بپذیرند.

بسیاری از عرب‌ها معتقدند که یهودیان توسط لابی قدرتمندی در ایالات متحده دنیا را کنترل و اداره میکنند. آنها به حضور یهودیان در رسانه‌ها، در صنعت توریسم و در سیاست اشاره میکنند، تا نشان دهند یهودیان در هر عرصه از زندگی رخنه کرده‌اند تا دنیا را اداره کنند. به نظر مسلمانان، یهودیان باید بخاطر بیشتر چیزهایی که در دنیا اتفاق می‌افتد مقصر قلمداد شوند. مسیحیان به چنین تنوری‌هایی چگونه باید واکنش نشان دهند؟ اظهارات زیر میتواند رهنمودهایی ارائه دهد:

^{۲۹۷} www.amrkhaleed.net را ببینید.

^{۲۹۸} www.samiyusuf.com را ببینید.

- مسیحیان نباید یکطرفه واکنش نشان دهند، چنانکه گویی تمامی شرارت های دنیا را میتوان تقصیر مسلمانان دانست.
- سعی کنید هر دو طرف را در نظر بگیرید و از قضاوت آنی اجتناب کنید.
- به جای اینکه از یکی از طرفین جانب‌داری کنید، دوست مسلمان خودتان را با سئوالات به چالش بکشید.
- سعی کنید گفتگو های خود را به طرف بحث های روحانی هدایت کنید.

۳،۷،۵ بهار عربی

یک سری تظاهرات و اعتراضات در آفریقای شمالی و خاور میانه در اواخر ۲۰۱۰ صورت گرفت که به بهار عربی معروف شد. اعتراضات در ۱۸ دسامبر به دنبال خودسوزی محمد بوعزیز در اعتراض به رفتار پلیس و فساد اجتماعی حاکم بر جامعه از تونس شروع شد. با پیروزی اعتراضات در تونس موجی از جرقه های مرد سوخته تونس به الجزایر، لیبی، مصر، اردن، سوریه، یمن و دیگر کشورهای منطقه پخش شد. وسیعترین و سازمان یافته ترین تظاهرات در روزی که به یوم الغضب معروف هست، بعد از نماز جمعه واقع میشد. بسیاری از معترضین با واکنش خشن حکومت ها مواجه میشدند و غالباً خشونت ها از جانب شبه نظامیان حکومتی ضد تظاهرات سرکوب میشد. در بسیاری از موارد این حملات با خشونت از جانب معترضین پاسخ داده میشد.

تا سپتامبر ۲۰۱۲ در چهار کشور حکومتها سرنگون شدند. رئیس جمهور تونس زین العابدین بن علی در ۱۴ ژانویه ۲۰۱۱ به دنبال اعتراضات انقلابی به عربستان سعودی فرار کرد. رئیس جمهور مصر حسنی مبارک در ۱۱ فوریه ۲۰۱۱ به دنبال ۱۸ روز اعتراض شدید از کار برکنار و به ریاست جمهوری سی ساله او پایان داده شد. در لیبی معمر قذافی در ۲۳ آگوست ۲۰۱۱ برکنار، و در ۲۰ اکتبر ۲۰۱۱ در شهر زادگاهش بعد از اینکه شورای انتقال ملی کنترل را به دست گرفت به دست انقلابیون کشته شد. رئیس جمهور یمن علی عبدالله صالح در ازای دریافت امان نامه، موافقت نامه انتقال قدرت اتحادیه شورای خلیج را امضاء کرد^{۲۰۰} و انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد که عبد الرّب - منصور الهادی رسماً در ۲۷ فوریه ۲۰۱۲ جای او را گرفت.

در طی ناآرامی های محلی ۲۰۱۲ رهبران متعددی برای برکناری از قدرت در پایان دوره موقت ریاست جمهوری نشان اعلام آمادگی کردند. رئیس جمهور سودان عمر البشیر اعلام کرد که در ۲۰۱۵ به دنبال انتخاب مجدد نیست و همینطور نوری المالکی رئیس جمهور عراق که دوره اش در ۲۰۱۴ به پایان میرسد اعلام کرده که به دنبال انتخاب مجدد نیست، گرچه اعتراضات زیادی هست که برکناری فوری او را خواهند خواهند. اعتراضات در اردن نیز سبب شده ملک عبدالله چهار بار پشت سر هم به تعویض کابینه دست بزنند. نا آرامی های عمومی در کویت نیز سبب استعفای نخست وزیر ناصر محمد الاحمد الصباح گردید.

بسیاری از اعراب در آرزوی زندگی بهتر و آزادی دموکراتیک مانند کشورهای غربی هستند. اما آیا واقعا این اعتراضات آرزوی آنها را برآورده کرده است؟ آیا عموم مردم از آزادی ادیان برخوردارند؟ از جمله اقلیت های مذهبی مانند مسیحیان؟ آیا حقوق بشر محترم شمرده میشود و زن و مرد هر دو از حقوق مساوی بهره مند هستند؟ آیا این تظاهراتی که به بهای جان هزاران انسان تمام شده سبب تغییرات و رشد اقتصادی شده؟ آیا خشونت و فساد واقعا متوقف شده؟

در اوایل ۲۰۱۳ بنظر میرسد که این خیزش های مردمی سبب شده اسلام محافظه کار قدرت بگیرد و و تأثیرات حکومت های سکولار را در دنیای عرب از بین ببرد. جنگ سوریه در ۲۰۱۳ فقط یکی از این نمونه هاست. چنین پیداست که وضعیت مسیحیان بیش از پیش مبهم هست و اگر هم کشته نشوند، بخاطر تعصبات زندگی سختی خواهند داشت. به این ترتیب میتوان گفت این سری وقایع نه تنها بهار عربی را به دنبال نداشته بلکه زمستان عربی را در پی خواهد داشت.

با اینحال جنبه دیگری هم هست. در مصر مثلاً مانند بسیاری از همسایگانش، جنبش های مداومی برپا میشود که بسیاری از مسلمانان را به سمت واقع گرایی در مورد اسلام میکشاند. برای بسیاری روشن شده که هیجانات انقلابی شرایط موجود را بهتر نخواهد کرد. در واقع زندگی بعد از جنبش ها بسیار سخت میشود: افزایش قیمت ها، کمبود سوخت، افزایش بیکاری و بسیاری مشکلات دیگر.

^{۲۹۹} اتحادیه شورای خلیج اتحادیه ای سیاسی اقتصادی هست متشکل از کشورهای حاشیه خلیج فارس و یا واقع در شبه جزیره و یا نزدیک آن، یعنی بحرین، کویت، عمان، قطر عربستان سعودی و امارات متحده عربی.

بسیاری در مصر از تصمیمات محمد مرسی خشمگین و عصبانی بودند. در نتیجه اعتراضات رو به رشد مردم در ۲۰۱۳ ارتش محمد مرسی را از قدرت برکنار کرد. مصر سالها در کشمکش بسر برده. با اینحال مردم مصر، بعد از نا امیدیشان از قوانین اسلام ممکن است به دنبال مسیر دیگری بگردند، مثلاً ایمان مسیحی.

۳,۸ موضوعات اجتماعی

۳,۸,۱ ازدواج مسیحیان با مسلمانان

زنان مسیحی نباید با مرد مسلمان ازدواج کنند، و مردان مسیحی هم نباید با زنان مسلمان ازدواج کنند. اعتقاد، زندگی روحانی و عملی و مفهوم ازدواج بسیار متفاوت هستند.

مسیحیانی که از قبل در ازدواج مسیحی – مسلمان^{۳۰۱} هستند، میتوانند عضوی از جامعه مسیح یا عضو کلیسا باقی بمانند. جامعه مسیحیان باید به چنین زوج هایی با دادن مشاوره کمک کنند. همسر مسیحی باید برای تعلیم مسیحی فرزندان کوشش کند.

از دیدگاه اسلامی ازدواج اساساً یک قول مادام العمر برای اتحاد با یک همسر نیست. بدیهی هست که حق برابر به زنان در مقایسه با مردان داده نشده. بر اساس قانون اسلامی یک زن مسلمان مجاز نیست با مرد مسیحی ازدواج کند، چون مرد حق دارد که در مورد تربیت فرزندان تصمیم بگیرد و حق ولایت آنها را دارد.

در ازدواج هایی که نه تنها مذهب بلکه فرهنگ زوجین نیز بطور بنیادی متفاوت هست، مشکلات اجتناب ناپذیر خواهند بود. حتی اگر مسلمان شخصی روشنفکر و باسعه صدر باشد، در صورت بروز اختلافات بدون هیچ تردیدی بخاطر نفع خودش به سراغ قوانین اسلامی خواهد رفت. قوانین مربوط به ازدواج در شرایط مختلف و حق قیمومیت فرزندان باید در کشور های هر دو طرف به دقت مورد بررسی قرار گیرد.

منابعی موجود هستند که در چنین ازدواج هایی میتوانند کمک بکنند تا طرفین بتوانند در موضوعات مورد اختلاف مربوط فکر کنند^{۳۰۲}.

۳,۸,۲ ائتلاف مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی

بسیاری از مسلمانان کشور زادگاه خودشان را به دلایل متعددی ترک میکنند در کشور های غیر اسلامی ساکن می شوند تا زندگی بهتری داشته باشند^{۳۰۳}. این کشورها اغلب کشورهای غربی غیر مذهبی دموکراتیک با جوامعی آزاد هستند. برای بسیاری از مسلمانان اساساً پذیرفتن سبک زندگی آزاد با فرهنگ های مربوط در ابتدا بسیار سخت هست ولی نهایتاً به خوبی با این فرهنگ ها عجین میشوند. نسل های بعدی مسلمانان که اکثر آنها تابعیت گرفته و شهروند شده اند، بیشتر کشور میزبان را بعنوان وطن خود میشناسند تا زادگاه خودشان در کشور اسلامی اجدادی.

برای مسلمانان سنت گرا پذیرش فرهنگ جدید سخت تر هست و اغلب از بافت اجتماعی که طبیعتاً شیوه زندگی اسلامی را پشتیبانی نمیکند، شکایت میکنند. آنها حتی ممکن است احساس کنند که قوانین موجود برای این وضع شده که شرایط را برای مسلمانان سخت کند. این حقیقت ندارد، چون دیگر اقلیت های مذهبی و سازمانها هم باید از همان قانون و مقررات تبعیت کنند.

^{۳۰۰} توصیه شده که از قرارداد ازدواج استفاده کنند. نمونه هایش را میتوانید از Secretariat.isdc-dfjp@unil.ch تهیه کنید.

^{۳۰۱} مثلاً فراسر (۱۹۹۳) را در زمینه ازدواج های بین فرهنگی ببینید.

^{۳۰۲} دلایل میتواند شامل: داشتن شغل، تحصیل در دانشگاه، بهره مندی از جامعه ای آزاد، بهره مندی از معالجات پزشکی، تبلیغ اسلام و غیره باشد.

بعضی از مسلمانان ظاهراً خیلی متکبر هستند و ادعا میکنند که جوامع غربی باید مطالبات مسلمانان را برای بکارگیری قوانین اسلام بپذیرند! مسلمانان ناراضی دائماً در حال افزایش هستند گرچه به احتمال زیاد همین مقدار آزادی را در کشور اسلامی زادگاه خودشان ندارند! باید از آنها پرسید چرا به کشورهای اسلامی خودتان برنمیگردید که آزادی خیلی کمتری دارند اما بافتی دارند که از اسلام حمایت میکنند؟ مهاجرت به کشور جدید متضمن سازگاری با روش زندگی جدید، قوانین و مقررات آن کشور هست. کما اینکه از نظر اعیاد مذهبی و دیگر آئین ها، مسلمانان لازم است که سازگاری لازم را داشته باشند و به سازش تن در دهند و یا تسلیم قوانین موجود کشور گردند.

واقعیات مسلم اساسی ای هستند که مسلمانانی که به کشور غیر اسلامی می آیند باید آماده باشند بپذیرند تا بتوانند با بخوبی محیط سازگار گردند:

- ۱) تمام مهاجران از جمله مسلمانان از کشور های اسلامی باید در کلاسهای تطبیقی و زبان ملی/محلی شرکت کنند که اساس لازم برای سازگاری هست.
- ۲) مسلمانان باید به قوانین موجود کشور میزبان خود احترام بگذارند، حتی اگر متفاوت از قوانین اسلام باشند.^{۲۰۴} قوانین اسلامی یا سنت ها ازجمله انتقام خون، ازدواج اجباری، ظلم بر زنان (شامل کتک زدن همان طور که در سوره ۴: ۳۴ شرح داده شده)، انتشار اسلام به هر وسیله اجباری، خشونت یا ترور باید کنار گذاشته شود.
- ۳) هیچ جامعه ای درون جامعه یا به موازات آن تحمل نمیشود. مسلمانان اجازه ندارند با ذهنیت (گتو) زندگی کنند که یک دنیای جدای اسلامی را درون کشوری سکولار ایجاد کنند.
- ۴) مسلمانان باید از همان حقوقی برخوردار باشند که دیگر گروه های مذهبی در کشور دارند، اما اجازه داده نخواهد شد حقوق فوق العاده خاصی مطالبه نمایند.
- ۵) امامان یا معلمین اسلامی باید تعالیمشان آشکارا باشد. کشور سکولار اختیار دارد، کنترل و نظارت کند تا تعالیم مطابق با مقررات و آئین نامه ها باشد. با هیچ تعلیم یا اظهار نظری برخلاف سایر ادیان مدارا نخواهد شد. معلمین اسلامی که تسلیم این معیار ها نباشند از کشور اخراج خواهند شد.
- ۶) مساجد و تسهیلات آن باید در دسترس عموم مردم باشد، ازجمله غیر مسلمانان. از مسلمانان خواسته میشود در کلیه فعالیتهای خود شفاف باشند.
- ۷) به مسلمانان هم مانند هر جامعه مذهبی دیگر باید اجازه داده شود تا زمانی که از قوانین کشور سکولار تجاوز نکنند آئین های مذهبی خود را به جا بیاورند. مسلمانان میتوانند گورستان اختصاصی داشته باشند و مجاز هستند مساجدی با مناره بنا کنند، اما تنها با رعایت کد ساخت و ساز.
- ۸) با پسران و دختران در مدارس باید مساوی رفتار شود. غیبت های خصوصی به دلایل مذهبی مجاز نخواهد بود (به استثنای اعیاد جامعه مسلمان). مسلمانان باید فرهنگ و سنن محلی را بپذیرند.
- ۹) در تمام موارد دیگر مثلاً پوشیدن مقنعه یا روسری یا هر نوع لباس اسلامی دیگر در محیط کار، مسلمانان باید مطیع قوانین و مقررات محلی باشند.

^{۲۰۲} این یکی از مشکلات عمده هست: مسلمانان بنیادگرا در نهایت تسلیم قوانین سکولار نمی شوند بلکه میخواهند قوانین اسلامی را در همه کشور ها اجرا کنند.

۳، ۸، ۳ هماهنگ شدن با محیط یا سازگاری

واژه سازگاری بعنوان یک واژه خاص تبلیغی در ۱۹۷۲ در عرصه خدمت مطرح شد، وقتی که صندوق فرهنگی الهیاتی به ضمانت انجمن جهانی کلیسا، گزارش خود مبنی بر خدمت در زمینه را منتشر کرد، در این گزارش کلیسا ها شدیداً ترغیب شدند که اصلاحات بنیادی در تعالیم الهیاتی را اعمال کنند. این شامل الهیات فمینیستی (طرفداری از حقوق زنان)، الهیات لیبراسیون و الهیات موسوم به الهیات سیاه بود. از آن به بعد مباحثات و جدل های شدیدی از طرف انشعابات مختلف پیرامون این موضوع در جریان بوده. سازگاری بطور خلاصه شامل تمام چیزهایی است که به معنی بومی سازی هست. آن شامل ساخت و توسعه الهیات ملی و تطبیق دادن مسیحیت با گروه های خاص مردم هست.

سازگاری در حقیقت واژه خدمتی جدیدی هست، اما ریشه های آن در زندگی و فعالیت کلیسا های اولیه دیده میشود. مخصوصاً پولس واعظی کاملاً زمینه ساز بود که مشی و الهیاتی وابسته به زمینه ارائه میکرد:

زیرا اگر چه کاملاً آزادم و برده کسی نیستم، خود را غلام همه ساخته ام تا بوسیله من عده زیادی به مسیح ایمان آورند. (اول قرن ۱۹).

چون یهودیان مایل نبودند قوانینشان را ترک کنند، پولس از آنها نمیخواست که آن را رها کنند. برعکس او جهان بینی آنها را تصدیق میکرد و از آنها دعوت میکرد به عیسی ایمان بیاورند بدون اینکه تورات را رها کنند. او وقتی به غیر یهودیان هم بشارت میداد، به روشی مشابه رفتار میکرد. شریعت و دیگر آئین های یهودی مغایر عقاید غیر یهودیان بود، از این رو پولس قانون اخلاقی را اظهار میکرد – که محبت بعنوان بالاترین ارزش آن تفسیر میشد – و باید آئین های سنتی/قربانی را به خاطر تبدیلشان کنار میگذاشتند.

او معتقد بود که مسیحیت کتاب مقدسی منحصر به فرهنگ خاصی نیست. حقیقت اساسی مسیحیان یکی هست: ایمان به مسیح. هر کسی این حقیقت را بپذیرد هر فرهنگی که داشته باشد، وارد جرگه مسیحیان میشود.

مشخصات عمومی سازگاری عبارتند از:

- به هیچ کس نباید هیچ فشاری وارد کرد تا آداب و رسومش را ترک کند مگر اینکه آشکارا در تضاد با مسیحیت بوده و غیر اخلاقی به نظر برسد.
- بین عادت های مردم و عادت های خودتان مقایسه زنده ای نکنید.
- تا جایی که لازم نباشد بر سر پیام انجیل سازش کنید نهایت سعی تان را بکنید که خودتان را با آنها وفق دهید. تنش هایی که در رابطه بین دو جمعیت مذهبی عمده دنیا، مسیحیان و مسلمانان وجود دارد به سبب عوامل متعددی هست که بطور وسیعی به گذشته و حال مربوط میشود.^{۳۰۰} سئوالاتی که مسیحیان درباره رساندن پیام انجیل به مسلمانان با آن مواجهند عبارتند از: کدام عرصه از کلام خدا و اعمال مسیحی قابل مذاکره هستند و کدام نیستند؟ پارامتر ها کدام هستند؟ با اعمال سازگاری چه نوع پیامی به جماعت مسلمانان محلی داده میشود؟

وقتی وارد فرهنگی بیگانه میشوید ناگزیر باید با مردم درون این گروه سازگار شوید، لباسهای پوشیده تری بپوشید و حتی اگر لازم شد از لباسهای بومی استفاده کنید. باید زبان محلی را یادگیرید، با عاداتهای عمومی سازگار شوید و یقین حاصل کنید که با رفتار هایتان باعث رنجش مردم میزبان نشوید.

^{۳۰۴} بعضی از عوامل: مسئله فلسطینیان و اورشلیم، جنگ های مذهبی، تروریسم و خشونت هایی که بنیادگرایان مسلمان باعث آن بودند.

در اسلام بسیاری از رفتار های فرهنگی دارای بار مذهبی هستند. یک مسیحی چگونه باید رفتار کند؟ کدامیک از اینها با مضامین کتاب مقدسی مخالف و در تضاد با آن هستند؟ کدامیک از نکات اهمیت روحانی دارند و کدامیک صرفاً رفتار هستند؟

هر چیزی که مغایر با شهادت شما و مضامین کتاب مقدسی باشد نباید به آن عمل کرد. بعضی از مبشرین بسیار فراتر از چیزی رفته اند که من شخصاً نمیتوانم بپذیرم. آنها این کار را به قصد برداشتن موانع سر راه بومی ها جهت آمدن به مسیح میکنند. اما آنها چه نوع ایماندارانی خواهند بود؟ هر کسی در این رابطه باید در مقابل خدا تصمیم خودش را بگیرد. پس چه موضوعاتی وجود دارند ؟

بعضی موضوعات که به سازگاری نیاز دارند بطور خلاصه عبارتند از:

- **همانند سازی ایمانداران مسیحی:** مسیحیان نباید خداوند عیسی مسیح و وفاداری به او را انکار کنند. بعضی از زمینه سازان خودشان را بعنوان عضوی از بدن مسیح معرفی نمیکنند. آنها به مسجد رفتن ادامه میدهند اما خودشان را پیرو عیسی میخوانند^{۳۰۱}. وقتی سؤال میشود که آیا مسیحی هستند، انکار میکنند.
- **اعمال مذهبی:** بعضی زمینه سازان به روش اسلامی نماز میخوانند، در رمضان روزه میگیرند و دیگر اعیاد اسلامی را رعایت میکنند، عرقچین بر سر میگذارند و غیره. به این ترتیب خودشان را بعنوان مسلمان معرفی میکنند.
- **زبان:** یادگرفتن زبان مردم مورد نظر برای خدمت سازگاری ضروری هست، چون گفتگوی مؤثر در مورد انجیل بدون یادگیری زبان غیر ممکن خواهد بود.
- **غذا:** آیا مسیحیانی که در کشور اسلامی زندگی میکنند میتوانند گوشت خوک بخورند؟ آیا میتوانند شراب یا آبجو بنوشند؟ آیا باید غذا های *حلال* بخورند؟ این یک مسئله سلیقه ای نیست بلکه بخاطر محبت: گوشت خوک و الکل باید در این شرایط از خانه ها دور شود. احتمالاً به سختی میتوان غذایی تهیه کرد که *حلال* نباشد (ر.ک اول قرن ۸: ۶-۹ و ۱۰: ۲۳-۳۱).
- **لباس:** خادمین زمینه ساز اغلب تشویق میشوند که لباس محلی بپوشند و از آن قدردانی کنند. این سؤال پیش می آید که آیا این در هر شرایطی قابل توصیه هست؟ در خلیج مثلاً این اکیداً ممنوع است.
- **مسجد عیسی:** بنا به گفته بعضی از خادمین زمینه ساز مسلمانان با هر چیز مسیحی دشمن هستند و تا زمانی که این دشمنی و خصومت تا حد معمولی روابط انسانی پائین نیاید هیچ بشارت مناسبی صورت نخواهد گرفت. چیزی که مسیحیان زیاد از آن متنفرند کلیسای مسیحی هست. زمینه سازان پیشنهاد میکنند آیا بهتر نیست کلیسای مسیحیان را مسجد عیسی بنامیم یا حتی کلیسائی با الگوی مسجد بسازیم؟ اما آیا این خیلی زیاده روی نیست؟ این بحث پیش میاید که، امکان دارد این موضوع مانع شود که یک مسلمان، مسیحی حقیقی بشود، در حالیکه هنوز در مسجد پرستش میکند که بخشی از دنیای اسلام هست.
- **ازبر خوانی کتاب مقدس:** این روشی اسلامی هست که قرآن با آهنگی خاص ازبر خوانی شود. در مدارس اسلامی چند نفر یاد میگیرند که کل قرآن را حفظ کنند و از بر بخوانند. به این افراد *حافظ* میگویند. تا چه حد تقلید کردن از این برای کتاب مقدس معقول هست؟ یقیناً حفظ کردن بخشهایی از کتاب مقدس چیز خوبی هست اما نه بخاطر اینکه به دیگران فخر بفروشیم.

۳۰۰ معمولاً مسلمانان جیزس را عیسی خطاب میکنند به این وسیله آنها اورا آنچنان که قرآن به تصویر کشیده میبینند.

• **اعیاد:** هر گروه از جمعیت دنیا اعیاد، مذهبی، ملی و فرهنگی خاص خود را دارد، که به روش منحصر بفردی جشن میگیرد. در نوشتجات مسیحی توصیه شده که خادمین برای سازگاری باید دو عید مذهبی مسلمانان را بعنوان مسیحی جشن بگیرند (عید الفطر و عید الاضحی). تا چه اندازه ای باید مسیحیان شرکت کنند؟ این توصیه نمیشود چون ممکن است مسلمانان به این نتیجه برسند که این مسیحیان آماده اند مسلمان بشوند! مسیحیان از خداوندشان عیسی مسیح شرم ندارند و به جای آن عید قیام، پنتیکاست و کریسمس را جشن میگیرند.

تجربه نشان میدهد که مسلمانان معمولاً از اقرار ایمان خود ابائی ندارند. اگر مسیحیان به ایمان خود اقرار نکنند، مسلمانان آنها را ترسو و یا بی ایمان قلمداد میکنند. که باعث بی حرمتی به خداوند عیسی مسیح خواهد شد.

با توجه به چیزی که در مورد این موضوع بحث شد، سازگار کردن انجیل قبل از هر چیز متضمن مطالعه عمیق جهان بینی، سیستمهای ارزشی، فرهنگ و عاداتها هست. چه چیزی خنثی هست و چه چیزی حاوی پیام مذهبی هست؟ هر آئین مذهبی یا نمادی مفهومی روحانی دارد. مسیحیان باید هشیار باشند که بر سر پیام انجیل سازش نکنند. هیچ جواب کلی نیست که برای هر شرایطی مناسب باشد. بلکه برعکس هر مسیحی ای باید تصمیم عاقلانه خودش را بگیرد که سازگاری تا چه اندازه ای در هر شرایطی قابل پذیرش هست.

۳،۸،۴ سیمای مدرن اسلام

تجدد گرایی تا چندین سال بر کلیسا ها تأثیر گذاشت. آن اعتبار ارزش، قابلیت اعتماد و قابل اطمینان بودن کتاب مقدس و محتویات آن را زیر سؤال برد. منتقدان کتاب مقدس سعی کرده اند کتاب مقدس را چندین پاره کنند. خدا را در قلمرونی افسانه ای قرار دادند. واقعیت وجود مسیح را در تاریخ به شدت زیر سؤال بردند. مسیحیان بعنوان ساده اندیشان مورد تمسخر قرار گرفتند و به عنوان متحجران و متعصبین مورد حمله قرار گرفتند. تعالیم کتاب مقدس در مورد آفرینش مورد تمسخر قرار گرفت و تئوری تکامل را به جای آن قرار دادند که فاقد هرگونه اعتبار علمی بود. کلیسا متحمل تلفات سنگینی شد اما تمامیت کتاب مقدس همچنان استوار برجا ماند. امروزه بیش از هر زمان دیگری ایمانداران حقیقی وجود دارند.

اسلام هنوز با تجدد گرایی مواجه نشده. آنها اجازه انتقاد از قران و حدیث را نداده اند. جمعیت مسلمانان امروزه متعصب تر و آموخته تر از هر زمان دیگری هستند. اما ارائه اسلام به غرب و نیرو های آرمانی قدرتمند تجدد گرایی عواقبی خواهند داشت. نسل دوم و سوم مسلمانان در جوامع سکولار پیشاپیش به چالش افتاده اند و روزی خواهد رسید، که تاریخچه و قابلیت اعتماد آیات اسلامی بصورت علنی به چالش کشیده خواهند شد و احتمالاً نتایج فجیعی به بار خواهند آورد.

غرب گرایی به عنوان مجموعه ای از عقاید یا گروهی از نماد ها حالا بزرگترین چالش برای فرهنگ های دنیای اسلام هست. فرهنگ های ملی از طریق تلویزیون و اینترنت گسترش یافته که در مقابل تسلط محصولات و سیمای غربی را به همراه داشته. در بعضی شهر های خاورمیانه ای بیش از ۱۰۰ کانال تلویزیونی قابل دسترسی هستند. در قاهره کمتر خانه ای میتوان یافت که یک تلویزیون نداشته باشد. کامپیوتر ها در همه جا هستند و مسلمانان بیشتر و بیشتری در کشور های اسلامی هر روزه به وبسایت های جهانی در خانه هایشان دسترسی پیدا میکنند.

این نیروی غرب گرانی فشار زیادی بر اسلام و دنیای عرب وارد میکند. اعراب معمولی میانه رو بر این باورند که خانواده های آنها آراسته تر و قابل احترام تر از همتایانشان در غرب هستند. آنها خودشان را خداترس تر میدانند، دخترانشان پوشیده تر هستند، جوامع شان بهم پیوسته تر هست. اعراب میانه رو به دلایل خوبی از جمله سخاوت، مهمان نوازی و عزت نفس به فرهنگشان افتخار میکنند.

مسئله غمض دردناکی که اسلام بخصوص دنیای عرب با آن مواجه است این هست که چطور در میانه پورش ارزش های سکولار و گاهی غیر اخلاقی غرب، به ارزش هایشان پایند باشند. انواع واکنش ها از طرد کامل اسلام و دنیای عرب تا رد کردن غرب گرانی و یا تلاشهایی برای یافتن حد وسط ملاحظه میشود.

- بعضی ها عملاً مهاجرت میکنند و بعضی ها احساسی مهاجرت میکنند، رویه ای را که تصور میکنند شیوه زندگی غربی هست میپذیرند بدون اینکه عملاً اسلام یا دنیای عرب را ترک کنند.
- بعضی ها دنبال انزوای طلبی در غرب هستند: فروشگاه ها، تلویزیون، اینترنت، دارو، و فلسفه خاص خودشان دارند.
- بعضیها به اسلام بنیادگرا روی می آورند.
- تعداد کمی مسیحی میشوند.
- و بقیه مانند اکثر مردم در غرب، تا جایی که بتوانند با اخلاق نا همگون جامعه در هم می آمیزند.

عرصه ای که امروزه مسلمانان را از هم جدا میکند مسئله حقوق و مسئولیت های زنان هست. قرآن نقش زنان را دقیقاً برای قرن هفتم تعریف کرده. چطور میشود اوامر قرآن را در این زمینه برای قرن بیست و یکم توجیه کرد؟ مسائل ازدواج و طلاق، مسئله میراث، و قرار دادهای لباس برای زنان مسائل داغ خاور میانه هستند. روح انقلابی در بین بعضی از مسلمانان امروزه آنها را به سوی تسلیم شدن و سازش با معیار های والدین و اجدادشان هدایت میکند، و تلاش میکنند که به باور های بنیادی گذشته برگردند و بر طبق اصول اسلام اولیه عمل کنند.

آینده برای دنیای اسلام چه چیزی رقم زده؟ تاریخ به ما تصویری از تغییری ماندگار از ملت ها و فرهنگ های امت ارانه میکند. واقعیت مسلم فرآینت مداوم هست نه پایداری و ثبات. خاور میانه احتمالاً مرکز تنش ها و آشفتگی خواهد بود. کلمه ای که به رویای صلحی اشاره دارد که مردم خاور میانه قرنهایست در آرزوی آن هستند، کلمه ای هست که تقریباً در هر دو زبان سامی مشابه هست: سلام در عربی و شالوم در عبری. مسیحیان میدانند که فقط یک نفر میتواند صلح حقیقی به ارمغان بیاورد – بزرگترین پیامبری که تا کنون ظهور کرده: عیسی مسیح، مسیحا و پسر خدا، که میگوید:

این چیز ها را به شما گفتم تا در اتحاد با من
آرامش داشته باشید. در جهان رنج و زحمت
خواهید داشت. ولی شجاع باشید، من بر دنیا
چیره شده ام یوحنا ۱۶: ۳۳

۴. ضمیمه

۴، ۱ کتابشناسی و کتاب های توصیه شده برای مطالعه

- Adeney, M ۲۰۰۲ دختران اسلام – برقراری ارتباط با زنان مسلمان. Illinois: IVP.
- علی، آ. یوسف. ۱۹۴۶ (چاپ: ۱۹۹۳/۴). قرآن مقدس. WIPE International.
- علی ان ۱۹۸۷. حدود رویارویی مسلمان – مسیحی. Oxford: Regnum.
- العمری، جی ۲۰۰۳. روش عرب – چطور با فرهنگ اعراب مؤثرتر کار کنیم. آکسفورد.
- نبردی برای قلب ها. ۱۲ فقره تعلیم تعامل. ترانس ورلد رادیو و چالش زندگی افریقا ۲۰۰۱
- Beaumont, M ۲۰۰۵ مسیح شناسی در گفتگو با مسلمانان. وینزورو، جی آ: دعای ربانی
- Bell, S ۲۰۰۶ سفر از ترس به ایمان. Authentic Media.
- بلطشصر و عبد نفو ۲۰۰۶ مسجد و نقش آن در جامعه. Pilcrow Press.
- Brooks, G ۱۹۹۵ نه قسمت از امیال – دنیای پنهان زنان مسلمان... London: Penguin.
- Burge, G M ۲۰۰۳ سرزمین چه کسی؟ و عده چه کسی؟ چیزی که به مسیحیان درباره اسرائیل و فلسطین گفته نشده. Cleveland: Pilgrim Press.
- Campbell, W ۱۹۸۶ قرآن و کتاب مقدس در پرتو علم و تاریخ Upper Darby: AWM.
- Caner, E and Caner E F ۲۰۰۲ پرده برداشتن از اسلام Grand Rapids: Spectrum Books Lim
- Chacour, E ۲۰۰۳ برادران خونی Chosen Books
- Chapman, C ۱۹۹۵ صلیب و هلال به چالش مسلمانان پاسخ میدهند. Leicester: IVP.
- Chapman, C ۲۰۰۴ شهر مقدس مال کیست؟ – اورشلیم و نبرد اسرائیلی – فلسطینی. Oxford: LION.
- Cooper, A ۲۰۰۳ برادر من اسماعیل London: Monarch Books
- Crone & Cook, P & M ۱۹۷۷ هاجریم: ساختار دنیای اسلام. Cambridge: University Press.
- Durie, M ۲۰۰۶ آیا ما همان خدا را پرستش میکنیم؟ Australia: Harvest Publication.
- Edress, G ۲۰۰۲ اسلام – یک مقدمه ی تاریخی. Edinburgh: University Press.
- Esposito, J L & Voll J O ۱۹۹۶ اسلام و دموکراسی. Oxford: University Press.
- Fraser, J ۱۹۹۳ عشق همراه با آزادی عمل – کتاب راهنمای ازدواج های بین فرهنگی Loughborough: AWM.
- Free, J P ۱۹۹۲ باستان شناسی و تاریخچه کتاب مقدس Zondervan
- Gabriel, M A ۲۰۰۲ اسلام و تروریسم. Florida: Charisma House.
- Gaudeul, J M ۱۹۹۹ دعوت از اسلام به مسیحیت – چرا مسلمانان مسیحی میشوند London: Monarch.

- Geisler N L & Saleeb A ۱۹۹۳ *هلال در پرتو صلیب*
Grand Rapids: Baker.
- George, R ۲۰۰۰ *فران در پرتو مسیح*. WIN International.
New York: Cornell University. Gibb, H & Kramers, J ۱۹۵۳ *دائرة المعارف کوتاهتر اسلام*
Press.
- Gilchrist, J ۱۹۸۹ *جمع القرآن - تدوین متون قرآن*. Johannesburg: MERCSA.
- Gilchrist, J ۱۹۹۴ *محمد - پیامبر اسلام*. Johannesburg: MERCSA.
- Gilchrist, J ۱۹۹۵ *قرآن - کتاب مقدس اسلام*. Johannesburg: MERCSA.
- Gilchrist, J ۱۹۹۷ *مسلمان صوفی مقسین هندوستان و افریقای جنوبی*. Johannesburg: MERCSA.
- Gilchrist, J ۱۹۹۹ *رویارویی با اتهامات مسلمانان - کتاب راهنمای مدافعه استدلالی مسیحی - مسلمان*
Johannesburg: MERCSA.
- Gilchrist, J ۲۰۰۳ *درمیان گذاشتن انجیل با مسلمانان - کتاب راهنمایی بر مبنای کتاب مقدس برای*
Cape Town: Life Challenge Africa.
- Glasser, I & N ۱۹۹۸ *شریک یا زندانی؟ تفکرات مسیح درباره زنان و اسلام*. Cumbria: Paternoster.
- Glubb, J B ۱۹۷۹ *زندگی و دوران محمد*. London: Hodder and Stoughton.
- Goddard, H ۲۰۰۰ *تاریخچه مناسبات مسیحی - مسلمان*. Chicago: New Amster- dam Books.
- Goldsmith, M ۲۰۰۴ *اسلام و شهادت مسیحی*. OM Publishing.
- Goodwin, J ۲۰۰۳ *بهای نجابت - زنان مسلمان از سکوت دنیای اسلام پرده بر میدارند*. London: Penguin.
- Greenlee, D ۲۰۰۵ *از راه مستقیم به راهی باریک: سفر های ایمان*. Waynesboro: Authentic.
- Guillaume, A ۱۹۵۵ *زندگی محمد*. Oxford: University Press.
- Haddad, Y & W Z ۱۹۹۵ *رویارویی های مسیحی - مسلمان*. Gainesville, FL: University of Florida Press.
- Hughes, T P ۱۹۸۲ *لغت نامه اسلام*. New Delhi: COSMO.
- Ibn Warraq, ۱۹۹۵ *چرا مسلمان نیستیم*. Amherst, NY: Prometheus Books.
- Jeffery, A ۱۹۷۵ *موادی برای تاریخ متن قرآن*. New York: AMS Press.
- Johnstone, P & Mandryk J ۲۰۰۱ *وقتی دعا میکنیم خدا عمل میکند*. Virginia: Paternoster.
- Jonsson, D J ۲۰۰۵ *برخورد عقاید - ساختار دنیای مسیحیت و اسلام*. USA: Xulon.
- Katerega B D & Shenk D W ۱۹۸۰ *گفتگوی یک مسلمان بابیک*. Grand Rapids: Eerdmans.
- Khan, M M ۱۹۹۶ *خلاصه صحیح البخاری (عربی انگلیسی)*. Riyadh: Dar-us-Salam.
- Khurshid, A ۱۹۷۶ *اسلام - مفهوم و پیام آن*. Leicester: Islamic Foundation.
- Khursi, A & Zafar, I A ۱۹۸۰ *دورنمای اسلامی*. Leicester: Islamic Foundation.
- Lewis, B ۱۹۹۵ *خاور میانه - خلاصه ای از تاریخ ۲۰۰۰ سال گذشته*. New York: SCRIBNER.

Lewis, B ۲۰۰۳ London: Phoenix. جنگ مقدس و ترور نامقدس
Love, R ۲۰۰۰ California: تاسیس کلیسا در بین ملت مسلمان
William Carey.

London: Hodder Education. ۲۰۰۶ Maqsood, R W اسلام – خودآموز

London: Curzon. ۱۹۹۹ Marshall, D محمد و غیر ایمانداران

Maurer, A ۱۹۹۹ در جستجوی زندگی تازه: انگیزه های تغییر دین مسیحیان و مسلمانان

Pretoria: UNISA.

Oxford: Blackwell. ۱۹۸۵ Mernissi, F زنان و اسلام، یک بررسی تاریخی الهیاتی.

Leicester: IVP. ۲۰۰۱ Moucarry, C ایمان به ایمان – گفتگوی مسیحیت و اسلام.

Ontario: Essence. ۲۰۰۰ Muller, R ابزاری برای بشارت مسلمانان.

Xlibris Corporation. ۲۰۰۱ Muller, R افتخار و ننگ – گشودن در.

Muller, R ۲۰۰۴ رسول، پیغام و جماعت – سه موضوع بحرانی برای مؤسس کلیسای بین فرهنگ ها.

Ontario: Essence.

London: MARC. ۱۹۸۹ Musk, B چهره نادیده اسلام – بشارت انجیل به مسلمانان معمولی.

Crowborough: MARC. ۱۹۹۵ Musk, B لمس روح اسلام – بشارت انجیل در فرهنگ مسلمانان.

London: Monarch. ۲۰۰۳ Musk, B جنگ مقدس – چرا بعضی از مسلمانان بنیادگرا میشوند؟

London: Monarch. ۲۰۰۵ Musk, B بوسیدن اقوام – مسیحیان و مسلمانان رو در رو.

Wellington: Biblecor. ۱۹۸۵ Nehls, G "کتاب" دوره مکاتبه ای کتاب مقدس برای مسلمانان.

Nehls, G & Eric, W ۲۰۰۶ آنچه که یک مسیحی باید در مورد اسلام و مسلمانان بداند

Nairobi: Life Challenge Africa.

Nairobi: ۲۰۰۵ Nehls, G & Eric, W اسلام – عرصه های اساسی: کتاب راهنمای مربیان ۱.

Life Challenge Africa

Nairobi: Life. ۲۰۰۶ Nehls, G & Eric, W مباحثه مسیحی – اسلامی: کتاب راهنمای مربیان ۲.

Challenge Africa

Nairobi: Life. ۲۰۰۶ Nehls, G & Eric, W مشی عملی – تاکتیکی: کتاب راهنمای مربیان ۳.

Challenge Africa

Newbegin L, Sanneh L, Taylor J ۲۰۰۵ اسلام در بریتانیای

Wipf & Stock Publishers. سکولار.

Newman, N A ۱۹۹۳ گفتگو های مسیحی – مسلمان اولیه: مجموعه اسناد (۶۰۰ – ۲۳۲ میل)

USA: IBRI.

USA: Intercul- tural. ۱۹۹۶ Nydell, M K درک کردن عرب ها – راهنمایی برای غربی ها.

Press.

London: Sheldon Press. ۱۹۶۵ Parrinder, E G عیسی در قرآن

- Grand Rapids: Baker. *مسجد - مسیحیان در درون جامعهٔ مسلمان*. Parshall, P ۱۹۸۵
- Grand Rapids: Baker. *درون جماعت - درک مسلمانان توسط آئین هایشان*. Parshall, P ۱۹۹۴
House.
- USA: Gabriel. *برداشتن حجاب - دنیای زنان مسلمان*. Parshall, P & J ۲۰۰۲
- آشکار ساختن خدا - سازگار کردن مسیح شناسی با فرهنگ اسلامی*. Parsons, M ۲۰۰۵
Pasadena: Carey.
- Cape Town: Life Challenge Africa. *به خانه خوش آمدید..* Pietzsch, H ۲۰۰۴
- Leicester: IVP. *اسلام در ستیز - گذشته، حال و آینده*. Riddell, P G & Cotterell P ۲۰۰۴
- مسیحیان و مسلمانان - فشار ها و توانائی در دنیای اطلاعات سریع*. Riddell, P G ۲۰۰۴
London: IVP.
- Australia: City. *معجزات - آشکار کردن اسلام و فیض خدا*. Robinson, S ۲۰۰۳
Harvest.
- Columbia: University Press. *در جستجوی امتی جدید*. Roy, O ۲۰۰۶
- Chicago: Moody. *رسیدن مسلمانان به مسیح*. Saal, W J ۱۹۹۱
- Charisma House. *آشکار کردن و دسترسی به دنیای اسلام*. Safa Reza F. ۱۹۹۶
- Chapel Hill: University of *بُعد سَری اسلام*. Schimmel, A ۱۹۷۵
N. Carolina.
- Pennsylvania: Middle East *نمونه های بشارتی در خدمت به مسلمانان*. Schlorf, S ۲۰۰۶
Recourses.
- Thomas *اسلام آشکار شده - دیدگاه عرب مسیحی در مورد اسلام*. Shorosh Dr. Anis A. ۱۹۸۸
Nelson Publishers.
- Malaysia: Islamic Book Trust. *زندگی محمّد*. Siddiqui, A H ۱۹۹۹
- از دید او - دیدگاه هائی از زندگی از نظر زن مسیحی که در دنیای مسلمان خدمت میکند*. Smith, M ۲۰۰۴
Waynesboro: Authentic.
- Scotland: Christian Focus. *راهنمای جیبی مسیحیان برای اسلام*. Sookhdeo, P ۲۰۰۱
- London: Isaac Publishing. *درک تروریسم اسلامی*. Sookhdeo, P ۲۰۰۴
- Oldham: FFM. *راهنمای جیبی مسیحیان برای اسلام*. Steer, M ۲۰۰۳
- Moody Press. *علم سخن میگوید*. Stoner, P W ۱۹۶۹
- New York: State University. *اسلام شیعه*. Tabataba'i, A S M H ۱۹۷۵
(برگردان از فارسی و ویراستاری شده توسط سیّد حسین نصر).
- Indianapolis: University Press. *زنان عرب، حدود قدیم و حدود جدید*. Tucker, J E ۱۹۹۳
- New York: Oxford University Press. *محمّد در مکه و محمّد در مدینه*. Watt, M ۱۹۵۳

- Oxford: University Press. محمد – پیامبر و سیاستمدار. Watt, W M ۱۹۶۴
- Edinburgh: University Press. Watt, W M ۱۹۸۰. افکار سیاسی اسلام
- Wiesbaden: Otto Harrassowitz. ۱۹۷۹. لغت نامه ای برای نوشته های جدید عربی (عربی – انگلیسی).
- Williams, J ۱۹۹۸. آیا نمیدانند امروز جمعه هست؟ ملاحظات بین فرهنگی برای زندگی و تجارت در خلیج. Dubai: Gulf Business Books.
- Ye'or, B ۱۹۸۵. نَمی: یهودیان و مسیحیان تحت اقتدار اسلام. ۲nd ed. London: Ass. University Press.
- Zebiri, K ۱۹۹۷. مسلمان و مسیحیان رو در رو. Oxford: One World.
- Zeidan, D ۲۰۰۰. پنج مناره: یک زیارت روحانی. Carlisle, UK: Piquant.
- Zeidan, D ۲۰۰۳. شمشیر الله – بنیاد گرایی اسلامی از دیدگاه یک مبشر. Gabriel Publishing.
- Zenjibari, M A ۲۰۰۲. اسلام و مسیحیت – یک مطالعه تطبیقی. Qum/Iran: Ansariyan
- Zwemer, S M ۲۰۰۶. ریموند لول – نخستین مبشر برای مسلمانان. Diggory Press Limited

۲, ۴ منابع

این کتاب نوشته شده که درکی اساسی برای مسیحیان در باره اسلام بدهد و نحوه شروع تعامل مفیدی با مسلمانان را نشان دهد. برای دریافت کمک های بیشتر و تعالیم پیشرفته تر از شما دعوت میکنیم با وب سایت زیر تماس بگیرید:

• www.aymf.net

این وبسایت مرتباً به روز میشود و منابع اضافی ای را به صورت سازمان یافته بر اساس موضوعات کتاب هابه شما ارائه میکنند!
گرچه ممکن است اطلاعات زیادی را در وبسایت بالا پیدا کنید ، اما میتوانید مستقیماً با وبسایت های زیر هم تماس برقرار کنید:

• www.answerislam.net

• www.wikipedia.com

اگر به اینترنت دسترسی نداشتید میتوانید با آدرس زیر مکاتبه کنید:

AVC Schweiz
Industriestrasse ۲۱
Safnern bei Biel ۲۵۰۳
Switzerland

۳, ۴ مخفف ها

م.ی	=	بعد از میلاد (سال بعد از تولد مسیح)
هج	=	بعد از هجرت (تقویم اسلامی از سالی شروع میشود که محمد از مکه به مدینه مهاجرت کرد سال ۶۲۲ م.ی)
ت.و	=	تولد
ق.م.ی	=	قبل از میلاد
ب	=	باب - بخش
ا.م	=	ارجاع متقابل
و.ف	=	وفات
آ. ب	=	آیه بعد را ببینید
آآ. ب	=	آیات بعد را ببینید
ای.م	=	ایمانداران با پیش زمینه اسلامی (کسانی که مسلمان بودند و مسیحی شدند)
MERCSA	=	مرکز منابع تبلیغات اسلامی افریقای جنوبی
ص	=	صفحه
ص.ص	=	صفحات
آ	=	آیه
ج	=	جلد
ا.ج.ب	=	اتحادیه جهانی بشارت

عهد قدیم

ع.س	عاموس	هو	هوشع	میک	میکاه
توا	تواریخ	اش	اشعیا	ناح	ناحوم
دان	دانیال	ارم	ارمیا	نح	نحمیا
تث	تثنیه	ای	ایوب	اع	اعداد
جام	جامعه	یول	یونیل	عوب	عوبدیا
اس	استر	یون	یونس	مز	مزامیر
خرو	خروج	یوش	یوشع	امث	امثال
حز	حزقیال	داو	داوران	روت	روت
عز	عزرا	پاد	پادشاهان	سمو	سموئیل
پید	پیدایش	مرث	مراثی	غ.غ	غزل غزلها
حبق	حبقوق	لاو	لاویان	زک	زکریا
حج	حجی	مل	ملاکی	صف	صفنیا

عهد جدید

اعما	اعمال رسولان	یوح	یوحنا	فیلپ	فیلیپیان
کول	کولسیان	یهو	یهودا	مکا	مکاشفه
قر	قرنتیان	لوق	لوقا	روم	رومیان
افس	افسیان	مرق	مرقس	تسا	تسالونیکیان
غل	غلاطیان	مت	متی	تیم	تیموتائوس
عب	عبرانیان	پطر	پطرس	تیت	تیتوس
یع	یعقوب	فلیم	فلیمون		

۴، ۴ واژه نامه لغات عربی/اسلامی

لیستی که در زیر می آید حاوی مفاهیمی هست که هم از سنت عرب و هم از سنت اسلام گرفته شده که لغات بیشتری از زبان عربی را ارائه میکند. جدا کردن مفاهیم اسلام از مفاهیم مختص فرهنگ عرب یا خود زبان عربی میتواند مشکل باشد. بسیاری از مفاهیم عربی هم معنی اسلامی و هم معنی سکولار دارند یکی از مثال هایش دعوه هست. پیچیدگی زبان عربی در این هست که یک لغت واحد میتواند معانی بسیاری داشته باشد. خود کلمه اسلام هم مثال خوبی هست. خوانندگان همچنین باید توجه کنند که عربی با الفبای خاص خودش با حروف، نماد ها و کتابت قراردادی نوشته میشود که هیچ معادلی در الفبای لاتین ندارد(به حروف عربی نگاه کنید). این لیست حرف به حرف از واژه ها و لغات عربی نوشته شده. بنابراین مسلمانان شاید کلمات خاصی را بطور متفاوت ترجمه کنند مثلاً دین در مقابل دین. هجی کردن و املا کلمات عربی میتواند در متون انگلیسی متفاوت باشد. در این کتاب، روش رونویسی ای اتخاذ شده که به خواننده اجازه میدهد کم و بیش کلمه را به درستی تلفظ نماید. در هر جا که ضروری بوده تذکراتی برای نحوه تلفظ لغات در داخل پرانتز داده شده،

این الزاماً برای تسهیل در خواندن انجام شده. صدا های عربی در واقع با معادل آن در انگلیسی برابر نیست. زبان عربی از ریشه هائی شامل سه حرف بی صدا تشکیل شده. اصوات به روشهای متفاوتی اضافه میشوند که اقسام کلمه را بسازند (صفات، اسامی و غیره). کلمات عربی/ اسلامی به شکل حروف خوابیده/تألیف در متن آمده به جز چند استثنا که قبلاً در زبان انگلیسی مستقر شدند. لغات به ترتیب حروف الفبائی زبان انگلیسی در اینجا آمده اند (بدون در نظر گرفتن حروف اضافه/ال، ان، ار، اس، اش، ات، از).

تلفظ	عربی	توضیح
'abd	عَبْد	" خادم، پرستنده، غلام" مسلمانان خودشان را خادم و بنده الله میدانند. مسلمانان نامهایی مثل عبدالله دارند (برده الله)
adhan (aadhaan)	آذَان	اعلام، دعوت به نماز عمومی موزن
Ahl al-Kitab (Ahl al-Kitaab)	أَهْلُ الْكِتَابِ	" مردم معتقد به کتاب آسمانی" پیروان ادیان پیش از اسلام، ادیان توحیدی دارای کتاب که با منشأ الهی – عمدتاً یهودیان و مسیحیان
Allah (Allaah)	الله	کلمه عربی برای خدا
Allahu akbar (Allaahu akbar)	اللهُ أَكْبَرُ	الله خیلی بزرگ است؛ این بانگی هست که وقت نماز های روزانه را اعلام میکند. و همینطور در مراسم تدفین و ذبح حیوانات گفته میشود.
al-Ansar (al-Ansaar)	الْأَنْصَار	"یاوران" مسلمانانی که در مدینه ایمان آوردند و به مسلمانان مکه بعد از هجرت کمک کردند.
arkan al-Islam (arkaan al- Islam)	أَرْكَانُ الْإِسْلَامِ	"ارکان اسلام" پنج وظیفه اسلام: ایمان، نماز، روزه، حج و زکات
'Ashura ('Aashooraa)	عَاشُورَاءُ	روز دهم ماه محرم. برای شیعیان روز عزاداری مرگ حسین در کربلا.
aslama	أَسْلَمَ	تسلیم شدن، تسلیم شدن به الله، مطیع الله شدن.
aya (aaya)	آیَة	"نشانه، معجزه، آیه" هم به یکی از ۶۲۰۰ آیه قران دلالت میکند و هم به معنی معجزه هست.
Ayatu Allah (Aayatollaah)	آیَةُ اللَّهِ	بالاترین عنوان علمای دینی شیعه آیت الله

تلفظ	عربی	توضیح
<i>al-Baqara</i>	البَقَرَة	گاو نام سوره دوم قرآن
<i>baraka</i>	بَرَکَة	برکت ، قدرت برکت
<i>al-basmala</i>	البَسْمَلَة	ورد " به نام خدا بخشنده مهربان " این قبل از هر سوره قرآن و قبل از هر عملی به زبان آورده میشود.
<i>burqu'</i>	برقع	برقع پارچه بلندی که زنان روی صورت میاندازند.
<i>chador</i> (<i>chaadoor</i>)	شَادُور	فارسی چادر عبای سیاه بلندی که سر و اندام زنان را میپوشاند اما صورت باز میماند.
<i>da'i</i> (<i>daa'ee</i>)	دَاعِي	کسی که دعوت میکند و فرا میخواند. خدمت تبلیغی اسلام
<i>Dar al-Harb</i> (<i>Daar al-Harb</i>)	دَارُ الْحَرْبِ	"خانه جنگ" قلمرو ها و کشور هایی که هنوز اسلامی نیستند و باید فتح بشوند.
<i>Dar al-Islam</i> (<i>Daar al-Islaam</i>)	دَارُ الْإِسْلَامِ	"خانه اسلام" جایی که در آن اسلام حکومت میکند.
<i>da'wa</i>	دَعْوَة	فراخوانی، دعوت به اسلام — خدمت تبلیغی
<i>Dervish</i> (<i>Derveesh</i>)	دِرْوِیش	فارسی به معنی فقیر. صوفی اسلامی که سعی میکند توسط رقص و مدیحه سرانی با خلسه به خدا نزدیک شود.
<i>dhikr</i>	ذِکْر	یادآوری در تصوف یاد آوری الله با ذکر و تکرار عبارتی خاص.
<i>dhimmi</i> (<i>dhimnee</i>)	ذِمِّي	ساکن قلمرو مسلمانان که اسلام را نپذیرفته (مثل یهودی و مسیحی) او باید مالیات بپردازد و گاهی به کارهای پست تن در دهد. ذِمِّي کلمه ای هست که در سوره ۸ آیات ۹ تا ۱۰ دیده میشود.
<i>din</i> (<i>deen</i>)	دین	"دین" اعمال مذهبی در اسلام
<i>du'a'a'</i> (<i>du'aa'</i>)	دُعَاء	دعای تضرع شخصی

تلفظ	عربی	توضیح
<i>fana' (fanaa')</i>	فَنَاءٌ	"از خود گذشتن از خود دست کشیدن" انکار کامل خود و درک الله، این یکی از مراحل هست که مسلمانان صوفی در راه نبل به وحدت با الله طی میکنند، آنها معتقدند فنا با تأمل و تمرکز مداوم بر خصوصیات الله و به همراه رد خصوصیات انسانی قابل دستیابی هست.
<i>al-Fatiha</i> (<i>al-Faatiha</i>)	الْفَاتِحَة	نام اولین سوره قران
<i>fatwa (fatwaa)</i>	فَتْوَى	نظر شرعی، تصمیم قضائی یا شرعی
<i>al-Fiqh</i>	الْفَقْه	قانون اسلامی
<i>firqa</i>	فِرْقَة	دسته مذهبی، گروه های اسلامی
<i>al-Furqan</i> (<i>al-Furqaan</i>)	الْفُرْقَان	معیار (راست و غلط، حقیقت و دروغ). گاهی به قران فرقان هم گفته شده.
<i>ghusl</i>	غُسْل	"شستشو". شستشوی تمام قسمتهای بدن
<i>hadith (hadeeth)</i>	حَدِيث	"گزارشی شفاهی" گزارشی از کارهایی که محمد کرده، تعلیم داده و کارهایی که در حضور او انجام گرفته مجموعه های زیادی از عادت ها و سنت ها وجود دارد (جمع آن احادیث هست).
<i>hafiz (haafiz)</i> <i>al-hajj</i>	حَافِظ	"نگهبان، متولی". مسلمانی که کل قران را از حفظ میداند "زیارت مکه" (رکن پنجم اسلام).
<i>hajj (haajj)</i>	حَاجَّ	"حاجی" نامی که به مسلمانی داده میشود که مکه را زیارت کرده است.
<i>halal (halaal)</i>	حَلَال	بر حسب شعائر مذهبی پاک و بنابر این برای مسلمانان جایز هست.
<i>hanif (haneef)</i>	حَنِيف	جوینده الله، ایماندار راستین، معترف به وحدانیت الله
<i>al-Haqq</i>	الْحَقَّ	حقیقت، راستی

تلفظ	عربی	توضیح
hāram (haraam)	حَرَام	حرام بر حسب شعائر مذهبی ناپاک بنابر این برای مسلمانان ممنوع است.
haram	حَرَم	مکان مقدس، حفاظت شده و ممنوعه، برای مسجد بزرگ و قسمتهای خصوصی خانه های اسلامی اتلاق میشود
hijab (hijaab)	حِجَاب	پوشش، پوشاندن بدن خود به منظور عفت و وقار
al-Hijra	الهِجْرَة	"مهاجرت، جدائی" محمد و پیروانش از مکه به مدینه مهاجرت کردند (۶۲۲ م.ی).
hur (hoor)	حُور	"حوری" باکره های زیبا با چشمان بادامی و پوستی لطیف که مردان ایماندار را در بهشت خشنود خواهند کرد.
Iblis (Iblees)	إِبْلِيسَ	نام شیطان در قران
'Id al-adha ('Eed al-Ad-haa)	عِيدِ الْأَضْحَى	"عید قربان" در ماه حج به یادبود رضایت ابراهیم برای قربانی کردن پسرش.
'Id al-Fitr ('Eed al-Fitr)	عِيدِ الْفِطْرِ	"عید شکستن روزه" در انتهای رمضان
ijma' (ijmaa')	إِجْمَاع	"توافق عمومی" علمای اسلام بر سر مسائل شرعی.
ijtihad (ijtihaad)	إِجْتِهَاد	"کوشش" دست یابی به عدالت با توجیه منطقی برای مشروعیت بخشیدن به پیشرفت های جدید.
imam (imaam)	إِمَام	"رهبر" مثلاً رهبر نماز در مسجد
al-iman (al-eemaan)	الْإِيمَان	"باور" ایمان
al-Injil (al-Injeel)	الْإِنْجِيل	"انجیل" نام کتابی که مسلمانان ادعا میکنند الله به عیسی داده.
in sha' Allah (in shaa' Allaah)	إِنْ شَاءَ اللَّهُ	"اگر الله بخواهد" عبارتی که اکثراً به معنی امیدواری هست.
iqra'	إِقْرَأْ	"بخوان، قرائت کن"
irtidad	إِرْتِدَاد	برگشتن از اسلام

تلفظ	عربی	توضیح
'Isa ('Eesaa)	عِيسَى	عیسی نامی که قرآن به مسیح داده است.
al-Islam (al-Islaam)	الإِسْلَام	"تسلیم شدن" به اراده‌ی الله پیروان این دین مسلمان خوانده میشوند.
isnad (isnaad)	إِسْنَاد	سلسله شواهدی از حدیث.
Jahannam	جَهَنَّمَ	جهنم.
al-Jahiliyya (al-Jaahiliyya)	الْجَاهِلِيَّة	"دوران جاهلیت" زمان قبل از محمد به گفته‌ی مسلمانان چون اعراب در آن زمان بت های زیادی را می پرستیدند.
al-Janna	الْجَنَّة	"باغ پردیس" بهشت.
Jibril (Jibreel)	جِبْرِيل	"جبرئیل" جبرئیل فرشته یا روحی که گفته میشود واسطه وحی قرآن به محمد بود.
jihad (jihaad)	جِهَاد	جهاد، "تلاش" در راه الله جنگ مسلمانان هم با خودی های بد و هم غیر مسلمانان برای ترویج اسلام که به آن جنگ مقدس گفته میشود.
jinn	جِنّ	دیوها، ارواح و موجودات نامرئی با منشأ آتشین.
jizya	جَزِيَّة	سرانه یا مالیات سرانه برای یهودیان و مسیحیان در کشور های مسلمان. واژه ای که در سوره ۹: ۲۹ استفاده شده.
jum'a	جُمُعَة	نماز در ظهر جمعه
al-Ka'ba	الْكَعْبَة	"کعبه" ساختمان مکعبی شکل در مکه مرکز مقدس اسلام (که به فرضیه مسلمانان توسط ابراهیم ساخته شده). سنگ سیاهی بر دیواره آن نصب شده که مسلمانان سعی میکنند طی زیارت آن را ببوسند.
kafir (kaafir)	كَافِر	"غیر ایماندار" کسی که به ایمان اسلامی تعلق ندارد. کسی که گناهش کفر هست.
kalima	كَلِمَة	"کلمه"
al-khalifa (al-khaleefa)	الْخَلِيفَة	"جانشین محمد" ؛ خلیفه ؛ رهبر اسلام

تلفظ	عربی	توضیح
khilafa (khilaafa)	خِلَافَة	"خلافت" حکومت در قلمرو خلیفه
khutba	خُطْبَة	خطابه ای که در وقت نماز جمعه در مسجد موعظه میشود.
al-Kiswa	الکِسْوَة	"کسوت" پارچه سیاهی که دور کعبه در مکه کشیده شده.
kitab (kitaab)	کِتَاب	"سند، کتاب" این هم برای قران استفاده میشود و هم میتواند برای نوشته مقدس دیگری استفاده شود.
kufr	کُفْر	"بی ایمانی" کفر و انکار الله.
Laylat al-Qadr	لَيْلَةُ الْقَدْرِ	"شب قدرت" روزه در اواخر رمضان، زمانی که محمد گفت اولین وحی قران را دریافت کرده است.
al-Madina (al-Madeena)	الْمَدِينَة	"مدینه" این شهر در زمان محمد بئرب خوانده میشد (سوره ۳۳: ۱۳) این شهری هست که محمد در سال ۶۲۲ م.ی. به آنجا مهاجرت کرد. این شهر در حدود ۴۰۰ کیلومتری شمال مکه قرار گرفته بعد ها به المدینه تغییر نام داد که (عملاً به معنی شهر هست). بعد ها این شهر معروف گردید. امروزه بعنوان شهر مدفن محمد مورد احترام هست. فقط مسلمانان اجازه دارند وارد این شهر شوند.
madrasa	مَدْرَسَة	"مدرسه" سابقاً به دبیرستان الهیاتی اطلاق میشد.
al-Mahdi (al-Mahdee)	الْمَهْدِي	"درست هدایت یافته" مسلمانان انتظارش را در آینده میکشند.
Makka	مَكَّة	مکه شهر مقدس اسلام زادگاه محمد تنها مسلمانان مجاز هستند وارد این شهر بشوند.
malak (malaak)	مَلَاك	"فرشته" مسلمانان معتقدند که فرشتگان از نور خلق شده اند.
manara (manaara)	مَنَارَة	مناره، برج مساجد. از این برج مسلمانان برای نماز دعوت میشوند.
mansukh (mansookh)	مَنْسُوخ	"چیزی باطل شده" آیه ای از قران که با وحی بعدی که در قران آمده باطل شده.
masbaha	مَسْبَحَة	رشته ای برای دعای مسلمانان تسبیح که حاوی ۹۹ و یا ۳۳ دانه هست. که برای ذکر ۹۹ نام خدا استفاده میشود،

تلفظ	عربی	توضیح
al-Masih (al-Maseeh)	المَسِيح	مسیحای موعود" در قرآن برای مشخص کردن عیسی بکار رفته.
masjid	مَسْجِد	مکان عبادت و دعا مسجد.
matn	مَتْن	متن ، که برای حدیث بکار رفته
mawla (mawlaa)	مَوْلَى	"خداوند، مولا، ملّا" در فارسی آخوند عنوانی برای علمای دینی اسلام.
mawlana (mawlaanaa)	مَوْلَانَا	به معنی "خداوند ما، سرور ما" اکثراً این عنوان به صورت پیشوندی در مقابل اسم رهبر مذهبی محترم استفاده میشود
mihrab (mihraab)	مِحْرَاب	فرو رفتگی در دیوار مسجد که موقعیت سمت نماز ، قبله را نشان میدهد.
minbar	مِنْبَر	سکوی خطابه در مسجد
al-Mi'raj (al-Mi'raaj)	المِعْرَاج	"صعود" سفر محمد به آسمان هفتم . در طی "سفری شبانه".
al-Mizan (al-Meezaan)	المِيزَان	"ترازو" ترازویی بزرگ برای وزن کردن اعمال نیک شخص در مقابل اعمال بد "در روز داوری".
mu'adhdhin	مُؤَذِّن	دعوت کننده به نماز. مؤذن
mufti (muftee)	مُفْتِي	متخصص شرعی، کسی که مجاز هست نظرات شرعی بدهد. فتوا
Muhammad	مُحَمَّد	شخص "ستوده شده" محمد بنیانگذار دین اسلام.
mujahidin (mujaahideen)	مُجَاهِدِينَ	"رزمندگان" جنگجویان مسلمان که در جهاد نبرد میکنند.
murtadd	مُرْتَدّ	مسلمانی که کفر میگوید؛ بی ایمان به اسلام
musalla (musallaa)	مُصَلَّى	" جایگاه نماز " قالبچه کوچکی که مسلمانان رویش نماز میخوانند. در فارسی سجاده
mushrik	مُشْرِك	"بت پرست"؛ کسی که مرتکب شرک میشود. یعنی موجود دیگری را بعنوان موجودی الهی با الله شریک میکند.
Muslim	مُسْلِم	مسلمان، پیرو اسلام سابقاً از واژه محمدیان هم استفاده میشد ولی امروز منسوخ شده و استفاده نمیشود.

تلفظ	عربی	توضیح
<i>mut'a</i>	مُهَـ مَتَعَة	"الذت" ازدواج موقت با پرداخت بها و عقد قرارداد در قانون اسلام شیعه
<i>nabi (nabiyy)</i>	نَبِيّ	نبی کسی که توسط وحی از خدا پیامی دریافت میکرد (توسط فرشتگان، وحی و یا رؤیا).
<i>an-Nar</i> (<i>an-Naar</i>)	النَّار	"آتش" آتش جهنم
<i>nasikh (naasikh)</i>	نَاسِخ	ناسخ، آیه ای از قرآن که جانشین آیه قدیمی تر (منسوخ) میشود.
<i>al-Qadar</i>	الْقَدَر	تقدیر؛ سرنوشت
<i>qadi (qaadee)</i>	قَاضِي	قاضی یا داور
<i>qibla</i>	قِبْلَة	سمت نماز – یعنی سمت مکه
<i>qiyas (qiyaas)</i>	قِيَاس	مقایسه؛ نتیجه گیری توسط مقایسه.
<i>Quraish</i>	قُرَيْش	نام طایفه ای عربی که محمد به آن تعلّق داشت این طایفه نقش عمده ای در قرآن و در تاریخ اسلام به عهده دارد.
<i>al-Qur'an</i> (<i>al-Qur'aan</i>)	الْقُرْآن	"ازبر خوانی و تلاوت" کتاب مقدس اسلام
<i>ar-Rabb</i>	الرَّبّ	خداوند یعنی خدا
<i>rak'a</i>	رَكْعَة	خم شدن، تعظیم کردن در آئین نماز در جمع (رکوع)
Ramadan (<i>Ramadaan</i>)	رَمَضَان	ماه روزه داری (ماه ۹ام اسلامی)
<i>rasul (rasool)</i>	رَسُول	"پیامبر" فرستاده، رسول کسی که کتاب مقدسی برای بشریت میآورد. در اسلام موسی، داود، عیسی، و محمد بعنوان پیامبر شناخته میشوند. پیامبر با کتاب مهمتر از نبی هست که فقط پیامی میآورد.
<i>ruh (rooh)</i>	رُوح	جان؛ روح "نفس الهی که الله بر خاک آدم دمید.

تلفظ	عربی	توضیح
as-salamu 'alai-kum (as-salaamu 'alaikum)	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ	احوالپرسی اسلامی، عملاً به معنی "سلامتی و صلح بر تو باد" هست. السلام و علیکم
salat (salaat)	صَلَاة	آئین نماز
sawm	صَوْم	روزه" در ماه رمضان."
ash-Shahada (ash-Shahaada)	الشَّهَادَةُ	اقرار ایمان مسلمانان: هیچ خدائی جز الله نیست و محمد رسول الله هست (اولین رکن اسلام)
shahid (shaheed)	شَهِيد	"شاهد؛ شهید"
shaikh	شَيْخ	"مرد پیر" پاتریارک در کشور عربی، معلم اسلام پیر مرد محترم.
ash-Shaitan (ash-Shaitaan)	الشَّيْطَان	"شیطان، شریر" که به ابلیس هم معروف است.
ash-Shari'a (ash-Sharee'a)	الشَّرِيعَةُ	"شریعت" قوانین مذهبی اسلامی.
ash-Shi'a (ash-Shee'a)	الشَّيْعَةُ	"شیعه" (عملاً حزب علی) از مذاهب اصلی اسلام که از ماهیتی سیاسی برخوردار هست، آنها معتقدند که علی داماد محمد باید خلیفه اول میشد. اکثر شیعیان در ایران و عراق زندگی میکنند.
shirk	شِرْك	"بت پرست"؛ یعنی موجود دیگری را با الله شریک قرار دادن این گناهی غیر قابل بخشش هست.
as-Sira (as-Seera)	السَّيْرَةُ	"زندگی و یا زندگی نامه" محمد.
as-Sirat (as-Siraat)	السَّرَاط	پل باریک تر از لبه شمشیر که منتهی به بهشت میشود و فقط پارسایان (مسلمانان متعهد) قادر هستند از آن عبور کنند و بقیه به گودال هاویه می افتند.
Sufi (Soofee)	صُوفِي	پیروان صوفی گری، شاخه ای ریاضت کش اسرار آمیز از اسلام.
as-Sunna	السُّنَّة	"راه" عادت ها، رسوم، روش زندگی؛ روشی که محمد و اصحابش بر طبق آن زندگی میکردند.
Sunni (Sunnee)	سُنِّي سَنِي	سنّی ها حدود ۸۵٪ مسلمانان

توضیح	عربی	تلفظ
باب قرآن که مجموعاً ۱۱۴ باب هست.	سُورَة	Sura (Soora)
"تفسیر، تعبیر و توضیح" تفسیری بر قرآن	تَفْسِير	tafsir (tafseer)
"انحراف، جعل و تزویر، تحریف" مسلمانان معتقدند که کتاب مقدس تحریف شده اما قرآن دست نخورده باقی مانده.	تَحْرِيف	tahrif (tahreef)
اعلام شخصی بعنوان بی ایمان (کفیر) بطور خاص به کسی گفته میشود که از اسلام برگشته.	تَكْفِير	takfir (takfeer)
"مکاشفه" برداشت مسلمانان از مکاشفه این هست که قرآن توسط جبرئیل به محمد خوانده شده.	تَنْزِيل	tanzil (tanzeel)
"احتیاط، ترس، وانمود کردن" اشاره به مفهومی دارد که به مسلمانان اجازه میدهد وقتی مورد تهدید و یا در جفا هستند ایمان خود را مخفی سازند.	تَقِيَّة	taqiyya
تورات اسفار پنج گانه. مسلمانان معتقدند که الله اسفار پنج گانه را بر موسی آشکار کرده.	التَّوْرَة	at-Taurat (at-Tawraat)
"یکتاپرستی" اقرار به وحدانیت و بی همتائی الله که الله واحد هست.	تَوْحِيد	Tawhid (Tawheed)
"کسانی که میدانند" علمای قوانین اسلام و دین نمایندگان علوم دینی: رهبران جوامع اسلامی	العُلَمَاء	al-'ulama' (al-'ulamaa')
"امت" جماعت تمام مسلمانان	الْأُمَّة	al-umma (al-umma)
زیارت کوچک، برخلاف حج در هر زمانی میشود زیارت کرد. این زیارت محدود به کعبه و محیط اطراف آن هست	الْعُمْرَة	al-'umra (al-'umra)
وحی یا الهام	وَحْي	wahy
آداب شستن پیش از نماز	وُضُوء	wudu' (wudoo')
در زمان محمد شهر مدینه یثرب خوانده میشد.	يَثْرِب	Yathrib
"مزامیر" کتابی که بر داود آشکار شد.	الزُّبُور	az-Zabur (az-Zaboor)
مالیات، صدقات اجباری (رکن ۳ام اسلام).	الزَّكَاة	az-zakat (az-zakaat)
چاه مقدسی در حوالی مسجدی در مکه مسلمانان ادعا میکنند که این چاه هاجر بود.	زَمْزَم	Zamzam

السلام عليكم

اسلام از کجا آغاز شد و چه تعلیمی میدهد؟ گروه ها و جنبش های آن کدامند؟ جوابهای کتاب مقدسی برای ایرادات مسلمانان چیست؟ مسیحیان چگونه میتوانند با مسلمانان تعامل داشته باشند؟

اینها سؤالاتی هستند که دکتر اندریاس ماورر، الهیدان و متخصص رویارویی مسیحیان با مسلمانان، جواب های روشنی به آنها ارائه میدهد. ماورر گسترش اسلام را در سراسر دنیا به عنوان تهدیدی نمیبیند بلکه آن را چالشی برای کلیساهای مسیحی میبیند. او بررسی فشرده و قابل فهمی را از تاریخ اسلام، تعالیم و پیش زمینه مذهبی آن ارائه میدهد. گروه ها و نهضت های درون اسلام را هم شرح داده. خوانندگان جوابهای ایرادات مسلمانان و رهنمود های عملی برای تعامل با مسلمانان را دریافت خواهند کرد.

اطلاعات بیشتر را از وبسایت زیر دریافت نمایید:

www.aymf.net (www.ask-your-muslim-friend.net)

" یک پنجم مردم روی زمین مسلمان هستند. آنها سزاوار بیش از کمی دعا و علاقمندی هستند. این کتاب به ما نشان میدهد در حالیکه یاد میگیریم به این همسایگان محبت کنیم، چگونه مانند مار هشیار و مانند کبوتر ساده دل باشیم، "

میریام ادنی پی. ایچ. دی استاد مرکز مطالعات مسیحی جهانی دانشگاه سیاتل پاسیفیک.

" در زبان انگلیسی، مخصوصاً برای کسانی که انگلیسی زبان اصلیشان نیست، کمتر کتابی میتوان یافت که چنین مطالب خواندنی و فراگیر از مباحث ایمان اسلامی و آداب و رسوم آن و مدافعه استدلالی و روشهای دادن بشارت ایمان مسیحی به آنان ارائه کرده باشد. "

دکتر دیوید لوندی رئیس خدمات بین المللی دنیای عرب.

" در وهله اول برخی سوتفاهات در زندگی عملی مسیحیان و تعالیم آنها باعث بوجود آمدن اسلام شد. این شقاق باید با عقل سلیم محدود گردد، با همدلی و توبه در عرصه هایی که مسیحیان در آنها خطا کردند. اولین گام این هست که سابقه اسلام را درک کنیم و با مسلمانان دوستی برقرار کنیم. به این منظور دکتر اندریاس ماورر به ما کمک کرده که سوابق را ببینیم و پیام آوران انجیل عیسی مسیح باشیم "

دکتر. کی. راجندران، دبیر کل انجمن خدمات هند و رئیس اتحادیه بشارت جهانی

منتشر شده توسط: